# کشف حجاب (زمینه ها، واکنش ها و پیامدها)

## مشخصات کتاب

سرشناسه: صلاح، مهدی، - 1340

عنوان و نام پدیدآور: کشف حجاب زمینه ها، واکنش ها و پیامدها/ مهدی صلاح

مشخصات نشر: تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ، 1384.

مشخصات ظاهری: ص 400

شابک: 964-5645-60-325000 ریال:

وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی

یادداشت: فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: کشف حجاب -- ایران

موضوع: ایران -- تاریخ -- پهلوی، 1320 - 1304

موضوع: حجاب -- ایران

رده بندی کنگره: DSR1490/ص 8ک 5 1384

رده بندی دیویی: 955/0822044

شماره کتابشناسی ملی: م 84-3932

ص: 1

## اشاره

ص: 2

ص: 3

ص: 4

ص: 5

ص: 6

ص: 7

ص: 8

## پیشگفتار

سخن مشهوری است که میگوید تاریخ ایران، تاریخی است مذکر که در آن، مرد همواره یکهتاز میدان بوده است. این تاریخ را مردان به وجود میآورند، میسازند، ادامه میدهند و سرانجام نیز به دست مردان نوشته و تدوین میگردد.

این سخن، گرچه خالی از اغراق نیست، اما، پرده از روی این واقعیت برمیدارد که در بسیاری از موارد، زن در ایران به عنوان عضوی از هیئت اجتماع مطرح نبوده، و در خارج از منزل نقشی نداشته است. از این رو، به دنبال روزنهای بود تا در جامعه و به هر طریق ممکن، خود را مطرح سازد. این روزنه در دوره اخیر به دست اندیشهپردازان مشروطیت که کم و بیش با تمدن و فرهنگ غرب برخورد کرده بودند، با شعار حجابزدایی ظاهر گردید، و راه رهایی از عقبماندگی زن ایرانی، و گام آغازین در مسیر ترقی را رفع حجاب فرض نمود. در راستای ترویج همین فکر بود که نخستین گامها، یعنی برداشتن روبنده و نقاب، عملی شد و تا قبل از تغییر سلطنت، زمینه برداشتن چادر نیز فراهم گشت.

تغییر سلطنت در ایران و اقدامات تجددگرایانه رضا شاه، این روند را تسریع بخشید؛ تا جایی که به عنوان یکی از طرحهای اساسی دولت درآمد و سرانجام، طی مراسمی در دی ماه 1314 برای اولین بار، با حضور بدون حجاب خانواده شاه، کشف حجاب علناً به نمایش گذاشته شد و سپس از سوی شاه رسمآً، اعلام و داشتن حجاب منع گردید.

پس از اعلام رسمی کشف حجاب، دولت و سایر دستگاههای اجرائی در کشور موظف گردیدند برای پیشبرد این طرح، در ولایات بکوشند. به همین منظور، از اقدامات تبلیغاتی و انتظامی در حد وسیعی بهرهگیری شد و حتی مسئولین در بسیاری از موارد، کاربرد قوه قهریه را

ص: 9

نیز در اولویت قرار دادند. این ماجرا تا شهریور 1320 زمان تبعید رضا شاه از کشور سیر صعودی داشت و از آن پس، با برداشته شدن اهرم فشار برای مدت چند سال، سیر نزولی به خود گرفت.

در تحقیق حاضر، کوشیدهایم تا سیر کشف حجاب در ایران عصر رضا شاه را با تکیه بر منابع اصلی بررسی کنیم. این بررسی در شش فصل دنبال شده است. مقدمه کتاب، به بحثی نسبتاً مفصل در معرفی انتقادی منابع تحقیق اختصاص یافته است. در فصل اول، قضیه کشف حجاب از دیدگاه تجددطلبان مورد توجه قرار گرفته و نظریات آن دسته از تجددطلبانی که در نوشتههای خود از کشف حجاب سخن به میان آوردهاند، بررسی شده است. آنگاه به تأثیر این افکار در پوشش مردان و زنان عصر قاجار اشاره شده است. از آنجا که این تأثیرات، زمینه را برای برنامههای تجددطلبانه رضا شاه فراهم ساخت، برنامه تجددطلبی شاه و شقوق مختلف این برنامه مورد بررسی و توجه قرار گرفت.

فصل دوم، به بررسی زمینهها و مقدمات اعلام کشف حجاب در دوره رضا شاه اختصاص یافته است. در این فصل، ابتدا به زمینهسازیهای فکری داخلی و خارجی این جریان اشاره شده، آنگاه اقدامات رضا شاه برای رسمیت بخشیدن به این جریان مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم، به اعلام کشف حجاب در ایران و اقدامات سازمان یافته دولت و دستگاههای اجرایی کشور به منظور پیشبرد آن اشاره شده است.

در فصل چهارم، بر پایه اسناد موجود سیر کشف حجاب در ولایات تا بعد از شهریور 1320، مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، برای بررسی دقیقتر، نقاط مختلف کشور را در دو بخش کلی و مجزا مناطق شهری و مناطق روستایی و عشایری مورد توجه قرار دادهایم. علاوه بر آن، به موانع عمده برنامه کشف حجاب و چارهاندیشیهای مسئولین اجرایی در جهت رفع موانع نیز اشاره شده است.

در فصل پنجم واکنشهای اجتماعی در برابر کشف حجاب، بررسی شده، و ضمن تقسیمبندی آن به واکنشهای مثبت و منفی ابراز شده از سوی گروههای مختلف اجتماعی، نخست به واکنش روشنفکران،

ص: 10

دولتمردان و رجال سیاسی، روحانیون و قشرهای مختلف زنان اعم از زنان طبقات مختلف شهری و زنان روستایی و عشایری تا قبل از شهریور 1320 اشاره و آنگاه به واکنش دولت در مقابل مخالفین پرداختهایم. پس از آن، همراه با بررسی واکنشهای اجتماعی در برابر کشف حجاب پس از شهریور بیست، خروج اجباری رضا شاه از کشور مورد توجه قرار گرفته است.

در فصل ششم، پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشف حجاب به صورت کلی، مورد بررسی قرار گرفته است. در همین رابطه، تلاش گردیده بیشتر با تکیه بر منابع گذشته به این پیامدها اشاره گردد. گرچه خود این مبحث میتواند پژوهشی جداگانه محسوب شود؛ ما در اینجا تنها از باب سخن مشهور، لایدرک کله لایترک کله، به آن پرداختهایم. در همین جا، جا دارد از راهنماییها و همکاریهای اساتید محترم گروه تاریخ دانشگاه تهران، سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه، جناب آقای دکتر ایرج ناصری و جناب آقای دکتر سهراب یزدانی؛ گروه تاریخ دانشگاه تربیت معلم تهران و سایر کسانی که در تدوین این پژوهش، خصوصاً در سازمان اسناد ملی ایران حقیر را یاری فرمودهاند تشکر و قدردانی نمایم. والسلام.

مهدی صلاح

ص: 11

ص: 12

## مقدمه: سخنی در باب منابع و مآخذ

هر چند، موضوع کشف حجاب بیشتر با حیطه تحولات اجتماعی ارتباط دارد، تا رویدادهای سیاسی، محققین و پژوهشگران تاریخ اجتماعی کمتر به آن توجه نشان داده و یا به طرح مباحث همهجانبهای پیرامون آن روی آوردهاند. پیش از آن که بتوان واقعیتها را از خلال اندک سطور به نگارش درآمده در این کتابها دریافت، میبایست به سراغ افواه و روایتهای آنها از وقایع دو دهه نخست سده کنونی رفت و آن را در آئینه تاریخ شفاهی جستجو نمود.

یافتن اصل مطلب از خلال تاریخ شفاهی نیز به دلایل مختلف دشوار است. ملاحظاتی همانند نحوه برداشت شاهدان عینی، و مصون نماندن از خطاهای حافظه از جمله معایب این تاریخ به حساب میآید. هر چند این منابع در جای خود اهمیت ویژهای دارند.

دنبالکردن مسیر تحولات، تنها از لابلای منابع تاریخِ سیاسی این دوره، چندان که باید ما را به حقایق تاریخی رهنمون نخواهد ساخت. چه، این دسته از منابع اکثرآً، به تعریف و تمجید از اقدامات رضا شاه، خصوصاً در زمینههای صنعتی، نظامی، اقتصادی و سیاسی پرداختهاند و کمتر به این موضوع توجه داشتهاند و در صورت توجه، ضمن طرح بحثی مختصر، آن را در شمار اقدام شخص شاه قلمداد کردهاند؛ حال آن که، این اقدام در بستر تجددطلبی و پذیرش شیوه زندگی به سبک اروپا در ایران جریان یافته است. اما علیرغم این نقطه ضعف، از این دسته از منابع نیز بهره بردهایم.

بنا به همین ملاحظات، برای یافتن حقایق، نخست به سراغ خاطرات مدون مجریان و دستاندرکاران طرح، روزنامهها و مجلات آن زمان رفتیم. هر چند این دسته از منابع خصوصاً نشریات آن دوران، چه قبل

ص: 13

از اعلام رسمی و چه بعد از آن، اکثراً قضیه را از دید تجددطلبی بررسی کردهاند، اما، با اندکی تأمل میتوان حقایق را از خلال گزارشها و مندرجات آن استنباط نمود.

در بخش خاطرهنگاری، آن دسته از خاطراتی مورد استفاده قرار گرفته اند که نویسندگان آن در متن قضایا بوده و حتی در آن نقش داشته اند.[(1)](#content_note_14_1) به همین جهت، به معرفی دو خاطره منتشر شده یکی در ذم کشف حجاب، و دیگری در مدح آن پرداختهایم. اولی مربوط به یکی از رجال صاحبنام و سیاسی، به نام مهدیقلیخان هدایت (مخبر السلطنه) [(2)](#content_note_14_2) است، و متعلق به نسل پیشین؛ و دیگری مربوط به علیاصغر حکمت، وزیر معارف و اوقاف، که خود از بانیان و مروجین این طرح بوده است. وی به نسل جدید و تجددخواه تعلق دارد. در این راستا کتابهای مأموریت برای وطنم، اثر محمدرضا پهلوی و رستاخیز ایران، اثر نوری اسفندیاری و تاریخ معاصر ایران، جلد 2، اثر پیتر آوری نیز معرفی شدهاند. از میان مجلات و روزنامه های آن دوره، به معرفی آندسته از روزنامه ها و مجلاتی بسنده کردهایم که بیشتر خاص زنان بوده و در ایجاد زمینههای فکری این جریان، سالها قبل از اعلام رسمی کشف حجاب توسط رضا شاه کوشیدهاند.

علاوه بر آن، از تعداد زیادی روزنامه و مجله که اکثر آنها مربوط به زمان حادثه و بعد از آن است، استفاده شایان بردهایم. هر چند، مطالب آنان مشحون از مدح و ثنا از رهبر این جریان است و کمتر به واکنشهای اجتماعی مردم در برابر کشف حجاب پرداختهاند، اما همین که اکثر آنها این قضیه را از دید تجددگرایی و ترقیخواهی جامعه زنان ایرانی دنبال

ص: 14

1- نویسندگان مجلات و روزنامه هایی از قبیل زبان زنان، ایرانشهر، جمعیت نسوان وطنخواه و عالم نسوان دارای این ویژگی خا صاند. نویسندگان روزنامه های تجدد ایران و اطلاعات، علاوه بر آن که خود در این ماجرا نقش ایفا نمودند، کشف حجاب را جزء اقدامات رضا شاه نیز م یدانستند.

2- مخبرالسلطنه از سال ١٣٠٦ تا ١٣١٢ ، نخست وزیر رضاخان بود. برای اطلاع بیشتر،رجوع کنید به: بهنود، مسعود؛ نخست وزیران ایران از سیدضیاء تا بختیار.

کردهاند، خود دارای اهمیت ویژهای است و بخشی از منابع اصلی ما را در این تحقیق تشکیل میدهند.

اما منبع کمنظیر و تقریباً بدون خدشه، اسناد به جای مانده از بحبوحه حادثه است. این اسناد که در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری میشوند، در کنار اسناد مربوط به اتحاد شکل البسه، پروندهای قطور را تشکیل میدهند. از میان بیش از ششصد سند مربوط به این مجموعه، گزارشهایی که بیشتر به مسئله کشف حجاب پرداختهاند، گزینش گردیده و در تحقیق حاضر به کار رفتهاند. در حقیقت، کوشیدهایم تا این مسئله را در آئینه اسناد که در بر گیرنده و روشنگر زوایای تاریک ماجرا است و قطعاً اعتبار علمی بیشتری خواهد داشت، بررسی نماییم. این اسناد که اکثراً محرمانه و بعضاً سری بودهاند، میتواند معیار سنجش سخنان و مقالات روزنامه ها و مجلاتی باشد که مطالب آنها بیشتر رنگ تبلیغاتی دارند و با دید مثبت به قضیه نگریسته و آن را انعکاس دادهاند. حال آن که، اسناد محرمانه موجود، به جریانهای مختلف و مخالف با کشف حجاب دقیقاً نظر افکنده و مطالب آن روی پرده را برای خواننده به تصویر میکشند. مطالبی که به دلیل اعمال نظارت شدید بر رسانه ها، در جراید آن دوران انعکاسی پیدا نکرده است.

حال با توجه به این کلیات، منابع و مآخذ مورد استفاده در این پژوهش را به ترتیب اهمیت به شرح ذیل تقسیم بندی نموده و به معرفی برخی از آنها میپردازیم.

الف) منابع اصلی شامل:

1. اسناد تاریخی کشف حجاب: اسناد مربوط به قبل از حادثه، زمان حادثه و پس ازشهریور 20،

2. روزنامه ها و مجلات.

ب) منابع فرعی شامل:

خاطرات و تاریخهای سیاسی اجتماعی آن دوران.

ص: 15

## الف) منابع اصلی:اسناد تاریخی کشف حجاب (قبل از شهریور 1320)

### اشاره

همانطور که ذکر گردید مهمترین و اصلیترین منبع در این پژوهش اسناد میباشند که زوایای تاریک این مسئله را تا حدود زیادی روشن نموده و اهمیت ویژهای دارند. به طور کلی، اسناد مربوط به کشف حجاب از لحاظ میزان اهمیت خبر و مطالب آن به دو دسته تقسیم میشود:

1. اسناد عادی،

2. اسناد محرمانه.

### 1. اسناد عادی

این دسته از اسناد بیشتر شامل گزارشات معمولی سطوح پائین اداری بخشها و شهرستانهاست و حداکثر، آن را تا مراکز استانها ارسال میکردند و در صورتی که خبر ارزش ویژهای داشت، با طبقه بندی محرمانه به مرکز ارسال میشد. در غیر این صورت، از استان مربوطه فراتر نمی رفت. چرا که به دلیل بیان مطالب خیلی جزئی، لزومی دیده نمیشد که به مرکز ارسال گردد. خوشبختانه از میان اسناد مورد استفاده در این پژوهش، تعداد اندکی اسناد عادی وجود دارد که آن هم از لحاظ اهمیت بدان استناد شده و مطالب آن مهم است؛ وگرنه، اکثریت اسناد مورد استفاده، اسنادی محرمانهاند.

اسناد عادی شمارههای 65، مورخ 11/1/1315 و 57، مورخ 10/1/1315 [(1)](#content_note_16_1)، هر کدام در یک صفحه، گزارش اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکت از ناحیه 6جنوب شرقی است و در برگیرنده سیر پیشرفت کشف حجاب در این منطقه می باشد.

ص: 16

1- نگاه کنید به اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢، برگهای اول و دوم.

همچنین سند شماره 807، مورخ 13/3/1315 که از طرف حاکم و شهردار کاشان و در یک صفحه [(1)](#content_note_17_1) ، به دنبال بخشنامه رئیس الوزراء برای جلوگیری از ورود زنان محجبه در اجتماع بیرون از منزل تحریر شده، حاوی نکات سودمندی است. در این سند حاکم کاشان حتی مهلتی پنج روزه، جهت ترک چارقد و چادر توسط زنان، تعیین میکند، بدون آن که استثنائی برای اهالی قائل شود. به طور کلی، این دسته از اسناد عادی حاوی مطالب ارزشمندی هستند، و عنوان عادی بودن، که بیشتر به مراجع تهیهکننده گزارش باز میگردد، نمیتواند اهمیت آن را در نظر محققان پنهان سازد.

### 2. اسناد محرمانه

اکثر سندهای مورد استناد، نامهها، بخشنامهها و گزارشهای محرمانهاند. این اسناد را میتوان به طور کلی، به شرح ذیل تقسیم بندی نمود:

گزارشات بخشداران و فرمانداران به مقامات مافوق در استان

دستورالعملها و بخشنامههای والیان و استانداران به مناطق تحت نفوذ

گزارشات استانداران و حکام شهرها به وزارت داخله

بخشنامهها و دستورالعملهای وزارت خانه های معارف و داخله و ریاست وزراء به مناطق ذی نفوذ.

در ارتباط با اسناد نوع اول، (گزارشات بخشداران و حکام و فرمانداران به مراکز استانها) میتوان به سند شماره 541 مورخه 30/3/1315 در دو برگ از حکومت کاشمر به ایالت خراسان اشاره کرد . [(2)](#content_note_17_2)در این سند از اقداماتی که رئیس حکومت این شهر در خصوص تمهیدات انجام شده به منظور پیشرفت کشف حجاب در این منطقه منظور داشته، سخن رفته است. پارهای از این اقدامات که نوعی اعمال

ص: 17

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .17

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .14

محدودیت علیه زنان محجبه است و در دیگر شهرها نیز مورد توجه مسئولین و مجریان طرح بوده، عبارتند از: «اخذ التزام بوسیله شهرداری از حمامهای زنانه که زنهای با حجاب را به حمام راه ندهند». همچنین گماشتن مأمورینی برای نظارت بر آنها «از لحاظ اینکه مبادا حمامیها در اجرای التزام خود مراقبت نکنند»؛ و نیز اخذ التزام از گاراژدارها که زنان چادری را سوار نکنند. [(1)](#content_note_18_1)

از میان اسناد دسته دوم (دستورالعملهای حکمرانان و استانداران به مناطق ذی نفوذ) میتوان به سند شماره 2089 مورخ 11/3/1315 در یک برگ [(2)](#content_note_18_2)از حکمران کرمانشاهان به نواب حکومت اشاره کرد که در آن ضمن ذم و نکوهش حجاب که «از عادت زشت شهرنشینان است و اهالی قراء و قصبات چنین عادتی نداشتهاند»، نایبان حکومت را ملزم به اجرای این طرح در محدوده حکومتی خود نموده و از آنها میخواهد که ترتیبی اتخاذ نمایند تا بانوان آن مناطق «به شکل بانوان متمدن دنیا درآیند» [(3)](#content_note_18_3) و از لباسهای ایلیاتی خود استفاده نکنند.

همچنین، در این رابطه میتوان به سند شماره 5951 مورخ 18/11/1315 والی ایالت خراسان به حکومت نیشابور اشاره کرد. بر مبنای مندرجات این سند، حاکم نیشابور بازخواست گردیده که علت مسامحه و غفلت وی در امر کشف حجاب چه بوده؟ به طوری که، متجاوز از یک سال از آغاز نهضت بانوان میگذرد و موضوع رفع حجاب در نیشابور صورت عملی به خود نگرفته است و «اگر اندک غفلتی در این باب بشود شدیداً مسئول خواهید بود». [(4)](#content_note_18_4)

چنانچه ملاحظه میشود نحوه و لحن کلام در این دو سند متفاوت است. سند اول بیشتر جنبه تبلیغاتی قضیه را نشان میدهد؛ اما، در سند

ص: 18

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .14

2- نک: همان، سند شماره . ١٩

3- نک: همان.

4- نک: همان، سند شماره .28

دوم به کارگیری نوعی فشار و استفاده از قوه انتظامی تجویز شده است. قطعاً بازخواست حاکم شهر به منزله تجویز قوه قهریه برای پیشبرد طرح بوده است.

چنین تفاوتهایی در نحوه مواجهه با موضوع، آن گونه که در این دو سند ملاحظه میشود، با توجه به فاصله زمانی آن، مبین نحوه عملکرد دولت در دو مقطع است؛ یکی در زمانی که از اقدامات تبلیغی برای پیشبرد طرح استفاده میگردید و دیگری، به هنگامی که برای مجریان مسلم گردیده که به کارگیری اقدامات انتظامی، در مناطقی که تبلیغات تأثیرگذار نیست، ضروری به نظر میرسد.

در ارتباط با نوع سوم از اسناد (گزارشات استانداران و فرمانداران به وزارت داخله و یا ریاست وزراء) میتوان به سند شماره 1102 مورخ 27/1/1318 اشاره کرد .[(1)](#content_note_19_1) این سند گزارشی است از وضعیت کشف حجاب در دشتی و دشتستان و برازجان از استان بوشهر. مقامات استان به وزارت کشور گزارش میدهند که «به واسطه وجود روحانیون و خانمها در این منطقه کشف حجاب پیشرفت مطلوبی نداشته و در واقع همان اوضاع کهنه جاری و ساری است». به همین علت، استاندار این ناحیه از وزارت کشور برای «جلوگیری از متنفذین» محلی، کسب تکلیف و ارائه طریق مینماید.

چنین به نظر میرسد که حساسیت خاص این منطقه عشایری، استانداری را بر آن داشته تا بدون دستورالعملهای کارشناسانه وزارت کشور و کسب تکلیف از وزارتخانه متبوع، هیچ عکسالعملی از خود در مقابل اقدام مخالفین و محرکین بروز ندهد و بر همین اساس از وزارت کشور کسب تکلیف مینماید.

این گزارش که در آن از مبارزات و واکنشهای اجتماعی و مردمی در قبال قضیه سخن رفته، سندی از مبارزات مردمی تحت رهبری روحانیون

ص: 19

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .37

در آن منطقه عشایری است و از هماهنگی بین خواسته های رؤسای عشایر و خواسته های مردم و روحانیت سخن میگوید.

در همین رابطه میتوان به سند شماره 1722 مورخ 2 دی ماه 1314 حاکم قم خطاب به وزارت داخله [(1)](#content_note_20_1)که نشانه به کارگیری روش «حزم و احتیاط» در این شهر از طرف حاکم است، اشاره کرد.

در این سند، حاکم قم گزارشی از وضعیت کشف حجاب که قبل از اعلام رسمی است ارائه میدهد که «اغلب اهالی به واسطه انتشار خبر رفع حجاب دخترهای خود را ازمدرسه بیرون آورده» و حتی معلمان نیز تهدید به استعفا کردهاند.

برای پیشگیری از این امر قریبالوقوع، با تبلیغ در میان خانوادههایی که زمینه های پذیرش کشف حجاب را داشتهاند، از آنان خواستند تا در مراسم استقبال از وزیر معارف، علی اصغر حکمت شرکت نمایند. تصویری از این مراسم در روزنامه اطلاعات به چاپ رسیده [(2)](#content_note_20_2)که گویای نتیجهبخش بودن تلاش حاکم قم در مراسم استقبال از وزیر معارف و اوقاف است.

در این سند همچنین اشاره شده که عده پاسبانهای شهر قم برای اجرای این طرح کفایت نمیکند و لازم است که بر تعدادشان بیفزایند.

پس از آنکه گزارش حکومت قم از طرف وزارت داخله به اطلاع ریاست وزراء میرسد، وی نظر به اهمیت موضوع، دستور افزایش عده پاسبانها را در این شهر به شهربانی کل میدهد. این کار به منزله نوعی پیشگیری و مقابله با حوادث غیر منتظره و یا حتمی در این شهر است. در این سند شرایط خاص شهر قم نیز به تصویر کشیده شده، و به این نکته اشاره دارد که انجام این طرح با استقبال عمومی همراه نخواهد بود؛ و در آتیه نزدیک امکان بروز تصادمات حتمی است. بنابراین باید با حزم و احتیاط عمل کرد.

ص: 20

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .20

2- روزنامه اطلاعات؛ بیست و هشت هزار روز تاریخ ایران؛ جلد دوم؛ صفحه ٨01

در ارتباط با اسناد دسته چهارم، (بخشنامه های وزارت داخله و ریاست وزراء و وزارت معارف، به مناطق و حوزه های تحت امر خود) میتوان به سند رمزی شماره 1919 مورخ 17/11/1316 از طرف وزارت داخله، خطاب به استانداریها اشاره کرد [(1)](#content_note_21_1)که در آن به ایجاد محدودیت برای روحانیون به عنوان موانع پیشرفت کشف حجاب، تاکید گردیده است. بنابراین، لازم است که استانداریها و فرمانداریها از ابتدای سال آتی نسبت به «تقلیل جواز عمامه و جلوگیری از روضه خوانی» ایشان، اقدام نمایند. همچنین، در این سند تأکید شده که نسبت به آشنا نمودن مردم با اساس تمدن امروزی «به هیچ عنوان نباید تعلل و تسامح شود».

سند مزبور، بیانگر مبارزات مردم و روحانیت علیه کشف حجاب نیز هست. منتهی این مبارزات در شکلی گسترده نیست، زیرا به دولت این اجازه را میدهد که به بهانه های مختلف از صدور مجوز برای علماء و روحانیون شانه خالی کند و این طبقه را در محدودیت هر چه بیشتر قرار دهد. همه این تمهیدات نشان میدهد که روحانیت را مخالف اصلی در جهت آشنائی مردم با تمدن امروزی میدانستند و میکوشیدند تا با معرفی آنها به عنوان افرادی مرتجع و واپسگرا، به اهداف خود در کشف حجاب، بهتر جامه عمل بپوشانند.

در خصوص بخشنامه ها و دستورالعمل های رئیس الوزراء که در اوایل تحت عنوان متحدالمال آورده میشد، میتوان به متحدالمال شماره 2970 مورخ 11/3/1315 خطاب به والیان استان ها از جمله والی خراسان اشاره کرد. این سند بازتاب واکنش های زنان در قبال قضیه کشف حجاب است و نشان میدهد که چگونه زنان روستایی، در عین محرومیت از چادر خود را با چارقد به «اشکال مختلف و عجیبی در آورده مستور می دارند». [(2)](#content_note_21_2)

ص: 21

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .19

2- نک: همان، سند شماره .16

در مقابل این اقدام زنان، والیان «باید نهایت مراقبت و مواظبت را به عمل آورند که هر چه زودتر این رویه متروک و هیچکس از بانوان نباید با چارقد در معابر دیده شوند؛ والا، حکام در درجه اول مسئول و شدیداً مورد مواخذه قرار خواهند گرفت». در پایان این متحدالمال درخواست گردیده که نتیجه اقدامات را سریعاً اطلاع دهند.

بر همین اساس است که از طرف والیان و حکام نسبت به اجرای بخشنامه ریاست وزرا سریعاً اقدام میگردد. همچنان که، حاکم و شهردار کاشان طی اعلانیه شماره 807 مورخ 13/3/1315 یعنی دو روز پس از تاریخ بخشنامه ریاست وزراء که دو روز نیز به طول انجامیده تا این بخشنامه را جهت اجرا دریافت دارد، مردم را نسبت به رعایت مفاد آن ملزم داشته و حتی برای تسریع در انجام این دستورالعمل مدت پنج روز از تاریخ نشر اعلانیه به مردم فرصت میدهد تا نسبت به اصلاح وضع موجود اقدام نمایند وگرنه «شدیداً تعقیب خواهند شد». [(1)](#content_note_22_1)

در ارتباط با نوع چهارم باز میتوان به متحدالمال شماره 17224/561 مورخ 25/9/1314 وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، خطاب به حوزههای تحت نفوذ خود در ولایات اشاره کرد . [(2)](#content_note_22_2)این بخشنامه هنگامی صادر شد که رضاخان دستور داده بود کشف حجاب، نخست باید از حوزه معارف آغاز شود و بنا بر همین دستور، وزیر معارف نیز موظف گردیده بود تا در این ارتباط دستورالعملی صادر کند. در این سند نحوه اجرای طرح کشف حجاب که در آتیه نزدیک رسمیت آن اعلام خواهد شد، در خصوص گروهها و طبقات مختلف سنی دانشآموزان و خانواده های آنها و زنان اشاره شده، تا ترتیبی اتخاذ گردد که «طبقه نسوان کشور که مادران رجال فردا هستند مانند زنان سایر ممالک متمدنه از برکات علم و دانش و تربیت برخوردار شوند و بتوانند خانواده های

ص: 22

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .17

2- نک: همان، سند شماره .12

صالح و مفید تشکیل دهند و فرزندان وطنپرست رشید برای کشور تربیت نمایند».

برای نیل بدین مقصود تهیه پروگرام منظم و خاصی در این سند سفارش شده، از جمله برای اطفال دبستانی، مدارس مختلط پیشنهاد کرده بودند تا از همان ابتدا با آداب معاشرت آشنا و دانشآموزان دبیرستان و معلمین آنها ملزم به پوشیدن لباس متحدالشکلی که در ابتدای کشف حجاب مرسوم بود، شوند. آنگاه، با برگزاری مجالس جشن و خطابه از طرف معلمین در مدارس دخترانه، از خانواده ها نیز دعوت به عمل آید تا ضمن مشاهده این مجالس و استماع سخنرانیهای معلمین و دانشآموزان، پیرامون موضوعات مختلف اخلاقی، علمی، اجتماعی و فرهنگی با آداب نشست و برخاست و پوشیدن لباس و معاشرت چنانکه بین خانواده های عفیف و نجیب در ممالک متمدنه عالم معمول است، آشنا شوند و بدین ترتیب، آنها را برای پذیرش کشف حجاب آماده نمایند.

همچنین، در این دستورالعمل رؤسای معارف شهرستانها موظف گردیدهاند نسبت به برگزاری مجالس خصوصی با خانواده های حکام و رؤسای شهربانی و معارف شهر اقدام نموده تا از حجب و کمرویی زنان کاسته گردد.

تاریخ تنظیم این سند که در چهار برگ و به طور مفصل و دقیق تنظیم شده، درست بیست و دو روز قبل از اعلام رسمی کشف حجاب توسط رضا شاه در دانشسرای مقدماتی است و ارتباط مستقیم این دستورالعمل را با نحوه اعلام و مکان اعلام به خوبی نشان میدهد. مطابق این سند، وزارت معارف عملاً، مسئول مستقیم اجرای طرح در حوزه تحت امر خود بوده است؛ هر چند، اکثر اسناد موجود مربوط به وزارت داخله و حوزههای تحت امر این وزارتخانهاند، تا وزارت معارف و حوزههای تحت نفوذ آن.

در واقع گردانندگان اصلی و مجریان طرح، به دلیل ارتباط بیشتر با مردم، در حوزه معارف قرار داشتند تا حوزه وزارت داخله. به تعبیر دیگر، بازوی تبلیغاتی طرح کشف حجاب را وزارت معارف تشکیل

ص: 23

میداد و بازوی نظامی آنرا وزارت داخله. اما آن چیزی که اثرات آن پایدارتر ماند اقدامات وزارت معارف بود تا وزارت داخله؛ چرا که، اسناد پس از شهریور 1320، مبین این مدعاست و این نظریه را ثابت میکند. در اینجا اجمالاً، به شرح این دسته از اسناد میپردازیم.

## اسناد تاریخی کشف حجاب (بعد از شهریور 1320)

این دسته از اسناد اکثراً، مستقیم و یا غیر مستقیم از بازگشت مجدد حجاب سخن میگویند. به واسطه شرایط ناشی از جنگ جهانی دوم و خروج اجباری رضا شاه از کشور، شرایطی فراهم گردید تا جامعه مجدداً بازگشتی به اعتقادات مذهبی و سنتهای اجتماعی از جمله حجاب داشته باشد.

این نکته در اسناد مزبور به خوبی تصریح شده که تمامی تلاش مأمورین و دستاندرکاران، و مجریان طرح بر آن است تا به نحو مقتضی و به صورتی که تولید اشکال ننماید، مقصود اصلی را عملی سازند و به کارگیری هر گونه اعمال فشار منتفی شده است.

سند شماره 955 مربوط به بعد از شهریور 1320، از طرف وزیر کشور خطاب به اداره کل شهربانی در جهت جلوگیری از رویه نامساعد مأمورین شهربانی کرمانشاهان است .[(1)](#content_note_24_1) از آنجا که، آنان برای جلوگیری از استعمال روسری و چادر بدون توجه به وضعیت محل و اقتضای موقع، چادرها را در معابر از سر بانوان بر داشته بودند، «بنابراین بخاطر بیم از بروز حوادث نامطلوب» دستور داده میشود که «بدون اعمال زور و به نحو مقتضی از قبیل جلوگیری از سوارکردن بانوان با چادرنماز در اتوبوسها و اتومبیلها و راه ندادن به سینماها و رستورانها و ادارات دولتی این موضوع را عملی نموده و [به] نوعی انجام وظیفه نمایند که ایجاد زحمت و شکایت ننماید».

ص: 24

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .15

در اسناد بعد از شهریور 1320، مطالبی مشاهده میشود که مبین شرایط باز سیاسی در کشور است. مندرجات این اسناد که شامل شکایتهای اهالی از طرز رفتار مأمورین سابق با زنان محجبه است، قبل از آن تاریخ، به هیچ عنوان امکان طرح مکتوب نداشت. شرایط پس از شهریور 1320، این جرأت را به مردم داد که درباره طرز رفتار و عملکردهای گذشته مأمورین نسبت به زنان محجبه و چادری، عریضه نوشته و از مقامات درخواست کنند تا آنان را به خاطر جرایم گذشتهشان تنبیه نمایند.

سند شماره 5310 مورخ 23/7/1320 درست یک ماه پس از شهریور 1320، در دو برگ [(1)](#content_note_25_1)شرح شکایت زنان یزد از رویه نامطلوب مأمورین گذشته خطاب به مجلس شورای ملی است. در قسمتی از سند مزبور چنین آمده است: «بهترین رفتار مأمورین با ما همان [کوبیدن] چکمه و لگد بر دل و پهلوی ما بوده و اگر به پول گرفتن قانع نمیشدند ما را به شهربانی میبردند» و قطعاً اذیت و آزارشان بیشتر و مخارج نیز زیادتر میگردید. «چقدر زن حامله یا مریضه به واسطه تظلمات و صدمات که از طرف پاسبانها به آنها رسیده جان سپردند».

پس از برشمردن برخوردهای ناهنجاری که مأمورین گذشته نسبت به زنان محجبه مرتکب شده بودند در پایان این سند از مجلس شورای ملی تقاضا گردیده، «انتقام ما ستمدیدگان را از این جابران بکشید و بعد به ما آزادی حجاب بدهید کما اینکه در ممالک اسلامی معمول است، بعلاوه در انگلستان و هندوستان که اینقدر ادیان مختلف هست همه آزاد هستند مخصوصاً مسلمانان دارای حجاب هستند».

گرچه شکایتنامه زنان یزد از دست مأمورین سابق با طی نمودن یک سیر اداری طولانی به نتیجهای نرسید؛ نهایتاً، از طرف فرمانداری یزد به وزارت کشور که از سوی مجلس شورای ملی موظف به تفحص در این

ص: 25

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .25

خصوص شده بود، پاسخ داده میشود: «این دادخواست به قلم یکی از روضه خوانها میباشد که بزبان زنان یزد نوشته است»، و نسبت به مأمورین مجرم که شناخته شده نیز بودند، ترتیب اثری داده نمیشود. مندرجات سند نشان میدهد وظایف مأموران وقت، در حد گذشته نبوده، و حتی جرأت برخوردهای خشنی مانند سابق نداشتند.

در واقع سیاست دولت که طی سند محرمانه شماره 6186/س/59595 مورخ 10/10/22 وزارت کشور خطاب به آقای نخست وزیر عنوان گردیده، تنها شامل حال مردان متخلف از قانون اتحاد شکل البسه است، نه «مربوط به چادرنماز یا چادر» که «بنا بمقتضیات وقت» در آن زمان از آنها جلوگیری نمی شد .[(1)](#content_note_26_1)

شرایط مساعد بعد از شهریور 20 به رهبران روحانی نیز این فرصت را داد که نظرات خود را در رد طرح کشف حجاب و لزوم رعایت حجاب، علناً اعلام نمایند.

سند شماره 29/97/1 مورخ 16/4/22 از کفیل شهربانی کل کشور خطاب به وزارت کشور حاکی از فعالیت علنی وعاظ و روحانیون در خصوص لزوم حجاب و مخالفت با کشف حجاب بر سر منابر، در شهر کرمانشاهان است؛ و یا نامه مورخ 14/2/22 از طرف آیتالله کاشانی خطاب به وزارت داخله، بیانگر مخالفت با این شهربانی است که متعرض زنان چادری شده و همان رویه دوره رضا شاه را در این خصوص ادامه میدهند. در این نامه آیتالله کاشانی علناً مخالفت خود را با طرح کشف حجاب اظهار داشته و مینویسد: «معلوم نیست این تعدی و اجحاف مطابق کدام قانون و عقل و انصاف میباشد». لذا در پایان اعتراضنامه خود از وزیر کشور میخواهد تا دستور دهد از طرز رفتار خصمانه مأمورین شهربانی جلوگیری شود؛ به طوری که، برای زنان محجبه و چادری ایجاد زحمت ننمایند.

ص: 26

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .49

هر چند وزیر کشور به نامه آیتالله کاشانی نیز پاسخ میدهد؛ اما، به بهانه آنکه «تا کنون شکایتی بطور دستجمعی نشده است و چون قاطبه اهالی این مطلب را حسن استقبال تلقی میکنند»، به همین علت به مأمورین دستور داده شده «اشخاصی [را] که مانع پیشرفت این عمل باشند تعقیب نمایند»، در حقیقت، از تن دادن به درخواست آیتالله کاشانی طفره میرود. بعد از مدت کوتاهی شرایط خاص سیاسی کشور، وزارت کشور را بر آن میدارد که بسیار محتاطانه عمل نماید. همانطور که در سند شماره 6186/ س/59595 مورخ 10/10/20 به سیاست دولت در قبال مخالفین و متخلفین از قانون کشف حجاب اشاره گردیده است،[(1)](#content_note_27_1) این دستورالعمل ملاک چگونگی عملکرد مأمورین انتظامی قرار گرفت.

همچنین، در میان اسناد آن زمان، متن دو فتوا دیده میشود. اولی، فتوای آیتالله بروجردی و دیگری فتوای آیتالله حاج سید محمدتقی خوانساری که در مورد لزوم رعایت حجاب و مخالفت با کشف حجاب صریحاً، صادر گردیده است. چیزی که قبل از شهریور 1320 به صورت علنی و مکتوب بدان اشاره نشده و اگر هم فتوائی در این خصوص صادر و منتشر شده باشد، آن را در میان اسناد نیافتیم. [(2)](#content_note_27_2)

ص: 27

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره .49

2- در سالهای پس از مشروطه و در دوره رضا شاه، آثار فراوانی توسط علماء درباره لزوم رعایت حجاب و مخالفت با منع حجاب تدوین گردیده است. از جمله، رسا له فخرالاسلام، تألیف محمدصادق ارومی، در سال ١٣٢٩ ق/ ١٢٩٠ ش. در لزوم حجاب و نقاب؛ و حجابیه بلادی، تحت عنوان سدول الجلباب فی وجوب الحجاب، اثر آیت الله سید عبدالله بلادی بوشهری در ١٣٣٠ ق/ ١٢٩١ ش؛ و رساله رد کشف حجاب، اثر سید عبدالله خرقانی در ١٣٥١ ق/ ١٣١٢ ش؛ و فلسفه حجا ب، اثر ابوعبدالله زنجانی در ١٣٤٢ ق/ ١٣٠٣ ش؛ و رسالْه حجابیه، تألیف محمدحسن حائری مازندرانی، فرزند مرحوم مجتهد مازندرانی در ١٣٠٤ ش؛ و کتاب وسیله الخفایف یا طومار عفت، اثر حاج شیخ یوسف نجفی گیلانی در ١٣٠٦ ش؛ و کتاب فلسف ه الحجا ب، اثر غلامحسین اصفهانی حائری در ١٣١٥ ش که اثری است بدیع درباره عدم مغایرت حجاب با علم و دانش اندوزی؛ و رساله وجوب حجاب، اثر شیخ عباسعلی اسلامی پس از شهریور ١٣٢٠ و ... این آثار تنها نمون ههایی از مخالفتهای علما با طرح اجباری و دولتی کشف حجاب است. جهت اطلاعات بیشتر مراجعه شود به کتاب محققانه داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، اثر رسول جعفریان، چاپ مرکز اسناد انقلاب اسلامی، (تابستان ١٣٨٣ ). ضمناً، صفحات ٢٦٣ ٢٧٧ حاوی فتاوای علماء از جمله سید محسن حکیم، سیدحسین الحمامی، شیخ محمدرضا آل یاسین، حاج سیدابوالقاسم خویی، شیخ محمدحسن آ ل مظفر، سید محمدهادی میلانی، سید محمود شاهرودی، و ... راجع به لزوم حجاب و مخالفت با بی حجابی در جامعه است. با این توضیح که غالب این فتاوا بدون تاریخ اند.

همان طور که پهلوی دوم در کتاب مأموریت برای وطنم اظهار نموده، اوضاع و شرایط سیاسی اجتماعی بعد از شهریور 1320 و اشغال نظامی ایران اقتضا میکرده که «از آن پس اقدامات اصلاحی با رویه دموکراسی تعقیب شود تا نتایج عالیتری عاید گردد مسئله کشف حجاب نمونهای از همان اقدامات اصلاحی بود و همین که پدرم از ایران خارج شد در اثر پاشیدگی اوضاع در دوران جنگ بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند ولی من و دولت از این تخطی چشم پوشی کردیم و ترجیح دادیم که این مسئله را به سیر طبیعی خویش واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم». از همین رو میبینیم در اسناد مربوط به بعد از شهریور 1320 که بیشتر شامل دستورالعملهایی است به مأمورین انتظامی در ولایات، آنان را از به کارگیری هر گونه فشار و اجبار باز داشتهاند.

## 1. خاطرات و خطرات

نویسنده این کتاب مهدیقلی خان هدایت، معروف به مخبرالسلطنه است. مخبرالسلطنه در کتابش خود را بدینگونه معرفی میکند: «تولد نگارنده را هفتم شعبان 1280 قمری از تلگراف به تبریز گفتند، رضا قلیخان مهدیام نام نهاد. عزیزجان، دختر مهدیخان خاله پدرم، مرا خان خانان

ص: 37

خواند، و به این اسم تا زمان مظفرالدین شاه معروف بودم، تا آنکه پس از فوت پدرم لقب مخبرالسلطنه بر من تحمیل شد». [(1)](#content_note_29_1)

مهدیقلی خان دوران نوجوانی و جوانی را در اروپا به تحصیل علم و دانش گذرانید و از ادبیات گرفته تا رشتههای علمی، حقوق و اطلاعات نظامی و تحقیقات فیزیک و شیمی و علوم طبیعی و مهارتهای علمی و صنعتی از جمله، صنعت چاپ و گراورسازی را فرا گرفت. پس از بازگشت به ایران در سمتهای فرهنگی و سیاسی به خدمت مشغول شد. مخبرالسلطنه، آثار قلمی فراوانی از خود به یادگار گزارده که مهمترین آنها در زمینه تاریخ نویسی، کتاب خاطرات و خطرات و کتابی است تحت عنوان: گزارش ایران.

کتاب خاطرات و خطرات مخبرالسلطنه تا سال 1361 سه بار تجدید چاپ شده است. این کتاب به قلمی شیوا و خامهای توانا نوشته شده و چون پدرش بنیانگذار تلگرافخانه در ایران بوده است، غالباً مطالب را در نهایت ایجاز و با فصاحت کامل و همان روش و به صورتی جذاب و دلپذیر بیان کرده است. [(2)](#content_note_29_2)

در این کتاب شرحی کلی وقایع دوران شش پادشاه را به همراه شرح زندگی خود به رشته تحریر در آورده است. پادشاهانی که وی در کتابش به وقایع دوران پادشاهی آنان پرداخته عبارتاند از: ناصرالدین شاه، مظفرالدین شاه، محمدعلی شاه و احمد شاه از سلسله قاجار و رضا شاه و محمدرضا شاه از سلسله پهلوی.

صرف نظر از مسئولیتهای سیاسی، فرهنگی در دوران قاجار، وی مدتی سمت ریاستالوزرائی رضا شاه را عهدهدار بود و در دوران مسئولیت وی در این سمت، قضیه اتحاد شکل البسه مطرح و در مجلس به صورت قانونی به تصویب رسید. البته این به منزله آن نیست که شخصاً با قضیه اتحاد شکل البسه موافقتی داشته است، چرا که مینویسد:

ص: 38

1- هدایت، مهدیقلی خان؛ خاطرات و خطرات، ص.31

2- همان؛ مقدمه نشر چاپ .61

من چندی خودداری کردم تا روزی شاه در هیئت وزراء یقه مرا گرفت، فرمودند بدهم یک دست کت و شلوار بدوزند؟ عرض کردم حال که میل مبارک است خودم تدارک میکنم برای جلسه دیگر حاضر کردم». [(1)](#content_note_30_1)

حتی در این اوقات که قدرت سیاسی کشور تلاش میکرد، نخست مردان را به سبک اروپایی بیاراید و آنگاه به سراغ زنان رود به شاه اندرز میدهد، «تمدنی که آوازهاش عالمگیر است دو تمدن است؛ یکی تظاهرات در بولوارها، یکی تمدن ناشی از لابراتورها [لابراتوارها]، تمدنی که مفید است و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتورها [لابراتوارها] و کتابخانهها است. گمان کردم به این عرض من توجهی فرموده اند». [(2)](#content_note_30_2)

مخبرالسلطنه در خاطرات خود قضیه کشف حجاب را در آئینه تجددطلبی مورد بررسی قرار داده و آن را از دستاوردهای تمدن غربی میداند و طرح اتحاد شکل البسه را به عنوان مقدمه و پیشدرآمدی بر این قضیه میداند، تا جایی که امر به استعفا میشود، چرا که به قول خود وی: «من حس کردم که آخر پراگرام ده ساله بجاهایی میکشد و دنباله هایی دارد که با عقاید من نمی سازد». [(3)](#content_note_30_3)

او قضیه رفع حجاب در ایران را سوغات شاه از آنکارا دانسته و مینویسد: «فکر تشبه به اروپایی از آنجا به سر پهلوی آمد» [(4)](#content_note_30_4) هر چند که در پذیرش این نظریه جای تردید وجود دارد، اما سفر شاه به ترکیه در تعجیل زمان اعلام کشف حجاب تأثیر بخشید.

مهدیقلیخان، تا آنجایی که کشف حجاب منجر به از رونق افتادن روبنده و نقاب است، با عمل رضا شاه موافق است. چرا که روبند را شرعی نمیداند؛ اما، به طور کلی، با طرح رضا خان مخالف است.

ص: 39

1- هدایت؛ همان؛ ص . ٢٨3

2- همان؛ ص . ٢83

3- همان؛ ص . ٢83

4- همان؛ ص . ٤05

خصوصاً، در جایی که مروجان رفع حجاب مدعی بودند که کشف حجاب موجب ورود زنان به عرصه تولیدات گردیده و باعث پیشبرد امر اقتصاد شده است، ایراد گرفته و مینویسد:

صرف نظر از مراتب دیگر، دوام عبا و چادر روی اقتصاد بود که هر چه داشت مستور بود لازمه امداد به زندگانی اگر رفع حجاب باشد رفع حجب و حیا زندگی را خراب کرد. [(1)](#content_note_31_1)

وی، در جایی دیگر لبه تیز حمله خود را متوجه اتحاد شکل البسه و کشف حجاب کرده و مینویسد: «کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر عفت را» .[(2)](#content_note_31_2)

در ارتباط با روز 17 دی ماه سال 1314 شمسی، روز اعلام کشف حجاب، سخن رضا شاه را که اظهار میدارد: «نصف قوای مملکت بیکار بود و بحساب نمیآمد اینک داخل جماعت شده است»، به نقد گرفته و «داخل جماعت شدن زنان» را اینگونه تعبیر میکند: با آنکه مشغول خانهداری بودند به عرصه ولنگاری قدم نهادند. [(3)](#content_note_31_3) و حتی در مورد زمانی که از وی دعوت به عمل می آید که در جشن 17 دی ماه 1314 ش. شرکت کند، می نویسد:

برای اینکه مجبور نشوم خلاف وجدان تصدیقی بکنم من به آن مجلس نرفتم میدانستم لجام که برداشته شد سرانجام چه خواهد بودن ... [(4)](#content_note_31_4)

چنین به نظر میرسد که تعلق مخبرالسلطنه به نسل پیشین و گرایشات مذهبی و آشناییاش با فرهنگ و تمدن اروپایی و نتایج آن باعث گردیده تا چنین نظریه و تفکری نسبت به برنامه رضا شاه داشته

ص: 40

1- هدایت، همان؛ ص . ٤06

2- همان؛ ص .407

3- همان؛ ص ٤٠٩ . ٤08

4- همان؛ ص . ٤٠0

باشد. به طوری که مینویسد: «فکر مردم اروپا نسبت به زناشویی با حال زن در شرق خصوص ترکیه و ایران متشبه است صورتاً، اوضاع خودشان را مصدر قرار میدهند و مرام و قصد تزلزل اسلام است و تعقیب سیاست دیرینه ...، در اروپا جنایت نسبت به زن بیشتر است و راه استفاده شهوترانان گشاده تر». [(1)](#content_note_32_1)

در واقع ملاک قضاوت مخبرالسلطنه نسبت به کشف حجاب، نتایج این جریان آنهم به سبک و شمایل فرهنگ غربی است و اگر طبق برنامهای دنبال میشد که که خود به رضا شاه عرضه داده بود و در آن بر آزادی وجه و کفین که در شرع مطرح است، تأکید شده بود، قطعاً دیدگاه مخبرالسلطنه غیر از این بود که در کتابش به آن اشاره میکند. «آثاری که بیشتر ظاهر شد تمدن بولوارها بود که بکار لاله زار میخورد و مردم بیبند و بار خواستار آن بودند» .[(2)](#content_note_32_2)

آنچه که در این تحقیق از نوشتههای مخبرالسلطنه بهره گرفتیم بیشتر در باب واکنشهای اجتماعی است که در بخشی از آن، از واکنشهای مثبت و منفی دولتمردان و رجال سیاسی آن عصر در مقابل کشف حجاب، سخن میگوید و مهدیقلیخان هدایت [(3)](#content_note_32_3) نیز به عنوان یکی از دولتمردان مخالف که خود در متن و جریان قضیه بوده، مطرح گردیده است و کتاب ارزشمند خاطرات و خطرات وی نیز به عنوان آئینه تمام نمای

ص: 41

1- هدایت، همان.

2- همان؛ ص . ٣83

3- شایان ذکر است، در این بررسی نظریات مخبرالسلطنه صرفاً به لحاظ مواضعی که در ارتباط با مسئله کشف حجاب مطرح نموده، تحلیل شده، و این تحلیل مؤید کلیه مواضع سیاسی او از دوران مشروطه تا دوره حکومت پهلوی نیست. به طوری که، در زمان والی گری اش بر آذربایجان، قیام شیخ محمد خیابانی را در هم شکست و سبب قتل شیخ شد. همچنین، مرگ مرموز حاج آقا نورالله اصفهانی بر اثر آمپول هوا توسط شفاءالدوله، تبعید و سرانجام شهادت عالم ربانی مرحوم مدرس، اتحاد شکل البسه مردان و ... در زمان صدرات او اتفاق افتاد، که این وقایع، کارنامه سیاسی او را مکدر می سازد. با این همه، مواضع او در مخالفت با مسئله کشف حجاب رضا خانی را نمی توان نادیده انگاشت.

افکار و نظریات او در مقابل اتحاد شکل البسه و قضیه کشف حجاب میتواند به عنوان یک سند مهم تاریخی مورد استناد قرار گیرد.

## نشریات و مجلات

### اشاره

دسته دیگری از منابع اصلی مورد استفاده در این تحقیق، مجلات و روزنامههای مربوط به آن زمان است. گردانندگان این نشریات با درج مقالات متعدد و متنوع، به نحو چشمگیری در ایجاد زمینه کشف حجاب و پیشبرد آن تلاش نمودند.

پیشگامان کشف حجاب برای رساتر ساختن پیام خود به انتشار نشریاتی روی آوردند که عقاید و نظریات آنان را نسبت به حقوق

ص: 28

اجتماعی زنان و بیان محرومیت این قشر در ایران، در مقایسه با دیگر کشورهای همسایه از جمله ترکیه، بازتاب میدهد.

مهمترین نشریاتی که در این راستا فعالیت میکردند به ترتیب عبارتند از: روزنامه زبان زنان، مجله جمعیت نسوان وطنخواه و عالم نسوان در داخل کشور و مجله ایرانشهر در خارج از ایران.

این دسته از روزنامهها و مجلات، قبل از اعلام رسمی کشف حجاب فعالیتهای تبلیغی خود را شروع کردند و پس از اعلام رسمی نیز بعضاً فعالیت خود را در سطحی گسترده تر تداوم بخشیدند. روزنامهها و مجلات دیگری که مؤسس و بنیانگذاران آن اکثراً تجددطلبان و نوگرایان بودند از قبیل تجدد ایران، آزادی، اطلاعات و بعدها رستاخیز، مجله زن روز، و اطلاعات بانوان در پیشبرد این طرح فعالیت گستردهای شروع کردند که در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفتهاند. از آنجا که معرفی یکایک مجلات و روزنامههای مورد استناد ضروری به نظر نمیرسد، تنها به معرفی مهمترین و قدیمیترین این نشریات که در ابتدا به آن اشاره شد، میپردازیم.

### 1. زبان زنان

روزنامه زبان زنان،[(1)](#content_note_34_1) ابتدا به سال 1297 شمسی در اصفهان و سپس در تهران به مدیریت خانم صدیقه دولت آبادی [(2)](#content_note_34_2)تأسیس گردید. این نشریه،

ص: 29

1- صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جراید و مجلات در ایران؛ ج سوم، ص .29

2- صدیقه دولت آبادی اولین زن ب یحجاب در راستای تفکر تجددطلبی افراطی است .وی سال ١٢٦٠ در خانواده ای روحانی متولد شد. در سن شانزده سالگی ازدواج کرد و بعد از مدتی متارکه نمود. در س ال ١٢٩٦ مدرسه دخترانه ای را در اصفهان ب ه نام مکتب خانه شرعیات تاسیس و در سال بعد شرکت خواتین اصفهان را ایجاد کرد . در سال ١٢٩٧ روزنامه زبان زنان را منتشر کرد تا زن ایرانی را با حق و حقوق خود آشنا سازد و زمینه حضور او را در اجتماع فراهم آورد. (نک: بامداد، بدرالملوک؛ زن ایرانی ← .( از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید؛ صفحه 51 زمانی که قرارداد ١٩١٩ ایران و انگلیس در دوره وثوق الدوله مطرح شد ، این →روزنامه به عاملان قرارداد تاخت و مدتی توقیف گردید. مدت توقیف آن سیزده سال طول کشید. (شیخ الاسلامی، کارنامه زنان مشهور؛ از صفحه ٨٩ به بعد). طی این مدت دولت آبادی به تهران آمد و در سال ١٣٠٠ جمعیتی به نام انجمن آزمایش بانوان در تهران تاسیس کرد و روزنامه زبان زنان را به صورت هفتگی انتشار داد و آن را ارگان رسمی انجمن بانوان معرفی نمود. وی سپس جهت ادامه تحصیل عازم پاریس شد و در آنجا ضمن ادامه تحصیل در رشته علوم تربیتی، با مفاهیم و اندیشه های حقوقی زنان غرب آشنایی یافت و در سال ١٣٠٥ در کنگره بین المللی زنان در پاریس، به نمایندگی از سوی زنان ایرانی شرکت کرد. پس از فراغت از تحصیل در سال ١٣٠٦ به تهران آمد و با کلاه و لباس اروپایی ظاهر شد و به عنوان اولین زنی که چادر از سر برداشته مشهور گردید. علیرغم آنکه وی از جانب مخالفین مورد تهدید قرار گرفت، اما رویه خود را به واسطه آنکه مورد حمایت رضا شاه و پلیس او بود، ترک نکرد پس از تشکیل کانون بانوان (در سال ١٣١٤ )، یکی از اعضای فعال این کانون بود و در سال ١٣١٦ به سرپرستی این کانون منصوب گردید . در سال ١٣٢٦ ، در کنگره بین المللی زنان که در ژنو تشکیل شد، به نمایندگی از سوی زنان ایرانی شرکت کرد . دولت آبادی مدت ٢٤ سال، یعنی تا زمان مرگ، سرپرستی کانون بانوان را بر عه ده داشت و در ششم مردادماه ١٣٤٠ در ٨٠ سالگی از دنیا رفت. تنفر و انزجار وی از حجاب را می توان از جمله ای که در وصیت نامه اش نوشته مرا از محل کانون بانوان به آرامگاه ابدیم ببرید و در مراسم تش ییع »: است، دریافت جنازه ام حتی یک زن با حجاب شرکت نکند، زنانی را که با چادر بر سر مزار من مجله زن روز، شماره ١٩٩ ، سال ٤٧ ، چهاردهم دی ماه ) .« بیایند هرگز نمی بخشم ١٣٤٧ ؛ همچنین، مراجعه شود به اطلاعات: بیست و هشت هزار روز تاریخ ایران؛ جلد .( دوم، صفحه801)

گرچه نام روزنامه را بر خود داشت، ولی هر ماه، دو شماره منتشر میگردید.

زبان زنان اولین نشریهای بود که توانست با نامی زنانه مجوز انتشار پیدا کند. خود وی از زبان ممتازالدوله، وزیر فرهنگ آن زمان در هنگام اخذ امتیازنامه این روزنامه، چنین مینویسد:

«امتیاز مجله زبان زنان صادر و ارسال [شده است]، ولی ناگزیرم توضیح بدهم، چون اول نامهایست که بنام زن منتشر میشود و اقدامات بانوان در هر کشور ذیقیمت میباشد اگر میتوانید این طفل نوزاد را پایهدار کرده تا به حد رشد برسانید.

ص: 30

در انتشارش کوشش کنید و الا این اقدام را به وقت موافقتر موکول و زبان زنان را در شهر آزادتری به چاپ برسانید، زیرا که ضرر یک قدم عقب افتادن بیش از دو قدم جلوگرفتن است». نامه رادمرد شادروان را مکرر خواندم و بعد از سه ماه اندیشه، عزم را جزم و برای پایداری مجله راه فداکاری را در پیش گرفتم. [(1)](#content_note_36_1)

مندرجات روزنامه زبان زنان غالباً پیرامون مسائل حقوقی، اجتماعی علمی و تربیتی زنان دور میزد و مقالاتی چون: زنان و علوم، زن بیچاره نیست؛ و معرفی زنان نامدارجهان، از جمله: ژاندارک و مادام کوری[(2)](#content_note_36_2) ، در آن چاپ و منتشر شده است.

این روزنامه ابتدا در شهر مذهبی و سنتی اصفهان چاپ میشد، ولی با فشار افکار عمومی، بعد از کودتای سوم اسفند فعالیت آن در این شهر متوقف گردید.

در شماره 31 سال دوم، مورخ سوم صفر 1339 ق. ضمن بیان عملکرد مخالفین در قبال تأسیس این روزنامه، خطاب به آنان چنین آمده است:

... اگر آنها میخواهند که ما از بیداری عوام دست بکشیم، اگر آنها خیال میکنند ما ترسو هستیم، اگر آنها آرزو دارند ما را [وادار نمایند که] از نوشتن و کشف حقایق امور و آشکارگوئی از قضایای [(3)](#content_note_36_3)ملی صرف نظر کنیم اگر گمان میکنند میتوانند ما را مجبور کنند که از طریق خوشبختی ایران چشم بپوشیم ... اینها همه خیالات خام است ما ایران را میپرستیم.

پس از خاتمه عمر این روزنامه در اصفهان، دوره دوم انتشار آن با نام مجله زبان زنان از 1300 شمسی در تهران آغاز شد.

ص: 31

1- شیخ الاسلامی، پری؛ زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایرانی؛ ص.91

2- در شماره های ثور (اردیبهشت) ١٣٠١ شمسی، ص ١٩ ، راجع به مادام کوری و جوزای (خرداد) همان سال، راجع به ژاندارک ص ٦- ٧

3- اشاره به مخالفت این روزنامه با قرارداد ١٩١٩ ایران و انگلیس در زمان ریاست الوزرائی وثوق الدوله است.

شرایط آمادهای که در تهران وجود داشت، موجب گردید این مجله ضمن تداوم مقالات قبلی از قضیه اصلی که رفع حجاب بود، سخن به میان آورد؛ زیرا بنیانگذار آن در مهرماه 1306 یعنی هشت سال قبل از کشف حجاب، اولین زنی بود که در مسیر تجددطلبی، کشف حجاب را آغاز کرد و بدینوسیله مرام مجله زبان زنان، ترویج کشف حجاب به منزله رهائی زن ایرانی از قید و بندهای سنتی و اجتماعی جامعه ایران وانمود گردید. مجله مذکور، به دنبال وقفهای چندساله، فعالیت مجدد خود را از سال 1321 آغاز کرد و با درج مقالاتی در خصوص دستور آرایش برای زنان [(1)](#content_note_37_1)به مسیری دیگر گام نهاد.

### 2. مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران

مجله جمعیت نسوان وطنخواه ایران به صاحب امتیازی خانم ملوک اسکندری در تهران تأسیس و شماره اول آن به سال 1302 شمسی منتشر گردید. این مجله به صورت ماهانه بود. اگر چه در سالهای انتشار، هیچگاه در موعد مقرر منتشر نگردید و انتشار آن غیر مرتب بود؛ به طوری که شماره 9 سال 1303 آن در 18 تیرماه و شماره 10 آن در پانزده بهمن ماه 1304 شمسی منتشر شده است.[(2)](#content_note_37_2) البته، این بینظمی در ترتیب انتشار، منحصر به این نشریه نبود، بلکه به واسطه کمی امکانات و دیگر محدودیتها نشریات دیگر نیز دچار چنین مسئلهای بودهاند.

هدف از تأسیس این مجله که توسط جمعیتی به همین نام منتشر میگردید، در اولین شماره، تحت عنوان اولین قدم چنین آمده است:

اکنون که به خواست یزدانی و توفیق ربانی اولین شماره مجله ما از افق مطبوعات طلوع نمود و نخستین قدم را برای ترقی و تعالی نسوان برداشته اشت امیدواریم که به توفیق خداوند با ص: 32

1- مجله زبان زنان، شماره دوم، سال ٢٤ خردادماه ١٣٢٣ ؛ مقاله دستور آرایش برای زنان، صفحات ٢٦ ٢٥ ؛ و مقاله حفظ خوشگلی، صفحات 28-29 .

2- صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جراید و مجلات در ایران، ج ٣ ص .169

اقدامی ثابت این راه دراز و طوفانی را پیموده از عهده این مسئولیت مهم برآئیم.

مندرجات این مجله در ابتدای سالهای تأسیس غالباً، درباره تعلیم و تربیت زنان و دوشیزگان و اصلاحات اجتماعی این طبقه بود. مقالاتی که درباره ازدواج در ایران منتشر شدهاند، بیشتر به ظلم و ستمهایی که در نتیجه رسم و رسومات غلط بر جامعه خصوصاً زنان سنگینی میکرد، اشاره داشتند و نویسندگان این گونه مقالات در تلاش بودند که با درج چنین دیدگاههایی زن ایرانی را با حقوق حقه و طبیعی ادعایی خویش آشنا ساخته و از این راه به جنگ بی عدالتی بروند.

در شمارههای 7 و 8 این مجله، مقالهای به قلم خانم صدیقه دولتآبادی راجع به وضعیت زنان ایرانی در مقایسه با زنان اروپایی منتشر گردیده که، صراحتاً، محصور بودن و در واقع در حجاب بودن زن ایرانی را عامل بدبختیهای او میداند. همچنین در مقاله دیگری که در همین شماره به قلم آقای م. ق. ادیب، تحت عنوان ازدواج در ایران به نگارش در آمده، پایبندی به حجاب، عامل اصلی ازدواجهای ندیده و نشناختهای معرفی شده که در میان ایرانیان مرسوم است و بدون توجه به وضع روحی دختر و پسر و بنا به خواست پدر و مادرها صورت میگیرد. این نویسنده در خصوص حجاب، که آن را «در حصار بودن» زن ایرانی در خانه تعبیر کرده است، مینویسد: «این مرسوماتی که عجالتاً در میان ما ایرانیان مرسوم میباشد نه بر طبق قوانین جاریه عمومی دنیا است و نه بر طبق قوانین شرع مطهر و فرمایشات شارع مقدس اسلام میباشد». این مجله نیز، از جمله نشریاتی است که راه را برای قضیه اعلام رسمی کشف حجاب هموار کرد.

### 3. عالم نسوان

مجله عالم نسوان، همراه و همگام با مجله ایرانشهر که در خارج از کشور منتشر میشد، تلاش بیوقفهای را در داخل کشور برای پیشبرد امر کشف حجاب آغاز کرد. این مجله در تهران و به صاحب امتیازی خانم

ص: 33

نوابه صفوی و زیر نظر مجمع فارغالتحصیلان مدرسه اناثیه آمریکایی ایران در سال 1291 شمسی، تأسیس و هر دو ماه یک شماره و در 38 صفحه به قطع کوچک خشتی طبع و در هر سال شش شماره منتشر می شد.[(1)](#content_note_39_1) مقالات این نشریه بیشتر پیرامون پیشرفت و ترقی نسوان مملکت و تعلیم اصول خانهداری و بهداشتی بود. در شماره اول این مجله درباره هدف و مقصود از نشر آن چنین میخوانیم:

غرض از تأسیس عالم نسوان تعاون و تعالی و ترقی نسوان و تشویق آنان به خدمت وطن و خانواده و حسن اداره امور بیتی می باشد .[(2)](#content_note_39_2)

یکی از مقالات مهم این مجله اخبار ترقی نسوان و شرح خدمات آنان در کشورشان میباشد که به عنوان نیمی از پیکره اجتماع در ترقی جامعه خود و حتی جامعه جهانی میکوشند. اینگونه گزارشات برای تحریک و تشویق زن ایرانی به این سمت بود. در شماره ششم از سال هشتم این مجله، در مقالهای تحت عنوان «زن مگر بشر نیست» ضمن بیان اخبار ترقی نسوان در ترکیه و کشف حجاب در این کشور ملت ایران را مورد عتاب و سرزنش قرار داده و مینویسد:

ما مردمان ایرانی به این اندازه فاقد اخلاق و انسانیت هستیم که زنهایمان از ترس سبعیت ما باید زندگانی تاریک خانگی را پیشه کرده و از دخول در امور اجتماعی بهراسند. جای تردید نیست که آن اشخاص که این قدر در وجوب حجاب پا فشاری میکنند جز اینکه یک ملتی را بد اخلاق به عالمیان معرفی کنند سود دیگر نخواهند برد.

و در مقالهای دیگر در شماره اول سال سیزدهم، تحت عنوان اتحاد مادران به نهضت زنان شرق اشاره کرده و مینویسد:

ص: 34

1- صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جرائد و مجلات در ایران؛ ج ٤، ص یک.

2- عالم نسوان، شماره اول، میزان (مهر ) ١٢٩١ ش؛ و: صدر ه اشمی؛ همان؛ ج ٤ص. ١

اینک در این موقع که نهضت زنان شرق شروع شده البته زنان ایران هم در این نهضت شرکت نموده و تشکیل کنگره نسوان شرق در ایران خود دلیل کافی بر پیشرفت سریع و استعداد ذاتی آنها می باشد و امید است حیات جدیدی در زندگانی نسوان ایران شروع شود و بدون تردید زنان ایران امروزه وارد مرحله تازهای شده و آتیه درخشانی را استقبال خواهند نمود.

نگاهی به مقالات این مجله، از ابتدا تا انتها، مبین این مطلب است که نویسندگان این نشریه، پس از جلوس رضاخان بر اریکه قدرت، تعلیم و تربیت زنان را صرفاً در قضیه کشف حجاب جستجو کرده و در ترویج فرهنگ آن میکوشیدند؛ تا جایی که در شماره چهارم از سال سیزدهم در مقاله طبیعت و زن، به قلم صادق بروجردی، پس از بیان اجحافاتی که از طرف مردان نسبت به زنان صورت میگیرد؛ علت اصلی این اجحافات را حجاب میداند و بقیه تعدیات نیز از دید او در سایه لزوم حجاب بر زنان اعمال میشود. بنابراین، راه رهایی را آزادی از قید و بند حجاب و تبعیت از کشور همسایه، ترکیه دانسته و چنین مینویسد:

بهتر این است زنهای ایران هم مثل زنهای ترکیه از این کفن که در اسلام بدعتی بیش نیست و اسمش را حجاب گذاشتهاند بیرون بیایند و اجتماعات مملکت را دو برابر کنند یعنی ایرانیان نیممرده کفنپوش خود را جزء زندهها معرفی نمایند و زیاده بر این[،] نادانی و جهل خود را در تمام روی زمین ثابت نکنند.

سپس میافزاید:

... این چادر و پیچه زنها جزء لباس است و نه حجابست بعلت اینکه در زیر همین حجاب دروغی بواسطه ناشناس بودن، کارها صورت گرفته و میگیرد.

بنابراین، «همان طور که ملاحظه گردید، این مجله که در ابتدا به نام تعلیم و تربیت و ترقی زنان پا به عرصه فرهنگی گذارد، پس از مدت

ص: 35

زمانی دیگر منادی کشف حجاب گردید و در پیشرفت این طرح تمامی هم خود را مصروف داشت». [(1)](#content_note_41_1)

### 4. مجله ایرانشهر

یکی دیگر از مجلات اصلی که در پیشبرد نهضت بانوان، آنهم با ارسال پیامهایش از خارجِ کشور، تأثیر عمیقی بر جای نهاد، مجله ایرانشهر است.

این مجله به مدیریت آقای حسین کاظمزاده ایرانشهر، به مدت چهار سال، از سال 1301 تا 1305 در برلن چاپ و منتشر میشد. «ایرانشهر یکی از عمده مجلاتی است که در مدت چهار سال توانست کمک بزرگی به روشن نمودن افکار عامه ایرانیان بنماید». [(2)](#content_note_41_2)

ادوارد براون درباره مجله ایرانشهر مینویسد:

در ژوئن 1922 در برلن یک مجله علمی و ادبی و فارسی دیگری [(3)](#content_note_41_3)بنام ایرانشهر و به مدیریت حسین کاظمزاده ایرانشهر انتشار یافت ... ایرانشهر نسبت به کاوه خیلی سبکتر و عوام فهمتر است و بیشتر منظورش بحث در وقایع ایران قبل از اسلام و مسائلی است که جوانان کنونی ایران با آن مواجه هستند. [(4)](#content_note_41_4)

از جمله مسائلی که ایرانشهر به آن توجه دارد مسئله ازدواج جوانان و حقوق مساوی دختر و پسر در امر ازدواج است که در ایران آنروز، هم [(5)](#content_note_41_5)برای دختر و هم برای پسر و بدون رضایت آنان، بزرگترها تصمیم

ص: 36

1- نک: عالم نسوان، شماره های ششم، سال سیزدهم و چهارم همین سال.

2- صدر هاشمی؛ همان، ج ٤، ص.322

3- براون، تاریخ ادبی ایران، ج ٣، ص ٩- 338

4- براون، همان، ج ٤، ص. ٣22

5- گرچه این رسم کم و بیش نیز هم اکنون در مناطق دور از مرکز و شهرهای کوچک مرسوم است، اما در آن زمان در مرکز و شهرهای بزرگ این رسم معمول بود، تا چه رسد به مناطق و شهرهای کوچک و دور افتاده.

می گرفتند. مجله ایرانشهر حتی تا آنجا پیش میرود که در شمارههای 11 و 12 خود علت اول و آخر ازدواج جوانان تحصیلکرده ایرانی با دختران فرنگی را، حجاب زن ایرانی میداند و در جای دیگری از همین شماره، انجام همه شنایع و قبایح زنان را به حجاب نسبت میدهد. چرا که در سایه حجاب شناخته نشده و در سایه بیحجابی زود شناخته خواهند شد. بنابراین، در بیحجابی به طرف زشتیها نخواهند رفت.

همان طوری که خاطرنشان نمودیم، این مجله، با مجله عالم نسوان، در پیشبرد امر نهضت بانوان تلاش بیوقفهای شروع کردند و در ایجاد زمینه پذیرش کشف حجاب، افکار را آماده و مهیا کردند.

## ب) منابع فرعی:خاطرات و تاریخهای سیاسی، اجتماعی آن دوران

### اشاره

منابع فرعی بیشتر شامل خاطرات و تاریخهای سیاسی، اجتماعی آن دوران است. این دسته از منابع در مقایسه با منابعی که شرح آن رفت هر چند دارای اهمیت فراوانی است، فرعی تلقی میشود. چرا که، ارزش و اعتبار آن به میزان روزنامهها و مجلات آن زمان و خصوصاً اسناد باقیمانده از آن دوران نیست. در اینجا به معرفی چند منبع فرعی که در این تحقیق از آنها بهره جستهایم، میپردازیم.

### 2. سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی

کتاب سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، به قلم علی اصغر حکمت، یکی از طراحان و مجریان اصلی کشف حجاب در ایران است. سلسله مقالات این کتاب نخست در مجله وحید و آنگاه، در مهرماه 1355، توسط سازمان انتشارات وحید، به یادگار پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی در شرکت چاپ پارس به طبع رسیده است. نویسنده دارای مسئولیتهای مهم سیاسی و فرهنگی بود، و آن طور که در بخش اول خاطراتش مینویسد: «شش سال متمادی از 1312 تا تیرماه 1317 در سمت وزارت معارف و پس از آن از اواخر سال 1317 تا اوایل سال 1319 شمسی در سمت وزارت کشور در حکومت رضا شاه به خدمت مشغول بوده است». [(1)](#content_note_42_1)

این کتاب همانگونه که از نامش پیداست شامل سی خاطره از عصر رضا شاه است که تعدادی از این خاطرات به شرح ذیل طبقهبندی شدهاند:

1. نخستین برخورد: شرح چگونگی برخورد نویسنده با رضا شاه.

2. بخت بلند: در این قسمت داستانهایی راجع به مفقود شدن وسایل شخصی رضا خان و یافتن آن در محلی که خود وی حدس آنرا میزده، آورده شده است.

3. فرهنگستان ایران: شامل شرح احوال فروغی، انجمنهای ادبی، علل تشکیل فرهنگستان و خدمات فرهنگستان.

4. عمارت مسعودیه: شرح چگونگی برگزاری جشن معارف در حضور رضا شاه.

ص: 42

1- حکمت، علی اصغر؛ سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، ص ١؛ و: صفائی، ابراهیم؛رضا شاه کبیر در آئینه خاطرات، از ص ٩٤ به بعد.

اما، آنچه در این تحقیق بدان استناد شده، خاطره شماره 9 کتاب تحت عنوان «17 دی ماه 1314» است که از ص 87 تا ص 103 را در بر گرفته و شامل مقدمات رفع حجاب، تشکیل کانون بانوان و شرح مراسم 17 دی ماه 1314 و بعد از 17 دی میباشد. علی اصغر حکمت در آن زمان در مسئولیت حساس وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه نقش اصلی و عمدهای در طراحی و پیشبرد این مراسم بر عهده داشت.

شاید گفته شود که یکی از علل اصلی موافقت وی با اجرای این طرح، مسئولیتی بوده که طوعاً و کرهاً در این سمت داشته است. اما نباید نادیده گرفت که تفکر و بینش حکمت به نسل جدید و تجددخواه پیوند خورده است و اگر کوچکترین ظن و گمانی در ضمیر رضا شاه نسبت به او صورت میبست، او را به این سمت حساس منصوب نمیکرد و ریاستالوزراء، محمود جم نیز چنین شخصی را در کابینه خود در سمت قبلیاش ایقاء نمینمود.

حکمت در ابتدای خاطراتش صریحاً موافقت خود را نسبت به اجرای طرح رضا شاه در 17 دی ماه و نتایج مترتب بر آن اعلام میدارد و مینویسد:

این همه ترقیات که زنان ایرانی از حیث تربیت و تعلیم و مساوات حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی در این زمان همایون به عنایت شاهنشاه آریامهر حاصل کردهاند همه مرهون روز مبارک 17 دی ماه 1314 شمسی میباشد که در آن روز به اراده و پشتیبانی و امر شاهنشاه پهلوی ورقی تازه در تاریخ کشور ما گشوده شد. [(1)](#content_note_43_1)

حکمت آنگاه به شرح مقدمات این روز که از تیرماه 1313 و طی جلسه هیات وزیران از طرف رضا شاه پیشنهاد گردیده بود، میپردازد و سپس به تشکیل کانون بانوان اشاره میکند که پس از آن روز «وزیر معارف به خیال خود جمعی از بانوان روشنفکر و تحصیل کرده را [که]

ص: 43

1- حکمت، همان، ص 81

در خدمت معارف و مدارس بودند جمع کرد و از آنها مجمعی گرد آورد ... و آنرا کانون بانوان نامید». [(1)](#content_note_44_1)

وظیفه این کانون آمادهسازی افکار اجتماعی برای اجرای طرح کشف حجاب بود. حکمت سپس به تغییر برنامهای که وزارت معارف برای مدیران و معلمان و محصلات مدارس دخترانه در نظر گرفته اشاره میکند و مینویسد: «بتدریج در مدارس دختران مجالس جشن و خطابه تشکیل داده و دختران در آنجا با روی باز در صف دانشجویان قرار گرفته و به ایراد خطابههای اخلاقی و سرودهای مخصوص مدارس هم آواز شوند و رجال محترم را هم در آن مجالس دعوت کنند و بعد از آن مانند پسران به ورزش و مشق بدنی مشغول شوند». [(2)](#content_note_44_2)

حکمت در شرح خاطراتش به یک نمونه از این مجالس جشن و سرور اشاره میکند که در فروردین 1314 در مدرسه شاپور (شعاعیه) شیراز برگزار گردید و دختران دبستان (مهر آئین) پس از خواندن لایحه و سرود به ورزش ژیمناستیک مشغول شدند. این عمل خود موجب عکسالعمل یکی از روحانیون بزرگ شیراز، مرحوم فال اسیری گردید و «اعلیحضرت رضا شاه به تلگراف مخالفت وی اعتنا نکرده و عین آنرا برای وزیر معارف فرستادند» .[(3)](#content_note_44_3)

حکمت در گوشه گوشههای خاطراتش ضمن تجلیل از رضا شاه خود را به عنوان نفر اول که مخاطب و مورد توجه سخنان شاه است معرفی میکند. گویا تمامی امور مربوط به قضیه کشف حجاب میبایست از مجرای وزارت معارف گذشته و به دست شخص وزیر معارف جنبه عملی پیدا کند.

در جایی اظهار می دارد:

ص: 44

1- حکمت، همان، ص ٨٩

2- همان، ص ٩٠ - 9٨

3- همان، ص ٩١ - 90

در آبان ماه 1314 روزی که ایشان از سفر مازندران مراجعت میکردند، مرحوم فروغی رئیسالوزراء و دیگر اعضای هیات دولت به استقبال قدوم ایشان در دهلیز عمارت دربار ایستاده، نزدیک به غروب بود که شاهنشاه از اتومبیل پیاده شدند، بعد از تعارفات رو به وزیر معارف کرده، گفتند: «فلانی در باب رفع حجاب چه کردید؟» [(1)](#content_note_45_1)

یا مینویسد:

روز 25 آذرماه وزیر معارف به حضور شاه رسیده و رضا شاه او را مخاطب قرار داده و میگوید: «سابقاً در جواب پیشنهاد شما گفتم که مجلس جشن سالیانه معارف را به تاخیر بیاندازد، اما حالا به مناسبت وقایعی که در خراسان پیش آمده و اشخاص مقصر تنبیه شدهاند، تاخیر مصلحت نیست هر چه زودتر مجلس خود را تشکیل دهید ...» [(2)](#content_note_45_2)

و یا در شب 25 آذر که جلسه وزراء در دربار منعقد میگردد، شاه به وزیر معارف اظهار میدارد:

مجلس جشن توزیع دیپلمها کی خواهد بود و در کجاست؟ وزیر معارف که خود را آماده کرده بود فوراً جواب داد که کارهای ما آماده است. در عمارت نوساز دانشسرای تهران اگر اجازه بفرمایند. روز چهارشنبه 17 دی برای تشویق دختران و پسران فارغالتحصیل وجود مبارک علیاحضرت ملکه و والاحضرت شاهدختها تشریف بیاورند موجب افتخار خواهد بود». [(3)](#content_note_45_3)

همان طور که ملاحظه میگردد حکمت نه تنها روز، محل و مکان جشن 17 دی ماه را تعیین میکند، بلکه ادعا میکند که حضور خانواده سلطنت در این جشن نیز پیشنهاد او به رضا شاه بوده است. حتی پس از

ص: 45

1- حکمت، همان، ص ٩١ - ٩2

2- همان، ص . ٩٢

3- همان، ص. ٩4

پایان مراسم 17 دی از ابراز لطف و مرحمت رضا شاه به شخص خود سخن می گوید. [(1)](#content_note_46_1)گویا دیگران حتی رئیسالوزرا، جم در این جریان مطرح نبودهاند.

البته حکمت نه تنها به تجلیل از این جریان و نتایج آن پرداخته بلکه در خاطرات خود به این نکته نیز اذعان دارد و معترف است که:

بلافاصله بعد از مراسم 17 دی در تهران دو امر پیش آمد که یکی به حد افراط و دیگری به حد تفریط بود، از یک طرف بعضی از زنهای معلومالحال به کافه ها و رقاصخانه ها هجوم آورده و همه در مرئی و منظر جوانان بوالهوس به رقص پرداخته ... و از طرف دیگر مأمورین شهربانی و پلیسها در تهران و فرمانداریها و بخشداریها در شهرها و قصبات مملکت بر حسب دستور وزارت کشور به زنان بیخبر مزاحم شده و آنها را به اجبار وادار به کشف حجاب میکردند و حتی چادر و نقاب آنان را پاره میکردند.

لذا برای جلوگیری از نارضایتی عمومی، حکمت به رضا شاه گزارش مذکور را ارائه میدهد که بعد از آن «نسبت به بستن مراکز رقص اقدام می گردد». [(2)](#content_note_46_2)

در پایان این بخش از سی خاطره، حکمت به جشنها و مناسبتهایی که در کانون بانوان منعقد میشده و نیز از سخنرانان آن چون وثوقالدوله؛ حاج محتشمالسلطنه، رئیس مجلس شورای ملی؛ و صدرالاشراف، وزیر دادگستری (عدلیه) یاد میکند که در آن جلسات سخنرانیهای سودمند و آموزنده ایراد میکردند و آنگاه از ورود دختران به دانشگاه تهران در سال 1316 سخن میگوید.

حکمت بخش سیام خاطراتش را با عنوان آخرین بازخواست به شرح چگونگی عزل و محاکمه خود اختصاص میدهد. ماجرا از این

ص: 46

1- حکمت، همان ، ص.97

2- همان، ص ٩٩ - ٩8

قرار بود که حکمت بدون اطلاع از توهینی که در یکی از روزنامههای فرانسوی به رضا شاه شده بود و به تیرگی موقت روابط ایران و فرانسه انجامید، طی نامهای به وزیر معارف فرانسه، از او به خاطر اینکه از ایران نیز برای شرکت در نمایشگاه هنری پاریس دعوت کرده بود، تشکر نمود. به دنبال این نامه، حکمت هر چند از سمت خود عزل گردید، اما با وساطت ولیعهد از محاکمه نجات یافت و پس از عزل، مدت شش ماه در شیراز به سر برد و آنگاه در بهمن ماه همان سال (1317) از سوی رضا شاه به سمت وزارت کشور منصوب گردید.

### 3. مأموریت برای وطنم

کتاب «مأموریت برای وطنم» محمدرضا پهلوی، نوشته رضازاده شفق، از دیگر منابع فرعی است که در تهیه و تدوین این نوشتار مورد استناد واقع شده است. این کتاب تا سال 1355 ش. در بنگاه ترجمه و نشر کتاب برای نهمین بار تجدید چاپ گردیده است.

نگارش آن همانطور که از سخنان نویسنده بر میآید از «سال 1337 ه. ش [آغاز] و در اواخر سال 1339» به پایان رسیده است. این کتاب دارای چهارده فصل و 676 صفحه به انضمام پنج تصویر از محمدرضا در مکانهای مختلف است.

فصل اول این کتاب به تاریخچه میراث باستان ایران اختصاص یافته و در فصول بعد به اقدامات رضا شاه و شرح دوران کودکی و دوران تحصیلات محمد رضاه شاه اشاره شده است. اقتباس تمدن جدید و نظر شاه در ارتباط با دموکراسی و اقدامات وی در زمینههای کشاورزی و امور مربوط به زنان و مسئله نفت و موقعیت سوقالجیشی ایران در خاورمیانه و تلاش شاه برای استقرار صلح و آرامش در این بخش از جهان، از جمله مسائل اساسی و اصلی نویسنده در این کتاب است. این کتاب با فصلی تحت عنوان شاه و کشور که به اختصار به شرح طرز زندگانی و کار شبانه روزی وی پرداخته شده، پایان میپذیرد. فصلی که بنا به اقتضای موضوع تحقیق مورد استفاده قرار گرفت، فصل دهم این

ص: 47

کتاب، تحت عنوان زن ایرانی در اجتماع است که از صفحه 437 تا صفحه 481 این کتاب را در بر می گیرد.

در این فصل محمدرضا شاه ابتدا از محدودیتی که از جانب سرپرست خود در دوران تحصیل در سوییس در ملاقات با دوشیزگان و بانوان داشته، سخن میگوید و آنگاه به چگونگی ازدواج خود با فوزیه اشاره میکند و اینکه تا هنگام نامزدی یعنی در سال 1317 ه. ش چهره همسر آینده خود را ندیده بود. سپس به شرح ازدواج و طلاق خود با فوزیه و ثریا میپردازد و بعد، ماجرای ازدواج خود با فرح دیبا را شرح میدهد و سوابقی از زندگانی فرح و خانوادهاش بیان میدارد.

در قسمت دیگری از این فصل به مقام و موقعیت زن ایرانی از دوران قدیم اشاره کرده، سپس به چگونگی حجاب و پوشش زن ایرانی پرداخته و حجاب را مخصوص زنان سطح بالا و مرفه جامعه آن زمان میداند که برای ایجاد فاصله و به واسطه امتیازات طبقاتی و سیاسی در قبال جامعه، خود را در آن محصور میکردهاند تا چشم مردان طبقات عادی و پائین اجتماع به حریم آنان نیفتد. همچنین به عدم رعایت حقوق اجتماعی زنان در جامعه، خصوصاً در امر ازدواج اشاره کرده و آنگاه به اقدامات رضا شاه در زمینه آزادسازی زنان میپردازد که «منظور وی آن بود که فکر زنان را ترقی دهد و مادرانی دانشمند و افراد شایسته به اجتماع ایران بیفزاید تا در نوبه خود فرزندانی با فضایل اخلاقی و تربیت اجتماعی برای کشور بار آورند». [(1)](#content_note_48_1)

وی، در جای دیگری به مقدمات کشف حجاب اشاره کرده و مینویسد:

پدرم بدواً به رفع حجاب زنان اقدام کرد و در اثر تشویق و تحریض وی در سال 1309 ه. ش نخستینبار بعضی از بانوان طبقه اول در خانههای خود و مجالس مهمانی به لباس زنان اروپایی در آمدند، و عده کمی هم جرأت کرده بدون حجاب در

ص: 48

1- پهلوی، محمدرضا؛ مأموریت برای وطنم؛ ص . ٤63

خیابانها ظاهر میشدند. در سال 1313 آموزگاران و دختران دانشآموز از داشتن حجاب ممنوع شدند و افسران ارتش با زنانی که حجاب داشتند راه نمیرفتند. بالاخره روز 17 دی 1314 پدرم با اعلام کشف حجاب قدم نهایی را در این راه برداشت و از مادر و خواهرانم خواست که بدون حجاب همراه وی در یکی از جشنهای مهم رسمی کشور حاضر شوند. [(1)](#content_note_49_1)

محمدرضا آنگاه، به اقدامات پدرش برای پیشبرد طرح کشف حجاب که بیشتر جنبه انتظامی داشته اشاره میکند و پس از آن به تأثیر وقایع شهریور 1320 در امر نهضت بانوان میپردازد و مینویسد: «به واسطه اشغال نظامی ایران و خروج اجباری رضا شاه اجرای برنامههای وسیعی را که او برای ترقی و تعالی زنان ایران طرح کرده بود متوقف ساخت و عاقلانه آن بود که ازآن پس اقدامات اصلاحی با رویه دموکراسی تعقیب شوند تا نتایج عالیتری عاید کشور گردد». [(2)](#content_note_49_2)

محمدرضا پهلوی، مسئله کشف حجاب را نیز از جمله اقدامات اصلاحی رضا پهلوی بر میشمرد که پس از شهریور 1320 و از هم پاشیدگی اوضاع «بعضی از زنان مجدداً به وضع اول خود برگشتند و از مقررات مربوط به کشف حجاب عدول کردند». اما «من و دولت از این تخطی چشمپوشی کردیم و ترجیح دادیم که این مسئله را به سیر طبیعی خویش واگذاریم و برای اجرای آن به اعمال زور متوسل نشویم». [(3)](#content_note_49_3)

در حقیقت، شرایط ناشی از جنگ دوم بینالملل و آشفتگی اوضاع سیاسی اجتماعی کشور، و فعالیت گروههای کمونیستی، خصوصاً حزب توده و نیاز شاه جدید به نیروهای مذهبی، عواملی هستند که حکومت را مجبور میکنند تا در مقابل قضیه کشف حجاب روش محتاطانهای در پیش گیرد. اگرچه محمدرضا، بر خلاف پدرش، حداقل در این زمینه

ص: 49

1- پهلوی، ص. ٤٦4

2- همان، ص ٤٦٨ . ٤67

3- همان، ص . ٤٦8

معتقد بود که به کارگیری اهرم فشار نتیجه مطلوبی نخواهد داد و با تبلیغات دامنهدار و گسترده و در شرایطی مناسب میتوان نتیجه مطلوب گرفت؛ اما عامل اساسی و عمده که حکومت جدید را برآن داشت تا سیاست محتاطانهای در پیش گیرد؛ شرایط خاص سیاسی اجتماعی ناشی از جنگ دوم جهانی است که در کتاب محمدرضا فقط به آن اشاره شده، اما توضیحی درباره آن داده نشده است.

اگرچه در این فصل، نویسنده اشارهای گذرا دارد به بررسی جوانب مختلف و دورههای گوناگون کشف حجاب؛ اما نکتهای را خاطرنشان میکند که فقط در اسناد مربوط به بعد از شهریور 1320 کم و بیش مشاهده میشود و آن چگونگی سیاست دولت و شخص اول حکومت در قبال قضیه بازگشت مجدد حجاب در این تاریخ است که از اهمیت به سزایی برخوردار است و ما نیز در این تحقیق از آن بهره گرفتهایم.

### 4. رستاخیز ایران

مؤلف این کتاب فتحالله نوری اسفندیاری است که مدتی مسئولیت سفارت ایران را در لندن به عهده داشته و دارای مشاغل مهم سیاسی نیز بوده است.

این کتاب شامل گزیدهای از مقالات و نگارشات نشریات خارجی در فاصله سالهای 1299 یعنی سال کودتا تا 1323، مرگ رضا پهلوی است. مؤلف در پیشگفتار این مجموعه، هدف و منظورش از جمعآوری این مقالات را آشنائی هممیهنان از طرز فکر و قضاوت گروهی از نویسندگان و سیاستمداران خارجی نسبت به حوادث بیست ساله دوران سلطنت اعلیحضرت فقید و اطلاعات تاریخی گذشته ایران می داند. [(1)](#content_note_50_1)

ص: 50

1- نوری اسفندیاری، فتح الله؛ رستاخیز ایران؛ پیشگفتار، ص ج.

مؤلف در دیباچه این اثر نخست به اوضاع سیاسی اجتماعی ایران قبل از کودتا اشاره دارد و آنگاه به بررسی اوضاع بعد از کودتا و اقدامات رضا شاه میپردازد. از جمله اقداماتی که به شرح و بسط آن پرداخته، اقدامات وی در زمینه فرهنگی است. در این ارتباط مینویسد: «اقدامات اساسی رضا شاه در امور فرهنگی از سال 1307 آغاز شد ... سازمان و برنامههای مدارس اصلاح و تحت نظم و سنتی واحد در آمد. هر سال چندین دبستان و دبیرستان تأسیس گردید. برای تربیت معلم متوسطه دارالمعلمین مرکزی مبدل به دارالمعلمین عالی شد ... [(1)](#content_note_51_1)آنگاه به کشف حجاب به عنوان یکی از اقدامات مهم رضا شاه در عرصه فرهنگی اشاره می کند و می نویسد:

از دیگر اقدامات مهم رضا شاه کبیر رفع حجاب بود؛ زیرا در کشوری که نود درصد اهالی آن بیسواد و گرفتار تعصب بیجای مذهبی و هزارگونه خرافات بودند انجام چنین کاری معجزه بشمار میرفت. [(2)](#content_note_51_2)

مؤلف در دیباچه خود، بعد از اشاره به اصلاح قوانین و رفع نواقص آن در این دوره، وارد مباحث اقتصادی و سیاسی میگردد و میکوشد تا توجه خواننده را به روابط تجاری ایران و شوروی و مسئله بحرین معطوف نماید. آنگاه، به برنامه اتحاد شکل البسه رضا شاه پرداخته و مینویسد:

نظر رضا شاه و هدف او از این کار تمرکز و اتحاد صوری و معنوی ایران بود که لباس متحدالشکل بپوشند ... و اگر رضا شاه شدت عمل به خرج نمیداد شاید سالها میگذشت و مردم باز هم با همان لباسهای دراز و کلاههای بلند گوناگون و رنگارنگ به چشم میخوردند. [(3)](#content_note_51_3)

ص: 51

1- نوری اسفندیاری، همان، ص ٥

2- همان، ص و.

3- همان، ص ید.

مؤلف، دیباچه را با شرح قضایای تیمورتاش، سردار اسعد، محمدولی اسدی نیابت تولیت آستان قدس رضوی و علیاکبر داور خاتمه میدهد. هر چهار نفر مورد خشم رضا شاه قرار گرفتند. همچنین، به تأثر رضا شاه برای از دست دادن آنها نیز اشاره شده است. علاوه بر آنها، قضیه املاک رضا شاه و توجیه این مسئله که رضا شاه برای عمران و آبادی مزارع مخروب دست به خرید املاک میزده و قضیه استعفای رضا شاه در دیباچه مطرح شده است. به عقیده نویسنده، بزرگترین بدبختی ایران، پیشامد جنگ دوم و استعفای رضا شاه از سلطنت بوده است .[(1)](#content_note_52_1)

با بررسی پیشگفتار و دیباچه چنین به نظر میرسد که مؤلف به واسطه ملاحظات سیاسی و وابستگی به رژیم سعی در گزینش مقالاتی داشته تا نظم دوران حکومت رضا شاهی را توجیه نماید. این مقالات شامل موضوعات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر رضا شاه از قبیل روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی و همسایه، مشکلات اقتصادی ایران قبل از به قدرت رسیدن رضا شاه، ترقیات عصر رضا شاه، قراردادهای بازرگانی، تبعیت رضاخان از مصطفی کمال در برنامهریزیها و طرحهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و صنعتی، برنامه اتحاد شکل البسه رضا شاه، خدمت شاه به ملت ایران، تجدید حیات ملی در ایران، نظم نوین در ایران، شاه ایران در راه تجدد، قضیه کشف حجاب و آزادی زنان، معرفی رضا شاه به عنوان داریوش قرن بیستم و ... است. در پایان این سلسله مقالات، خروج رضا شاه از کشور، بیان داراییهای شاه و تکیه محمدرضا بر اریکه سلطنت و درگذشت رضا شاه و تحلیل پیرامون اقدامات وی در ظرف مدت پانزده سال سلطنت که با دیدی مثبت ارزیابی شده، آمده است.

نشریاتی که مقالات آنها در این مجموعه ترجمه و چاپ شدهاند، عبارتند از: دیلی تلگراف، مورنینگ پست، بیرمنگام پست، تایمس

ص: 52

1- نوری اسفندیاری، همان، ص کد.

گلاسکو هرالد، استار و تایم. این مقالات از حیث موضوعی به مباحثی چون سیر تجددطلبی در ایران آن زمان و پذیرش شیوه زندگی به سبک اروپا، و معرفی مظاهر آن که قضیه اتحاد شکل البسه و کشف حجاب اختصاص یافتهاند. مؤلف با دقت خاصی مقالات را انتخاب، تنظیم و ترجمه نموده است.

### 5. تاریخ معاصر ایران (پیتر آوری)

از دیگر منابع فرعی مورد استفاده، جلد دوم کتاب تاریخ معاصر ایران، تالیف پیتر آوری، استاد ایران شناسی در دانشگاه کمبریج و مدرس کالج کینگ این دانشگاه است. این کتاب از تأسیس سلسله پهلوی تا کودتای 28 مرداد سال 1332 شمسی را در بر دارد. [(1)](#content_note_53_1)جلد اول آن به دوران قاجار اختصاص یافته و جلد سوم به وقایع بعد از کودتا پرداخته است. هر سه جلد توسط آقای محمد رفیعی مهرآبادی ترجمه و در بعضی موارد تحشیه شده است.

این کتاب، که در سال 1965 م برابر با 1343 ش در انگلستان به چاپ رسیده، شامل فصلهای 17 تا 26 کتاب تاریخ معاصر ایران نویسنده است. این فصول شامل یک دوره 28 ساله (حد فاصل 1304 تا 1332) از تاریخ کشورمان است. در آن زمان حکومت ایران با شکست قیام 15 خرداد 1342 ه . ش تخت سلطنت خود را محکم ساخته و با شتابی گسترده جهتگیری سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی خود را به سوی تمدن غرب و دستاوردهای آن آغاز کرد و از حمایت دولتهای غربی نیز بهرهمند شد. در این راستا نویسندگان و مورخین غرب نیز سبک نگارش خود را بر له رژیم چرخاندند. لذا تعجبی ندارد که پیتر آوری نیز که مدافع سیاست دیرینه انگلستان در ایران است، به حمایت و جانبداری از

ص: 53

1- آوری، پیتر؛ تاریخ معاصر ایران، ترجمه رفیعی مهر آبادی ؛ به نقل از شر ح روی جلد از زندگی نویسنده.

رژیم پهلوی بپردازد و اعتقادات مذهبی ایرانیان را زیر سؤال ببرد. به یک نمونه از مدافعات پیترآوری نسبت به سیاست کشورش در ایران آن هم در سالهایی که مصدق تلاش میکرد صنعت نفت را ملی و دست انگلستان را از ذخایر نفتی کشور کوتاه کند، توجه میکنیم. او درباره مصدق چنین مینویسد: «... حمیت و شوق وطندوستیاش در سالهای ناکامیاش به ”جنون سیاسی“ تبدیل گردید ...» [(1)](#content_note_54_1)

هدف نویسنده از به کار بردن واژه جنون سیاسی کاملاً آشکار است، او میخواهد بگوید که مصدق در مبارزه سیاسیاش با انگلستان بر سر مسئله نفت عقل و درایت خود را از دست داده بود.

در اولین فصل کتاب، تحت عنوان نظم نوین رضا شاهی، به نحوی از انحاء میکوشد تا حرکتهای فرهنگی، اجتماعی رضا شاه را که در راستای تبعیت از زندگی اروپایی بود، توجیه کند و به تمجید از آن میپردازد.

این فصل از بخشهای عمدهای است که در تحقیق حاضر از آن بهره بردهایم، و شامل موضوعاتی چون تغییر نظام آموزشی، توجه به میراث تمدن ایران و سیاست تضعیف مذهب، کاهش نقش روحانیت ... و رفع حجاب از زنان است. نویسنده قضیه کشف حجاب را در آئینه تجددطلبی جستجو کرده است و این مهم حداقل در این زمینه به کتاب ارزش خاصی بخشیده است؛ نکتهای که دیگر منابع تاریخ سیاسی معاصر ایران، کمتر بدان نظر داشتهاند. همچنین در زمینه اعلام رسمی این جریان، از قضیهای که در اول سال 1928 م/ 1307 ش برای ملکه در قم و هنگام تحویل سال اتفاق افتاد، یاد میکند و مینویسد:

در اوایل سال 1928 میلادی ملکه (همسر شاه) در هنگام شرکت در یک مراسم مذهبی در قم، ناگهان حجابش کنار رفت و قسمتی از صورتش نمایان شد. واعظی که بر سر منبر بود ملکه را به خاطر این سهلانگاریاش سرزنش کرد. روز بعد شاه همراه با دو زرهپوش و عدهای سرباز به قم آمد و دستور بازداشت و

ص: 54

1- آوری، پیتر؛ همان، ج ٢، ص ٣٦

بیرون آوردن سه مجرم را داد که بر طبق یک سنت مذهبی در مسجد آنجا بست نشسته بودند ... [(1)](#content_note_55_1)

از نظر پیترآوری این قضیه نوعی مقدمهچینی برای اعلام رسمی کشف حجاب بود و همچنین، بیان اراده مصمم رضا شاه برای تثبیت این جریان. وی آنگاه به پیشرفت تدریجی کشف حجاب از طریق مراکز فرهنگی توسط دولت اشاره میکند و مینویسد:

در پائیز 1934 م/ مهر 1313 ه. ش دولت با صدور اعلامیهای مردم را برای پذیرش آموزگاران زن بد حجاب آماده کرد. در مه 1935 (خرداد 1314) یک مرکز فرهنگی زنان که زیر نظر یکی از دختران شاه قرار داشت تأسیس گردید و دخترها با لباس ورزشی رژه رفتند ... [(2)](#content_note_55_2)

نویسنده سپس به روز معروف و مشهور اعلام کشف حجاب اشاره کرده و مینویسد: «در هشتم ژانویه 1936 م/ 17 دی ماه 1314 رضا شاه به اتفاق ملکه و دو دخترش که رفع حجاب کرده بودند و لباس اروپایی به تن داشتند در یکی از دبیرستانهای تهران حضور یافت از این زمان به بعد بود که حجاب ممنوع شد ...» [(3)](#content_note_55_3)

نظر پیترآوری راجع به بازگشت حجاب پس از شهریور 20، چنین است:

عاملی که زنان را به حجاب مجدد سوق داد، بیشتر ناشی از فقر مالی بود تا عقاید مذهبی ... [(4)](#content_note_55_4)

نویسنده نه تنها به شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی ناشی از جنگ دوم بینالملل و خروج رضا شاه اشارهای نمیکند، بلکه فقر مالی زنان را

ص: 55

1- آوری، همان، جلد ٢، از ص ٧٠ به بعد.

2- همان، از ص ٧٠ به بعد.

3- همان، ص ٧2

4- همان، ص ٧٢

عامل عمده روی آوردن آنان به حجاب میداند و کلیه اعتقادات مذهبی و حتی سنتی جامعه ایرانی را در این خصوص نادیده میگیرد؛ غافل از آنکه رعایت حجاب طبق مقررات مذهبی و سنتی از واجبات است و هر زن از فقیر و غنی که معتقد به مذهب و سنتهای اجتماعی باشد، سعی در حفظ و رعایت آن دارد.

پیتر آوری آنگاه به محدودیتهای حقوقی زنان حتی در زمان رضا شاه اشاره کرده و مینویسد: تا سال 1940 م / 1319 شمسی زنها از چند جهت با مردان نابرابر [(1)](#content_note_56_1)بودند از جمله؛ چند همسری برای مردان، حق طلاق، میزان ارث، سواد آموزی و عدم همگامی آموزش و پرورش آنها با مردان. وی سپس به گامهایی که در این رابطه بعد از تبعید رضا شاه از کشور در زمان پهلوی دوم برداشته شده، اشاره میکند و آنگاه به نکات مثبت و منفی حضور زنان در اجتماع می پردازد.

از جمله مینویسد: «... زنانی که بوسیله رضا شاه آزاد شدند به ایفای نقش فعال و در خور ستایشی پرداختند. بسیاری از دختران ایرانی به شغل پرستاری روی آوردند». وجود همین پرستاران «سبب تحکیم فعالیت انجمن شیر و خورشید سرخ شده است». [(2)](#content_note_56_2)

شغل دیگری که پیترآوری به آن اشاره میکند، آموزگاری است:

آموزگاران زن، ثابت کردهاند که همتاهای عالی برای آموزگاران مرد، از لحاظ تدریس در مدارس هستند. زنان در حرفه آموزگاری هوش و درایت زیادی از خود نشان دادهاند که زنهای عادی فاقد آن هستند ... [(3)](#content_note_56_3)

نویسنده در خصوص پیامدهای منفی کشف حجاب به افزایش طلاق، و یا به ولخرجی و هدر دادن پول شوهران از طرف زنهای از حجاب برون آمده اشاره میکند و مینویسد:

ص: 56

1- آوری، همان، از ص ٧٢ به بعد.

2- همان، ص 75

3- همان، ص ٧5

در برخی از موارد زنان به گونهای رفتار میکنند، که گوئی بخشی از خردمندی گذشته خود را از دست دادهاند ... از شوهران خود اطاعات نمیکنند و به ولخرجی و هدر دادن پول شوهرشان میپردازند، ... لباسهای مدل پاریس را که بسیار گران است می پوشند. [(1)](#content_note_57_1)

پیترآوری در دنباله این فصل با اشاره به تغییر و تبدیلهایی که نظم نوین رضا شاهی در امر ازدواج، قوانین جزائی، استخدام در دستگاههای دولتی، تقسیمات کشوری، و صدور شناسنامه به وجود آورده، به چگونگی تأسیس راه آهن دولتی در ایران میپردازد و با توضیحاتی در همین خصوص، فصل اول به پایان میرسد. قسمت اعظم این مطالب در تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

روی هم رفته، ارزش مندرجات فصل اول از جلد دوم کتاب تاریخ معاصر ایران، که در تحقیق حاضر از آن بهره جستهایم، از آن جهت است که نویسنده گرچه بیشتر به نگارش تاریخ سیاسی معاصر ایران پرداخته، اما همانند یک جامعهشناس، قضیه کشف حجاب را از دیدگاه و در آئینه تجددطلبی مورد بررسی قرار داده است؛ نکتهای که دیگر مورخین تاریخ سیاسی معاصر کمتر بدان توجه کردهاند.

با توجه به آنچه که در باب منابع و مآخذ گفتهایم، باید یادآوری کنیم که تحقیق حاضر بیشتر بر اساس اسناد و مدارک به جای مانده از آن دوره بنا نهاده شده، تا سایر منابع و مآخذ. در حقیقت، کشف حجاب و واکنشهای اجتماعی در برابر آن را در آئینه اسناد و مدارکی که قسمتی از آن در پیوست این تحقیق آمده، بررسی نمودهایم و بر مبنای همان بررسیها به نتیجهگیری پرداختهایم. چرا که، استحکام کلام را بهتر میتوان با تکیه بر اسناد اصیل و به جای مانده، به اثبات رسانید، تا دیگر منابع و مآخذ.

ص: 57

1- آوری، همان، ص ٧٤ به بعد.

ص: 58

## فصل اول

### تجددگرایی و کشف حجاب

در میان رخدادهای تاریخ معاصر ایران، کشف حجاب به عنوان یک جریان اجتماعی، موضوعی است که ریشههای آن را باید فراتر از مرزهای عقیدتی و جغرافیایی جستجو نمود. در حقیقت، کشف حجاب به عنوان یک گرایش تجددطلبانه ارمغانی است از دنیای غرب به دنیای شرق. در این جریان، ارزشهای مذهبی و سنتی، تا حدود زیادی دگرگون شده و شکل غربی به خود میگیرد و آنچه مقدس شمرده شده بود مورد بی توجهی واقع میشود.

حجاب در ایران دارای دو بعد تاریخی [(1)](#content_note_59_1)و اعتقادی است و ایرانیان حتی قبل از اسلام نیز آن را پذیرفته بودند و رعایت آن را ارزش تلقی میکردند. با ورود اسلام هم، حجاب همچنان حفظ و به عنوان یک ارزش اصیل و مقدس بدان نگریسته شد. با این همه، نفوذ و دخالت عصبیتهای قومی در مقوله حجاب کمتر از اعتقادات مذهبی نبود. همچنان که در ظاهر پوشش نیز بیشتر به سنتهای اجتماعی تکیه کرد تا به قوانین مذهبی. برای مثال، استفاده از نقاب و روبند پیش از آنکه یک سنت مذهبی باشد، در میان خانوادههای نجبای ایرانی و برای حفظ ایشان از دید رعیت شیوع یافته بود که رفته رفته به دیگر اقشار سرایت کرد.

ص: 59

1- در خصوص تاریخچه و معنی و مفهوم واژه حجاب مراجعه شود به لغت نامه دهخدا بخش حرف ح از ص ٢٨٩ به بعد، همچنین به دائره المعارف اسلامی متن . ٣١٠ – عربی ج ٧، صص ٣١١

آشنایی اندیشهگران و تجددطلبان ایرانی با مظاهر تمدن غرب، این فکر را در آنان به وجود آورد که زنان نیز میتوانند در جامعه نقشهای اجتماعی و سیاسی به عهده گیرند. آنان تصور میکردند برای ایجاد این نقش، پذیرفتن روابط حاکم بر اجتماع غرب، علاوه بر تقلید در زمینه علوم تکنولوژی ضروری به نظر میرسد. چرا که از دید بسیاری از این تجددگرایان، غربیها به همان نسبت که در صنایع و تکنولوژی پیشرفت کردهاند؛ به همان میزان نیز در روابط اجتماعی پیشرفت نمودهاند. یکی از زمینههای اجتماعی که غرب داعیه آزادی و دموکراسی در آن را داشت، حق تساوی حضور زن و مرد در اجتماع بود و این مهم نیز مورد توجه خاص آن دسته از اندیشهگران و روشنفکران ایرانی بود که مقدمات فکری نهضت مشروطیت را در ایران فراهم آوردند.

البته ذکر این نکته ضروری است که همه تجددطلبان ایرانی، خصوصاً در زمینه اجتماعی اینگونه عمل نکردند؛ بلکه به طور کلی آنان در مواجهه با دنیای غرب دو گونه برداشت داشتند: عدهای اقتباس از صنعت و تکنولوژی پیشرفته غربی را در مقایسه با صنایع یدی کشور، برای پیشبرد امر تولید، ضروری دانسته و فرهنگ اجتماعی و روابط حاکم بر زن و مرد را در دنیا غرب نپذیرفتند و تکیه بر فرهنگ خودی و حفظ آن را لازم شمردند. هر چند که ایده و نظر آنان در اجتماع ایران مورد توجه قرار نگرفته و عملی نشده بود. گروه دیگر تقلید را در هر دو زمینه لازم و ضروری [(1)](#content_note_60_1)دانستند.

ص: 60

1- ممکن است گفته شود که پذیرش فرهنگ و آداب و رسوم غربی هم راه با تکنولوژی و صنعت آن امری اجتناب ناپذیر است. اگر چه این نظر را نمی توان کاملاً مطرود دانست، اما م یتوان گفت که لازمه تقلید و پذیرش صنعت و تکنولوژی غرب خاصه آن صنایعی که تأمین کننده نیازهای اساسی اجتماع است، تقلید و پذیرش فرهنگ و آداب و رسوم غربی نیست؛ بلکه این سیاستگذاری و تأثیرپذیری دولتهای جهان سوم و به تعبیر رساتر وابستگی سیاسی و فکری اکثر آنها به دول غربی است که این توهم را به وجود آورده است.

یکی از جریانهای اجتماعی که در برخورد با فرهنگ و آداب و رسوم غربی سخت مورد توجه تجددگرایان قرار گرفت، اتحاد شکل البسه مردان و کشف حجاب زنان بود. به طوری که عده زیادی از این نوگرایان ضمن رعایت آن، جامعه را نیز بدین جهت فرا خواندند و همین دسته اخیر بودند که بذر ترویج فرهنگ و آداب و رسوم غربی را در ایران پاشیدند. بررسی افکار آنان این مدعا را ثابت می کند.

در حقیقت برای بررسی جریان کشف حجاب، نخست باید به ریشههای تاریخی این تفکر که در افکار و آراء این تجددطلبان ثبت و ضبط است، توجه کرد و کشف حجاب را در واقع، در آئینه تجددطلبی جستجو کرد. در همین راستا، ابتدا باید مفهوم تجددطلبی را روشن کرد و مراحل آن را در ایران معاصر مورد توجه قرار داد؛ و آنگاه به بررسی نظریات نخستین تجددگرایان و تأثیر افکار آنان در پوشش مردان و زنان ایرانی پرداخت؛ و در آخر، به سیر این جریان در ایران عصر رضا شاه اشاره کرد که از گستردگی و شتاب بیشتری برخوردار است و کشف حجاب در رأس آن قرار دارد. در مسیر چنین پژوهشی، بر خلاف تصور کسانی که میپندارد کشف حجاب را در ایران رضا شاه به وجود آورد، به این نکته خواهیم رسید که مبتکر این جریان رضا شاه نیست؛ بلکه تفکری تجددطلبانه است که سابقه تاریخی هر چند کوتاهی نیز دارد. در مرحله تئوری، این تفکر تا قبل از تغییر سلطنت بیشتر مطرح بوده و رضا شاه فرصت عملی شدن این طرح را در سطح وسیعی فراهم آورد. بنابراین میتوان رضا شاه را به عنوان کسی که با قلدری به این جریان رسمیت بخشید، بشناسیم؛ نه کسی که موجد [(1)](#content_note_61_1)این قضیه بود.

ص: 61

1- حتی در زمینه اتحاد شکل البسه، و تغییر لباس و کلاه، نمی توان رضا شاه را موجد و مبتکر آن دانست. این رسم از دوران صدارت میرزا حسی ن خان سپهسالار و حتی کمی پیشتر از آن، حداقل در میان کارکنان دولت، آغاز شد . ر. ک: آدمیت، فریدون؛. اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ صص ٤٥٢-٤50

حال قبل از ادامه بحث، مفهوم تجددطلبی را مورد بررسی قرار داده و مطالب این فصل را به شرح ذیل تقسیم میکنیم:

مفهوم تجددطلبی،

مراحل سهگانه تجددطلبی و بررسی نظریات نخستین تجددطلبان،

تأثیر تجددطلبی در پوشش بانوان عصر قاجار،

سیر شتابزده تجددطلبی در ایران عصر رضا شاه و برنامههای تجددگرایانه وی،

وضع قوانین عرفی (غیر شرعی) و تجدید سازمان دستگاه قضا،

تغییر نظام آموزش و پرورش و ایجاد سازمانهای آموزشی به شیوه کشورهای اروپایی،

ترویج و تحمیل لباس و کلاه اروپایی به ایرانیان ،

رفع حجاب از زنان (کشف حجاب).

### مفهوم تجددطلبی

تجددطلبی [(1)](#content_note_62_1)و ترقی به مفهوم تاریخی، پدیده عظیم و سازنده تمدن جدید غربی است. تجددطلبی از دیدگاه دانش سیاسی و جامعه شناسی، به مفهوم تغییر و تحول و تکامل هیئت جامعه است، تحول در معنای غربی که عام و همه جانبه است و شامل سیاست و اخلاق و اقتصاد و عقاید و کردار اجتماعی و ارزشهای آدمی است که از طبیعت مادی ناشی می شود. [(2)](#content_note_62_2)

فکر ترقی و تجددخواهی در غرب، حاصل عصر روشنائی است که بر اثر آن، رابطه فرد و دولت بر پایه حق و تکلیف تغییر مییابد، مفهوم رعیت به ملت مبدل میگردد، دیانت در سیاست دخالت ندارد، دانش

ص: 62

1- این واژه را مترادف Modernism به معنی تلاش در جهت هماهنگ ساختن ،نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن دانسته اند . نگاه کنید به: آقابخشی، علی؛فرهنگ علوم سیاسی؛ نشر تندر، چاپ اول ١٣٦٣ ، ص ١٦٦

2- آدمیت، فریدون؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون، عصر سپهسالار؛ ص . ١٤٥

طبیعی در پیشرفت صنعت به کار بسته میشود، آموزش عمومی گسترش مییابد ... و در تحلیل نهایی زندگی عینی انسانی موضوع پژوهش و اندیشه است .[(1)](#content_note_63_1)

اما در مشرق زمین، فکر ترقی و تجددطلبی به عنوان ایدئولوژی اجتماعی نو، در نیمه سده نوزدهم در چند کشور از جمله ایران نمایان گردید. این سیر و اندیشه جدید اجتماعی مراحلی را طی نمود و به دنبال هر مرحله تأثیرات عمدهای بر ساختار اجتماعی و فرهنگی مشرق زمین برجای نهاد.

### تجددطلبی در ایران و نخستین متجددان

با بررسی افکار و آراء نوگرایان ایرانی میتوان گفت تجددطلبی در ایران سه مرحله را طی کرده است. این مراحل نخست با غربگرایی آغاز میشود، سپس به غربزدگی و بعد به باستانگرایی توأم با غربزدگی معطوف میشود. در این باستانگرایی توجه صرف به فرهنگ ایران باستان و بیان مجد و عظمت تمدن ایران قبل از اسلام مد نظر بود. مرحله سوم، از آن جهت دارای اهمیت است که نشان میدهد: «پیوند ناسیونالیسم با اندیشه ترقی از دو جهت میباشد. یکی از جهت فرضیه حاکمیت ملی به معنای دقیق آن، دیگر از جهت گرایش به مدنیت غربی» .[(2)](#content_note_63_2)

غربگرایی و گرایش به غرب در ابتدا به تقلید از صنعت و تکنولوژی، خصوصاً در زمینه صنایع نظامی آغاز شد و شروع این جریان در دوران معاصر به دوره فتحعلیشاه قاجار بر میگردد. به دنبال شکستهای پی در پی ایرانیان از روسیه، دربار ایران درصدد برآمد برخی از شیوههای غربیان را در محدوده امور نظامی و سیستم اداری و آموزشی تجربه کند.

ص: 63

1- آدمیت، فریدون؛ همان، صفحه . ١46

2- همان، صفحه ١60

به همین منظور اولین گروه از مستشاران نظامی که فرانسویان بودند به دعوت دولت ایران وارد کشور شدند:

ایرانیان به سرپرستی ژنرال گاردان به نقشهبرداری راهها و معابر و بنادر و تنظیم نقشههای نظامی و تعلیم سپاهیان و ساختن توپ پرداختند. پس از آن چند هیات نظامی از طرف دولت انگلیس به ایران اعزام ، و به تعلیم سپاهیان ایران مشغول گردیدند. [(1)](#content_note_64_1)

در همین زمان (1233 ه. ق) برخی از صنایع اروپایی مانند چاپخانه [(2)](#content_note_64_2)نیز از غرب اقتباس شد. در سیستم حکومتی و در میان حکومتگران عباس میرزا نایب السلطنه، در این رابطه نقش اساسی داشت. وی دو محصل ایرانی را به انگلستان اعزام داشت که برای خودشان و کشورشان مفید باشند یکی از این [(3)](#content_note_64_3)دو پس از یکسال و نیم درگذشت و دیگری میرزا حاجی بابا، به تحصیل طب پرداخت و پس از شش سال به ایران بازگشت.

به دنبال آن، در سال 1230 ق یک هیئت پنج نفری از جوانان ایرانی برای تحصیل در رشتههای مختلف از قبیل: مهندسی، طب، توپخانه، زبان و علوم طبیعی به انگلستان اعزام و نزدیک به چهارسال در لندن به تحصیل پرداختند و پس از بازگشت به ایران هر یک به کاری در خور تحصیلات خود گمارده شدند. از میان آنها دو نفر به مقامات بلند پایه

ص: 64

1- صبحی علی اکبر، سیری در جامعه شناسی، ص . ٩٨

2- در خصوص تاریخ صنعت چاپ در ایران مراجعه شود به: محبوبی اردکانی، حسین؛ تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران؛ جلد اول؛ از صفحه ٢٠٩ به بعد.

3- بنا به قول مینوی، یکی از این دو (محمد کاظم) پس از هیجده ماه در انگلیس به مرض سل فوت می شود و دیگری حاج بابا افشار حدود ٨ سال در لندن بود و پس از آن به ایران بازگشت و سمت حکیم باشی یافت . (نگاه کنید به: مینوی، تاریخ و فرهنگ؛ به نقل از اولین کاروان معرفت، مندرج در مجله یغما سال ١٣٣٢ ؛ چاپ سوم، انتشارات خوارزمی ١٣٦٩ از ص ٣٨ تا ص ٣٩٠ ؛ و: محبوبی اردکانی ؛ همان ، جلد اول، از ص ١٢٢ به بعد؛ و: شهیدی، همایون؛ گزارش سفر میرزا صالح شیرازی ، ص.(23

دولتی رسیدند. یکی «میرزا جعفر مهندس» که بعدها به سفارت ایران در عثمانی رفت و مشیرالدوله لقب یافت. سپس رئیس شورای دولت گردید. هم اوست که میرزا ملکمخان رساله خود را بنام کتابچه غیبی یا «دفتر تنظیمات» در اصلاح حکومت یاران به وی عرضه داشت .[(1)](#content_note_65_1) دیگری میرزا محمدصالح شیرازی بود که در انگلستان به مجمع فراماسونرها راه یافت که از آن به مجمع فراموشخانه یاد میکند و در این باره مینویسد:

مدتها بود که خواهش دخول مجمع فراموشان را داشته فرصتی دست [نداد] تا اینکه مستر پارسی استاد اول فراموشان را دیده که داخل به محفل آنها شده باشم و قرارداد روزی را نمودند که در آنجا روم.

و باز میگوید:

روز پنجشنبه به همراه مستر پارسی و کلنل دارسی داخل فراموشخانه گردیده شام خورده در ساعت یازده مراجعت کردم زیاده از این در این باب نگارش آن جایز نیست .[(2)](#content_note_65_2)

آمد و رفتهای میرزا صالح به مجمع فراموشان انگلیس تا به آن حد بود که این مجمع درصدد برآمد او را به مرتبه استادی برساند و تمام و کمال به ایران روانه سازد. به طوری که، مستر هردیس یکی از بزرگان فراموشخانه انگلیس به وی یادآور میشود «یک هفته دیگر عازم ایران هستید و فردا فراموشخانه باز است اگر فرداشب خود را آنجا رسانیدی مرتبه استادی را به تو میدهم وگرنه ناقص به ایرانی می روی» .[(3)](#content_note_65_3)

میرزا صالح پس از بازگشت به ایران مترجم رسمی دولت شد و به مأموریتهای سیاسی متعددی اعزام گردید. بنابراین، دور از انتظار نیست که این محصلان پس از بازگشت، ضمن کسب تخصص مورد نظر،

ص: 65

1- ولایتی، علی اکبر؛ مقدمه فکری نهضت مشروطیت، ص ٢٤ ، و: شهیدی ، همایون ؛ . گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ص 23

2- شهیدی، همایون؛ گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، ص ١٨٨

3- همان؛ ص ٢٥٩

تحت تأثیر [(1)](#content_note_66_1)فرهنگ و آداب و رسوم غربی قرار گرفته، در ترویج آن بکوشند. همان طوری که، یکی از این افراد (میرزا صالح) به مجمع فراموشان پیوسته بود.

میرزا صالح در خاطرات خود به این خودباختگی در مقابل فرهنگ غرب اشاره کرده و مینویسد: «... مدتی بعد از ورود به انگلستان ریش را تراشیده و لباس انگریزی در بر کرده و ملاحظه عادت و قاعده نکرده ...همچنین به لباس ایران بودن را نیز از عقل دور دانستم و صلاح وقت این است که ملبس به لباس انگریزشوم ...». [(2)](#content_note_66_2)

جدای از سفرنامههای اروپاییان و نمایندگان آنها، همین خاطرات و نوشتههایی از این دست بود که باعث آشنایی ایرانیان با دنیای غرب و ایجاد انگیزه غربگرایی و غربزدگی در آنان گردید.

پس از عباسمیرزا، امیرکبیر نقش عمدهای در پیشبرد این جریان (غربگرایی) داشت. امیرکبیر نه تنها محصلان ایرانی را به اروپا فرستاد، بلکه مانند عباس میرزا به ترجمه کتب خارجی نیز اهتمام ورزید: «به کوشش او بود که کتابهائی از جغرافیای جدید عالم به فارسی ترجمه شد و کتب دیگری درباره مسائل سیاسی و امور بهداشتی ترجمه و منتشر گردید. بدین منظور امیرکبیر دارالترجمهای تأسیس کرد». [(3)](#content_note_66_3)

از دیگر کارهای مهم امیرکبیر تأسیس دارالفنون در سال 1269 ق/ 1852 م بود. هدف اولیه دارالفنون [(4)](#content_note_66_4)، تربیت کادر متخصص ارتش به سبک و آموزش غربی بود. بدینسان، نخستین گام را در جهت ورود سیستم آموزشی غرب به ایران برداشت. البته امیرکبیر شخصاً بر جریان ورود سیستم آموزشی غرب آن هم در سطح تعلیم کارشناس و متخصص

ص: 66

1- در خصوص تأثیر آداب و رسوم فرنگی در این محصیلان مراجعه شود به: محبوبی . اردکانی، همان، جلد اول، از صفحه ٢ تا صفحه ١٧0

2- شهیدی، همایون؛ همان؛ ص ١٨0

3- صدیق، عیسی؛ تاریخ فرهنگ ایران؛ صفحه ٣26

4- در ارتباط با چگونگی تاسیس دارالفنون، نام، محل و ساختمان دارالفنون و نخستین . معلمین آن مراجعه شود به: محبوبی اردکانی، همان، جلد اول، از ص ٢٥٣ تا ٢92

نظارت داشت؛ به طوری که از کارشناسان و اساتید انگلیسی و روسی که بر سر منافع خود در ایران درگیر بودند، دعوت به عمل نیاورده: «به فرانسه و اتریش روی آورد و مستشاران و استادان فرانسوی و اتریشی را به ایران دعوت کرد». [(1)](#content_note_67_1)در این مدرسه استادان اروپایی به زبانهای غربی، به ویژه زبان فرانسه تدریس میکردند. برنامه آموزشی و درسی «نیز تقلیدی از مدارس فرانسه بود» [(2)](#content_note_67_2)؛ و فضای حاکم بر این مؤسسه آموزشی نیز حال و هوای غرب و غربگرایی داشت. فارغالتحصیلان این مدرسه عمدتاً فرزندان اعیان و اشراف و ملاکین ثروتمند بودند که در سالهای بعد مروج غربگرایی و حتی بعضاً غربزدگی در ایران گردیدند و در جنبش مشروطه جزء سردمدارانی بودند که در جهت ترویج فرهنگ غرب و هدایت این جنبش به سمت آن تلاش نمودند.

در همین زمان، در کنار ورود الگوهای نظام آموزشی غرب، سیستم اداری و حکومتی نیز طبق همان الگوهای غربی در نظام سیاسی و حکومتی ایران وارد گردید. در سال 1275 ق هنگام صدارت میرزا حسینخان سپهسالار که یکی از متجددین عصر ناصری است، به تبعیت از سیستم حکومتی غرب، وزارتخانههای ششگانه که عبارت بودند از: «داخله، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه، وظایف و اوقاف» به وجود آمدند. هدف از ایجاد چنین وزارتخانههایی این بود که «جمیع مشاغل مهام عظیمه دولتی منحصر به یک نفر نباشد و دولت و مملکت خود را تربیت فرمایند و آئین سلطنت را ترقی دهند ... و اگر مهمی از برای دولت پیش آید، کل وزراء و امناء باید شورا نموده گفتگو در مصالح امر نمایند». [(3)](#content_note_67_3)

میرزا حسینخان، بعد از یک دوره رکود هفت ساله صدرات میرزا آقاخان نوری که معرف تفکر ارتجاعیون بود از محرم 1268 تا محرم 1275، دوران ترقیخواهی سه ساله و نا تمام خود را از 1275 تا 1278

ص: 67

1- صدیق، عیسی؛ تاریخ فرهنگ ایران؛ صفحه ٣٣٠- ٣٢٧

2- نقوی، علی محمد؛ جامعه شناسی غربگرایی؛ جلد ١، صفحه ٤1

3- آدمیت، فریدون؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون؛ صفحه ٥4

آغاز کرد [(1)](#content_note_68_1)و بعد از یک بحران ده ساله سیاسی، اقتصادی از سال 1287 ق. به عنوان نماینده تجدد و ترقی، طرح ناظم جدید را ریخت. به قول آدمیت: «روح و فلسفه دولت سپهسالار تغییر بود در جهت ترقی...». جوهر نقشه ترقی او این بود:

اصلاح طرح حکومت، و تأسیس دولت منتظم بر پایه «قوانین موضوعه جدید»، «الغای ادارات قدیمه و تشکیل وضع جدید»، «ترقی و تربیت ملت از طریق ایجاد مدارس جدید» و «مدارس مجانی» و «مکتب صنایع» و «نشر علوم و صنایع خارجه که اسباب عمده ترقی و تربیت یک دولت و ملت است»، «افزودن بصیرت مردم» و «استحضار افکار عمومی» به وسیله روزنامه و اختیار همه کس که درد «آئین وطن پرستی» و «دفاع حقوق ملت» ... و استقرار مناظم جدید عالی «که ملت ایران و سلطنت قدیم با آن عظمت باستانی خود را احیاء کند». [(2)](#content_note_68_2)مجموعه این اصول ایدهئولوژی سبک جدید را بوجود آورد که در سیستم اداری و سیاسی کشور تغییرات عمدهای را ایجاد کرد و نماینده کامل این سبک جدید به تعبیر ناصرالدین شاه قاجار «شخص اول دولت یعنی میرزا حسینخان بود». شاه در سلام عام (25 شوال 1288 ه. ق) گفت: « از این پس امنای دولت باید سبک جدید را که به وجود شخص اول شروع یافته پیش گیرند» و ملت و دولت «سلیقه جدید ما را در حکومت» بدانند و در دستخط خود به صدراعظم نیز نوشت: «از خداوند عالم مسئلت مینمایم که عمری بدهد و ما و شما را موفق کند که آن چه از خدمات و اصلاحات و خیالات عمده که برای ترقی ملت و دولت در نظر است، کاملاً به انجام و اتمام برسد».

میرزا حسینخان اعتقاد داشت که در ادامه اجرای سیاست تجددطلبی، باید روحانیت را از صحنه های سیاسی کشور دور گرداند: «اعتقاد من درباره حضرات ملاها براین است که ... به قدر ذره ای در

ص: 68

1- آدمیت؛ همان، صفحه ١6

2- همان، صص ١٤٧- ١٤6

امورات حکومتی آنها را مداخله نداد و مشارالیهم را ابداً واسطه فیمابین دولت و ملت مقرر نکرد ...».[(1)](#content_note_69_1) اصلاحات اداری و تشکیلات جدید و سیاست وی در این راستا، منجر به ایجاد هسته اولیه بوروکراسی در ایران گردید که «بسیاری از دیوانسالاران نخستین، از فارغ التحصیلان دارالفنون بودند».

بدین ترتیب، جریان غربگرایی در ایران معاصر، همانند سیر غربگرایی در ترکیه نخست با اقتباس از تکنولوژی جنگی آغاز و آنگاه به تأسی از نظام آموزشی، اداری، سیاسی، انجامید. انگیزه رویکرد ایران به غرب ناشی از عقبماندگیهای نظامی، صنعتی، اقتصادی، آموزشی و تقویت این زمینه ها حتی برای مقابله و یا رقابت و یا خودکفائی، با دنیای سرمایهداری غرب و نه وابستگی صرف در زمینههای مزبور به آنان بوده است. اما دستپروردگان جدید همین نظام آموزشی که بعدها در مصدر امور قرار گرفتند، غربگرایی را تبدیل به غربزدگی کردند.

آغاز مرحله غربزدگی در ایران را میتوان، زمان شکل گیری نهضت مشروطیت دانست. ایدئولوگها و نظریه پردازان عمده مشروطیت اکثراً غربزده و از طبقه اعیان بودند. یکی از این افراد میرزا ملکم خان (ناظم الدوله) است که در اروپا تحصیل کرده و با سیستم حکومت غرب آشنایی کامل داشت و پس از مراجعت به ایران فراموشخانه را تأسیس کرد. [(2)](#content_note_69_2)وی به قول خود در تلاش بود تا «عقل و سیاست مغرب زمین را با خرد و دیانت مشرق زمین، به هم آمیزد». و به فراست دریافت که در بادی امر «تغییر ایران به صورت اروپا کوشش بی فایدهای است». از اینرو، فکر ترقی را در لفافه دین عرضه داشت تا هموطنانش «آن معانی را نیک دریابند». [(3)](#content_note_69_3)با شگردی که ملکم در پیش گرفت، توانست حرف

ص: 69

1- آدمیت؛ همان، صفحه ١٧٩

2- همان، صفحه ٦3

3- همان، صص ٦٥- ٦4

آخر خود را در جهت تبعیت صرف از غرب و الگوهای غربی علناً بیان دارد تا جایی که مینویسد:

در اخذ اصول تمدن و مبانی ترقی عقلی و فکری حق نداریم در صدد اختراع باشیم، بلکه باید از فرنگی سرمشق بگیریم و در جمیع صنایع از باروت گرفته تا کفشدوزی محتاج سرمشق بوده و هستیم . [(1)](#content_note_70_1)

ملکم نه تنها به تقلید از علم و صنعت غرب (رویه کارشناسی آن)، تاکید داشت بلکه تبعیت از فرهنگ و ارزشهای فرهنگی غرب را که وی آنرا «کارخانجات انسانی مینامید لازم و واجب میدانست»؛ ما خیال میکنیم که درجه ترقی آنها همان قدر است که در صنایع ایشان میبینیم حال آنکه اصل ترقی ایشان در آئین تمدن بروز کرده است. ملل یورپ هر قدر که در کارخانجات فلزات ترقی کردهاند صد مراتب بیشتر در «کارخانجات انسانی» پیش رفته اند . [(2)](#content_note_70_2)

بدینسان ملکم خان راه نجات را تنها در پیروی بی قید و شرط از غرب و اقتباس نظام فرهنگی آن میداند.

مرحله سوم از تجددطلبی غربزدگی در چهره باستانگرایی [(3)](#content_note_70_3)است که از پیشروان این مرحله میرزا فتحعلی آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی هستند. آخوندزاده یکی از منادیان تفکر غربی است. وی مدعی تجدید نظر طلبی در اسلام گشت و پروتستانتیزم اسلامی را مطرح کرد.

ص: 70

1- آدمیت؛ فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت؛ صص ٢٠- ١9

2- نقوی، همان، صص ٨٠-٧9

3- هر چند غربزدگی و باستانگرایی با یکدیگر تفاوت دارد، اما، خلاء ایدئولوژیک و سست بودن مبانی اعتقادی منادیان این جریان لاجرم آنها را به سمت تقابل با اسلام، تشیع، و مخالفت با علمای اسلام از طریق بزرگ جلو هدادن ایران قبل از اسلام سوق داد، به طوری که در لباس تجدد ارتجاع را طلب می کردند. این جریان در دوره رضا خان، به اوج خود رسید و شکل شوینیستی پیدا کرد و مانند دو تیغه قیچی علیه مبانی اعتقادی جامعه اسلامی به کار گرفته شد.

مجذوبیت او در مقابل فرهنگ و تمدن مغرب زمین را میتوان از این گفتار وی دریافت:

مردم آسیا حریت کامله را یکبارگی گم کردهاند و از لذت مساوات و نعمت حقوق بشریت کلاً محرومند ... بر شما لازم است که بزرگ خود (یعنی غرب) را بشناسید همیشه به امر و نهی او مطیع باشید و رسوم بندگی و آداب انسانیت را یاد بگیرید .[(1)](#content_note_71_1)

آخوندزاده در عین حال که خود را ملیگرا قلمداد میکرد، از طرفداران تغییر خط فارسی به لاتین نیز بوده است .[(2)](#content_note_71_2) متقدمان و متأخران و همفکران آخوندزاده همچون ملکمخان و تقیزاده برای سست نمودن مبانی اسلامی جامعه و ترویج غربزدگی افراطی تلاشهای زیادی کردند؛ به طوری که گویا تمام هم و غمشان بریدن از فرهنگ اسلامی و خودی و روی آوردن به فرهنگ و آداب و رسوم غربی بوده است. این قبیل متفکران، حتی چندین سال پیش از آنکه رضا شاه به فکر زدودن اساس اعتقادی ایرانیان که بر اسلام استوار است بیفتد؛ در این فکر بودهاند.

یکی از شاخصهای اعتقادی و سنتی که در تفکر آخوندزاده مورد هجوم قرار گرفت و برای رفع آن بعد از مشروطیت و تغییر سلطنت در ایران، کوشش گردید، حجاب زنان بود. در جایی که از پروتستانتیزم در مذهب یاد میکند، مینویسد: «کسانیکه بعد از این از [میان] اخلاف ما در دین اسلام بانی پروتستانتیزم خواهند شد ... آیه حجاب را منسوخ، خواهند کرد ...». [(3)](#content_note_71_3)و برای ایجاد الگو برای زنان ایرانی به دنیای غرب توجه دارد. چرا که امروز در بعضی دول غرب زنان را به امور اداره مملکت نیز داخل میکنند. علاوه برآنکه درجه تاجداری را نیز در بعضی ادیان برایشان مسلم میدارند چنانکه این رسم قبل از غلبه عربها در ایران

ص: 71

1- آدمیت؛ اندیشه میرزا فتحعلی آخوندزاده، صفحه ١١8

2- همان، صفحه ٧٥

3- همان؛ ١48

جایز بود. «و در جای دیگر از عدم مساوات اجتماعی در حق زنان ایرانی سخن میراند که آگاه باشند که خردمندان جهان زنان را در جمیع حقوق بشریت و آزادیت با مردان شریک شمرده اند ...». [(1)](#content_note_72_1)

از دیگر باستانگرایان متعصب و غربزدگان، همان طور که قبلاً بدان اشاره شد، میرزا آقاخان کرمانی[(2)](#content_note_72_2) است. البته وی خواهان توجه بیشتر به فرهنگ ایران باستان و تجدید دوباره تمدن ایران قبل از اسلام بود تا به غربزدگی صرف. میرزا آقاخان، عامل بدبختی و عقبماندگی ایرانیان و دوری آنان از تمدن و فرهنگ امروزی (غربی) را حمله اعراب و ورود دین اسلام به ایران میدانست. تا جایی که، در دفاع از سلسلههای ایرانی قبل از اسلام (هخامنشینان و ساسانیان) مینویسد: «عظمت تاریخ ایران با هخامنشینان آغاز گردید و کورش مؤسس شوکت حقیقی ایران» است. روح حکومتش «آئین داد و انسانیت بود ...». و در مورد سلسله ساسانی میگوید: «با تأسیس دولت ساسانی تاریخ ایران روشنی مخصوص یافت و قدرت ملت و حکومت و کیش همه خادم رهسپر مقصد واحد طبیعی ترقی گردیدند ...». [(3)](#content_note_72_3)و برای مقایسه کردن و برتری دادن دین زند نسبت به اسلام چنین اظهار میدارد: «در عالم دیانت قانون زند استوارترین آیینهای ازمنه سابقه بود و مدارش بر پروگرام و نظام ترقی قرار داشت» و لابد آن نظام مترقی که هم اکنون از رونق افتاده و هر اخلاق زشتی که هم اینک از ایرانیها سر میزند عاملش عربها بودهاند: «... هر شاخه از درخت اخلاق زشت ایران را که دست میزنیم ریشه او کاشته عرب و تخم او بذر مزروع آن تازیان است». [(4)](#content_note_72_4)«یکی از آنها حجاب بیمروت زنان است. در ایران باستان زنان با مردان شریک زندگانی بودند، با هم مراوده داشتند. حال هزار سال است زنان ایران مانند زنده بگوران تازیان در زیر

ص: 72

1- آدمیت؛ همان؛ ٢٢٥ - 224

2- وی داماد میرزا یحیی نوری، صبح ازل، بود و متهم به ازلیگری

3- آدمیت؛ اندیشه های میرزا آقاخان کرمانی؛ صفحه ١٨0

4- همان؛ ١٨0

پرده حجاب و کفن جلباب مستور، و در خانهها چون کور محجوب و مهجور گشتهاند. روبندهای زنان نه روزنه تنفس دارد و نه منظره تجسس ...».[(1)](#content_note_73_1) و تأثیر سوء دیگر پردهداری از نظر وی در امر ازدواج است عدم آشنایی زن با اخلاق شوهری که میخواهد با او زندگی کند و عدم آزادی در انتخاب همسر خود منشاء مفاسد عمده اجتماعی میشود و «... تمام این خرابیها ناشی از ازدواج به زن ندیده و نشناخته است، و کل راجع به روبستن و بخانه نشستن آنهاست» .[(2)](#content_note_73_2)

مسئله دیگری که وی نیز در آن با آخوندزاده هم عقیده است، مسئله تغییر خط به منظور تغییر فرهنگ و مذهب ایرانیان است:

«... اما موضوع بسیار مهم را نگفتیم و آن مسئله خط و الفبای تعلیمات است ... با قبول الفبای عربی، حروف مقطع فارسی مبدل به حروف چسبیده عربی شد. اعراب را برداشتند و به زیر و زبر حروف گذاشتند و خط فارسی را چنان مشکل ساختند که امروزه به نقاشی و رمز مبدل گردیده است» البته این نکته اخیر راجع به خط حتی به قول میرزا آقاخان، مقصر خطاطان ایرانی هستند که «... سعی دارند خطوط را، خوشگل بنویسند، میخواهد خوانده بشود، میخواهد خوانده نشود ...» .[(3)](#content_note_73_3)

میرزا آقاخان در جای دیگری، عامل عقب ماندگی ایرانیان را از کاروان تمدن و ترقی، الفبای عربی میداند و مینویسد: «هنوز مردم نمیدانند الفبای دشوار عربی چه اندازه آنان را از راه مدنیت و ترقی بدور انداخته است»! [(4)](#content_note_73_4)

امثال میرزا آقاخان فراموش کرده بودند که عقب ماندگی ایرانیان با تغییر خط جبران نمیشود. بلکه تنها اثر تغییر خط از دست دادن میراث

ص: 73

1- آدمیت؛ همان؛ ١٩٥- ١٩4

2- همان.

3- همان؛ ١٩5

4- همان؛ ١٩6

مذهبی و فرهنگی جامعه بود و ایجاد جامعهای بیهویت فرهنگی که در نهایت ناگزیر است هویت خود را در دنیای مادی غرب جستجو کند. [(1)](#content_note_74_1)

البته ایدئولوگهای نامبرده و دیگرانی از این قبیل، به لحاظ افراط در غربزدگی و تجددطلبی درجات مختلف داشتهاند. ملکم اروپاییشدن محض را میطلبید، آخوندزاده غربزدگیاش بر ملیگرایی میچربید و میرزا آقاخان حالتی بینابین داشت. [(2)](#content_note_74_2)همین جریان غربزدگی و افکار منبعث از غرب بود که پوشش و حجاب مرسوم آن زمان را به زیر سؤال برد و در طرز لباس و آرایش زنان ایرانی حتی قبل از نهضت مشروطیت اثر بخشید. اکنون، به تأثیر جریان غربزدگی در دگرگونی پوشش زنان ایرانی در دوره قاجار میپردازیم.

### تأثیر تجددطلبی در تغییر پوشش زنان ایرانی عصر قاجار

در ابتدا تأثیر جریان تجددطلبی و غربگرایی در فرم و شکل پوشش ایرانیان، از مردان و در دوره فتحعلی شاه آغاز شد. آمد و رفتهای هیئتهای فرانسوی و انگلیسی به دربار ایران به منظور عقد قراردادهای سیاسی نظامی با دولت ایران، باعث گردید که دربار ایران به تدریج با تحولات سیاسی نظامی و اجتماعی اروپا آشنا گردد.

فرانسویان برای نفوذ در ایران از دربار شروع کردند و در کنار به رخ کشیدن پیشرفتهای فنی خود، چندین خیاط فرانسوی را به دربار قاجار اعزام داشتند. این خیاطان لباسهایی را برای شاهزادگان قاجار میدوختند که از برشها و طرحهای اروپایی مایه میگرفت و علیالظاهر آنان را در پیش چشم دیگران متمایز و برجسته مینمود. به دنبال آن، حاصل اولین و دومین کاروان معرفت به غرب در زمینه فرهنگی و اجتماعی برای

ص: 74

1- برای مثال می توان از کشور ژاپن یاد کرد که با وجود خط و الفبای مشکل آن، بدون تغییر خط به پیشرفتهای عظیمی در زمینه های مختلف علمی و صنعتی نایل آمده است.

2- نقوی، علی محمد؛ جامعه شناسی غربگرایی، ج ١، ص ٨2

ایرانیان، ترویج آداب و رسوم و لباس اروپایی در جامعه سنتی ایران بود. لیکن این جریانات در نوع و شکل پوشش زنان ایرانی تأثیر چندانی برجای نگذاشت و «پوشش آنان بیشتر براساس ذوق و سلیقه شرقی بود» اما، در دوره ناصری و به دنبال مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا (1290 ه. ق) در ظواهر پوشش اندرونی زنان دگرگونی حاصل شد. عبدالله مستوفی در کتاب خاطرات خود در این مورد چنین مینویسد:

«لباسهای زنان ایرانی تا قبل از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ عبارت بود از پیراهنی کوتاه و ارخالقی از آن کوتاهتر که برای پوشاندن بالا تنه به کار میرفت، و زیر جامهای که تا پشت قدمها را میپوشاند. در زمستان کلجهای هم برای حفظ از سرما بر آن اضافه میشد سرپوش زنها هم چارقدی بود که سر و موهای بافته بلند آنها را می پوشاند».[(1)](#content_note_75_1) اما سفر شاه به اروپا و «مشاهده بالرینهای سن پطرز بورگ در روسیه» و طرز لباس آنها شاه را بر آن داشت تا پس از بازگشت به ایران زنهای حرم خود را به لباس آنها درآورد» و از آنجا که مد لباسهای دارالخلافه همواره از اندرون شاه صادر میشد، ابتدا به شاهزاده خانمها و زنان اعیان و بعد به سایرین سرایت کرد [(2)](#content_note_75_2) اما علیرغم این رسوخ و تبعیت از الگوهای غربی در لباس و پوشش اندرونی زنان، باید اذعان داشت که هنوز شرایط برای تغییر این پوشش در خارج از منزل فراهم نشده بود و پوشیدن چادر با روبند همانند زمان فتحعلیشاه ادامه داشت. فقط در این دوره زنان جوان گاهی روبنده را یک طرف جمع می کردند. [(3)](#content_note_75_3)

در این زمان شکل قرار گرفتن روبند بر روی چادر، معانی مختلفی را در ذهن ایجاد میکرد. اگر زنان آنرا بر میداشتند یا به عقب سر میاندختند، علامت آن بود که چیزی را اعلام میدارند و راجع به

ص: 75

1- ضیاء پور، جلیل؛ پوشاک زنان ایرانی از که نترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، از ص ١٨٧ به بعد.

2- نجفی، ناصر؛ دارالخلافه تهران؛ صفحه . ٢٤4

3- ضیاء پور؛ همان؛ از ص ١٨٧ به بعد.

موضوعات سیاسی [(1)](#content_note_76_1)یا اجتماعی کشور تقاضای مشارکت دارند. خصوصاً در دوران مشروطه و بعد از آن، این طرز عمل زنان بارها و بارها مشاهده گردید. با تأسیس مدارس دخترانه، در سال 1282 ه. ق [(2)](#content_note_76_2)آن هم توسط یک دولت بیگانه، زمینه تغییر در پوشش خارج از منزل زنان فراهم شد. تغییر در پوشش زنان با تغییر در وضع سیاسی، اجتماعی آنان و استیفای حقوق سیاسی خود، ارتباط دارد. اگر چه انقلاب مشروطیت در ابتدا نقشی را آنهم به صورت مستقیم برای زنان در حیات سیاسی، اجتماعی ایران قائل نشد و به قول ایوانف: «زنان از حق انتخاباتی محروم بودند ...[(3)](#content_note_76_3) چه رسد به اینکه نامزد انتخاباتی شوند». اما، اقدامات شاه، مبنی بر اجرای نظم نوین، و اروپایی ساختن بعضی از جنبه های زندگی و آداب ایرانی [(4)](#content_note_76_4)در پوشش زنان نیز تأثیر بخشید. خصوصاً آنکه تغییر نقش زنان در عرصه سیاسی اجتماعی در مرامنامه ها و نظامنامه های احزابی چون، دموکرات، اجتماعیون اعتدالیون، جمعیت ترقیخواهان، فرقه اصلاحیون عامیون، به صورت توجه به لزوم تعلیم و تربیت زنان و ایجاد مدارس دخترانه مطرح گردید،[(5)](#content_note_76_5) در نهایت به تغییر درپوشش خارج از منزل زنان ایرانی منجر شد و به همین سبب زنان در سایه «تحصیل آزادی جدید و علامات آن با کمال سعی[،] بعضی رسوم مخصوصه از جمله حجاب سنتی را که از قرون پیش در ایران معمول بود، ترک

ص: 76

1- نگاه کنید به خاطرات شوستر در جریان قضیه اولتیماتوم ١٩١١ دولت روس به ایران که از مبارزات زنان نقابدار ایرانی یاد می کند و در قسمتی از آن چنین می نویسد: آن هیات مادران و زوجات و دختران محجوب ایرانی، طپانچه های خود را برای » صفحه ٢٤١ ). و یا در جای ) .« تهدید نمایش داده و نقابها را پاره کرده و دور انداختند در تهران معروف بود که هر وقت زنها برخلاف کابینه دولت بلوا و »: دیگر م ینویسد .« شورش می کنند، حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت خواهد شد .(ص ٢٣٩)

2- محبوبی اردکانی، همان؛ از ص ٣٦٧ به بعد

3- ایوانف، تاریخ انقلاب مشروطیت، صفحه . ٣0

4- آوری، پیتر؛ تاریخ معاصر ایران، ج ٢، ترجمه رفیعی مهرآبادی، ص ٢٩

5- اتحادیه، منصوره؛ مرامنامه و نظام نامه های احزاب سیاسی، ص ٤٦ و ص ١10

نمودند ... و با کمال قوت مشغول به ترویج و ترقی خیالات مهمه مغرب زمین شدند ...». [(1)](#content_note_77_1) علاوه بر آن، در این دوره مقالاتی در مجلات [(2)](#content_note_77_2)و نشریات آن زمان، علیه نقش سنتی زنان در خانه درج میگردید که زنان نباید وقت خود را تنها در خانه بگذرانند و در زیر پرده حجاب و جلباب در اجتماع نمایان شوند باید به هر ترتیبی است از پرده حجاب خارج شده و وارد اجتماعی نوین گردند. [(3)](#content_note_77_3)

برای همین منظور مدارس دخترانه جدیدتری که بیشتر این قضیه را دامن میزد، تأسیس گردید و «مشاهده شد نوعی توجه به شیک پوشی و تقلید در میان دختران و زنان به چشم می خورد». [(4)](#content_note_77_4)از طرفی معاشرت با زنان خارجی و مشاهده وضع پوشش آنان که در سطح طبقات اعیان و اشراف صورت میگرفت، تأثیرات خود را بخشید. علت این تغییرات، اثر پذیری زنان ایرانی از زنان غربی بود. چرا که، به قول روزنامه تایمس هنگامیکه غربیها به شرق وارد میشوند «با همان لباس و عادت خود به سر میبرند و با تعصب زیاد رسوم و اطوار و اخلاق خود را حفظ

ص: 77

1- شوستر، خاطرات؛ صفحه . ٢37

2- رجوع کنید به: مجله عالم نسوان، مقاله ششم، سال هشتم، ص ٢٠٤ به بعد؛ و همین مجله، مقاله نهضت زنان شرق ، شماره اول، سال سیزدهم؛ و مجله جمعیت نسوان وطنخواه، مقاله صدیقه دولت آبادی راجع به وضع زنان در ایران ص ٤٢ ، شماره های ٧ و ٨ ؛ و همین مجله، مقاله آقای ادیب ، راجع به ازدواج در ایران ص ٣١ ٢٢ ؛ و باز همین مجله، شماره ١٠ ، راجع به خرافات . پرستی زنان ایران ص13

3- رجوع کنید به: روزنامه اطلاعات ، چهارم دی ماه ١٣١١ شمسی، در ارتباط با محاکمه ابراهیم خواجه نوری، به سبب درج مقاله ای در نشریه نامه جوانان، راجع به آزادی زنان، همچنین مراجعه شود به مجله جمعیت نسوان وطنخواه شماره ٨ ٧، مقاله . صدیقه دولت آبادی، ص ٤٢

4- استاد ملک، فاطمه؛ حجاب و کشف حجاب در ایران، ص ٥٩ . لازم به توضیح است که مدارس دخترانه در ایران، قبل از آن تاریخ وجود داشته است که برنامه این مدارس هماهنگ و یا بیشتر بر اساس فرهنگ مذهبی ایرانیان استوار بود و شباهت چندانی با مدارس آموزشی جدید که بعدها به شیوه اروپاییان در ایران تاسیس گردید نداشته است. در تحقیق حاضر، مختصری به تاریخچه این مدارس پرداخته ایم.

میکنند و اقامت دائمی ایشان در مشرق مسائل بسیاری را به وجود آورد[(1)](#content_note_78_1) که یکی از آنها تأثیرگذاری بر دگرگونی پوشش زنان است. خصوصاً آنکه در این زمان، ورود و حضور خیاطان و طراحان فرانسوی در ایران باعث گردید که استفاده از لباس اروپایی در میان قشر جدیدی از زنان معمول شود و «حتی چادر خود را تغییر دهند و از گشادی آن کاسته گردد». [(2)](#content_note_78_2)

تا این زمان، در تداوم سیر تجددطلبی، روبنده نیز جای خود را با نقاب عوض کرد. نقابی مشبک که از مو تهیه میشد، معمول گردید و بانوان جوان با استفاده از چادر مشکی از این روپوش نو استقبال شایان کردند: «چرا که این نقاب به آسانی از جلوی چهره کنار میرفت و میتوانستند براحتی چهره خود را نمایان و یا پنهان سازند». [(3)](#content_note_78_3)این دگرگونی در پوشش اندرونی و بیرونی زنان ایرانی باعث گردید که بعد از مشروطه، یک طبقه مرفه متمایل به غرب و ارزشهای غربی چهره اجتماع ایران را تغییر دهد. این قشر جدید با درج افکار خود در روزنامهها و مجلات که بیشتر حول محور بدبختی زن ایرانی و حمله به علت این بدبختی و عقبماندگی حجاب با کمک گرفتن از ادبیات منظوم که نمونه های آن را میتوان در اشعار شعرایی چون ایرج میرزا، بهار و میرزاده عشقی مشاهده کرد ،[(4)](#content_note_78_4) باعث شد تا زمینه تقلید و پیروی از الگوهای غربی در نوع پوشش، جنبه عامتری به خود گرفته و پس از کودتای سوم اسفند 1299 ه . ش. نیز روند تجددگرایی و پذیرش شیوه زندگی به سبک اروپا، شتاب بیشتری پیدا کند.

در پایان این قسمت، ذکر این نکته ضروری است که تأثیرات تجددطلبی قبل و بعد از نهضت مشروطیت بیشتر در قلمرو اندیشه و

ص: 78

1- نوری اسفندیاری، فتح الله؛ رستاخیز ایران، ترجمه مقاله روزنامه تایمس، ص ٤٢2

2- استاد ملک، همان، ص ٥9

3- ضیاء پور، همان، ص ١٩

4- مجموعه خطابه های کانون بانوان، مطبعه مجلس سال ١٣١٤ شمسی ، و مجله زن . روز سال ٤٥ ، شماره مخصوص ١٧ دی، ص 5

تفکر حکومت قانون تبلور یافت، اما اقدامات فرهنگی و تأثیرپذیری از آداب و رسوم غربی به عنوان برنامه و دستور حکومتی نظیر آنچه بعدها آتاترک در ترکیه انجام داد، در ایران قبل از روی کار آمدن رضاخان چندان مشهود نیست و آن گونه که باید، عملی نشد. اما مشروطه زمینه را برای اقدامات عملی در این راستا، برای رضاخان ایجاد کرد. [(1)](#content_note_79_1)

با روی کار آمدن سردار سپه، خصوصاً بعد از تغییر سلطنت به خاندان پهلوی، روند غربگرایی و غربزدگی و پذیرش الگوهای غربی علاوه بر حوزههای صنعتی و فنی، در رفتارها و هنجارهای اجتماعی و اعتقادی نیز شدت یافت و تغییرات عمدهای پدید آورد. این تحولات با توجه به ارتباط مستقیم موضوع کشف حجاب با جریان غربزدگی و تجددطلبی، در این دوره از تاریخ ایران، به طور مستقل مورد بررسی قرار میگیرد. اما، قبلاً باید بگوییم که از دیدگاه ما، در بررسی دو رویه تمدن بورژوازی غرب، آن بخش از این تمدن که شامل پیشرفتهای صنعتی و تکنولوژیکی میگردد نه تنها محل ایراد نیست، بلکه قابل تقدیر است؛ انتقاد ما عمدتاً متوجه رویه دوم این تمدن، و به خصوص، الگوبرداری از آنهاست. پذیرش آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی غرب، بدون آن که در میزان سازگاری و هماهنگی آن با ارزشهای اجتماعی جامعه مبداء تأمل شود، و بدون بررسی و ارزشگذاری انتقادی آن، نه تنها مطرود است، بلکه، موجب میشود با این تقلید کورکورانه، از رویه اصلی یا وجه تکنیکی تمدن غرب هم بهرهای حاصل نشود و تنها به رویه فرهنگی و استعمار فرهنگی آن توجه شود و زندگی و رفتارها و هنجارهای اجتماعی ما ترجمان زندگی و رفتارهای اجتماعی مدنیت غرب گردد. تمدن بورژوازی غرب، همواره درصدد است پا به پای تکنولوژی، فرهنگ انحرافی خود را نیز به ما عرضه کند که نتیجه اش

ص: 79

1- نقوی، همان، ص ٨٤ به بعد

وابستگی صنعتی و اقتصادی به دنیای غرب از یک سو، و وابستگی اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر است.

### سیر شتابزده تجددطلبی در ایران عصر رضاخان

#### اشاره

در آبان 1304 برابر با دسامبر 1925 میلادی، با اعلام انقراض سلطنت قاجاریه، زمینهای فراهم شد تا رضاخان به عنوان شاه ایران و سرسلسله خاندان پهلوی بر اریکه سلطنت تکیه زند. [(1)](#content_note_80_1)وی که با یاری و پشتیبانی بریتانیا بر سر کار آمده بود، کلیه مساعی خویش را برای حرکت ایران در زمینههای مختلف به سمت غرب به کار بست. سالهای قدرت و استقرار دیکتاتوری رضاخان آغاز مرحله نوینی در ایران است که با نوعی تحمیل نظم جدید غربی، خصوصاً بر فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی ایرانیان همراه است.

در این دوره، جریان تجددطلبی آن هم در شکل غربزدگی و غربگرایی که قبل از مشروطیت آغاز و در مشروطیت و پس از آن شدت بیشتری یافته بود، تأثیر قطعی خود را نمایان ساخت و رضا شاه را علیرغم آنکه خود اروپا ندیده بود، به سمت اروپامآبی پیش راند و اقدامات عملی چندی در این راستا انجام داد. همین اقدامات موجب گردید تا در دوره پهلوی دوم کشور از حالت سنتی و مذهبی خود هر چه دورتر رفته، صبغه فرنگ و آداب و رسوم غربی به خود گیرد. مقارن با روی کار آمدن رضاخان در ایران، کمال آتاترک در ترکیه نیز بوسیله جنبش ترکهای جوان بر مسند قدرت تکیه زده بود. در همین زمان،

ص: 80

1- برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: رایت، دنیس؛ نقش انگلیس در ایران، ترجمه فرامرز فرامرزی، ص ٢٨٢ . و نیز: ملیکف، ا. س.؛ استقرار دیکتاتوری رضاخان در ایران؛ ترجمه سیروس ایزدی، ص ٣٢٦ به بعد؛ و به مقاله دکتر شیخ الاسلامی راجع به کودتای ١٢٩٩ ، شمسی در مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ٤٢ ٤١ از ص ٨ به بعد.

امانالله خان، در افغانستان بر سر کار آمد [(1)](#content_note_81_1)و ضلع سوم مثلث غربزدگی در کشورهای هممرز در خاورمیانه تکمیل گردید. با این تفاوت که در ایران و افغانستان به واسطه اعمال فشار مستقیم حکام و نیز پایبندی بیشتر مردم به معتقدات مذهبی و سنتهای اجتماعی و دور بودن از مرزهای اروپا، رضاخان و امانالله خان نتوانستند به اندازه کمال آتاترک در پیشبرد کشور به سمت غربگرایی و ترویج فرهنگ و آداب و رسوم غربی در کشور موفقیت حاصل کنند.

رضاخان با تکیه بر افسران و امرای ارتش که محصول سیستم آموزشی جدید غرب بود، در پیشبرد برنامه هایش کوشید. وی نخست به قلع و قمع مخالفان داخلی پرداخت و یک سیاست مرکزی قوی به کمک ارتش نوین خود ایجاد کرد و قدرت سلطنت را مطلقه نمود.[(2)](#content_note_81_2) باید توجه کنیم که رضاخان نیز خود محصول سیستم آموزشی نوین ارتش بود. وی عضو هنگ قزاقی بود که با برنامه های نوین متخذه از غرب، آنهم از طریق روسیه اداره میشد. اقدام بعدی وی صنعتی کردن کشور بود. در این زمینه گام هایی برداشته شد که به نوبه خود خالی از اهمیت نبود. تأسیس کارخانه های قند و ریسندگی و چرمسازی و مولد برق و از همه مهمتر تأسیس راه آهن دولتی ایران از جمله این اقدامات است. اقدام آخرین را چنین تحلیل میکنند که بیشتر در راستای منافع بریتانیا تحقق یافته است، تا در جهت تأمین منافع ملت ایران. خطوط راه آهن به صورت شمالی جنوبی کشیده شد. اما آن خط آهنی [(3)](#content_note_81_3)که به لحاظ کسب

ص: 81

1- نقوی، همان، ص ٦٣ به بعد.

2- ایوانف، تاریخ نوین ایران، صص ٦٩ ٦٨ . شایان ذکر است که در این دوره تعداد ٣٣ % از کل بودجه کشور / پرسنل ثابت ارتش به ١٥٠٠٠٠ نفر م یرسید، به طوری که ٥ به هزینه های نظامی اختصاص می یافت. نگاه کنید به مقدمه مهرآبادی بر کتاب تاریخ . معاصر ایران ج ٢، پیترآوری ، ص 19

3- در مورد راه آهن ایران و مسیر مورد لزوم آن، ذکر این نکته لازم است که در سال ١٢٩٥ مهندس نامدار انگلیسی سر رنالد استفن سون که طرح راه آهن آناتولی را ریخت پیشنهاد نمود که دنباله آن به ایران کشیده شود و به هندوستان بپیوندد. او همان کسی است که در زمان امیرکبیر، نخستین طرح راه آهن سراسری ایران ر ا جزو نقشه راه آهن غرب و شرق (از وین تا سند) عرضه کرد. اما این مسیر حداقل درآن زمان با اهداف سیاسی نظامی انگلیس همخوانی نداشت. گرچه در نامه لیدی شل(وزیر مختار انگلیس در ایران) به استفن سون، به منفعت اقتصادی این اقدام برای راه عمومی تجارت اروپا و هندوستان را تغییر خواهد داد و » انگلیس اشاره شده که نزدیکترخواهد نمود. اما، همین وزیر مختار در نامه خود به وزیر امور خارجه انگلیس (لرد پالمرستون) پرده از روی حقایق بر می دارد و به بهانه آنکه راه آهن غربی شرقی، عامل ترقی اجتماعی و اقتصادی و نظامی ایران خواهد گردید و مصلحت با اساس فکر کشیدن راه آهن غربی شرقی « سیاسی انگلیس غیر از اینهاست مخالفت کرد. وی آنگاه در پایان گزارش خود به وزیر امورخارجه چنین استدلال هیچ تناسب و تعادلی میان نفعی که ایران از کشیدن آن راه آهن خواهد برد و »: می کند از نظر نظامی ایجاد این راه « فایده ای که برای انگلستان خواهد داشت وجود ندارد ایران را به سرحد هندوستان می رساند، ایرانی که قدرت و فعالیت آن با داشتن » آهن راه آهن خیلی بیشتر از نیروی فعلی آن خواهد بود. این خود متصرفات انگلستان را در هند به خطر تجاوز نزدیکتر می گرداند . اگر روزی ایران و روس متحد گشتند، راه نگاه ) « آهنی که به مرز هندوستان کشیده شده باشد بر دشواری کار ما خواهد افزود کنید به: آدمیت، اندیشه ترقی؛ و: نطق دکتر مصدق، روزنامه ستاره، شماره ١٤٤٠ در جلسه ٢٣٢ ، مجلس شورای ملی در دوره ششم قانونگذاری و: استوان ، کی . سیاست موازنه منفی، ج دوم، از ص ٨٥ به بعد؛ و نیز: جامی، گذشته چراغ راه آینده است،. صص ٢٦ ٢٥

عایدات بیشتر، برای ایران مفیدتر بود، مسیر شرق به غرب بود، نه شمال به جنوب. [(1)](#content_note_82_1)اظهارات لیدی شل، وزیر مختار انگلیس در ایران به لرد پالمرستون وزیر امور خارجه انگلیس، این نظریه را تائید میکند. همچنین، اظهارات این شخص به سر رنالد استفن سون، مهندس نامدارانگلیسی، و طراح راه آهن بین غرب و شرق تأیید دیگری است برای این نظریه. حتی درخصوص صنایع، قابل توجه است که ماشین آلات کارخانجات مذکور از خارج تأمین میشد و بالطبع وابستگی تکنولوژیکی به دنبال داشت: «و این وابستگی تکنولوژیکی در پی اشغال نظامی ایران درجنگ دوم جهانی و توقف و رکود ارسال لوازم یدکی کارخانجات از غرب منجر به تعطیلی و یا کاهش تولید در بسیاری از واحدهای تولیدی گردید». [(2)](#content_note_82_2)علاوه بر آن، استقرار این صنایع ایران را

ص: 82

1- جامی، گذشته چراغ راه آینده است، ص ٢4

2- آوری، مقدمه تاریخ معاصر ایران، ج ٢، ص ٢1

ناگزیر به برقراری پیوندهای اقتصادی و صنعتی بیشتر، و حتی اجتماعی فرهنگی با دنیای غرب ساخت. شاید این ارتباط اجتناب ناپذیر بود، خصوصاً هنگامی که در تداوم اعزام دانشجو به خارج از کشور و اقتباس از سیستم سیاسی و حکومتی در غرب، رضاخان نیز همچون اسلاف خود درصدد برآمد، «با اعزام افراد به خارج و وارد کردن نظامات اداری غربی یک دولت و ملت شبیه به غرب ایجاد کند». [(1)](#content_note_83_1)در نتیجه، این سیاست موجب گردید تا تجددطلبی، یعنی پذیرش شیوه زندگی به سبک اروپاییان، در ایران آن عصر و در چند قالب عمده خود را نشان دهد. در اینجا به اختصار به شرح هر یک از آنها میپردازیم:

#### 1. وضع قوانین عرفی و تجدید سازمان قوه قضائیه

هر چند زمینه نظری این اقدام به دوره امیرکبیر [(2)](#content_note_83_2)بر میگردد؛ ولی، در دوره میرزا حسین خان سپهسالار [(3)](#content_note_83_3)بود که اقدامات عملی چندی در این راستا برداشته شد. اما این اقدام به صورت منظم و سازمانیافته در آستانه تکیه رضاخان بر اریکه قدرت و پس از کودتای 1299 صورت گرفت؛ یعنی همان زمان (1921 میلادی) که یک مدرسه آموزشی حقوق با استادان فرانسوی به منظور تربیت کادر مورد نیاز وزارت عدلیه (دادگستری) و تدوین قوانین عرفی (غربی) به جای قوانین شرعی تأسیس گردید. [(4)](#content_note_83_4)

رضاخان نیز با همین هدف، جریان اعزام گروهی از دانشجویان را به کشورهای اروپایی تقویت کرد. [(5)](#content_note_83_5)به همین علت، «در فاصله سالهای 1926

ص: 83

1- نقوی، همان، ص ٨5

2- نگاه کنید به: آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ٢٠٤ و ٣٤٨ و ٣٦٦ و نیز: آدمیت، اندیشه . ترقی، ص ١٥

3- نگاه کنید به: آدمیت، اندیشه ترقی، از صفحه ١٧٠ به بعد.

4- نقوی، همان، ص ٨5

5- همان، ص ٨5

1924 م/ 1303 – 1305 ش. قوانین آزمایشی تجارت و مدنی ارائه شد». [(1)](#content_note_84_1)البته این قانون در سال 1915 م/ 1294 ش. عرضه شده بود، اما چون در آن زمان فاقد حقوقدانان غیر مذهبی ورزیده بودند و یا شرایط زمانی مناسب نبود، لذا وقفهای در اعمال آن پیش آمد. تا اینکه این قانون که شامل «شرکتهای تجارتی، امور دلالی، برات و سفته و چک ورشکستگی میشد و از قوانین حقوقی بلژیک و فرانسه اقتباس شده بود، در سال 1305 طی کمیسیونی که مأمور تدوین قانون مدنی شد متن آزمایشی آن تهیه گردید و از سال 1307 به مورد اجراء گذاشته شد». [(2)](#content_note_84_2)شرایطی که در آن زمان فراهم شده بود، ایجاب میکرد برای اعمال قوانین مزبور، حقوقدانان دارای تحصیلات جدید به جای روحانیون به کار گرفته شوند. یکی از این «افراد حرفهای داور بود که به عنوان وزیر عدلیه شناخته شد» [(3)](#content_note_84_3)و با تلاشی بیوقفه به تهیه قوانین مدنی و جذب حقوقدانان جدید پرداخت. وجود افرادی مانند داور به رضا شاه امکان میداد تا از «وجود روحانیون بی نیاز شود»[(4)](#content_note_84_4) داور در 8 مه 1928 م/ 17 اردیبهشت 1307 جلد اول قانون مدنی جدید را به مجلس تقدیم کرد. مواد قانون مدنی درباره موضوعات عمومی، در بسیاری موارد ترجمه مستقیم از مواد مشابه در حقوق فرانسه بود».[(5)](#content_note_84_5) در همان سال، با گذراندن «قانون اتحاد شکل البسه» [(6)](#content_note_84_6)حمله دیگری به سنتهای اجتماعی مردم، خصوصاً به روحانیون صورت پذیرفت، چرا که پوشیدن لباس اروپایی اجباری گردید و کلاه لبهدار فرنگی جایگزین کلاه بی لبه محلی شد.

ص: 84

1- آوری، همان، صص ٦٨- ٦7

2- همان، صص ٦٨- ٦7

3- خواجه نوری، ابراهیم؛ بازیگران عصر طلایی، از صفحه ١٨ به بعد.

4- آوری، همان، ص . ٦8

5- همان، ص . ٦8

6- مجموعه قوانین موضوعه، مصوبه دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ص .١٥٦

مقررات مربوط به ازدواج و طلاق نیز، دایره فعالیت روحانیون را محدود کرد. چرا که، عقدهای ازدواج و مسائل طلاق میبایست «به جای ثبت در محاضر شرعی در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد».[(1)](#content_note_85_1) از طرف دیگر، به موجب قانون ثبت اسناد و املاک مصوب 26 اسفند 1310 رسیدگی به اسناد مربوط به معاملات املاک و سایر معاملات، انحصاراً در صلاحیت دادگاهها و دادرسهای دادگستری درآمد. چنین مقرراتی خصوصاً تصویب قانون استخدام قضات در تاریخ 6 دی ماه 1315 که به موجب آن از آن به بعد کلیه قضات میبایست دارای دانشنامه لیسانس از دانشکده حقوق دانشگاه تهران یا یک دانشگاه خارجی باشند و به مدت دو یا سه سال، کارآموزی قضایی کنند، موجب گردید دایره فعالیت روحانیون در وزارت عدلیه که به وزارت دادگستری تغییر نام داد، محدودتر شود تا جایی که، در اندک زمانی بعد، به حذف آنان از صحنههای سیاسی اجتماعی منجر گردید. علاوه بر آن، عرفی کردن قوانین و دوری گزیدن از قوانین شرعی، راه را برای عملی ساختن دیگر برنامههای تجددطلبانه رضا شاه، مانند نظام آموزشی کشور فراهم ساخت.

#### 2. تغییر نظام آموزشی

و گسترش سازمانهای آموزشی به شیوه غربی

سابقه تأسیس نظام آموزش و پرورش با الگوبرداری از نظام آموزشی غرب در ایران به تأسیس درالفنون [(2)](#content_note_85_2)بر میگردد. تأسیس دارالفنون به منزله ایجاد یک نظام آموزشی مدرن در برابر نظام آموزشی سنتی و مکتب خانهها بود. با آغاز مشروطه [(3)](#content_note_85_3)و پس از آن، این روند سرعت

ص: 85

1- آوری، همان، ص . ٦٨

2- مراجعه شود به: محبوبی اردکانی؛ تاریخ موسسات تمدنی جدید در ایران ج اول، از ٢٥٣ به بعد

3- همان؛ از صفحه ٣٢٠ تا ص ٣٣٩ و نیز از صفحه ٣٦٢ به بعد

بیشتری به خود گرفت. در نتیجه «مدارس دینی و نظام سنتی آموزش در ایران مورد تضعیف، واقع شدند» [(1)](#content_note_86_1)و در مقابل نظام آموزشی به سبک و سیاق غرب رواج بیشتری یافت. این جریان آموزشی که از قرن نوزدهم در ایران آغاز شده بود، در ابتدا هدف اصلی آن، تربیت کادر نظامی بود و بعداً در تأمین کادر مورد نیاز دیگر سازمانها و نهادهای دولتی تأثیر گذارد. تا جایی که دست پروردگان این سیستم آموزشی به گونهای تربیت یافتند که با فرهنگ و اعتقادات جامعه خود چندان پیوندی نداشتند، بلکه پیوند و ارتباط آنان به دلیل جو حاکم بر این مؤسسات، بیشتر با فرهنگ و آداب و رسوم غربی بود.

پس از روی کار آمدن رضاخان و اجرای سیاست غرب گرایانه وی، در امر آموزش و تعلیم و تربیت بیش از پیش ارتباط و وابستگی به غرب و فرهنگ غربی تشدید گردید. رضاخان از یک سو، سیاست اعزام دانشجو [(2)](#content_note_86_2)به کشورهای اروپایی را تقویت نمود و از سوی دیگر، سیاست اسلامستیزانه خود را به نظام آموزش و پرورش جدید تسری داد. به طوری که، تعلمیات دینی را در سال 1937 میلادی از آموزش ابتدائی، و در سال 1941 به کلی از مواد درسی حذف نمود و در سال 1935 برای اولین بار دختران وارد دانشگاه مختلط شدند [(3)](#content_note_86_3)و نظام آموزشی مختلط در تحصیلات عالیه دایر و مرسوم گردید. این اقدامات رضا شاه، مقابله جدیتری بود «با نظام قدیم مکتب خانه ها»[(4)](#content_note_86_4) که از قبل نیز زمینه های آن فراهم گشته بود. بنابراین، تغییر در نظام آموزشی به سبک و سیاق غربی

ص: 86

1- نقوی، همان، ص ١٩٢- ١89

2- در مورد اعزام محصل به اروپا قبل از مشروطیت، مراجعه شود به روزنامه شفق سرخ شماره ٢٣٩٢ ، مورخ ١٥ تیر ١٣١٢ به بعد، مقالات آقای محیط طباطبائی ؛ و در مورد اعزام محصل به اروپا، پس از مشروطیت و تصویب نخستین قانون اعزام محصل به اروپا در زمان ریاست وزرایی میرزا حسن مستوف ی الممالک ، مراجعه شود به: محبوبی اردکانی، همان، از ص ٣٥٥ به بعد.

3- بامداد، بدرالملوک؛ زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ص ٩٨

4- آوری، همان، صص ٦٠- ٥9

و ایجاد نظام آموزشی مختلط بعدها در پیشبرد طرح و موضوع اصلی مورد بحث ما کشف حجاب تأثیر نهاد، و بسیار هم اثرگذار بود.

#### 3. ترویج و تحمیل لباس و کلاه اروپایی به ایرانیان

یکی دیگر از برنامه های تجددطلبانه رضا شاه که دارای سابقه تاریخی دولتی [(1)](#content_note_87_1)است، متداول کردن اجباری لباس و تبدیل کلاه در سطح عامه مردم است که به «اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه» تعبیر شده است. به موجب قانونی که در جلسه 6 دی ماه 1307 دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی به تصویب رسید، کلیه اتباع ذکور ایرانی «در داخل مملکت مکلف گردیدند که به لباس متحدالشکل ملبس شوند». اگر چه قانون هشت طبقه از درجات مختلف روحانیون مسلمان و غیر مسلمان را مستثنی کرده بود، اما با سختگیریهایی که برای اجرای آن به عمل آمد عملاً روحانیون [(2)](#content_note_87_2)در تنگنای شدیدی قرار گرفتند، تا چه رسد به اشخاصی که در لباس روحانیت نبودند. در صورت عدم اجراء، با آنان با شدت

ص: 87

1- همان طور که قبلاً بدان اشاره گردید، با آن که، تغییر لباس و کلاه در سطح کارکنان عالیرتبه دولت در دوره میرزا حسین خان سپهسالار شروع شد ، اما ، این مسئله در سطح عوام مطرح نبود و جنبه عمومی آن مربوط به دوره رضا شاه است.

2- صدرالاشراف در خاطرات خود به این اعمال محدودیت علیه روحانیون و نیز علت در آن اوقات بر معممین و آخوندها »: این سختگیریها این گونه اشاره م ی کند سختگیری به نهایت درجه رسیده و چون در قانون لباس متحدالشکل مجتهدین و محدثین مستثنی و مجاز در پوشیدن لباس روحانیت بودند سیل تصدیق اجتهاد و محدثی از نجف به طرف ایران جاری شد و هر آخوند تصدیق اجتهاد یا محدثی در دست داشت. ولی از آن طرف شهربانی اعتنایی به این تصدیقات نکرده بسیاری از معممین را توقیف و بعضی را به تراشیدن ریش تکلیف و اذیت میکردند . خوش رقصی مأمورین شهربانی برای خوش آمد یا طم عکاری و رشوه گرفتن به جایی رسید که حقیقتاً این طبقه به ستوه آمده و بسیاری از این طبقه، جدا و آخر شب آن هم در پس کوچه ها که پاسبان نبود آمد و رفت به ترس و لرز می کردند و بیشتر اوقات مقیم خانه بودند. (صدر، محسن (صدرالاشراف )؛ خاطرات صدرالاشراف، صص ٣٠٦ .٣٠٥

عمل برخورد میشد. با اقدامات سازمان یافته دولت، پس از مدتی در بازار استفاده از کلاه فرنگی و لباس متحدالشکل (لباس اروپایی) که به عنوان یکی از مظاهر تمدن جدید تلقی میشد چندان رونق یافت که از سوی وزارت داخله در خصوص آداب و رسوم استفاده از انواع کلاهها و رنگهایشان متحدالمال (بخشنامه) به ولایات صادر گردید [(1)](#content_note_88_1)تا مردم پا را از دایره حدود و مقررات غربی، فراتر نگذارند و در انجام آن بکوشند. اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه، برنامهای بود که بیشتر «از مظاهر غربی اقتباس شده بود و ضمن آنکه جامعه ایران را از سنتها و آداب پوشش و نوع پوشش محلی به میزان قابل توجهی دور گردانید، مقدمات کشف حجاب را نیز فراهم و پذیرش آنرا در سطح جامعه آسانتر کرد. نظر به اهمیت این قضیه در فصل بعد، ضمن بررسی زمینه های اعلام کشف حجاب در ایران بدان میپردازیم.

#### 4. رفع حجاب از زنان

از دیگر اقدامات غرب گرایانه رضا شاه، در تداوم سیر تجددطلبی در ایران، رفع حجاب از زنان است. این اقدام شاه پیامدهای متفاوتی را به دنبال داشت. از یک طرف موجب شد تا زن ایرانی از پرده بیرون آمده، این بیرون آمدن، وی را قادر سازد تا در جریانات اجتماعی اقتصادی جامعه نقشی فعال تر از قبل را به عهده داشته باشد، به مدارس جدید راه یابد و حتی به تحصیلات عالیه دانشگاهی بپردازد، در صنایع [(2)](#content_note_88_2)به کار پردازد و حضور اجتماعی او در کار درمانی کشور به واسطه روی آوردن به «شغل پرستاری»، در بهداشت و سلامت جامعه موثر واقع شود و در کادر

ص: 88

1- سازمان اسناد ملی ایران، نامه شماره ٩٤٢ در پاسخ به استعلام حکومت ایالت ثلاث . (نهاوند، ملایر، تویسرکان) سند شماره 8

2- منظور از کار زنان در صنایع در آن زمان، صنعت قالی بافی و کارگاههای قالی بافی و نیز کارخانه های چایکاری است ؛ و گرنه ، تا دوره پهلوی دوم حضور زنان در کارخانجات صنعتی و تولیدی چندان گسترده نبود و بیشتر در کار درمانی و آموزشی کشور نقش داشتند.

آموزشی (آموزش و پرورش) با گرایش به شغل آموزگاری «همتاهای عالی برای آموزگاران مرد» به شمار آید. این گروه از زنان تحصیلکرده توانستند راه را برای حضور در اجتماع و «دادن مسئولیتهای بیشتر به دیگر زنان هموار کنند». [(1)](#content_note_89_1)

از طرف دیگر کشف حجاب و پیروی زنان از الگوهای غربی باعث شد تا صرفه و صلاح اقتصادی کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته و «زنان لباسهای مدل پاریس را که بسیار گران بود بپوشند» [(2)](#content_note_89_2)و بعدها نیز شعار ساده زیستن و ساده پوشیدن که علیالظاهر، هدف بنیانگذاران کشف حجاب بود، فراموش گردد. حتی به گفته یکی از نویسندگان: «خانمها بدبختانه بدنبال تجمل رفتند و زندگی خود و خانواده خود را تباه ساختند و لطمه شدیدی بر این فکر وارد نمودند».[(3)](#content_note_89_3) بنابراین، عواقب نامطلوب اجتماعی آن را نیز نبایست از نظر دور داشت. ذکر این نکته ضروری است که سیاست تجددطلبی رضا شاه در این زمینه، که ظاهراً با هدف کشاندن زنان به عرصه فعالیتهای اجتماعی [(4)](#content_note_89_4)صورت پذیرفت، در ابتدا، در عده معدودی از طبقات زنان که همان مرفهین و اعیان و اشراف بودند تأثیر گذارد. اما، به قول پیتر آوری این سیاست، در وضع زنان فقیر تأثیری نداشت، «چرا که ناگزیر ... به کار در مزرعه بودند، از این رو سیاست تجددطلبی حکومت دایر بر، برداشتن حجاب تأثیری در وضع آنان نداشت».[(5)](#content_note_89_5) دست اندرکاران و مجریان طرح نیز، بیشتر زنان شهری را

ص: 89

1- آوری، همان، ص 75

2- همان، ص ٢٤

3- اطلاعات در یک ربع قرن، ص 145

4- همچنان که متعاقباً اشاره شده است لازمه حضور زنان در عرصه فعالیتهای اجتماعی کشف حجاب نبوده و نیست. چه بسا کشف حجاب هم چنان که در آتیه نشان داد ، روح سازندگی را در جامعه تخریب نمود. در واقع هیچ مغایرتی بین حفظ حجاب و حضور در جامعه برای زنان وجود ندارد. تجربه جمهوری اسلامی مؤید این نکته است. رضاخان با طرح کشف حجاب بهتر می توانست در سست نمودن مبانی اعتقادی جامعه موفق شود چرا که مبارزه با مذهب و مظاهر آن بخش مهمی از سیاست وی بود.

5- آوری، همان، ص 74

نشانه رفته بودند، چرا که به زعم ایشان «خانمهای ایلات .. بطور طبیعی حجاب نداشته اند»[(1)](#content_note_90_1) لذا برنامهریزی چندانی برای هماهنگ ساختن آنان با طرح جدید، آن هم در اوایل ضروری به نظر نمیرسید. به طور کلی، در میان این اقدامات تجددطلبانه رضا شاه، که به آنها اشاره گردید، کشف حجاب به دلیل برخورد مستقیم با فرهنگ اعتقادی و سنتی جامعه ایرانی از حساسیت ویژه ای برخوردار است. فکر این جریان که در اذهان تجددطلبان معاصر با الگو گرفتن از مظاهر غربی، وجود داشت، پیشتر از مشروطه آغاز و با تغییر سلطنت در ایران به اوج خود رسید. در حقیقت تئوری این تفکر با تغییر سلطنت جنبه تحقق به خود گرفت و رسمیت قانونی یافت. اما اعلام رسمی آن با تمهیداتی همراه بود که به مدت هشت سال به طول انجامید. نظر به اهمیت این موضوع در فصل بعد به بررسی زمینههای اعلام کشف حجاب در ایران میپردازیم.

ص: 90

1- سازمان اسناد ملی یاران، گزارش شماره ٩٣٨ ، گزارش اداره کل احصائیه و سجل احوال مملکت ناحیه ٦ جنوب شرقی (سند شماره2).

## فصل دوم

### بررسی زمینه ها و مقدمات اعلام کشف حجاب در ایران

هر چند حافظه جمعی، مقطع تاریخی 17 دی ماه را به عنوان روز کشف حجاب به یاد سپرده است، اما، کشف حجاب در ایران از 17 دی ماه 1314 آغاز نگردید، بلکه در این تاریخ با توجه به بسط زمینههای قبلی، رسمیت یافت.

جریان کشف حجاب پیش از آن که زمینههای داخلی داشته باشد، دارای ریشههای خارجی است و بر بستر همین شرایط بود که مقدمات اجرای آن در ایران با دخالت عوامل متعدد که در جای خود شرح داده خواهند شد در داخل کشور فراهم گردید. در حقیقت، تأثیرگذاری فرهنگ و آداب و رسوم غربی به اسم تجددخواهی در میان ایرانیان، خصوصاً در میان آنهایی که برای مدتی هر چند کوتاه، افکار و زندگی متجددانه غربی را تجربه کرده بودند، و اشاعه آن توسط حکام و دولتمردان با توجه به تفاوتهایی که در نگرش به مبانی حقوق غرب و ایران ملحوظ بود، در ایجاد زمینه و پیشبرد این جریان که با دیدی تجددگرایانه بدان نگریسته میشد تأثیر عمدهای داشته است.

گفتیم، تغییر در ظاهر، به تأسی از اروپا نخست از حرمسرای ناصرالدین شاه آغاز شد و آنگاه به دیگران سرایت کرد. مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا و مشاهده بالرینهای پترز بورگ در روسیه که شلوار بافتهای چسبان و نازک به تن میکردند و جامه بسیار کوتاهی روی آن پوشیده، و روی انگشت پا میرقصیدند؛ شاه را بر آن داشت تا زنهای حرم را به این لباس درآورد، و از آنجا که مد لباسهای دارالخلافه

ص: 91

همواره از اندرون شاه صادر میشد، ابتدا به شاهزاده خانمها [(1)](#content_note_92_1)و زنان اعیان و بعد به سایرین سرایت کرد. از اینرو، زنها شروع به کوتاه کردن زیرجامه کردند. بعد تدریجاً زیرجامه خانمهای شیکپوش و مدرن آن روزگار از پشت قدم تا سر کاسه زانو بالا رفت ... تا بالاخره ... زیرجامههای کوتاه منسوخ گشت و نیمتنه و چادرنماز جای این لباس جلف را گرفت.[(2)](#content_note_92_2) همین تقلید از ظواهر اروپا بعدها اثرات خود را در جامعه ایران گذارد، به طوری که بعد از مشروطه و حکومت قانون، زنها در پی استحقاق حقوق اجتماعی خود با درج مقالات متعدد در روزنامهها و مجلات، تا بدانجا پیش رفتند که فکر میکردند حجاب مانع و سد عمده راه ترقی و پیشرفت آنان است. در حالیکه معضل اصلی، به بنیانهای فرهنگی و تربیتی ناصحیح جامعه مربوط می شد.

ص: 92

1- یکی از این شاهزاده خانمها، تاج السلطنه دختر ناصرالدین شاه است که از پیشگامان تفکر کشف حجاب در ایران محسوب می گردد. وی در زمره اندیشه گرانی است که از وضعیت موجود زنان زمانه خود شکایت دارند؛ خصوصاً از اینکه راه ترقی و سعادت را به روی تمام زنها مسدود نموده و این بیچارگان را در منتهای جهل و بی اطلاعی نگاه داشته اند. تاج السلطنه [مسبب] تمام عیوب و مفاسد اخلاقیه، که در مملکت تولید و نشر شده است را عدم علم و اطلاع زنها م یداند و عامل این عدم علم زنان را نقاب هزارها مفاسد اخلاقیه از همین روی بستن زنها در این »: و حجاب معرفی می کند تاج السلطنه پس از مدتی با تشویق معلمش به عقاید « مملکت نشر داده شده است طبیعیون متمایل شد. در این زمینه می نویسد: اول کاری که کردم تغییر لباس دادم، لباس فرنگی، سربرهنه، در حالتی که هنوز » در ایران زنها لباس فرم قدیم را داشته. پس از لباس، ترک نماز و طاعت را هم کردم، .« زیرا که ... با آستین های تنگ لباسهای چسبیده وضو ساختن و نماز کردن مشکل بود هرچند وی، بعدها از این نوع نگرش خود اظهار ندامت و پشیمانی کرده است . اما، آنچه تا به این حد نگرش تاج السلطنه را دگرگون کرده بود، آن است که وی در حال و هوای مشروطیت در ایران رشد کرد و چندان هم دور از ذهن نمی نماید که با آن تربیت درباری به طرفداری از آزادی و مساوات زنان با مردان که در این زمان خاص محافل روشنفکری است، بپردازد . (نقل، همراه با تلخیص از: خاطرات تاج السلطنه، به کوشش خانم دکتر منصوره اتحادیه و آقای سیروس سعدوندیان).

2- نجمی، ناصر؛ دارالخلافه تهران، ص 244

در مقالات مندرج در مجلات آن زمان با مبالغه و غراق به تعدیات نسبت به حقوق زنان اشاره شده از جمله؛ در مجله عالم نسوان، در مقالهای تحت عنوان زن در ایران، چنین آمده است:

زنهای ایرانی کاملاً از حقوق بشریت و حظوظ معیشت و خانهداری و حیات محروم و ممنوع هستند و حکم زنده بگور را دارند. رفتاری که رجال این مملکت در قرن بیستم با زنان میکنند هرگز آن اعراب زمان جاهلیت نمیکردند. آنها زن را زنده به گور میکردند و یک دفعه از قید حیات خلاصی میدادند ولی اینها زن را برای شکنجه و عذاب نگاه داشته کم کم او را به دیار نیستی سوق می دهند. [(1)](#content_note_93_1)

آنگاه نویسنده مقاله به مقایسه زنهای دنیای متمدن با زنان ایرانی، پرداخته و مینویسد: «زنهای دنیای متمدن مثل مردها در امور اجتماعی دخالت مینمایند و مردها با یک احترام مخصوص با آنها رفتار میکنند در کوچه و خانه مراعات آنها را نموده و همیشه بر خودشان مقدم میدانند اما ما بیچارهها هنوز عضو این هیات جامعه شمرده نمی شویم». [(2)](#content_note_93_2)

این حرکت انتقادآمیز از وضعیت نابهنجار حقوقی زنان، چنانچه به تبعیت بیچون و چرا از الگوهای غربی منجر نمیشد، نه تنها مورد ایراد نبود، بلکه قابل تقدیر هم بود. البته، در ابتدا، سردمداران این حرکت مدعی بودند که «مقصود ما این نیست که زنان ایرانی هم عیناً پیروی غربیها را کنند بلکه مقصود ما آن است که زنهای ایران هم کار کنند، تحصیل نمایند و بالاخره آنها هم در دنیا مانند یک انسان از حقوق بشریت برخوردار گردند و حتی اذعان میکردند که قصدشان برانداختن حجاب و پوشش زنان نیست و چنانچه سوء تفاهمی برای طرفداران مخدرات محجوبه ایرانی روی داده مرتفع گردد».[(3)](#content_note_93_3) اما بعد از مدتی عامل

ص: 93

1- قائم مقامی، کوکب آغاخانم؛ مجله عالم نسوان، سال هفتم، تیرماه ١٣٠٦ ، شمار ههای . هفتم و هشتم، ص 260

2- همان؛ ص ٢٦٣

3- همان؛ ص ٢٦٨

اصلی تمامی این محرومیتها و بیاعتنائیها نسبت به زنان را حجاب دانستند و رفع آن را برای به دست آوردن حقوق و موقعیت اجتماعی، لازم و ضروری فرض کردند. برای این منظور نخست از ادبیات منظوم شروع و در قالب شعر به جنگ حجاب یا به زعم آنان عامل بدبختی و ویرانگری شتافتند و به قول نویسنده مجله زن روز، در ابتدا اشعاری مانند: «از حجاب است که این قوم خرابست، خراب» و یا «ای رجال ایران زن مگر بشر نیست؟» یا «زنان کشور ما زندهاند و درکفنند»، «خدایا تا کی این مردان بخوابند؟» «زنان تا کی گرفتار حجابند؟» دهان به دهان و سینه به سینه منتشر می گردید. [(1)](#content_note_94_1)پیشقراولان چنین اشعاری عارف قزوینی، ایرج ایرانشهر، ملک الشعراء بهار و عشقی بودند. مجله ایرانشهر در برلین و مجله عالم نسوان در تهران به تدریج موضوع حجاب را در دستور کار روزانه و در سرلوحه اصلاحات قرار دارند به طوریکه مسئله حجاب، نقل مجالس و محافل گردید.

در مجله عالم نسوان، شماره ششم، سال هشتم، در قسمتی از مقالهای تحت عنوان «زن مگر بشر نیست» پس از بیان پیشرفتهای زنان در زمینه رفع حجاب در کشورهای ترکیه و افغانستان، به عقبماندگی جامعه ایران اشاره کرده و حجاب را مانع ترقی و تکامل این جامعه معرفی میکند و مینویسد:

جامعه ایران بواسطه حجاب نصف هیأت خود را گندانده بطوریکه به انجام هیچگونه امری قادر نیست و با نصف دیگر (اگر چه این نیم دیگر هم نیمگندیده است) میخواهد جاده پر خم و پیچ تکامل را بپیماید. [(2)](#content_note_94_2)

نویسنده مقاله آنگاه داروی بهبودی این درد را تأسی جستن از دو کشور همسایه میداند: «ملت ایران هم باید به این دو ملت همجوار

ص: 94

1- زن روز، شماره مخصوص ١٧ دی سال 45

2- عالم نسوان، شماره ششم، سال هشتم، ص ٢٠٧

اسلامی (افغانستان و ترکیه)، تأسی جسته و در رفع نقایص اجتماعی بکوشد ...». سپس طرفداران حجاب را مخاطب ساخته و اذعان میدارد که مقاومت آنها بیهوده است و باید تسلیم شوند:

طرفداران حجاب بدانند که برافتادن حجاب انقلابی است فکری که بخودی خود به ظهور پیوسته و خواه ناخواه نتیجه خود را خواهد بخشید.

در پایان مقاله از دولت درخواست میکند تا کشف حجاب را که استیفای حقوق اجتماعی زنان است «رسماً بر عهده بگیرد چنانچه ترکها کردهاند و افغانستان هم میکند».

همین مجله در شماره دیگر حجاب را تحفه قوم وحشی و بربر عرب[(1)](#content_note_95_1) میداند که: «چهارده قرن پیش توحش و بربریت و بیادبی قوم عرب چادر سیاهی بر سر زنان افکنده، لازم نیست همه وقت تا حال هم که تمدن و علم و دانائی هزاران مراحل را پیمودهاند چادر به سر کنند و زن بدبخت ایرانی چون زنده به گورشدگان زیر پرده حجاب مستور و در خانههای چون گور محجوب و مهجور بمانند». [(2)](#content_note_95_2)

مجله ایرانشهر نیز به همین گونه همه بدبختیهای زن ایرانی را ناشی از حجاب میداند و حتی علت اول و آخر ازدواج جوانان تحصیلکرده ایرانی با دختران فرنگی را، حجاب زن ایرانی دانسته و چنین مینویسد:

«... علت شیوع این مسئله دو جهت است؛ اول، حجاب. دوم، جهالت که آن هم ثمره حجاب است». چرا که بقول خانم

ص: 95

1- مخبر السلطنه راجع به تاریخچه حجاب در ایران می نویسد بوده و در شاهنامه از آن ذکر شده است: منیژه منم دخت افراسیاب/ برهنه ندیده تنم آفتاب. (نک به: هدایت، مهدیقل یخان؛ خاطرات و خطرات؛ ص ٢٤٢ . شهرو نیز معتقد حجاب از ایران و روم (دو دنیای متمدن آن زمان) به هند آمده و تاریخچه » است که .(٦٩/٢/ روزنامه اطلاعات شماره ١٩٠٣٥ مورخ ١٦ ) .« آن بسیار قدیمی است

2- عالم نسوان، شماره ششم، سال سیزدهم، ص ٣٠٠

دولت آبادی «اگر آنها را میدیدند یک مرد ایرانی پستترین دختر ایرانی را به بهترین دختر اروپایی ترجیح میداد». [(1)](#content_note_96_1)

در جائی دیگر انجام همه شنایع و قبایح، به حجاب نسبت داده شده:

در سایه حجاب، زن مرتکب همه شنایع و قبایح میشود. در صورتیکه کسی او را نمیشناسد و حال آنکه در حالت بیحجابی خود زن اعمال ناشایست انجام نمیدهد و اگر هم انجام دهد همه واقف میشوند و بزودی جلوگیری میشود.

همین مجله در مقالهای دیگر، تحت عنوان کانون بدبختیها که اشاره به کشور ایران دارد از قول یکی از ایرانیان (دانشجوی طب) مقیم مصر به همین مطلب اشاره دارد و حجاب را مانع و سد راه ترقی و امالعلل تمامی بدبختیهای زن ایرانی میانگارد و مینویسد:

تا روزی که این پرده سیاه که مایه بدبختی زنان ایرانی است و عبارت از سد بزرگی است که در مقابل ایرانی و تمدن اروپا حایل شده است از میان برداشته نشود تا روزی که این کفن سیاه زنهای ایرانی را زنده بخود پیچیده و روحیات دختران امروزی و مادران فردای ایران را خواهی نخواهی خفه نموده است به هم پیچیده نشود و بالاخره تا روزیکه این پرده سیاه که اساس تمام هرزهکاریها و قبایح است ... از میان برداشته نشود ایران ترقی نخواهد نمود.

وی در پایان مقاله خود چنین تجویز میکند: «اگر ایرانی بخواهد ترقی نماید باید انقلاب فکری و اجتماعی نموده جسماً و روحاً فرنگی مآب شود». [(2)](#content_note_96_2)

مقالاتی که در ارتباط با لزوم ترقی و پیشرفت مملکت در این مجلات منتشر میگردید مشحون از حمله به حجاب به عنوان مانع و سد راه ترقی و تکامل است. بنابراین، باید به هر ترتیبی است زن ایرانی

ص: 96

1- ایرانشهر (مجله)، شماره های ١١ و ١٢ ، ص ٧12

2- همان ، ص687

را به اجتماع کشاند و حجاب را از سرش برگرفت، غافل از آنکه تنها تغییر در ظاهر مشکلی را حل نمیکرد. بنابراین، نسخه کشف حجاب برای زن ایرانی پیچیده شده که نه تنها گرهی از مشکلاتش را به صورت بنیانی حل نکرد؛ بلکه، بر بحرانهای وی افزود. این تغییر و تحولات در نقش اجتماعی زن ایرانی، چنانچه در ابعاد مثبت سیر میکرد میتوانست به نتایجی چون تضعیف مردسالاری در خانواده و بالا رفتن سطح سواد و پیشرفت فکری جامعه بینجامد؛ اما، متأسفانه چنین نشد و بیشتر به جانب ظواهر میل نمود. تا جایی که بعد از تغییر سلطنت در ایران و برتخت نشستن شاهی که «کعبه آمالش در اروپا است»، به سمت کشف حجاب و پذیرش شیوه زندگی به سبک اروپا همراه با سیاست مذهبزدایی و تبعات آن سوق یافت.

در این میان برنامههای رضا شاه که قبلاً بدان اشاره گردید، کشف حجاب به دلیل برخورد مستقیم با اعتقادات مذهبی مردم، و تأثیرات و عواقب نامطلوب که در جامعه اسلامی برجای مینهاد، به منظور پیاده کردن دیگر برنامههای غربگرایانه و حتی استعماری از حساسیت بیشتری برخوردار بود. از این رو، قانون اتحاد شکل البسه، به عنوان مقدمهای برای اعلام کشف حجاب در نظر گرفته شد. در اینجا نظر به اهمیت آن به عنوان اولین اقدام زمینهساز اعلام کشف حجاب، آن را مورد بررسی قرار داده و آنگاه به دیگر عوامل میپردازیم.

### اتحاد شکل البسه

در ابتدا چنین تصور میکردند که برای رسمیت بخشیدن به کشف حجاب، باید زمینههای لازم را در کانون خانواده فراهم ساخت. از دید طراحان کشف حجاب، مخالفت مرد با حضور بیحجاب همسر در معابر عمومی، میتوانست عامل اصلی عدم پیشرفت برنامه کشف حجاب باشد. از اینرو، برنامههای اولیه خود را در جهت تغییر ذهنیت سرپرست خانواده تدوین کردند و بدان جنبه رسمی و قانونی نیز بخشیدند. اول هم به سراغ کارکنان دولت رفتند. زیرا آنان در کنترل دولت بودند و در

ص: 97

مقایسه با سایر اقشار جامعه، دولت میتوانست نظارت بیشتری بر رفتار آنان اعمال نماید و از سوی دیگر، پذیرش این تغییرات توسط آنان، رفته رفته میتوانست راه را برای پذیرش سایر اقشار جامعه نیز هموار کند.

بدین منظور، در راستای ایجاد زمینه برای رسمیتیافتن و اعلام کشف حجاب، قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه در چهار ماده و هشت تبصره در جلسه 6 دی ماه سال 1307 و در دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در قسمتی از این قانون آمده است: «کلیه اتباع ذکور ایران که بر حسب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند در داخله مملکت مکلف هستند که ملبس به لباس متحدالشکل شوند».

مطابق این قانون، هشت طبقه از جمله مجتهدین، مراجع امور شرعیه دهات و قصبات، مفتیان اهل سنت، پیشنمازان دارای محراب، محدثین، مدرسین فقه و اصول، روحانیون ایرانی غیر مسلم مستثنی بودند. زمان اجرای آن نیز در شهرها از اول فروردین 1308 و در روستاها و قصبات از اول فروردین ماه 1309 تعیین شده بود. متخلفین از این قانون در صورتیکه شهرنشین بودند به «جزای نقدی از یک تا پنج تومان و یا حبس از یک تا هفت روز» و در صورتی که شهرنشین نبودند به «حبس از یک تا هفت روز به حکم محکمه» محکوم می شدند. [(1)](#content_note_98_1)

اجرای این برنامه، طبق اسناد موجود در تهران و چند شهر کشور از جمله قم، جهرم و شهرهای مرزی کردستان و بنادر و دشتستان با مخالفتها و مقاومتهایی مواجه شد که منجر به کشته و زخمی شدن عده زیادی گردید. [(2)](#content_note_98_2)به نقل از خبرگزاری دیلی میل: «حتی دولت ایران برای

ص: 98

1- مجموعه قوانین موضوعه مصوبه دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ص ١٥٩

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣. در این گزارش حاکم قم نسبت به معرفی اشخاصی که در سلک روحانیت در آمده اند تا از اجرای قانون اتحاد شکل البسه سرباز زنند، اقدام کرده و از وزارت داخله کسب تکلیف می کند و نیز سند شماره ٤ که ← حاوی اطلاعیه ای است از سوی والی آذربایجان خطاب به مردم کردستان در پاسخ به عدم رعایت این قانون از سوی مردم کرد و تشویق و تهدید نسبت به اجرای آن و نیز سند شماره ٥ مربوط به شهرستان زابل و کسب تکلیف از وزارت داخله در خصوص چگونگی برخورد با متخلفین. این سند مربوط به بعد از شهریور ١٣٢٠ است. نیز سند شماره ٦ از سوی استاندار استان ششم (خوزستان) به شهربانی اهواز در خصوص تخلفات از قانون اتحاد شکل البسه در خرمشهر. رونوشتی از این سند نیز به وزارت کشور ارسال گردیده است ؛ و سند شماره ٧ حاوی چندین گزارش از مبارزات مردم جهرم علیه این قانون که منجر به کشته و زخمی شدن عده ای در برخورد با مأمورین انتظامی و امنیتی گردیده است. لازم به توضیح است که در خصوص مبارزات مردم و عک سالعمل آنان در برابر اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه، اسناد فراوانی در سازمان اسناد ملی ایران موجود است که تعدادی از آنها نیز در پیوست تحقیق آمده اند.

سرکوب و فرونشاندن آتش شورش عشایر ناحیه شیراز دچار اشکال گردید. شورشیان تقاضای الغای قانون راجع به کلاه پهلوی دارند. این شورش به بلوای افغانستان علیه اصلاحات و اقتباس از تمدن غربی امانالله خان شباهت زیاد دارد. عشایر با مساعی شاه که میخواهد آنان را به ترک عمامه و لباس عربی و استعمال کلاه و لباس غربی مجبور سازد، مخالف می باشند». [(1)](#content_note_99_1)

وقتی مقاومت عشایر بالا گرفت، به لحاظ حساسیت موضوع رضا شاه، برای سرکوبی آنان از هواپیما و زره پوش نیز استفاده کرد و حتی گفته شد: «شاه شخصاً عازم صحنه عملیات خواهد شد و انتظار یک زد و خورد قطعی میرود». [(2)](#content_note_99_2)اما علیرغم این مقاومتها در بعضی از ولایات، برنامه اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه به خوبی پیش رفت. به طوری که تقاضای وارد کردن کلاه فرنگی از خارج از مرزها هم کردند.

بنا به نقل روزنامه ایران، به دلیل کمبود کلاه در منطقه جنوب شرقی «... تجار زاهدان مقدار زیادی کلاه از هندوستان خواسته اند».[(3)](#content_note_99_3) همچنین در بعضی از ولایات بازار استفاده از کلاه و لباس متحدالشکل حتی قبل از اعلام رسمی قانون اتحاد شکل البسه رواج یافته بود و برای آنکه

ص: 99

1- نوری اسفندیاری؛ رستاخیز ایران، مقاله دیلی میل، ٢ ژوئیه ١٩٢٩ ، مطابق با ١١. تیرماه ١٣٠٨ ، ص ٤٦7

2- همان؛ ص ٤٦7

3- تجدد ایران، شماره ١٦٨٠ ، مورخ ١١ تیرماه ١314

حکام آنجا پا را از دایره مقررات فراتر نگذارند، در خصوص هماهنگی نوع رنگ کلاه با رنگ لباسهای مختلف از وزارت داخله «استعلامِ»[(1)](#content_note_100_1) مینمایند و از آنجا که از هنگام اجرای قانون اتحاد شکل البسه تا اعلام رسمی کشف حجاب نوع کلاهی که مأمورین دولتی و مردم میبایست استفاده نمایند، چند بار تغییر کرد قضیه استعلام از وزارت داخله تا سال 1314 ادامه داشت. به طوری که وزارت داخله در همین سال و درست سه ماه قبل از اعلام رسمی کشف حجاب، و برای آن که اتحاد شکل البسه مردان با کشف حجاب زنان کاملاً هماهنگ شده باشد، طی بخشنامهای مقررات استفاده از انواع کلاهها و لباسها را به مأمورین ابلاغ کرد.

در قسمتی از این بخشنامه چنین آمده است:

1 کلاه بلند کرکدار براق (مثل مخملهای پر کرک) به رنگ سیاه را میتوان در کلیه موارد استعمال نمود و این کلاهیست که قاعدتاً مأمورین باید تهیه نموده و در مواقع رسمی با ژاکت به سر بگذارند.

2 کلاه بلند از جنس اطلس مات به رنگ سیاه که به شکل کتابی جمع میشود مختص لباس شب (فراک) [است] و به هیچ وجه در روز استعمال نمیشود.

3 کلاه بلند خالی رنگ اختصاص به موارد ذیل داشته:

اسب دوانی، نمایشات آرتشی، گاردن پارتی و بعباره اُخری فقط در هوای آزاد استعمال میشود.

در پایان این متحدالمال به ولات و حکام و رؤسای ادارات دستور داده می شود به «مأمورین مربوط» ابلاغ نمایند. [(2)](#content_note_100_2)

سؤالی که در اینجا مطرح میگردد، این است که دستورالعملهای مربوط به چگونگی استفاده از نوع رنگ کلاه و لباس از چه منبعی اقتباس شده است؟ آیا کسی که میگوید «باید ایران را چون فرنگ

ص: 100

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره 8

2- همان؛ سند شماره 1

ساخت»،[(1)](#content_note_101_1) میتواند منبع دیگری جز فرنگ برای اخذ این مقررات داشته باشد؟

اجرای این مقررات و لزوم رعایت آن چیزی نیست مگر برای تعلیم و آموزش فرهنگ غرب و فرنگیمآب نمودن افراد جامعه، وگرنه اگر تنها به تغییر در لباس اکتفا میشد شاید مسئله حادی نبود. اما، در نظر آنان، تغییر در لباس به منزله تغییر در افکار و هدایت آن به سمتی خاص بود. متأسفانه از میان وجوه مختلف پیشرفتهای علمی و صنعتی دنیای غرب، بیشتر به ظاهر آن بسنده کردند و تلاش نمودند تا از افکار انحرافی آن پیروی کنند. به قول مخبرالسلطنه، آثاری که از این تغییر لباس بیشتر ظاهر شد «تمدن بولوارها بود که بکار لالهزار میخورد و مردم بیبند و بار خواستار آن بودند». [(2)](#content_note_101_2)

برگزاری مراسم جشن و سرور به مناسبتهای مختلف در ادارات دولتی و کارخانجات، فرصتی مناسبی بود برای پیشبرد این طرح. به طورییکه، کلاهگذاری جدید را مترادف تمدن و پیشرفت قلمداد میکردند. روزنامه تجدد شرح مبسوطی از برگزاری جشن تغییر کلاه و لباس از قول مدیر کارخانهای در تهران آورده:

« ... ما ایرانیان یعنی همان اشخاصی که سابقاً بدون استثناء به هیچ وجه، وزنی در انظار جامعه نداشتیم، امروزه بصورت متمدنین در آمدهایم و امروز همه آقا مسیو شده ایم ...» [(3)](#content_note_101_3)در پایان نیز از «پهلوانی» که «یک مشت مردمان ضعیف و بیچاره را آقا نموده» یعنی رضا شاه تشکر و قدردانی می کند!

ص: 101

1- اشاره ای است به سخن رضا شاه به علی دشتی مدیر شفق سرخ و خوشم »: در سال ١٣٠٧ ، هنگام بازگشت از اروپا. رضا شاه به او م ی گوید « طلایی واحد، ) « نمی آید که این قدر از فرنگ تعریف کنند باید ایران را چون فرنگ ساخت .( سینا؛ قیام گوهرشاد؛ ص ٤١

2- هدایت مهدیقلی؛ خاطرات و خطرات، ص ٣83

3- تجدد ایران، همان.

کلاهگذاری اجباری بر سر ایرانیان، به خارج از مرزها نیز سرایت کرد. روزنامه اطلاعات در مقالهای تحت عنوان «تغییر کلاه» خبر از مراسم جشن تبدیل کلاه ایرانیان مقیم بصره میدهد و مینویسد:

در بصره از طرف ایرانیان مقیم آنجا برای تغییر کلاه سابق به کلاه تمام لبه مجلس جشن باشکوهی منعقد گردیده است. کنسول دولت شاهنشاهی و تجار و رؤسای اصناف ایرانیان مقیم بصره در آن جشن حضور داشتند و نطقهای مفصلی در جشن مذکور ایراد گردید، و ناطقین بطور کلی محسنات و فواید این کلاه و استقبال عظیمی که در میهن آنها برای سرگذاردن این کلاه بعمل آمده متذکر شده و اضافه نمودند که ما هم باید مانند برادران خود که در داخل خاک وطن میباشند فوراً به این امر مبادرت نمائیم و کلاه جدید بر سر گذاریم. [(1)](#content_note_102_1)

گزارشگر این روزنامه سپس «حسن استقبالی که تمام افراد ملت ایران از این امر نمودند را بزرگترین دلیل تقدم اجتماعی» ایرانیان میداند و متذکر میگردد که «ایرانیان باید از حیث کلاه هم با دیگر ملل دنیا» برابر و مساوی باشند.

بعد از مسافرت رضا شاه به ترکیه، کلاه لبهدار تبدیل به کلاه شاپو گردید و در همین زمان حضور زنان بیحجاب در محافل و مجالس به اتفاق همسرانشان خصوصاً برای کارکنان دولت جنبه اجبار به خود گرفت. صدرالاشراف در خاطرات خود در مورد مسافرت رضا شاه به ترکیه و تعویض کلاه، مینویسد:

بعد از مسافرت به ترکیه رضا شاه اظهار داشت: «ما باید صورتاً و سنتاً غربی بشویم و باید در قدم اول کلاهها تبدیل به شاپو بشود و هنگام افتتاح مجلس شورا همه باید با شاپو حاضر شوند و در مجلس کلاه را به عادت غربی ها باید بردارند». [(2)](#content_note_102_2)

ص: 102

1- روزنامه اطلاعات، شماره ٢٥٣٤ ، مورخ ٢٣ تیرماه ١٣١٤

2- صدر، محسن؛ خاطرات صدرالاشراف، ص 302

بنا به نقل خبرگزاری رویتر «شاه برای ترویج این آداب و رسوم غربی طی بخشنامهای اعلام کرد که برداشتن کلاه از سر در مقابل بزرگتران دلیل احترام میباشد و این عمل درست نقطه مقابل عادت قدیمی ایرانیان است که برهنگی سر را علامت بیادبی و عدم رعایت آیین بزرگتری و کوچکتری می دانستند». [(1)](#content_note_103_1)به گفته همین خبرگزاری، شاه فرمان داده است که همه آحاد ملت کلاه جدید که طاق آن هموار و دارای آفتابگردان است و به کلاه سربازان انگلیسی شباهت دارد، «بجای کلاه پهلوی بر سر بگذارند».

پس از تبدیل کلاه پهلوی به کلاه فرنگی بود که شاه به «وزراء و وکلاء اعلام کرد که شروع به رفع حجاب زنها نمایند و چون برای عامه مردم یک دفعه مشکل بود اقدام [به بی حجابی] کنند». [(2)](#content_note_103_2)رضا شاه خطاب به وزراء و معاونین آنها اعلام کرد که «شما وزراء و معاونین پیشقدم بشوید و هفتهای یک شب باخانمهای خود در کلوپ ایران مجتمع شوید». [(3)](#content_note_103_3)

بدین ترتیب برنامه اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه، عملاً با رفع حجاب همراه شد و مقدمات اعلام کشف حجاب را بیش از پیش فراهم آورد. منتهی برای اعلام رسمی، مقدمات و تمهیدات بیشتری لازم بود. به رغم دست اندرکاران این طرح ظاهرفریب، حال که مانع اصلی (مرد) از سر راه حضور زنان در اجتماع برداشته شده، و خود الگوهای غربی را پذیرفته و یا به او قبولاندهاند؛ باید زنان ایرانی را بیشتر با زنان متمدن دنیا هماهنگ و همساز نمود و آنها را برای اجرای رفع حجاب بیشتر آماده کرد. در اجرای این مقصود، دومین کنگره زنان شرق در ایران،

ص: 103

1- نوری اسفندیاری؛ همان؛ مقاله خبرگزاری رویتر به نقل از روزنامه استار، ١٢ ژوئن . ٢٢ خرداد ١٣١٣ ، ص ٤٠ /١٩٣٤

2- . ٢. صدر، همان، ص ٣٠٢

3- همان

تشکیل گردید که زن ایرانی را با اصول ترقی و تمدن آن هم به سبک غرب آشنا سازد.

### دومین کنگره زنان شرق در ایران

دومین اقدامی که زمینه مساعد را برای اعلام و رسمیت بخشیدن به کشف حجاب فراهم نمود، برگزاری دومین کنگره زنان شرق ایران به سال 1311 است.

در این سال سه نفر از بانوان عرب «نورحماده» از بیروت، «سیده فاطمه» از عراق، و «حوری حنیفه» از مصر به تهران آمدند، تا زنان ایرانی را با اصول ترقی و تمدن آشنا سازند. در کمیته برگزارکننده کنگره، دو خانم ایرانی، به نامهای مستوره افشار [(1)](#content_note_104_1)به عنوان معاون کنگره، و صدیقه دولت آبادی منشی کنگره شرکت داشتند.

ص: 104

1- مستوره افشار، دختر مجدالسلطنه افشار از روشنفکران (ارومی ه) بود . مدتی در روسیه و مدتی در ترکیه به سر برد و تجربیاتی از لحاظ حقوق زنان در این کشورها به دست آورد. از این رو، پس از ورود به ایران در زمره کسانی قرار گرفت که کشف حجاب را دامن م یزدند. برای تحقق این منظور به انجمن نسوان وطنخواه که برای اخذ حقوق زنان تشکیل شده بود، پیوست و به عضویت هیئت مدیره آن در آمد. این انجمن مجله ای نیز به همین نام منتشر م یکرد. وی در قضیه کشف حجاب از پیشروان و پیشگامان امر نهضت بانوان بود و در دومین کنگره، سخنانی ایراد کرد که دال بر مجذوبیت او در مقابل تمدن و فرهنگ غرب بود. افشار را می توان به لحاظ این که به شدت محو و جدب تمدن غرب شده بود، نمونه یک زن ترق یخواه با طرز فکر غربی آن روزگار دانست. وی در سخنرانی خود از اینکه زن ایرانی هنوز از حیث حقوق به پای زن اروپایی و آمریکائی نرسیده است اظهار تأسف کرده، اظهار امیدواری نمود که در سایه پشتیبانی رئیس کنگره (شمس پهلوی) زنان ایرانی نیز بتوانند به مقام و موقعیت خواهران اروپایی و آمریکایی خود برسند. مستوره افشار پس از رسمیت یافتن کشف حجاب فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی خود را در همان جمعیت نسوان وطنخواه برای پیشبرد این طرح ادامه داد. وی در سال ١٣٢٤ و به سن ٦٥ سالگی درگذشت. (رجوع شود به: بامداد، زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید ، ص ٤٩ ؛ و: شیخ الاسلامی، زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران، ص ١٤٤ ؛ و: روزنامه ایران، شماره . ٣٩٦٨ ، سال ١٣١١

در آغاز جلسه، نخست رئیس کنگره خانم نور حماده به سخنرانی پرداخت. وی در سخنان خود به حقوق زن در شریعت اسلام اشاره کرده، و گفت اسلام تفاوتی بین زن و مرد قائل نیست، اما در اجتماع حقوق زن رعایت نمیگردد. برای حصول ترقی، بر زنان لازم است که کاملاً تربیت شوند. وی آنگاه به عامل بدبختی و عقبماندگی زن شرقی اشاره کرد که: «هیچ چیز بیش از جهل مانع ترقی و سعادت ... زن نمیشود. زن وقتی دانست که چگونه اولاد خود را تربیت کند، میتواند حقوق خود را از مردان بخواهد و بدست گیرد. او میتواند مردی تربیت کند که همدست و رفیق و شریک او باشد».[(1)](#content_note_105_1) وی، در خاتمه سخنانش از حضور خانمها که برای احقاق حقوق زنان جمع شدهاند تشکر کرد و از آنان خواست که در این نهضت با برگزارکنندگان کنگره همراهی کنند.

سخنان رئیس جلسه بیشتر بر روی نکات اخلاقی و احقاق حقوق طبیعی زنان در اجتماع، دور میزد و تلویحاً نیز به عقبماندگی زنان شرق در مقابل زنان مغرب زمین اشاره داشت. بحث عقبماندگی زنان شرقی از «خواهران اروپایی خود» در سخنان معاون کنگره، یعنی خانم افشار بازتاب روشنتری داشت.

خانم افشار معاون کنگره، در قسمتی از سخنانش ضمن بیان وضعیت دیروز زنان ایرانی یعنی «قبل از طلوع عصر درخشان پهلوی»!! به این نکته اشاره کرد که: «زن ایرانی حتی حق حرف زدن در کوچه و خیابان با مردان فامیل خود را نداشت، حق نداشت که با شوهر و پدر و برادر خود سوار یک درشکه شود ... در خیابانها اندرون و بیرون ترتیب داده، از طرفی که زن راه میرفت مرد حق عبور نداشت ... زن ایرانی حق نداشت که از حقوق زنان دفاع نماید». وی آنگاه به وضعیت فعلی زنان ایرانی در مقایسه با زنان اروپایی پرداخت و چنین گفت:

اگر چه هنوز از حیث علم و دانش به مقام خواهران اروپایی خود نرسیدهایم، نویسندههای با قدرت ایرانی با مقالات مهیج و

ص: 105

1- روزنامه ایران، سال ١٣١١ ، شماره ٣٩٦٤ ، سخنان نور حماده.

محرک خود، زنان را وارد صحنه مطبوعات نموده و تشویق مینمایند، که زنان ایران نیز در مرحله تساوی حقوق مثل زنان اروپا و آمریکا قلمفرسایی و میدانداری نمایند.

متأسفانه در همان موقعیکه خواهران اروپایی و آمریکایی ما، در دارالفنونها و مدارس عالی با مردان دوش بدوش تحصیل میکردند، در همان زمان، ما زنان ایرانی در دریای مذلت و حقارت غوطه میزدیم.

وی، در خاتمه سخنانش «احترامات خالصانه و تشکر بی پایان خود را، به پیشگاه والاحضرت شمس پهلوی که ازحمایت زنان کوتاهی نمی فرمایند»[(1)](#content_note_106_1) تقدیم میکند.

آرزوی رسیدن به زنان اروپایی و آمریکایی، کاملاً نشاندهنده طرز فکر سخنرانان و بسیاری از زنان ایرانی شرکتکننده در کنگره است.

انعکاس اخبار این کنگره در جراید آن روز نشاندهنده یک کوشش همگانی برای حرکت و هدایت حقوقی زنان به سمت الگوهای غربی و اروپایی است و تشکیل این کنگره در ایران نویدبخش این جریان بوده است. به طوری که مجله عالم نسوان نوشته بود:

تشکیل کنگره نسوان شرق در ایران دلیل کافی بر پیشرفت سریع و استعداد ذاتی آنها میباشد ... امید است حیات جدیدی در زندگانی نسوان ایران شروع شود و بدون تردید زنان ایران امروز وارد مرحله تازه شده و آتیه درخشانی را استقبال خواهند نمود».

در این کنگره، هر چند به قول مخبر السلطنه «تصمیماتی گرفتند و مقرراتی مسلم داشتند و تصدیق کردند که مقام زن در اسلام محفوظتر است و شکایات ابتر. اما متأسفانه خانمها پرده کنگره را دریدند و

ص: 106

1- روزنامه ایران، سال ١٣١١ ، شماره ٣٩٦٤ ؛ سخنان مستوره افشار.

سراسیمه در میدان هوی و هوس دویدند مسکری نماند که نخوردند و منکری نماند که نکردند». [(1)](#content_note_107_1)

پس از پایان کنگره کتابی به نام «زن در اجتماع» نوشته م. ه. آموزگار به چاپ رسید. به تصریح خانم فاطمه استاد ملک، نویسنده کتاب «حجاب و کشف حجاب در ایران»، گفته است: «”بزودی وضع زنان ما روبه بهبود خواهد گذاشت.“ او خوشحال است از اینکه چند زن تاکنون میتوانند بدون حجاب از خانه خارج شوند و از این جهت از حکومت تشکر می کند». [(2)](#content_note_107_2)همچنین او حکومت را غیر مستقیم به حمایت از زنان بیحجاب که به ندرت در شهرهای بزرگ به چشم میخوردند، تشویق مینماید. حال آنکه، خود حکومت از مدتها قبل در پی آن بود. در هر صورت تشکیل دومین کنگره زنان شرق در ایران نشان میداد زنان ایرانی نیز در صدد بودند از نظر ظاهری خود را به پای سایر زنان عالم برسانند، هر چند از حقوق اجتماعی زن آمریکایی و اروپایی اطلاع چندانی نداشتند.

### گسترش مدارس دختران به شیوه کشورهای اروپایی

استفاده از مراکز تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس آموزشی به سبک اروپا از موثرترین عوامل زمینه ساز کشف حجاب در قشر تحصیل کرده و روشنفکر بود. سابقه [(3)](#content_note_107_3)ایجاد این مدارس به صورت گسترده به نیمه دوم دوره ناصری برمی گردد. به شهادت منابع تاریخی، «اولین مدرسه دخترانه

ص: 107

1- هدایت، همان، ص ٤٠١

2- استاد ملک، همان، ص ١27

3- هر چند که اجازه تاسیس مدرسه دخترانه به دوره فتحعلیشاه باز م یگردد و در دوره محمد شاه نیز به همت میسیونهای لازاریست مدارس دخترانه گسترش یافت؛ اما هنوز ورود دانش آموزان دختر به مدارس عیسویان با مشکل مواجه بود و ناصرالدین شاه نیز در ابتدا از رفتن دختران مسلمان به مدرسه عیسویان جلوگیری کرد. نگاه کنید به: ١٨٣٧ )، تهران، موسسه فرهنگی – ناطق، هما؛ کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران ( ١٩٢١. ١٦٧ – هنری، انتشاراتی معاصر پژوهان ١٣٨٠ ، صص ٢٢٦

در ارومیه توسط مبلغین مسیحی آمریکائی در سال 1214 شمسی شروع به کار کرد». این مدرسه نقطه عطفی در تعلیم و تربیت دختران به شیوه جدید بود.

مبلغان مسیحی، آنگاه اجازه تأسیس مدرسه دخترانه را نیز در تهران از ناصرالدین شاه گرفتند؛ مشروط بر اینکه هیچ دختر مسلمانی به آن مدرسه راه نداشته باشد.[(1)](#content_note_108_1) اما، چهل سال بعد یعنی در سال 1254 شمسی به خواهش بنجامین وزیر مختار آمریکا، ناصرالدین شاه اجازه داد که دختران مسلمان هم به این مدرسه بروند. در سال 1287 ش/ 1908 م مدرسه فرانکوپرسان به وسیله مسیو یوسف خان، ریشارد (مودب الملک) تأسیس گردید. چند سال بعد این مدرسه به یکی از مهمترین مدارس دخترانه تبدیل شد. میتوان گفت «آغاز کشف حجاب و زمینه آن از این مدرسه نمودار گردید که بقول رنه دالمانی در این مدرسه پارهای از دختران با روی باز در کلاس درس حاضر میشدند ولی در کوچه با همان چادر رفت و آمد می کردند». [(2)](#content_note_108_2)

تأسیس مدارس دخترانه در آن زمان کار بسیار سخت و دشواری بود؛ چرا که، ایجاد چنین مدارسی را با توجه به گرایش دانشآموزان به سمت کشف حجاب و تأثیر نامطلوب آن در اجتماع، مغایر با مذهب میدانستند و در این راه از هیچگونه مقاومتی خودداری نمیکردند و هیچ کس حتی خانهاش را برای مدرسه اجاره نمیداد؛ چرا که متهم به بیعفتی میشد. اما با این وجود مؤسسان آن در احداث مدارس بانوان کوشیدند.

خانم هاجر تربیت، زنی که نخستین مدرسه دخترانه را به سبک جدید در تبریز بنا کرد، در گفتگویی با مجله زن روز، در سال 1345 به این مشکلات و محدودیتها اشاره کرده و اظهار میدارد: «... در دو ماه اول تأسیس مجبور شدیم هشت تابلو عوض کنیم چون شب تابلو

ص: 108

1- شیخ الاسلامی، پری؛ زن در ایران و جهان، صص ١20،121

2- همان، ص ٤٥١

میزدیم و صبح میدیدیم آنرا پائین کشیده و پاره کرده و به گوشهای انداخته اند». [(1)](#content_note_109_1)

سند زیر از اداره معارف و اوقاف استرآباد [(2)](#content_note_109_2)حاکی از درگیری رئیس آن اداره در ایجاد مدرسه بانوان با مردم محلی است:

مقام منبع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکته

نظرباینکه این بنده برای تأسیس مدرسه اناثیه شهر استرآباد مصادف با کشمکشهای محلی واقع شده بودم و با توجهات کامله وزارت جلیله متبوعه به اظهارات غیر مشروع یک عده مخالفین مدرسه مذکور ترتیب اثر نداده و همه قلم در پیشرفت آن مدرسه موفقیت حاصل نموده است بنابراین من باب راپورت به وزارتخانه معروض میدارد که احصائیه فعلی محصلات مدرسه مزبوره متجاوز از هفتاد و پنج نفر و محصلات اکابر آن در حدود بیست نفر است.

اسدالله اسفندیاری، اداره معارف و اوقاف استرآباد

یکی از مدارسی که با مخالفت کمتری مواجه شد و توانست جای خود را حتی در میان نیروهای مذهبی باز کند، مدرسه ناموس بود [(3)](#content_note_109_3)که توسط طوبی آزموده تأسیس شده بود. وی با اخذ تدابیر لازم و با پیش بینی برنامه های متناسب با افکار مردم، کار خود را شروع کرد، چنانکه هر سال مجالس روضهخوانی در مدرسه ترتیب میداد و از اولیای شاگردان دعوت به عمل میآورد و آیههایی از قرآن را که خداوند در آنها آموختن علم و دانش را از اهم وظایف مسلمانان دانسته، گوشزد میکرد. بدین ترتیب توانست از مخالفت و مزاحمت دیگران جلوگیری نماید.

ص: 109

1- مجله زن روز، شماره مخصوص ١٧ دی ماه، سال ١٣٤٥ شمسی.

2- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ١٢١٨ مورخه 1305/11/13 اوقاف استرآباد به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه.

3- قویمی، فخری؛ کارنامه زنان مشهور ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر، شرح ؛ و نیز: بامداد ، بدرالملوک ؛ زن ایرانی از – مربوط به طوبی آزموده، صص ١٣٤ - ١٣٣. انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ص41

مدرسه ناموس بعدها به صورت یکی از مهمترین و مجهزترین مدارس متوسطه تهران در آمد. از دیگر مدارس تهران میتوان مدرسه فرحیه نوباوگان [(1)](#content_note_110_1)نام برد که در سال 1335 ق توسط خانم فرحالملوک تأسیس شد. دیگر مدرسه حسنات [(2)](#content_note_110_2)به مدیریت خانم سکینه شهرت و به تشویق حاج میرزا حسن رشدیه در سال 1336 ق. تأسیس گردید و بعد از مدتی تغییر نام یافته و به مدرسه ژاله موسوم شد. از میان مدارس دیگر پایتخت، مدرسه عفتیه [(3)](#content_note_110_3)به مدیریت خانم صفیه یزدی، و به تشویق شیخ محمدحسین یزدی همسر نامبرده که یکی از روحانیون تهران به شمار میرفت، تأسیس گردید. همچنین، مدرسه دخترانه صدریه، مدرسه تربیت بنات و ... نیز مدارس دیگر پایتخت بودند. به جز تهران، در شهرستانها نیز مدارس دخترانه شروع به فعالیت نمودند. معروفترین آنها مدرسه فروغ [(4)](#content_note_110_4)بود. این مدرسه، در شرایطی بسیار آشفته و پر هرج و مرج در مشهد که یک شهر مذهبی بود، توسط فروغ آذرخشی دایر شد. در اصفهان مکتبخانه شرعیات [(5)](#content_note_110_5)در سال 1296 ش توسط خانم صدیقه دولت آبادی تأسیس گردید. در فارس نیز مدرسه عصمتیه [(6)](#content_note_110_6)که یک مدرسه شش کلاسه بود، به سرپرستی خانم حیا در سال 1300 ش تأسیس شد.

مدارسی که بر شمردیم جزء مدارس ملی بود و بودجه آن از طریق اولیای دانش آموزان، دولت و از اهالی محلی تأمین میگردید. دروسی که در مدارس ملی [(7)](#content_note_110_7)به دختران تعلیم داده میشد بیشتر به سبک مکتب خانه های

ص: 110

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٠ ؛ تقاضانامه موسس مدرسه فرحیه نوباوگان به وزارت معارف و اوقاف.

2- . ٢. قویمی، همان، ص ١٤٤

3- همان، ص ١41

4- همان

5- بامداد، همان کتاب ، ص ٥١

6- سازمان اسناد ملی ایران، اسناد آموزش و پرورش، سری ب، شماره 4/752

7- رجوع شود به: گنجینه شماره یک نشریه سازمان اسناد ملی ایران، مقاله مدارس نسوان در ایران.

قدیم بود و کم و بیش مطالب علمی و مسائل اجتماعی و تعلیم و تربیت و صنایع یدی نیز تعلیم میدادند.

در سال 1297 ش. نصیرالدوله وزیر معارف کابینه وثوقالدوله پس از تأسیس اداره تعلیمات نسوان، اقدام به تأسیس ده مدرسه دولتی و یک مدرسه تربیت معلم به نام دارالمعلمات[(1)](#content_note_111_1) کرد. [(2)](#content_note_111_2)

دارالمعلمات در ابتدا ضمیمه مدرسه فرانکوپرسان گردید [(3)](#content_note_111_3)و ریاست آن به یوسف خان ریشارد (مؤدب الملک) واگذار شد. این مدرسه در سال 1300 شمسی از فرانکو پرسان جدا شد و در سال 1304 دکتر عیسی صدیق، رئیس تعلیمات نسوان که یک بانوی فرانسوی بود و هلن هس نام داشت، برای اداره امور دارالمعلمات تعیین نمود و دروس تدبیر منزل، تعلیم و تربیت و روانشناسی کودک رابه مواد درسی آن اضافه نمود. [(4)](#content_note_111_4)

به دست آوردن آمار صحیحی از فعالیتهای مدارس نسوان مشکل خواهد بود. با توجه به این که بعضی از این مدارس با ضعف مالی روبرو بودند، و ناگزیر از تعطیل کردن مدارس میشدند، غالباً اطلاعات کاملی از فعالیت آنها به جای نمانده است.

تا قبل از 1307، فارغالتحصیلان این مدارس فقط در مقطع ابتدائی بودند و از دوره متوسطه تا قبل از این سال فارغ التحصیلی ثبت نشده است. اما در سال 1307 شمار فارغالتحصیلان نخستین دوره مدارس متوسطه دخترانه به 40 نفر رسید و تا سال 1312 بالغ بر 235 نفر شد. [(5)](#content_note_111_5)

ص: 111

1- رجوع شود به: محبوبی اردکانی؛ ص ٤١ ٤١٦ . در این کتاب نیز به دو تاریخ اشاره شده است، اواخر سال ١٢٩٧ ه . ش و اوایل سال ١٢٩٨ ه . ش. در زمان وزارت میرزا احمد خان (نصیرالدوله) به همراه دارالمعلمین مرکزی، دارالمعلمات نیز تاسیس گردید.

2- بامداد، همان، ص ٦2

3- همان، ص . ٤5

4- قویمی، همان، ص ٢2

5- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١١ ؛ به نقل از: .سالنامه وزارت معارف و . اوقاف و صنایع مستظرفه، ص ٨٩- ٨8

آنچه تاکنون بدان اشاره کردهایم، تاریخچه مدارس جدید تا قبل از تغییر سلطنت بود. این مدارس با همت عدهای تأسیس شده و به کار خود ادامه میداد، بدون این که برنامه ریزی و نظارت دولتی به طور چشمگیری در آن دخالت داشته باشد. اما بعد از تغییر سلطنت این روند کاملاً تغییر کرد و دولت مستقیماً مداخله نمود. در همین راستا تعلیمات دینی به طور قابل توجهی جای خود را به تعلیمات ملی و ملیتگرائی داد و حتی به فرمان رضا شاه موضوع اعزام دختران به خارج از کشور مطرح و در سال 1309 شمسی هفت نفر از دختران امرا و دولتمردان برای تکمیل تحصیلات خود عازم پاریس شدند.[(1)](#content_note_112_1) «در ابتدا تصمیم بر این بوده که اینها بروند تحصیل کنند و اگر خوب و رضایت بخش درس خواندند بطوریکه امید استفاده از تحصیل آنها در بازگشتشان به کشور زیاد بود سال دیگر تعداد آنها به بیست تن و سال بعد به چهل تن بالغ گردد». [(2)](#content_note_112_2)

بازگشت آنها به کشور تأثیرات عمیق خود را در دگرگونی پوشش دانشآموزان نشان داد. وزارت معارف از طرف وزارت داخله وظیفه مستقیم این دگرگونی را بر عهده داشت. طبق متحدالمالی [(3)](#content_note_112_3)از طرف این وزارت امر گردیده بود که قضیه کشف حجاب «باید بدواً» از محیط معارف یعنی ابتدا از مدیرههای دبستانها و محصلات شروع شده و آنگاه به سایر طبقات بسط نماید. سپس در دبستانها و مدارس دخترانه مأمورین دولتی مجامعی با خانوادههای محترم و تربیت شده تشکیل داده [تا] با نهایت متانت با دادن کنفرانسها مقصود خود را (کشف حجاب) پیش ببرند.

ص: 112

1- رستاخیز، شماره ٥١١ ، پنجشنبه ١٦ دی ماه ٢535

2- رستاخیز، همان.

3- صفایی، ابراهیم؛ رضاشاه کبیر در آئینه خاطرات، ص ٥٢٥ ، متن متحدالمال، به شماره ١٦٢٣ ، در این کتاب آمده است.

همچنین مقرر گردید «مدارس ابتدائی تا سال چهارم بصورت مختلط باشد. دبستانها از بچه های ذکور و اناث که در سن 1312 هستند تشکیل شود و معلمشان هم زن باشد». که بی حجابی را از همان ابتدا به آنها بیاموزد.

در این میان، نقش دانشسراهای مقدماتی دختران را نباید نادیده انگاشت. این مراکز که تربیتکنندگان معلمین و مربیان بودند، کشف حجاب را به صورت یک فرهنگ به دانشآموزان میآموختند. به طوری که آموزش آنها، ضمن ایجاد زمینه در میان دیگر اقشار در اعلام رسمی کشف حجاب نیز نقش اساسی داشت.

در بسیاری از موارد، از این مراکز به عنوان مجالس جشن و خطابه در ذم حجاب و مدح بی حجابی استفاده میشد و دختران با اجرای سرودهای مخصوص و حرکات ورزشی به این مجالس رونق داده و بیحجابی را ترویج میدادند. از جمله در مجلس جشنی که در شیراز با حضور وزیر معارف، علیاصغر حکمت تشکیل شده بود: «دختران صف منظمی آراسته بعداً لایحه خواندند و سرود سراییدند و به ورزش و ژیمناستیک مشغول شدند». [(1)](#content_note_113_1)

به منظور دگرگون ساختن فرهنگ جامعه، لزوم ساخت این مراکز از قبل احساس شده بود. بر همین اساس، در اسفند سال 1312 ه. ش دستور ساخت بیست و پنج باب دانشسرای دخترانه و پسرانه در شهرهای تهران، مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، ارومیه، کرمان و اهواز به وزارت معارف داده شد. [(2)](#content_note_113_2)

درباره اهمیت ایجاد مدارس دخترانه به شیوه کشورهای اروپایی همین بس که این مراکز مقدمات اعلام رسمی کشف حجاب را کاملاً مهیا ساختند و بعد از اعلام رسمی کشف حجاب در 17 دی ماه 1314

ص: 113

1- حکمت، علی اصغر؛ سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، ص . ٩0

2- تجدد ایران، شماره ١٨٠٢ ، مورخ ١٨ دی ماه . ١٣١4

نیز در جهت پیشبرد آن کوشیدند.

### سفر رضا شاه به ترکیه

واقعه دیگری که موجب تسریع در اعلام کشف حجاب گردید، سفر رضا شاه به ترکیه بود. سفر به کشوری که با نهضت پان ترکیسم، به رهبری مصطفی کمال پاشا میرفت تا به سبک اروپاییان شکل پذیرد و ارزشهای اسلامی را از کشور خود بزداید.

درباره شیفتگی رضاخان به ترکیه و اقدامات مصطفی کمال و الگوپذیری از وی، حتی قبل از آنکه وی براریکه سلطنت ایران دست یازد، مطالب فراوانی گفته شده است. از جمله روزنامه مورنینگ پست در شماره 12 اکتبر 1924/ 20 مهر 1303 خود در مقالهای تحت عنوان مرد توانای ایران، به این شیفتگی اشاره کرده و می نویسد:

رضاخان نسبت به کارهای بزرگ و عملیات نظامی همسایه ترک خود مصطفی کمال بسیار شیفته شده و در تقلید از برنامه سیاسی او نیز تردیدی بخود راه نداده است. [(1)](#content_note_114_1)

یکسال بعد همین روزنامه در شماره دیگر خود در مقالهای تحت عنوان «سوابق رضاخان و هم چشمی او با مصطفی کمال» پیشبینی سیاسی خود را تحقق یافته میبیند و چنین مینویسد:

رضاخان پس از ارتقاء به نخستوزیری موافقت قطعی خود را با جمهوریت اعلام و خویش را نامزد ریاست حکومت نمود ولی بر اثر مخالفت علماء اقدام او موقتاً عقیم ماند ... با وجود این تحت تأثیر روش همانند خود «مصطفی کمال پاشا» در ترکیه قرار گرفت و در سیاست ضدسلطنت خود اصرار ورزید و در اوایل سال جاری (1304 ش) هنگامی که مجلس را وادار به تصویب قانون تفویض فرماندهی ارتش خود نمود کار را پیش انداخت» [(2)](#content_note_114_2)

این روزنامه سپس به علت عدم توفیق شاه ایران در تقلید کامل از همسایه تجددخواه خود اشاره کرده و مینویسد:

ص: 114

1- نوری اسفندیاری، به نقل از رستاخیز ایران، ص ٩6

2- همان، ص ١٨3

تنها علتی که رهبر ایران رضا شاه ملت خود را پابپای ترکها نمیبرد این است که خطر بلشویکی ایران را بیش از ترکیه تهدید میکند و بهترین وسیله دفاع در مقابل این خطر آن است که تمام مملکت مجهز گردد و با استفاده از احساسات شدید مذهبی تودههای مردم، این عمل در ایران بهتر انجام میگیرد و روحانیون راهنمائی ملت را عهدهدار میباشند ...

آنگاه خاطرنشان میسازد:

همینکه خطر بلشویکی از میان برود ایران ناگزیر خود را به پای ترکیه میرساند و همان تحولات اجتماعی ولی با محافظه کاری و قدمهای شمردهتر، صورت خواهد گرفت.

پیش بینی دیگر این نشریه خارجی جامه تحقق به خود پذیرفت. پس از آنکه خطر بلشویکی رفع گردید، رضا شاه با اجرای سیاست [(1)](#content_note_115_1)گام به گام نسبت به حذف تدریجی روحانیت از صحنه سیاسی اجتماعی کشور اقدام کرد تا راه را برای سیاست تجددطلبانه خود هموار سازد.

دیدار رضا شاه از ترکیه در راستای اجرای سیاست تجددطلبانه وی صورت گرفت و در واقع اولین و آخرین سفر او به عنوان شاه ایران به یک کشور خارجی است. گزارشات لحظه به لحظه این سفر مهم و تاریخی در جراید آنروز خصوصاً شفق سرخ[(2)](#content_note_115_2) و اطلاعات درج گردیده و

ص: 115

1- در فصل مربوط به سیر تجددطلبی در ایران، اشاره شد که رضا شاه با وضع قوانین عرفی به محدود کردن حیطه عمل روحانیون پرداخت و بعد از آن، از طریق متداول کردن اجباری لباس اروپایی (لباس متحدالشکل) آنها را در تنگنای شدیدی قرار دارد . قضیه اخیر، به عنوان زمینه اعلام کشف حجاب در این فصل، مورد بررسی قرار گرفته است.

2- روزنامه شفق سرخ در مقاله ای تحت عنوان (مو کب ملوکانه) به شرح این سفر شانزده روزه پرداخته و راجع به آغاز این سفر چنین می نویسد: (صبح روز گذشته شنبه ١١ خرداد ١٣١٣ ساعت پنج قبل از ظهر موکب اعلیحضرت همایون شاهنشاهی برای مسافرت به مملکت ترکیه از قصر سلطنتی به سمت قزوین حرکت فرمودند . در موقع حرکت آقای رئیس الوزراء فروغی و آقایان وزراء در قصر سلطنتی شرفیابی حاصل کرده و تعلیمات لازم صادر و ابلاغ فرموده اند) شفق سرخ، شماره ٢٦٥7 مورخ ١٢ خرداد ماه ١٣13 یکی از علل پیشرفت کشف حجاب در ترکیه گذشته از همجواری و نزدیکی با کشورهای اروپایی، شیوه عملکرد آتاترک در قبال این جریان بود که بدون اعمال فشار مستقیم در پیشبرد این طرح می کوشید. در سخنانش از زنان و وضعیت آنان دفاع چرا ما مردها باید » می کرد و مردها را به باد سرزنش م یگرفت. از جمله می گفت اینقدر خود خواه باشیم و بگذاریم خواهرانمان در چنین وضعی باشند؟ بهتر است بگذاریم آنها رویشان را به دنیا نشان بدهند و فرصت مسافرت و دیدار نقاط مختلف را داشته باشند از هیچ چیز نباید ترسید. هیچ ملتی بدون تشریک مساعی زنانش موفق به پیشرفت نمی شود. مگر زنان و دختران دنیای متمدن اینطور لباس م یپوشند و چنین رفتاری دارند؟ مسلماً نه. ( به نقل از: باربر، نوئل؛ فرمانروایان شاخ زرین ؛ ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی ).

حتی به تصویر کشیده شده و در سینماها و تالارهای نمایش، به روی پرده در آمده است.

پس از ورود رضا شاه به ترکیه استقبال باشکوهی توسط آتاترک و دیگر مقامات لشکری و کشوری از وی به عمل آمد. در این سفر، ظواهر اروپایی ترکیه رضا شاه را بیش از پیش مجذوب اقدامات مصطفی کمال کرد، و او را مصمم ساخت تا در بازگشت به ایران دنباله اقدامات تقلیدی خود را تسریع بخشد.

رضا شاه طی نطقی در ضیافت شام رئیس جمهوری ترکیه، هدف و انگیزه خود از سفر به این کشور را با عبارتی بیان کرد که شیفتگی او را به ترکیه و رئیس جمهوری آن ثابت میکند:

مدتهاست با کمال خوشوقتی ناظر ترقیات عظیم ملت دوست و همجوار خود لزوم دوستی با ترکیه را احساس میکردم و به همین مناسبت خوشبختانه امروز مشاهده میکنم که این دوستی در آتیه از هر تزلزل مصون خواهد بود و دو ملت همسایه و برادر میتوانند با کمال اعتماد و اطمینان به یکدیگر متکی بوده و وظیفه مقدس خود را که ادامه ترقیات و توسعه تمدن است ایفاء نمایند. [(1)](#content_note_116_1)

در این مسافرت رضا شاه از مراکز علمی و صنعتی ترکیه دیدن کرد. اما آنچه بیشتر مورد توجه رضا شاه قرار گرفت، ظاهر وضع آراسته و

ص: 116

1- شفق سرخ، شماره ٢٦٥٧ ، مورخ ١٢ خرداد ١313

مدرن زندگی اجتماعی مردم بود. همه چیز زیبا به نظر میرسید و حضور زنان بیحجاب در چشم او بسیار پسندیده آمد. دیدن این مناظر خصوصاً در مراکز آموزشی و تربیتی این کشور توجه رضا شاه را بیشتر جلب کرد. روزنامه اطلاعات در این مورد مینویسد:

یکی از مراکزی که رضا شاه هنگام دیدار از ترکیه انجام داد دیدار از مدرسهای در آنکارا بنام عصمت پاشا بود که در این مدرسه دختران بیحجاب ترک تربیت خانهداری و صنایع یدی را میآموختند و در هنگام ورود شاه تمام دختران مؤسسه مزبور با کف زدنهای ممتد خود مقدم ملوکانه را تهنیت گفتند. [(1)](#content_note_117_1)

رضا شاه باور نداشت که ترکیه در زمینه آزادی زنان و تعلیم و تربیت آنان، تا این اندازه دچار تحول و دگرگونی به سبک اروپا شده باشد، تا حدی که خطاب به سفیر کبیر ایران مستشارالدوله صادق اظهار میدارد: «هنوز عقب هستیم و فوراً باید با تمام قوا به پیشرفت سریع مردم خصوصاً زنان اقدام کنیم ...». [(2)](#content_note_117_2)

به همین علت بود که پس از بازگشت از ترکیه در اغلب اوقات ضمن بیان پیشرفت سریع کشور ترکیه، از رفع حجاب زنها و آزادی آنها صحبت می کرد. [(3)](#content_note_117_3)تأثیر این مسافرت تا بدان حد است که روزنامه رستاخیز در مقالهای به مناسبت سالگرد کشف حجاب، «ابتداء ماجرای کشف حجاب را از سال 1313 شمسی میداند»، سالی که بنیانگذار شاهنشاهی پهلوی به دعوت مصطفی کمال پاشا برای دیداری به ترکیه رفت. همچنین: «یکی از مسائلی که در جریان این دیدار جلب توجه رضا شاه کرد، مسئله بی حجاب بودن زنان آن کشور بود». [(4)](#content_note_117_4)

ص: 117

1- روزنامه اطلاعات، شماره ٢٢٣٣ ، مورخ ٢٠ تیرماه ١٣13

2- مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، ج ٦، ص ١٥7

3- هدایت، همان، ص 404

4- رستاخیز، شماره ٥١١ ، پنجشنبه ١٦ دی ماه 2535

سخنان صریح رضا شاه به رئیسالوزراء جدید (محمود جم) به تاریخ 11 آذرماه 1314 در این خصوص، مؤید این مدعاست. در جایی که اظهار میدارد: «نزدیک دو سال است که این موضوع کشف حجاب سخت فکر مرا بخود مشغول داشته است خصوصاً از وقتی که به ترکیه رفتم و زنهای آنها را دیدم که ”پیچه“ و ”حجاب“ را دور انداخته و دوش بدوش مردهایشان در کارهای مملکت به آنها کمک میکنند دیگر از هر چه زن چادری است بدم آمده است اصلاً چادر و چاقچور دشمن ترقی و پیشرفت مردم است». [(1)](#content_note_118_1)

به همین جهت، این سفر و دیدار از ترکیه و مشاهده تحول دگرگونی در اجتماع زنان و «کیفیت مجالس، شاه را در خط تأسی صرف انداخت و تشبه به اروپایی شدن کشورش»، چرا که کوشش وی آن بود که ایران را در طریق ترقی و قبول تمدن جدید وارد» کند، [(2)](#content_note_118_2)غافل از آنکه با تغییر در ظاهر و تقلید صرف گرهی از مشکلات زن ایرانی، باز نمی شد.

### تشکیل کانون بانوان

یکی دیگر از عوامل زمینهساز کشف حجاب و پیشبرد این طرح، تشکیل کانون بانوان به سال 1314 شمسی بود. [(3)](#content_note_118_3)این کانون که در ابتدا بنام «جمعیت زنان آزادیخواه ایران» خوانده میشد در 22 اردیبهشت 1314 «تحت ریاست افتخاری شمس پهلوی، از طرف ”وزیر معارف“ علی اصغر حکمت ”و با فرمان رضا شاه“ به وزیر معارف، به منظور فراهم نمودن زمینه مساعد جهت ”اعلام آزادی نسوان“» و در حقیقت اعلام رسمی کشف حجاب، تشکیل گردید. [(4)](#content_note_118_4)

ص: 118

1- رستاخیز، همان.

2- هدایت؛ همان؛ ص 404

3- استاد ملک، همان، ص ٢٢9

4- صفایی، همان، ص 528

ذکر این نکته لازم است که کانون بانوان در راستای تشکیل دیگر جمعیتها و سازمانهای زنان که تاریخچه آن به دوران مشروطیت و بعد از آن برمیگردد، بنیاد گذارده شد. در ارتباط با تاریخچه گروههای اجتماعی و سیاسی زنان و نقطه آغازین کانونهای ایشان باید گفت «اولین گردهمایی زنان در سال 1285 ه. ش /1324 ه. ق به منظور حمایت از اهداف مشروطه و پیشرفت توسعه اقتصادی کشور تشکیل گردید» اما برای رسیدن و مشارکت در این هدف، ضرورت تعلیم و تربیت نسوان مورد توجه قرار گرفت. به همین منظور اولین دبستان ایرانی دخترانه توسط طوبی آزموده تأسیس شد. [(1)](#content_note_119_1)بعد از تأسیس این مدرسه، خانم محترم اسکندری جمعیت نسوان وطنخواه را بنیان گذارد که تا سال 1307 پایدار بود. اما قبل از آن، خانم صدیقه دولت آبادی «شرکت خواتین اصفهان» را تأسیس کرد که تا سال 1300 دوام داشت و مجلهای به نام زبان زنان را منتشر می کرد. [(2)](#content_note_119_2)در سال 1299 ش. بنا به دعوت همین خانم «شرکت آزمایش بانوان» در تهران ایجاد شد. مرامنامه این جمعیت، عبارت بود از: «ترویج امتعه وطنی و ایجاد دبستان شش کلاسه برای دختران»، این جمعیت تا سال 1303 شمسی دوام داشت. در سال 1300 شمسی در رشت جمعیتی موسوم به «پیک سعادت نسوان» تشکیل گردید و در اواخر سال 1305 شمسی جمعیتی بنام بیداری نسوان در تهران تشکیل شد.

در کنار تشکیل این جمعیتها، روزنامه ها و مجلات، زنان نیز پا به عرصه فعالیتهای اجتماعی نهادند، تا از اهداف و افکار غربگرایانه این جمعیتها دفاع کرده، در نشر آن بکوشند. بنابراین، در همین اوقات مجله زبان زنان به مدیریت صدیقه دولت آبادی در اصفهان و نامه بانوان به مدیریت شهناز آزاد در تهران و مجله جهان زنان به سردبیری فخرآفاق

ص: 119

1- بامداد، همان، ص ٤١

2- شیخ الاسلامی، همان، ص ٩7

پارسا در مشهد و سپس در تهران و مهمتر از همه مجله عالم نسوان به مدیریت نوابه صفوی، فعالیت می کردند. [(1)](#content_note_120_1)

نویسندگان این نشریات، در مقالات خود، لزوم تعلیم و تربیت زنان و فرزندان آنان، بیان محرومیتهای زنان در خانهها و لزوم وارد شدن آنان در فعالیتهای اجتماعی، ترویج امتعه وطنی، معرفی زنان مشهور جهان و بعد از مدتی انتقاد از مسئله حجاب به عنوان سد راه ترقی و تکامل زنان را مورد بحث قرار دادند. ترویج فرهنگ حجابزدایی از اهم مقالات مندرج در این مجلات بود که در ابتدای فصل به قسمتی از آنها اشاره شد.

افراد انجمنهای مذکور که اکثراً در تهیه و تدوین مقالات روزنامهها و مجلات زنان نقش داشتند از پیشتازان کشف حجاب در ایران بودند. بعداً بسیاری از این جمعیتها و افراد مؤسس آن در قالب جمعیت زنان آزادیخواه ایرانی تجمع کردند و از طرف وزیر معارف و با فرمان شاه، مأموریت یافتند اساسنامهای برای جمعیت تهیه نموده و در اختیار وزیر معارف بگذارند و از وزیر نیز درخواست شود در مقابل، حمایت خود را از آنها اعلام نماید. این جمعیت در تاریخ 22 اردیبهشت ماه 1314 به عنوان کانون بانوان، و به منظور تحقق و فراهم آوردن زمینه لازم برای اعلام و رسمیت یافتن کشف حجاب تأسیس گردید [(2)](#content_note_120_2)که ریاست افتخاری آن را شمس پهلوی بر عهده داشت و تحت نظارت وزارت معارف قرار گرفت.

اساسنامه این کانون به شرح ذیل است:

1. تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانهداری و پرورش طفل

2. تشویق به ورزشهای متناسب برای تربیت جسمانی (زنان)

ص: 120

1- شیخ الاسلامی، همان، از ص ٨٨ به بعد

2- بامداد، همان، صص ٩٠-٨9

3. ایجاد مؤسسات خیریه برای امداد به مادران بیبضاعت و اطفال بیسرپرست

4. ترغیب به سادگی در زندگی و استفاده از امتعه وطن

خانم هاجر تربیت نیز به عنوان رئیس کانون بانوان انتخاب شد. در ورای این اساسنامه به ظاهر خیرخواهانه، هدف عمده و اساسی از تشکیل کانون بانوان بنا به اظهارات وزیر معارف، آن بود که در آنجا خانمهای تحصیل کرده جمع بشوند و از رجال و دانشمندان و اشخاص معروف تهران دعوت کنند و برای حضار از زن و مرد راجع به مقام زن در جامعه نطق کنند و آنگاه که «افکار حاضر شد ... اعلام آزادی نسوان به اطلاع اهل عالم برسد». [(1)](#content_note_121_1)

بدرالملوک بامداد نیز پرده از این هدف اصلی کانون، (کشف حجاب) برداشته و چنین مینویسد: «ضمن سایر اقدامات، منظور اصلی یعنی ترک چادر سیاه متدرجاً پیشرفت میکرد به این طریق که زنان عضو جمعیت با راضی کردن خانوادههای خود یکی یکی به برداشتن چادر مبادرت می نمودند».[(2)](#content_note_121_2) و از این راه مقدمات اعلام کشف حجاب در سطح اجتماع را فراهم می ساختند. سخنرانان نیز در مجالس کانون «سایر بانوان را تشویق به ترک کفن سیاه میکردند بطوریکه در هر نوبت از مجالس و اجتماعات کانون عده زیادی از بانوان بدون چادر حضور مییافتند» و این در حالی بود که «زنان فرهنگی در صف مقدم آنها بودند». [(3)](#content_note_121_3)

این کانون بعدها در شهرهای مهم کشور از جمله اصفهان دارای شعبه گردید [(4)](#content_note_121_4)(71) تا به زعم دستاندرکاران کشف حجاب زنان را با اصول ترقی و مدنیت غربی آشنا سازد؟!

ص: 121

1- صفایی، همان، ص ١٠

2- بامداد، همان، ص ٩1

3- همان، ص ٩١

4- تجدد ایران، شماره ١٨٠٥ ، دی ماه ١٣14

در خاتمه این فصل، به طور خلاصه باید گفت کشف حجاب در ایران از 17 دی ماه 1314 آغاز نگردید؛ بلکه در این تاریخ رسماً از سوی حکومت اعلام شد. زمینه و ریشه این جریان بیشتر در خارج از مرزها قرار دارد، برخورد و آشنایی اندیشهگران ایرانی از وضعیت زنان در کشورهای غربی و مقایسه آن با وضعیت زن ایرانی آنها را به دنبال راه چاره کشاند. به طوریکه به این نتیجه رسیدند که حجاب عامل اصلی و بدبختی زن است و اگر این سد شکسته شود تمامی استعدادهای زنان نیز بروز میکند. روزنامهها و مجلات آن زمان مشحون از کلماتی اینچنین است: «تا روزیکه این پرده سیاه که مایه بدبختی زنان ایرانی است و عبارت از سد بزرگی است که در مقابل ایرانی و تمدن اروپا حایل شده است از میان برداشته نشود، تا روزی که این کفن سیاه زنهای ایرانی را بخود پیچیده و روحیات دختران امروزی و مادران فردای ایران را خواهی نخواهی خفه نموده است به هم پیچیده نشود و از میان برداشته نشود ایران ترقی نخواهد نمود».

پس از ایجاد آمادگی فکری و زمینه ذهنی در میان حداقل، قشر خاصی از زنان بود که رضاخان موفق شد نسبت به تنظیم برنامههای ضد مذهبی خود از طریق کشف حجاب اقدام نماید. برای اعلام رسمی این جریان برنامههایی ترتیب داد تا بالاخره روز 17 دی ماه 1314 فرا رسید. هشت سال قبل در چنین ماهی، تصمیم گرفته شده بود که نخست ذهنیت مانع اصلی و عمده از حضور زن در اجتماع، یعنی مرد را برای این دگرگونی آماده نماید، لذا با برنامه اتحاد شکل البسه او را به اروپاییشدن فرا خواند. بعد از اجرای این برنامه راه برای اجرای دیگر برنامههای زمینهساز فراهم شد.

برگزاری دومین کنگره زنان شرق در ایران در سال 1311 خود دلیل دیگری بر اجرای طرح رفع حجاب و ضرورت آن در ایران است. اگرچه در این کنگره از کشف حجاب سخنی به میان نیامد؛ اما، جو حاکم بر این کنفرانس حکایت از این مسئله میکرد. مروجان کشف حجاب به این نتیجه رسیده بودند که در جامعه سنتی مذهبی ایران نخست باید از طریق مذهب سنتهای اجتماعی را کوبید و به صرف آنکه اسلام زن را همانند

ص: 122

مرد آزاد آفرید، به جنگ این سنتها رفت و با اسلحه دین سنتها را که دعوت به خانهنشینی زن دارد، درهم شکست. آنگاه به سراغ توجیه قوانین مذهبی رفت و حتی اعلام کرد که در شرع صراحتی راجع به حجاب وجود ندارد.

کنگره زنان شرق در ایران این مأموریت را حداقل در بخش نخست به خوبی انجام داد و به صورت چشمگیری در جهت پیشبرد طرح کشف حجاب رضا شاهی تلاش کرد. همین طور توسعه مدارس [(1)](#content_note_123_1) آموزشی به شیوه کشورهای اروپایی زمینه این مسئله را بیشتر مهیا کرد. دیدار رضا شاه از ترکیه به سال 1313 نقطه عطفی بود بر باورهای قبلی وی. دیدارش از مراکز علمی و صنعتی و مشاهده آراستگی این کشور و تبلیغات گسترده پیرامون این سفر برای تأسی از برنامه های آتاترک، سومین عامل برای ایجاد زمینه ذهنی در روز موعد است. به طوری که این سفر در پیشبرد برنامه رضا شاه و تسریع در اعلام رسمی، بسیار موثر واقع شد و رضا شاه دریافت که برای رسیدن به نظم نوین خود باید از کشور همسایه (ترکیه) تبعیت کند.

به همین جهت، پس از بازگشت به ایران مترصد ایجاد فرصتی مناسب بود تا در تبعیت از همتای خود این برنامه را عملی سازد به طوری که این فکر سخت او را به خود مشغول داشته و در اجرای آن سخت مصمم شده بود.

با تشکیل کانون بانوان در 22 اردیبهشت 1314 راه برای اعلام رسمی کشف حجاب فراهم گردید. بدین منظور، وزیر معارف از طرف رضا شاه مأموریت یافت تا محلی ترتیب داده و زنان روشنفکر و فرهنگی را دور یکدیگر جمع نماید و با برگزاری کنفرانسها و دعوت از دیگر زنان، آنها را متوجه این نکته نماید که رفع حجاب هر چه زودتر رسمیت خواهد

ص: 123

1- در اهمیت این توسعه همین بس که برای اعلام رسمی کشف حجاب از این مراکز استفاده شد. آموزش فرهنگ کشف حجاب در این مدارس بر همه روشن است و اولیای امور به این نکته سخت واقف بودند.

یافت و لازم است که خود را با این نظم نوین هماهنگ سازند. هر چند در اساسنامه کانون سخنی از این منظور بیان نشده و هدف از تشکیل چنین ارگانی، تربیت فکری و اخلاقی و تعلیم خانهداری و پرورش فرزندان و ... قید شده است اما منظور اصلی یعنی ترک چادر متدرجاً پیشرفت میکند. بدین صورت که زنان با راضی کردن خانوادههای خود یکی یکی به برداشتن چادر مبادرت مینمایند و راه را برای اعلام رسمی کشف حجاب هموار میسازند. به همین علت بود که این کانون بعدها در شهرهای مهم کشور شعباتی ایجاد کرد تا در پیشبرد این طرح حتی پس از اعلام رسمی تلاش نماید. در واقع روز 17 دی ماه که روز اعلام رسمی کشف حجاب و منع حجاب نامگذاری شده است، حاصل چهار دهه زمینهسازیهای فکری از دوران مشروطیت تا کودتای 1299 در جامعه ایران، و نیز حاصل زمینهسازیهای عملی رضاخان بعد از به دست گرفتن قدرت کامل در کشور است.

ص: 124

## فصل سوم

### اعلام کشف حجاب و اقدامات سازمانیافته برای پیشبرد آن

در فصل گذشته به بررسی عوامل زمینهساز کشف حجاب اشاره گردید. هر یک از عوامل مزبور، به نوبه خود راه را برای اعلام رسمی کشف حجاب در ایران فراهم ساختند. بذر اصلی این تفکر که از نتایج تجددطلبی و پذیرش شیوه زندگی به سبک و آداب اروپایی بود، قبل از مشروطیت پاشیده شد و در مشروطه و بعد از آن تا کودتای 1299 کم و بیش رخ نمایاند.

با کودتای 1299 و تسلط رضاخان بر اریکه سلطنت، زمینههای ظهور علنی این پدیده فراهم گردید و شتاب افزونتری یافت. اما این شتاب به یکباره و بدون ایجاد زمینههای اجتماعی نبود، بلکه مراحلی را طی کرد. مرحله اول، زمینهسازی برای اعلام رسمی کشف حجاب بود که در فصل پیش بدان پرداختیم. دومین مرحله، عبارت بود از روند کشف حجاب و کیفیت آن که در قالب تصویب قوانین خاص صورت گرفت.

در فصل حاضر، نخست به بررسی روند اعمال کشف حجاب و تهیه و تدوین قانون مربوطه و چگونگی رسمیتیافتن آن میپردازیم و سپس، با توجه به این که، برنامههای مزبور از سوی رژیم در قالب یک طرح سیاسی اجتماعی مطرح شد و سرمایهگذاری عمدهای نیز برای اجرای آن صورت گرفته بود، راههای پیشبرد آن را مورد توجه قرار میدهیم.

نخست ببینیم قدمهای عملی کشف حجاب چگونه برداشته شد؟

ص: 125

### گامهای آغازین کشف حجاب

همان طور که تاکنون تأکید نمودیم، زمینه های نظری کشف حجاب به پیش از تغییر سلطنت و انتقال قدرت به خاندان پهلوی باز میگردد. این فکر در دوران مشروطیت نضج یافت و پس از آن نیز، هرگاه مجالی پیدا میکرد، به انحاء گوناگون ظاهر میشد. به طوری که:

قبل از به قدرت رسیدن رضاخان گروههای متعددی از زنان قصد داشتند کشف حجاب [(1)](#content_note_126_1) نمایند و برای این منظور در یکی از مساجد بست نشستند و خواستار حق کشف حجاب برای زنان شدند. [(2)](#content_note_126_2)

مطرحشدن چنین درخواستی در مسجد نشانگر آن بود که آزادی وجه و کفین، دستکم از دید درخواستکنندگان مخالف صریح حکم شرع تلقی نمیشد، و یا این که برداشتهای مختلفی در خصوص آن مطرح بوده است. در واقع بستنشینان خواستار برداشتن نقاب از چهره بودند. این درخواست، البته در آن روز کشف حجاب تلقی میشد. به هر حال، تا رسیدن رضا خان به قدرت، کشف حجاب از این مفهوم فراتر نرفته بود و نمیتوان آن را تأسی صرف از رفتار اروپایی دانست. هر چند زمینه سازی این تفکر در همین حد نیز به خارج از مرزها [(3)](#content_note_126_3)باز میگشت، و بیشتر از سوی کسانی پذیرفته شده بود و بدان دامن زده میشد که با زندگی در غرب از نزدیک آشنا شده بودند. با این همه، نمیتوان طرح آن را در جهت «تأسی صرف از مظاهر غربی» تلقی نمود. در واقع، گسترش بعدی سیر تجددطلبی و افزایش تمایل بخشی از مردم به پذیرش آداب و رسوم اجتماعی اروپا به دورهای بر می گردد که رضا خان

ص: 126

1- در فصل اول، و ابتدای فصل دوم به این موضوع پرداخته شده است.

2- Sanasarian, Eliz, the Women's Right Movement in Iran, New York , ١٩٨٢, p. ٦٣ – ٦٤.

3- منظور نویسنده از درخواست کشف حجاب توسط زنان، قبل از قدر ت گیری رضاخان، برداشتن روبند و نقاب است که از زاویه شریعت نیز قابل بررسی است.

به قدرت رسیده و در صدد رسمیتبخشیدن به کشف حجاب و منع استفاده از چادر و چارقد بر آمده بود.

در اوایل این دوره، دو نظریه راجع به کشف حجاب وجود داشت. «تعدادی طرفدار مستقیم کشف [(1)](#content_note_127_1)حجاب بودند و عدهای دیگر برداشتن نقاب و تغییر رنگ چادر را از مشکی به رنگهای دیگر کافی می دانستند». [(2)](#content_note_127_2)هر دو گروه نیز در ابتدا با مخالفت هایی مواجه شدند. چرا که، جامعه هیچکدام از این دو تفکر را نمیپذیرفت و حتی گروه اخیر نیز از برخورد مخالفین در امان نماندند.

روشنفکران و تحصیلکردگان غرب، بیشتر طرفدار نظریه اول بودند که پس از دستیابی رضاخان بر اریکه قدرت و در گسترش سیاست تجددطلبی رو به افزایش نهادند و رضا خان نیز از آنان پشتیبانی میکرد. آنها فعالیت اصلی خود را در حوزه معارف دنبال میکردند و مدارس را به عنوان نخستین پایگاه جهت گسترش تفکرشان برگزیدند.

بنا به اظهارات بدرالملوک بامداد «رضا شاه بطور محرمانه به پلیس دستور داده بود که از این زنان حمایت کنند». [(3)](#content_note_127_3)یکی از آنان خانم صدیقه دولتآبادی بود که در مهرماه 1306 هشت سال قبل از اعلام رسمی کشف حجاب با کلاه و لباس اروپایی در کوچه و خیابانهای تهران ظاهر شد و به عنوان اولین زنی که چادر از سر برداشته است شهرت او محله به محله و کوچه به کوچه رفت». [(4)](#content_note_127_4)

مخالفین کشف حجاب، بعد از مشاهده این جریان در نامهای خطاب به رضا شاه اخطار کردند که «اگر یک بار دیگر این ضعیفه چشم سفید

ص: 127

1- طرفداران این نظریه در ابتدا به تبعیت از زنان غربی از کلاه استفاده می کردند و بعد از مدتی که سیر کشف حجاب به این شیوه پیشرفت نسبتاً محسوسی نمود، کلاه نیز منسوخ و یا کمتر مورد استفاده قرار گرفت و به برهنگی تمامی سر انجامید و روح خودنمایی افزون گشت.

2- Sanasarian, ibid, pp. ٦٣ – ٦٤

3- زن روز (مجله)، شماره ١٩٩ ، سال ٤٧ ، شنبه چهاردهم دی ماه.

4- زن روز (مجله)، همان.

خیرهسر با رخت و قبای فرنگی و نجس خود در کوچه و معابر ظاهر شود او را سنگسار خواهند کرد ...». [(1)](#content_note_128_1)پس از این اخطار شدیداللحن مخالفین، وی تحت توجهات رضا شاه «مدت هشت سال زیر نظر پلیس مخفی شاه به فعالیت خود ادامه داد».

طرفداران تغییر رنگ چادر و برداشتن نقاب نیز عملیات خود را از تهران و برخی از شهرهای بزرگ شروع کردند. بامداد روایت میکند: «گروهی که در شیراز رنگ چادر خود را تغییر داده بودند در خیابان بوسیله دو مرد و دو زن مورد حمله قرار گرفتند که حتی جراحت نیز برداشتند». [(2)](#content_note_128_2)

طرفداران این نظریه نیز نهایتاً راه گروه اول را انتخاب کردند. تغییر رنگ چادر و برداشتن نقاب، مقدمهای بر خواست ثانویه این گروه بود که از پشتیبانی دولت و در رأس آن رضا شاه برخوردار بودند. در واقع، موقعیت مذهبی و سنتی شهرها سبب شده بود تا آنان جرأت کافی برای ابراز مقصود اصلی خود پیدا نکنند و هنگامی که خشونت رضا شاهی به میدان آمد، جرأت یافته، یا مجبور شدند بیحجاب ظاهر شوند. اما در نمایش بیحجابی که نخست در تهران آغاز شده بود؛ اینان نقش اول را نداشتند. بلکه بنا به اظهار دیلی تلگراف، حضور تحصیلکردگان ایرانی «در خیابانهای تهران با زنان اروپایی خود که لباس اروپایی پوشیده بودند» فوق العاده چشمگیر بود و همین مسئله عاملی شد تا «حضور بانوان سرشناس بیحجاب در معابر عمومی و پوشیدن لباس به شیوه اروپایی ادامه یابد». [(3)](#content_note_128_3)

در این نمایش، اعضای خانواده سلطنت نیز نقش اساسی داشتند. به گزارش مجله بیرمنگام پست: «شاهدخت و ماهدخت دختران بزرگ شاه

ص: 128

1- زن روز (مجله)، همان.

2- Sanasarian, ibid, p. ٦٤

3- نوری اسفندیاری، رستاخیز ایران، به نقل از دیلی تلگراف، ٣ ژوئن ١٩٢٧ / خرداد ١٣٠٦ ، صفحه . ٣٦٣

به فرمان پدر چادر از سر برداشته و با همراهان سوار بر اسب در خیابانهای تهران» گردش می کردند. [(1)](#content_note_129_1)

این برنامه ها برای آمادهسازی افکار عمومی، جهت تبدیل طرح کشف حجاب به یک قانون بود. بنا به اظهار نویسنده کتاب حرکتهای حقوقی زنان در ایران، «قانون کشف حجاب به عنوان یک چیز غیر منتظره مطرح نگردید، پیش از سال 1936 راجع به این قانون شایعاتی وجود داشت و آن مربوط به زمانی بود که پادشاه افغانستان، سلطان امانالله خان و ملکهاش سوریا، از ایران بازدید کردند ظاهراً بیحجابی [بدحجابی] ملکه مخالفت روحانیون مسلمان را برانگیخت. آنها از رضا شاه خواستند تا از ملکه بخواهد مادامی که در ایران بسر میبرد حجاب را رعایت کند، اما رضا شاه امتناع ورزید» [(2)](#content_note_129_2)و به درخواست علما وقعی ننهاد. این مسئله شایعاتی را به وجود آورد که «ممکن است قانون کشف حجاب بزودی به تصویب برسد».[(3)](#content_note_129_3) اما بنا به اظهار پیترآوری، «قیام مردم افغانستان، علیه امانالله خان در سال 1929 موجب گردید تا اعلام این قانون و فرمان دولتی، دچار وقفه شود»[(4)](#content_note_129_4) و شایعه قانون کشف حجاب برای مدتی مسکوت بماند.تا اینکه در سال 1934 یعنی زمانیکه رضا شاه از ترکیه دیدن کرد، شایعات مجدداً اوج گرفت،[(5)](#content_note_129_5) اما قضیه مسجد گوهرشاد و اعتراض مردم علیه کشف حجاب و لباس اروپایی که به عقیده پیتر آوری این قیام، متأثر از قیام مردم افغانستان [(6)](#content_note_129_6) است، در تأخیر اعلام این قانون

ص: 129

1- نوری اسفندیاری، همان، به نقل از بیرمنگام پست، ٢٩ مه 7/1935 خرداد 1304.

2- Sanasarian, ibid, p. ٦٤

3- Sanasarian, ibid, p. ٦٤

4- آوری، پیتر؛ تاریخ معاصر ایران، ج ٢، ترجمه رفیعی مهرآبادی، ص ٧2

5- Sanasarian, ibid, p. ٦٤

6- اظهار پیتر آوری نمی تواند چندان صحیح باشد ، چرا که منشاء قیام مشهد را اعتراض و دستگیری روحانی مبارز شیرازی سید حسام الدین فال اسیری دانسته اند که در فصل واکنشهای اجتماعی در برابر کشف حجاب بدان می پردازیم.

اجباری بی تأثیر نبوده [(1)](#content_note_130_1)است. زیرا از نوروز سال 1306 که نخستینبار آهنگ بی حجابی [(2)](#content_note_130_2)از دربار نواخته شد تا 27 آذرماه 1314 که متحدالمال (بخشنامه) کشف حجاب جهت تصویب شاه، از طرف رئیس الوزراء و وزیر داخله به دربار ارسال، و به تاریخ 1/10/1314 دستور ابلاغ آن به ولایات صادر گردید و همچنین تا 17 دی ماه همین سال که این قانون رسماً و عملاً از طرف رضا شاه به مورد اجرا گذارده شد مدت زمان مدیدی میگذرد و این زمان طولانی نشانگر آن است که جامعه ایران به یکباره نمیتوانست کشف حجاب را بپذیرد. ابتدا لازم بود اقداماتی در جهت آمادهسازی جامعه برای پذیرش قانون کشف انجام گیرد، تا زمینه پذیرش تدریجاً فراهم شود. از همین رو، این جریان، نخست از حوزه معارف آغاز شد و در راستای آن از پائیز سال 1312 دولت با صدور اعلامیهای مردم را برای پذیرش آموزگاران زن بی حجاب آماده کرد [(3)](#content_note_130_3)و

ص: 130

1- هر چند رضا شاه پس از سرکوبی این قیام در تیرماه ١٣١٤ خطاب به علی اصغر ← سابقاً به شما گفته بودم یک روز جلسه بکنید »: حکمت وزیر معارف اظهار م یدارد و خانم ها هم حاضر شوند و حجاب از میان برداشته شود ولی آن وقت هنوز مصمم نبودم و خیال می کردم این کار را در بهار ١٣١٥ بکنم ولی حالا بواسطه حوادثی که در خراسان پیش آمده است و بعضی از اشرار در مسجد گوهرشاد تجمع کرده بودند و متفرق شدند و خیانتکاران مجازات شدند زمینه حاضر است باید به فوریت این اظهارات و تعجیل شاه از یک طرف نمایانگر آن است .« این جلسه را حاضر کنید که بعد از قضیه گوهرشاد حرکتی که تداوم بخش این قیام مردمی باشد، بلافاصله صورت نگرفته و از طرف دیگر مبین آن است که رضا شاه درصدد است قبل از آنکه مخالفین فرصت دوباره ای به دست آورند و در جایی دیگر قیام را تداوم بخشند و طرح کشف حجاب را با توجه به تمهیدات و تلاشهای ب ه عمل آمده از سوی حکومت، به مخاطره بیفکنند، فرصت را از حریف بگیرد.

2- در نوروز سال ١٣٠٦ که مصادف با ماه مبارک رمضان بود ، اعضای خانواده رضا شاه برای حلول سال جدید به حضرت معصومه(س) آمده و ب ه طرز خیلی زننده در غرفه بالای ایوان آینه نشسته و نقاب خود را برداشته بودند. برداشتن نقاب در آن روز بی حجابی تلقی می شد. این عمل آن هم در مرکز مذهبی ب ه عنوان نواخته شدن نخستین آهنگ بی حجابی از دربار تلقی شده است.(نگاه کنید به: واحد، سینا؛ قیام گوهرشاد، ص ٢٩).

3- خاطرات محمدرضا شاه پهلوی، به نقل از روزنامه رستاخیز، شماره ٥١١ ، پنجشنبه ١٦ دی ماه ٢٥٣٥.(١٣٥٥)

هر روز بر تعداد آموزگاران زن بیحجاب افزود و طرح و نقشه پیشبرد کشف حجاب از همین محیط که ارتباط بیشتری با اقشار مختلف داشت، کار خود را تداوم بخشید. اما برای عمومی شدن آن در سطوح مختلف طبقات اجتماعی، نیاز مبرم به ابزاری قانونی بود. زیرا در چهارچوب قانون بهتر میتوانستند طرح کشف حجاب را پیش برده، و به مخالفتها پاسخ گویند و با مخالفان برخورد کنند. برای همین منظور و با توجه به شرایط تقریباً مساعدی که فراهم گشته بود بخشنامه عمومی اعلام کشف حجاب صادر گردید.

### بخشنامه عمومی اعلام کشف حجاب

قبل از صدور و ابلاغ بخشنامه عمومی، و اعلام رسمی کشف حجاب، برای آنکه اعمال این قانون دولتی دچار وقفه نشود و شرایط از هر نظر فراهم آید از طرف وزیر معارف و به دستور رضا شاه بخشنامهای خطاب به رؤسای معارف در استانها صادر گردید. مفاد این بخشنامه در واقع بیانکننده چگونگی پیشبرد کشف حجاب به طریق دقیق و سازمان یافتهای است که میبایست در حوزه معارف عملی شود.

هدف از اجرای برنامههای مندرج در این بخشنامه آن بود که «طبقه نسوان کشور ما که مادران رجال فردا هستند مانند زنان سایر ممالک متمدنه از برکات علم و دانش و تمدن و تربیت برخوردار شوند و بتوانند خانوادههای صالح و مفید تشکیل دهند و فرزندان وطنپرست رشید برای کشور تربیت نمایند». [(1)](#content_note_131_1) مطابق این دستورالعمل، با تفکیک گروههای سنی، برای هر گروه برنامه خاصی طراحی کرده بودند. برای خردسالان تأسیس کودکستان و

ص: 131

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٢ ؛ سازمان اسناد م لی ایران، سواد متحدالمآل وزیر معارف خطاب به ادارات معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه استانها ؛ همچنین نگاه کنید به: آِشنا، حسام الدین؛ گنجینه اسناد، دفتر اول بهار ٧٠ ، مقاله کشف حجاب در آئینه اسناد

مدارس مختلط و اداره تدریجی آن توسط آموزگاران زن پیشبینی شده بود. در مورد دختران دبستان و دبیرستان پوشیدن «لباس متحدالشکل» در مدرسه، کوچه و خیابان و حتی منزل و بالاخره در همه جا، تاکید شده بود. این سفارشات به بهانه ملبس شدن دختران به لباس ساده توأم با پاکدامنی و شرافت و عفاف نفس، توجیه میگردید.

کار در مورد گروه بانوانی که کمتر تحت ضابطه و مقررات معین قرار گرفته و سنی از آنان گذشته بود، مشکلتر بود. در این زمینه دستور داده شد از دو روش حساب شده به موازات هم استفاده شود. اولین گام آن بود که در دبستان و دبیرستان، «از طرف معلمات مجالس کنفرانس تشکیل شده و در آنجا دانشآموزان و خانمهای معلمه با لباس متحدالشکل حاضر شوند و از سایر بانوان اصیل بلد دعوت [گردد] که با شوهرهای خود در این مجالس حاضر شوند تا ضمن مشاهده آموزگاران و دانشآموزان بیحجاب و متحدالشکل به سخنرانی افراد تحصیلکرده و نوگرا پیرامون مسائل اقتصادی، حفظالصحه شخصی و سایر مسائل علمی و سرودهای اخلاقی دانش آموزان گوش فرا دهند». اما تاکید اصلی بر این بود که «مخصوصاً باید آداب نشست و برخاست و پوشیدن لباس و معاشرت چنانکه ما بین خانوادههای عفیف و نجیب در ممالک متمدنه عالم معمول است به آنان بیاموزند.» [(1)](#content_note_132_1)همچنین، برای آنکه زنان ایرانی تصور نکنند پوشیدن این لباس جدید نوعی تأسی صرف از غربیها است، از سخنرانان و صاحبان مجالس درخواست شده بود «سعی نمایید گوشزد شود لباسی که امروز نسوان عالم میپوشند همان لباسی است که از قدیم الایام در مملکت ایران معمول بوده است». و به جهت آنکه این قضیه همراه با نوعی توجیه شرعی ذکر گردد سخنرانان باید یادآور میشدند که این لباس جدید «به

ص: 132

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٢ ؛ همچنین نگاه کنید به: آشنا، حسام الدین؛همان.

همان ترتیبی است که در شریعت مقدس اسلام در موقع عبادت مانند صلوه و حج امر شده است».

برای حسن برگزاری چنین مجالسی درخواست شده بود که شهربانی و عوامل حکومت با برگزارکنندگان کنفرانس در مدارس همکاری نمایند تا به طور آبرومندانه و مفید ارائه شود.

دومین گام، برای پیشبرد این طرح و مقدمات آن، ترتیب مجالس غیر رسمی و رفت و آمدهای خانوادگی بین محترمین شهر بود که «دارای حسن نیت و فکر روشن باشند». هدف از ایجاد چنین مجالس غیر رسمی آن بود که هم زن، و هم مرد با آداب نشست و برخاست آشنا شوند و خصوصاً زنان تا از «حجب و کم رویی آنان کاسته گردد». [(1)](#content_note_133_1)در این بخشنامه مقدماتی، مأمورین از به کارگیری هر گونه اعمال فشار قدغن شده بودند و تاکید گردیده بود که «با کمال عقل و متانت و تدبیر عمل گردد».

پس از آنکه مدیران ادارات کل معارف در استانها با این دستورالعمل محرمانه و مفصل تکلیف و وظیفه خود را تعیین شده یافتند، فعالیتهای آنان وارد مرحلهای تازه و دقیقی گردید. پس از مدت کوتاهی، زمینه برای اعلام بخشنامه کشف حجاب در جامعه به صورت نسبی فراهم شد. نخست وزیر جدید، محمود جم [(2)](#content_note_133_2)که پس از سرکوبی قیام گوهر شاد

ص: 133

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٢ ؛ همچنین نگاه کنید به: آشنا، حسام الدین؛همان.

2- به تاریخ 1314/09/11محمود جم به عنوان جانشین فروغی انتخاب شد . شاه در اولین جلسه ملاقات پس از معرفی وزراء به طور خصوصی، ضمن بیان نفرت خود از چادر و چاقچور و این که دو سال است موضوع کشف حجاب زنان سخت فکر او را مشغول داشته و خصوصاً بعد از سفر ترکیه و دیدن زنان ب یحجاب در آنجا، ضرورت پیاده شدن قانون کشف حجاب به منظور بیرون آوردن زنها از اندرون به نخست وزیر جدید که سمت قبلی خود وزارت داخله را نیز حفظ کرده، گوشزد و تهیه و تدوین و اجرای قانون کشف حجاب را به وی تکلیف م ینماید چرا که جم سابقه قبلی در پیشبرد و اجرای این طرح را دارد و قیام گوهرشاد که مستقیماً به دستور وی سرکوب گردید، شایستگی او را برای تدوین و اجرای قانون کشف حجاب اجباری، برای رضا شاه به اثبات رسانده بود. شاید بتوان ادعا کرد که یکی از مأموریتهای اصلی کابینه جم (1314/09/11 تا 1316/07/01 ) اعلام و اجرای قانون کشف حجاب بود. (نگاه کنید به: صدر، محسن؛ خاطرات صدرالاشراف، ص ٣٠٥ ؛ و: روزنامه رستاخیز، شماره 511، تاریخ 1355/10/16 به نقل از خاطرات جم؛ همچنین در مورد محاکمه و تبرئه وی بعد از شهریور ١٣٢٠ در خصوص دست داشتن در سرکوبی قیام گوهرشاد، مراجعه شود به: روزنامه اطلاعات، بیست و هشت هزار روز تاریخ ایران و جهان، ص ٨٠٣.

و استعفای [(1)](#content_note_134_1)فروغی، نقش شایسته خود را برای اجرای طرح جدید به اثبات رسانیده بود، این بخشنامه [(2)](#content_note_134_2)را که به منزله قانون کشف حجاب اجباری است تدوین کرد و به ضمیمه نامهای برای رؤیت شاه و صدور امریه از جانب وی به دفتر مخصوص شاهنشاهی ارسال نمود. در این بخشنامه که شباهت زیادی با دستورالعمل وزیر معارف خطاب به ادارات معارف سراسر کشور دارد؛ ضمن اشاره به ضرورت اصلاح وضع نسوان، از حجاب به عنوان عاملی که سد راه ترقی و پیشرفت زنان برای فراگیری علم و دانش است؛ یاد شده و رفع آن به عنوان یک ضرورت و امری اجتناب ناپذیر در دستور برنامه دولت قرار داده شده است. در این بخشنامه باز هم اولیای وزارت معارف ملزم گردیده بودند با «دادن کنفرانسها و مذاکرات مفید اخلاقی» مقصود اصلی را که همانا کشف حجاب است «پیش ببرند». برای این منظور و تحقق آن از «اسراف و مدپرستی» خودداری نمایند و «مزایای سادگی لباس» را بیان کنند. وزارت داخله نیز همگام و همراه با وزارت معارف، موظف شده بود در اجرای این قانون دولتی کوشش نماید و نیروهای شهربانی و انتظامی

ص: 134

1- پس از سرکوبی قیام گوهرشاد تحقیقات پیرامون محرکین قیام، مدت پنج ماه به طول انجامید و در نهایت اسدی، نایب التولیه آستان قدس رضوی، متهم به دس تداشتن ١٣١٤ دستگیر و سپس اعدام گردید. متعاقب آن، چون /٩/ در غائله شده و در تاریخ ٤ رئیس الوزراء، فروغی به واسطه نسبتی که با اسدی داشته سلمان اسدی فرزند نایب التولیه، داماد فروغی بود از او در نزد شاه وساطت می کند به همین علت مورد غضب قرار گرفته و مستعفی م یشود. (نگاه کنید به: واحد، سینا؛ قیام گوهرشاد ؛ ص ١٣١٤ ؛ و: /١٠/١٤ ، ١٣١٤ و ١٠٧٣ /١٠/١٢ ، ٦٥ ؛ و روزنامه آزادی، شماره های ١٠٧١ هدایت، خاطرات و خطرات، ص . ٤٠٦

2- رضا شاه کبیر، انتشارات مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ص . ٥٢٥ ؛ و: روزنامه رستاخیز شماره ٥١٢ ، شنبه ١٨ دی ماه ٢535

دستور داشتند «جریان امر را مرتباً به وزارت داخله و از آنجا به نخست وزیر راپرت» دهند، و از کشف حجاب زنان بدنام و بد سابقه، برای آنکه «صدمه به این مقصود مقدس وارد نشود» جلوگیری نمایند.

دخالت دادن شهربانی در قضیه و موظف کردن این سازمان انتظامی به تهیه گزارش به وزارت داخله و به نخستوزیر، از یک طرف تکلیف حکمرانان شهرها و والیان استانها را مشخص کرد و آنها را موظف نمود که قبل از شهربانی، خود جریان امر نهضت بانوان را گزارش داده و حتی مراقب رفتار خود باشند و قصوری در این امر ننمایند. از طرف دیگر، هشداری بود به مردم، تا اجرای قانون را سرسری نگرفته و با تعلل با قضیه برخورد نکنند و بدانند که نیروهای انتظامی ضامن اجرای این بخشنامه هستند و در صورت تخلف با آنان برخورد خواهند کرد.

پس از آنکه مضمون این متحدالمال به رویت شاه رسید، در تاریخ 1/10/1314 به رئیسالوزراء دستور داده شد تا نسبت به ارسال آن به ولایات اقدام کند. با ارسال این بخشنامه به ولایات، جنب و جوش عظیمی برای اجرای طرح از سوی دستاندرکاران و مسئولین شهرها و ولایات شروع گردید و گزارشاتی مبنی بر اجرای آن در بین معاریف و بزرگان شهر به مرکز ارسال شد. در اینجا به قسمتی از یک گزارش که مربوط است به حکومت بندرگز، و خطاب به حکمران گرگان جهت ارسال به مرکز نوشته شده، اشاره میکنیم:

در اجرای امر به متحدالمال 1623 ریاست وزراء وزارت داخله، روز ششم دی ماه (1314) رؤسا و دوایر دولتی را در اداره حکومتی دعوت نموده و عصر همانروز با خانمهایشان به منزل اینجانب تشریف آورده بعد از نصایح و مواعظ لازمه [همین] که خانمها به منظور اصلی این امر مقدس پی بردند با بهترین مراتب خشنودی و بشاشیت چادر برداشته و آزادانه بدون حجاب به منزل خود مراجعت کردند. [(1)](#content_note_135_1)

ص: 135

1- روزنامه رستاخیز، شماره ٥١٢ ؛ شنبه ١٨ دی ماه ٢٥35

این در حالی است که هنوز حدود دو هفته به 17 دی ماه 1314، یعنی روز اعلام رسمی کشف حجاب از طرف شاه و با حضور خانواده سلطنتی، باقی مانده و آییننامههای اجرایی آن، در سطح خواص هنوز مراحل امتحان خود را طی میکند. تا اینکه، اعلام رسمی کشف حجاب فرا رسید و با این اعلام رسمی، راه برای اجرای بخشنامه دولت فراهم گشت. کار رضا شاه در آن روز به عنوان یک قانون عملی تلقی شد و مردم ناگزیر به اجرای آن شدند.

اگر رضا شاه خود شخصاً وارد قضیه نمیشد و منتظر میماند تا بخشنامه رئیسالوزرا که خود نیز بر آن صحه گذارده بود، از طریق مجاری اداری اعمال گردد؛ قطعاً مدت زمانی میگذشت تا صرفاً بین معارف و بزرگان شهرها عملی شود و از آن پس، شاید پس از چند سال به دیگر اقشار سرایت کند. اما عمل رضا شاه در روز 17 دی در حقیقت، راه میانبری برای اجرای این قانون محسوب میشد.

### هفدهم دی و اعلام رسمی کشف حجاب

درباره انتخاب و پیشنهاد چنین روزی به شاه، بین نخستوزیر و وزیر معارف اختلاف نظر وجود دارد. هر دو در خاطرات خود میکوشند پیشنهاد انتخاب روز 17 دی ماه را به رضا شاه به خود نسبت دهند. هر چند طبق اظهارات صدرالاشراف، وزیر عدلیه، رضا شاه در پی چنین روزی لحظه شماری میکرد و این ادعا از سخنان وی در روزی که در هیئت دولت اظهار داشت: «وسیلهای فراهم بیاورید که من نیز به اتفاق همسر و دخترهای خود بدون حجاب ظاهر شوم»، [(1)](#content_note_136_1)به خوبی مشهود است.

وزیر معارف، روز 17 دی ماه را که مراسم جشن فارغ التحصیلی دختران در دانشسرای مقدماتی برگزار میگردید، به شاه پیشنهاد کرد و

ص: 136

1- صدر، همان، ص ٣05

شاه نظر وی را پسندید. جم نیز ضمن اظهار همین مطلب این نکته را اضافه مینماید که پس از ارائه چنین پیشنهادی به شاه، وی اظهار داشت:

باید این موضوع در هیات وزراء مطرح شود و به تصویب برسد ... این مسئله سادهای نیست خیلی مهم است و باید حتماً انجام شود منتها این انقلاب بزرگ باید با فکر و تدبیر صورت بگیرد. [(1)](#content_note_137_1)

این سخنان حاکی از نگرانی شاه از نتیجه عمل است، اما تردیدی در انجام عمل نیست. جم نیز در خاطراتش از تردید و نگرانی خود و سایر اعضای هیئت دولت یاد میکند و مینویسد:

مهمترین نگرانی که نه تنها [گریبانگیر] من، بلکه گریبانگیر سایر اعضاء دولت بود مسئله عکسالعمل افراد متعصب در برابر این اقدام بود ... [(2)](#content_note_137_2)

این نگرانی، و تردید در انجام طرح به عرض شاه میرسد و او ضمن تائید آن اظهار میدارد: «ممکن است اقداماتی علیه این کار صورت بگیرد و مسئله عفت و نجابت زن را پیش بکشند اما نجابت و عفت زن به چادر مربوط نیست. مگر میلیونها زن بیحجاب که در ممالک خارجه هستند نانجیبند؟ از این گذشته همسر من و دختران من در این کار پیشقدم هستند». [(3)](#content_note_137_3)آنگاه رضا شاه علت شرکت خانواده خود را در جشن آن روز چنین بیان میدارد:

شرکت همسر و دختران من در جشن دانشسرای مقدماتی بدون حجاب، باید سرمشق همه زنان و دختران ایرانی، مخصوصاً خانمهای شما وزرای مملکت باشد. [(4)](#content_note_137_4)

ص: 137

1- روزنامه رستاخیز، شماره ٥١١ ، پنجشنبه ١٦ دی ماه ٢٥٣٥ ، به نقل از خاطرات جم.

2- روزنامه رستاخیز، همان

3- همان

4- روزنامه رستاخیز، همان؛ و: صدر، محسن؛ خاطرات صدرالاشراف، ص ٣05

اصرار و الحاح شاه در اجرای طرح تقلیدی و روبنایی خویش از این جملات به خوبی پیداست و نشان میدهد که این کار با چه هزینهای به اجرا در آمده است: «زن ایرانی باید به هر قیمتی که شده است از این چادر سیاه آزاد شود» [(1)](#content_note_138_1)و برای آزادی زنان ایران هر گونه مانعی را از سر راه آنها برخواهم داشت. [(2)](#content_note_138_2)

قطعاً از نظر وی بزرگترین مانع و سد راه ترقی چادر و چاقچور است که در نظر او: «... دشمن ترقی و پیشرفت مردم [بوده] است». [(3)](#content_note_138_3)

در تهیه مقدمات این روز سرنوشتساز وظیفه دولت بس سنگین بود. ضرورت داشت قبل از روز 17 دی همه دستگاههای امنیتی کشور در جریان اوضاع باشند و مراقبت کافی به عمل آورند که از سوی متعصبین اقدامی صورت نگیرد. [(4)](#content_note_138_4)

همه مجریان و گردانندگان صحنه دست به کار شدند. بازار کار خیاطان، آرایشگرها و کلاهدوزهایی که با سبک و مد غربی آشنا بودند، فوقالعاده گرم شد. بنا به اظهار مجله زن روز «در رأس این سه صنف سه نفر مرد مسیحی بودند که اداره نهضت شیکپوشی زن از حجاب درآمده به عهده آنها محول شد. زیرا این سه نفر جزو عده معدودی بودند که میدانستند زن از حجاب درآمده را چگونه به سبک اروپایی بیارایند». هامبارسون خیاط، یکی از این سه نفر مسیحی میگوید: «در آخرین هفته مانده به 17 دی دو هزار مانتو سفارش گرفتیم. شب و روز کار میکردیم چون شاه امر فرموده بودند هر چه زودتر چادرها را بردارید». [(5)](#content_note_138_5)

ص: 138

1- ،روزنامه رستاخیز، شماره ٥١١. ١٦ دی ماه ٢٥٣٥

2- نوری اسفندیاری، همان، سخن رضا شاه به مجله خارجی دیلی تلگراف، ١٩ ژوئن29/1394 خرداد 1314، ص 692.

3- روزنامه رستاخیز، همان، سخن رضا شاه خطاب به جم .

4- روزنامه رستاخیز، همان.

5- زن روز (مجله)، شماره ٩٨ ، شنبه ٢٤ دی ماه ١345

نکته جالب توجه آنکه بسیاری از خانمهایی که خود را برای جشن 17 دی ماه آماده میکردند به دست یکی از این سه نفر یعنی آبراهام آرایشگر، موهای خود را آرایش دادند.

فرد اخیرالذکر در گفتگویی با مجله زن روز، به مناسبت 17 دی، اظهار داشت: «من موهای هزاران زن را قیچی کردم و چهره تازهای به آنها دادم. آلاگارسون را که مد روز دوره کشف حجاب بود، من از پاریس به تهران آوردم». [(1)](#content_note_139_1)

این مجله در ادامه گزارش خود ضمن تقدیر از همکاری صمیمانه این سه تن میافزاید: «بدون شک اگر این سه مرد [مسیحی] نبودند، زن ایرانی نمیتوانست یک شبه ره صد ساله برود و از دنیای محدود و قرون وسطایی زندگی خود به عرصه شیکپوشی قرن بیستم قدم بگذارد». [(2)](#content_note_139_2)

قبل از مراسم 17 دی، قرار بود در این روز «بانوان بدون چادر و حجاب و حتی روسری (چارقد) حاضر شوند»؛ [(3)](#content_note_139_3)اما به واسطه نگرانی دولتمردان از برانگیخته شدن احساسات مخالفین «در آخرین روزها تصمیم گرفته شد که برای آنکه بانوان به کلی سر برهنه نباشند کلاه بر سر بگذارند و به آن ترتیب در مراسم حضور یابند». [(4)](#content_note_139_4)

با این تمهیدات و آمادهباش قبلی نیروهای امنیتی بود که روز 17 دی ماه سال 1314 از دید کارگزاران رژیم به عنوان نقطه عطفی در تاریخ پوشش و حجاب زن ایرانی فرا رسید. در این روز «از ساعتها قبل دو سلمانی مردانه در یکی از اتاقهای دانشسرای [مقدماتی] دست به کار فعالیت بودند، مو شانه میکردند، اضافهها را میزدند و سرخانمها را چون تازه از زیر چادر درآمده بود و جلوهای نداشت، به سبک مردانه می آراستند». [(5)](#content_note_139_5)در این روز، دانشسرای مقدماتی شکل دیگری پیدا کرده

ص: 139

1- مجله زن روز، همان

2- همان

3- رستاخیز، شماره ٥٥١ ، مورخ ١٦ دی ماه ٢٥35

4- همان

5- زن روز (مجله)، شماره ٤٥ ، شنبه یازدهم دی ماه ١344

بود: «محصلین و معلمان و مدیران مدارس در صفهای منظم منتظر ورود رضا شاه، به اتفاق خانوادهاش بودند». مراسم جشن، «به مناسبت اعطای دانشنامه به بانوانی که از دانشسرا فارغالتحصیل میشدند، منعقد گردیده بود و موقع و مکان بسیار مناسبی برای اعلام تصمیم [کشف حجاب] بود». [(1)](#content_note_140_1)

بالاخره انتظارها به پایان رسید: «رضا شاه به اتفاق ملکه و دو دخترش که رفع حجاب کرده بودند و لباس اروپایی به تن داشتند در دانشسرای مقدماتی حضور یافت و «ضمن اعطای دیپلمها به محصلین و معلمات»، کشف حجاب را رسماً اعلام کرد. [(2)](#content_note_140_2)محمود جم در خاطرات خود در ارتباط با نظر رضا شاه نسبت به مراسم 17 دی در دانشسرای مقدماتی چنین مینویسد:

[رضا شاه] مرا احضار فرمودند و گفتند لباسها و آرایش خانمها خوب است. حیف نیست که زنها خود را پنهان کنند. اگر هم عیب و نقصی در کارشان باشد باید خودشان آنرا رفع و رجوع کنند، برای اول کار خیلی سلیقه بخرج دادهاند باید خیاطها و کلاهدوزها را تشویق کرد که مدهای قشنگ و سنگین و ارزان به بازار بیاورند ما میلههای زندان را شکستیم. حالا خود زندانی آزاد شده وظیفه دارد که برای خودش بجای قفس خانه قشنگی بسازد. [(3)](#content_note_140_3)

رضا شاه در ادامه سخنانش خطاب به جم اظهار میدارد: «دقت کنید که این قبیل جلسات و مراسم تکرار شود تا خانمها مرتب در آنها حضور یابند و بیشتر به آداب و رسوم اجتماع و معاشرت عادت کنند». [(4)](#content_note_140_4)

ص: 140

1- رستاخیز شماره ٥١١ ، مورخ ١٦ دی ماه ٢٥٣٥ ؛ به نقل از سخن محمدرضا پهلوی به مناسبت ١٧ دی ماه ١314

2- آوری، پیتر؛ همان؛ ج ٢، ص 72

3- رستاخیز، همان

4- همان

در حالی که آثار شرم [(1)](#content_note_141_1) و حیا از رخساره بسیاری از زنانی که بالاجبار در مراسم شرکت کرده بودند، هویدا بود. عدهای از آنها، حتی تا پایان مراسم رو به دیوار ایستاده و اشک میریختند. اما روزنامه های آن زمان، از این روز به اصطلاح تاریخی و فرخنده، چنان به بزرگی یاد کردند که گویی زنجیر اسارت و بردگی زن برداشته شده و زن ایرانی تولدی دوباره یافته و پا به عرصه حیات سیاسی اجتماعی گذارده است.

هر چند که نمیتوان منکر حضور روز افزون زن در صحنه اجتماع شد؛ اما، لازمه آن کشف حجاب نبود. ولی تعبیر رضا شاه از این روز این بود که زن از «قفس حجاب رهایی جسته» و «در جامعه ملل متمدن داخل میشود».

روزنامه تجدد در راستای نگرش رضا شاه نسبت به این روز و عظمت آن مینویسد:

دیروز [17 دی ماه] یک صفحه دیگر بر افتخارات تاریخی مملکت افزوده شد. دیروز یک قدم بسیار بزرگ و بلندی در راه سعادت و تأمین حیات اجتماعی این کشور برداشته شد. تاریخ هفدهم دی ماه 1314 یک مبدا جدید مهمی است که در آن روز برای اولین دفعه در تاریخ حیات اجتماعی این مملکت سرمشق بزرگی برای سعادت و نیکبختی جامعه ایرانی داده شده است. قرنها زنان این کشور در جهالت خمود و مذلت بسر برده و در حقیقت نیمی از پیکر این جامعه فلج و از کار افتاده بود. دیروز به این سیهبختی و جهالت نیز خاتمه داده شد.

این روزنامه در ادامه گزارش خود میافزاید:

عصر دیروز شعف و سرور عجیبی در میان اهالی پایتخت حکمفرما بود. دو ساعت بعد از ظهر [ساعت دو بعدازظهر] دیروز هزارها زن و مرد در اطراف عمارت دانشسرای مقدماتی ازدحام نمود. سه ساعت بعدازظهر موکب همایونی شاهنشاهی و موکب

ص: 141

1- از طریق عکسها م یتوان به عینه مشاهده کرد . مراجعه شود به تصاویر ١٧ دی مربوط به مراسم اعلام کشف حجاب در دانشسرای مقدماتی.

علیاحضرت ملکه و والاحضرتین شاهدخت در بین احساسات مسرتآمیز و کفزدنهای ممتد تشریف فرما شدند. [(1)](#content_note_142_1)

در این مجلس، پس از اظهار خوشامد از سوی مسئولین ذی ربط شاه لب به سخن گفتن آغاز میکند و در قسمتی از سخنان خود اظهار میدارد:

تاکنون نصف جمعیت کشور بحساب نیامده و خانمها [را] از هر گونه حقی محروم کرده ... در صورتیکه صرف نظر از وظایف مادی میتوانند دوشادوش مردها خدماتی را عهده دار باشند ... [(2)](#content_note_142_2)

این اظهارات در میان کفزدنهای ممتد حاضرین خاتمه یافت. مفسران عرایض ملوکانه، شروع کردند به نوشتن مقالاتی در اهمیت این روز تاریخی، تا نیمی از جمعیت کشور را که تا قبل از این، در رکود و مذلت به سر میبردند وارد صحنه کار و سازندگی و در حقیقت وارد صحنه مصرف کالاهای لوکس اروپایی کنند.

در یکی از مقالات تفسیری، به قلم وحید مازندرانی درباره این روز چنین آمده است:

در این روز بزرگ نه فقط دانشآموزان و صدها دختر ایران به سعادت بزرگی رسیده و مورد مراحم و توجهات اعلیحضرت شاهنشاهی و علیاحضرت ملکه ایران قرار گرفتند بلکه چنان که تاریخ ایران هم برای همیشه ثبت خواهد کرد یک فصل جدید در تاریخ زندگی و حیات اجتماعی ایران نوثبت شده است. [(3)](#content_note_142_3)

بعد از اعلام و رسمیتیافتن کشف حجاب راههایی برای همگانی نمودن آن از طرف دولت پیگیری گردید. اقدامات سازمانیافتهای از طرف وزارت داخله صورت پذیرفت و دستورالعملهایی خطاب به والیان

ص: 142

1- تجدد ایران، شماره ١٨٠٢، ١٩ دی ماه ١٣١٤.

2- تجدد ایران، همان

3- اطلاعات، شماره ٢٦٨٦ ، ٢٣ دی ماه ١٣١٤

و حاکمان ولایات ابلاغ شد تا این طرح تداوم یابد. در ادامه فصل حاضر به راههای پیشبرد کشف حجاب میپردازیم.

### اقدامات برای پیشبرد کشف حجاب

#### اشاره

هنکامی که کشف حجاب رسماً اعلام شد، ابتدا از همان روشهای قبلی که در ایجاد زمینه کشف حجاب تأثیر عمدهای داشت، یعنی تشویق و تبلیغ از طریق جشنها و ایجاد مراسم، با شدت و حدت هر چه تمامتر بهره گرفته شد؛ منتهی با سازماندهی و گستردگی هر چه بیشتر. برنامههای تبلیغاتی برای این منظور، نخست از کارکنان ادارات و دوایر دولتی که منسجم و قابل کنترل بودند، آغاز گردید و آنگاه به دیگر اقشار پرداخته شد.

پس از مدتی در پشت جشنها و گاهی همگام با آن اعمال محدودیتها و اقدامات انتظامی چهره خود را نمایاند و سیاست تشویق و تنبیه مورد توجه قرار گرفت و اعمال گردید. در اینجا نخست به برنامههای تبلیغی پرداخته و آنگاه به اعمال محدودیتها و اقدامات انتظامی نظر میافکنیم.

#### 1. اقدامات تبلیغی

تبلیغات برای تثبیت جریانها و برنامههای اجتماعی رکن اساسی هر حکومتی است. در قضیه کشف حجاب هم، عاملی که بیشترین تأثیر را بر جای گذاشت، اقدامات تبلیغاتی خصوصاً از طریق برگزاری مراسم جشن به مناسبت کشف حجاب بود. به طوری که این برنامهها و مجالس که نمایش جلوههای عملی طرح به شمار میرفت، بیش از تبلیغات نوشتاری رسانههای گروهی تأثیر بخشید. پس از اعلام رسمی کشف حجاب، از 17 دی ماه تا اسفند همان سال، برگزاری مراسم جشن و سرور با شدت هر چه تمامتر ادامه یافت. اما با آغاز سال جدید (1315) و تقارن فروردین ماه آن سال با ایام محرم، وقفهای کوتاه پدید آمد. چرا که احساسات و عواطف مردم در برخورد با این طرح استبدادی، جریحهدار میشد. اما در همین مدت، با بهره گیری از روحانیون درباری

ص: 143

و وابسته به حکومت به تبلیغات خود ادامه دادند. این افراد در مناطق مختلف، به تائید اقدامات رضا شاه پرداختند و عملاً مبلغ عملکرد رضا شاه از جمله طرح کشف حجاب شدند. چنانچه در گزارش شهردار سمنان درباره فردی به نام افتخارالاسلام طباطبایی ( یکی از روحانیون) آمده است که: «آقای افتخارالاسلام طباطبایی متجاوز از یک ماه است در سمنان در منابر و مجالس که برای جشنها منعقد شده بیانات سودمند داشته ... خاصه عشره [دهه] عاشورا ... در ضمن ذکر مصائب آل محمد(ص) حرفهای موثر خوبی زده و مراتب شاه پرستی را به کمال رسانیده» و در پایان گزارش تقاضا گردیده «پاداش و جبران زحمات و خدمات معزی الیه را به هر طوریکه مقتضی بدانند انجام و مرحمت فرمایند». [(1)](#content_note_144_1)

در سند دیگری، طبق گزارش حکومت ارومیه، درباره سخنان واعظی به نام پورداد، آمده است: «مشارالیه در قسمت محسنات سادهپوشی بانوان و تحسین از پیشرفتهای دوره اخیر، که در تحت توجهات شاهنشاه کبیر در ایران شده و تکذیب از اخلاق فاسده گذشته مینماید، فوق العاده بیانات ایشان برای تصفیه اخلاق و رفتار اهالی و بانوان این شهر موثر واقع» شده است. [(2)](#content_note_144_2)

از گزارش مزبور بر میآید حتی در مدت رکود نیز، از هر فرصتی برای آمادگی اذهان نسبت به کشف حجاب استفاده شده، و خاطرنشان گردیده که چون گوینده روحانی است، در «تصفیه اخلاق و رفتار اهالی و بانوان»، تأثیرات قابل ملاحظهای به جای نهاده است.

پس از سپری شدن ماههای محرم و صفر مجالس جشن نهضت ترقی خواهانه بانوان در نقاط مختلف کشور با شکوه بیشتری تداوم مییابد تا جبران رکود و توقف این مدت بشود!

ص: 144

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٩؛ گزارش حکومت رضائیه به تاریخ 1315/02/29

2- همان.

گزارشی از گلپایگان حاکی است حکومت وقت «به بهانه هایی از قبیل افتتاح زمین ورزش» از اهالی دعوت نموده، ضمناً اهالی را نیز وادار مینماید که «به عناوین مختلف دعوتهایی ما بین خود بنمایند».[(1)](#content_note_145_1) اقدام دیگری که در راستای پیشبرد طرح صورت گرفت، تشویق کارمندان دولت به حضور و گردش در خیابانها به اتفاق همسرانشان بود.

حاکم قوچان در این خصوص گزارش میدهد: «راجع به نهضت بانوان و مراقبت در پیشرفت آن شرح موکدی اخیراً به کلیه رؤسای دولتی نوشته شد که در ایام و مواقع تعطیلی و هنگام گردش مخصوصاً با خانمهای خود در خیابانها گردش نموده، سرمشق اهالی باشند. در نتیجه دو روز است که کلیه مأمورین موقع عصر با خانمهای خود در خیابانها گردش و عبور و مرور نموده، نتیجه موثری بخشیده است ... »

از دیگر ترفندها و شگردهای تبلیغاتی، استفاده از خانوادههای سرشناس و متشخص که عمل آنها الگوی اهالی بود برای پیشبرد این طرح بود. مجله زن روز در این رابطه مینویسد:

سیاست دولت در شهرها اقتضا میکرد که خانمها از معروفترین و محترمترین خانوادهها بدون چادر به کوچه و بازار بیایند تا سایرین هم از آنها تبعیت نمایند. از جمله استفاده از خانواده [؟] یکی از محترمین و متمولین اردبیل بود که مجبور کردند بدون چادر به خیابانها بروند. این خانمها دستور داشتند پنج، شش بار طول خیابان شهر را پیاده بپیمایند. البته لباس آنها طوری بود که فقط نوک بینیشان به چشم می خورد. [(2)](#content_note_145_2)

این طرز بیرون آمدن که فقط ترک چادر و پوشیدن لباس بلند و گشاد به جای چادر بود، در شهر مذهبی اردبیل خود نوعی پیشرفت به

ص: 145

1- سازمان اسناد ملی ایران؛ سند شماره ٤١١ ، مورخ 1315/02/09 حکومت خمسه به ریاست الوزراء و وزیر داخله؛ و در ارتباط با این شگرد همچنین مراجعه کنید به: روزنامه ایران، جمعه ١٨ دی ماه ١٣١٥

2- سازمان اسناد ملی ایران، گزارش حکومت قوچان به شماره ١٥٠٣ ، مورخ 1315/03/28

سمت کشف حجاب تلقی میشد و در آن زمان برای مجریان طرح، پیشرفت قابل ملاحظهای بود.

نکتهای که در ضمن برپایی مراسم جشن کشف حجاب به چشم میخورد، سعی وافر سخنرانان و ستایندگان طرح است تا چهره حجاب را هر چه زشتتر نشان داده و در مقابل بیحجابی را مترادف با ترقی و تمدن معرفی کنند. جالب توجه آنکه برای حمله به حجاب و تحقیر آن گاهی از توجیهات مذهبی نیز استفاده میشد. از جمله در جشنی که به همت کانون بانوان در اصفهان منعقد شد، یکی از سخنرانان ضمن اظهار خرسندی از وضعیت به وجود آمده در «سایه اعلیحضرت همایون رضا شاه پهلوی»، در تحقیر حجاب چنین اظهار نمود:

پارچه سیاهی که امروز در پرتو عنایت خداوند و حقیقت کیش تابناک اسلام و به برکت مدرسه و کتاب آنرا پاره کرده و دور میاندازیم ما را از انجام این نیات ترقی بازداشته و اجازه نمیداد میزان اصلی و لیاقت و استعدادمان ظاهر و نمایان شود. [(1)](#content_note_146_1)

یکی دیگر از سخنرانان مدعی شد: «اصلاً در مملکت ما قبل از اسلام یا بعد از اسلام حجابی وجود نداشته است. از نظر مذهب هم در کتاب مبین که مجموعهای از اوامر الهی است صراحتی نسبت به این موضوع دیده نمی شود». [(2)](#content_note_146_2)اینها نمونههایی از توجیهات کسانی بود که میخواستند کردار خود را برای عمومیت بخشیدن به آن، مطابق با ترقی و تمدن و موافق با موازین شرع جلوه دهند.

علاوه بر سخنرانی، سعی میشد در قالب نظم نیز حجاب مورد تحقیر قرار گرفته و از این طریق که اثر آن بیش از کلام منثور است، در

ص: 146

1- روزنامه تجدد ایران، شماره ١٨ ، ٢٢ دی ماه ١٣١٤ ،

2- تجدد، همان، در رابطه با نظر این شخص باید گفت ص راحتی که در کتاب مبین وجود دارد بالاتر و کامل تر از کلمه حجاب است و آن واژه ستر است. برای توضیحات بیشتر. نگاه کنید به: مطهری (علامه شهید)، مرتضی؛ حجاب.

گسترش فرهنگ بی حجابی اقدام گردد. [(1)](#content_note_147_1)از جمله در کنفرانسی که به مناسبت کشف حجاب از طرف کانون بانوان در تهران صورت گرفت قطعه شعری قرائت گردید که بیانگر این نوع تفکر است. در این شعر از بنیانگذار این جریان ترقی خواهانه تجلیل و قدردانی به عمل آمد. در اینجا به چند بیت آن اشاره میکنیم، تا این تحقیر و تجلیل بیشتر مشخص گردد:

چرا مرد آزاد باشد به کوی،

ولی زن به چادر نهان کرده روی؟

چرا مرد بیپرده باشد به راه،

ولی زن نهان در پلاس سیاه؟

برومند بادا شه پهلوی،

که داد این سرای کهن را نوی!

بفرمان وی ملک شد کامیاب،

همه ملک ایران برست از حجاب.

حجابی که از جهل دیرینه بود،

حجابی که زنگار آئینه بود. [(2)](#content_note_147_2)

حتی عدهای از شاعران صاحب نام آن زمان، همچون ملک الشعراء بهار نیز که زمانی [(3)](#content_note_147_3)خود از مخالفان سردار سپه بود، تحت تأثیر اقدام رضا شاه قرار گرفته و به مدیحهسرایی از این جریان و عامل این جریان پرداخت. وی در قسمتی از کلام منظوم خود بدین مناسبت چنین سرود:

دریغا کز حجاب خود وطن را

ص: 147

1- برای اطلاع بیشتر پیرامون به کارگیری زبان منظوم در مذمت حجاب و مدح بیحجابی، نگاه کنید به: جعفریان، رسول؛ داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب؛ فصل حجاب و ضد حجاب در شعر فارسی؛ صص ٢٣٧ - ١٥9

2- تجدد، شماره ١٨١١ ، 29دی ماه ١٣١4

3- یکی از مخالفان رضاخان در قضیه تغییر سلطنت در ایران، ملک الشعراء بهار بود. اما وی همچون بسیاری از عناصر رادیکال جنبش مشروط هخواهی متعاقباً تغییر موضع داد. نگاه کنید به: بهار، محمدتقی؛ تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، جلد ٢، صفحه ٣٢٩ که مؤید موضع اولیه وی در برابر رضا خان است.

به نیمه تن فلج فرمایی، ای زن!

بزرگا، شهریارا، کامر فرمود،

کز این بیغوله بیرون آیی، ای زن!

به شاه پهلوی، از جان دعا گوی

اگر پنهان، اگر پیدایی، ای زن! [(1)](#content_note_148_1)

برای پیشبرد کشف حجاب، روزنامههای کثیرالانتشار اخبار جشنها و مراسم مربوط به آن را درج میکردند. خصوصاً روزنامه ایران تلاش بیوقفهای داشت و برای آنکه دیگر مدیر جراید و روزنامهها همگام با روزنامه ایران در نشاندادن چهرهای مثبت به این قضیه بکوشند، مدیران روزنامه آقای مجید موقر «از هیئت مطبوعات و مدیران جراید و یومیه و هفتگی به معیت خانمهایشان به اضافه نویسندگان، فضلا و ادبا با خانم هایشان»[(2)](#content_note_148_2) دعوت به عمل میآورد که در مراسم جشن کشف حجاب در دفتر این روزنامه شرکت کنند.

پس از مدتی این مجالس جشن و سرور از حالت خصوصی خارج و جنبه عمومی یافت. به طوری که، حکمرانان هر منطقه مأموریت یافتند با ایجاد مراسم جشن و سرور در مکانهای عمومی و با دعوت از اهالی هر محل، گزارشی از پیشرفت نهضت بانوان را مرتباً به مرکز ارائه کنند. به این موضوع، در فصل مربوط به سیر کشف حجاب در ولایات خواهیم پرداخت. بعد از مدتی که از این روش تبلیغاتی گذشت، چهره دوم این سیاست یعنی اعمال محدودیت و اقدامات انتظامی به منظور پیشبرد کشف حجاب آشکار شد که در ادامه گفتار حاضر بدان میپردازیم.

ص: 148

1- تجدد، شماره ١٨١٣ ، اول بهمن ماه 1314

2- تجدد، شماره ١٨٠٧، ٢٤ دی ماه ١٣١٤

#### 2 اقدامات بازدارنده و انتظامی

اعمال محدودیت علیه زنان با حجاب در ابتدا، و پس از آن استفاده از شیوههای سرکوبگرایانه پلیسی؛ چهره دوم جشنها و سخنرانیها بود که در واقع سیاست تشویق و تنبیه را کامل میکرد. پیش از آنکه شهربانی به جدیت با قضیه برخورد کند، تصمیماتی دال بر اعمال محدودیت علیه زنان محجبه صورت گرفت و پس از آن اقدامات انتظامی در سطحی گسترده اعمال شد.

مطابق گزارش حکومت کاشمر در ایالت خراسان، به منظور سیر پیشرفت کشف حجاب، محدودیتهایی شامل: «ممانعت از رفتن زنان با حجاب به حمامها» از یک طرف و «نظارت بر کار حمامیها که مبادا زن با حجابی را به حمام راه دهند» از طرف دیگر و «گماردن پاسبانها در مراکز عبور و مرور شهر مخصوصاً بازار جهت اخطار به زنان چادری، گرفتن التزام از گاراژدارها که زنان چادری را سوار نکنند، همچنین گماردن مأمور در زیارتگاهها که زنهای با چادر را اجازه ورود ندهند»،[(1)](#content_note_149_1) از طرف حکومت بر مردم تحمیل گردید تا پس از مدتی گام دیگر این اقدامات، یعنی برخورد خشونتآمیز پلیس و مأمورین انتظامی نسبت به زنان محجبه، برداشته شود. البته در این زمان هنوز مأمورین میبایست طبق دستور مقام وزارت کشور «با نهایت متانت و بدون اعمال زور و به نحو مقتضی از قبیل جلوگیری از سوار کردن بانوان چادری در اتوبوسها و اتومبیلها و راه ندادن به سینماها و رستورانها و ادارات دولتی این موضوع را عملی نموده و نوعی انجام وظیفه نمایند که ایجاد زحمت و شکایت ننمایند». [(2)](#content_note_149_2)این دستورالعمل خصوصاً برای مناطقی که بیم شورش می رفت، تجویز شده بود.

ص: 149

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٤ ؛ گزارش حکومت کاش مر به ایالت خراسان.

2- همان، سند شماره ١٥ ؛ مربوط به حکومت کرمانشاهان

در همین زمان، بعضی از مغازهدارها نیز همگام با نیروهای انتظامی در اعمال محدودیتها شرکت کرده و با زدن اطلاعیههایی بدین مضمون که «به چادریها جنس نمی فروشیم» [(1)](#content_note_150_1)با نیروهای انتظامی همکاری می کردند.

بعد از مدتی، اعمال محدودیتها به تدریج جای خود را به اقدامات انتظامی داد. به مأمورین دستور داده شده بود: «با کمال جدیت و متانت نسبت به اجرای مقصود با تشویق و وسایل دیگر به طور دائم مراقبت کنند».[(2)](#content_note_150_2) منظور از وسایل دیگر، همان به کارگیری زور و خشونت در اجرای کشف حجاب میباشد.

با استقرار پاسبانها در معابر عمومی، آمد و رفت زنان چادری کنترل میشد و برای برداشتن چادر به آنها اخطار میگردید و در صورت عدم توجه چادر آنها گرفته و ضبط میشد. طبق گزارشات شاهدان عینی «پلیس در گوشه خیابانها میایستاد و زنان چادری را تحت نظر میگرفت و در صورت مشاهده، چادر از سر آنان بر میداشت و پاره میکرد» به قسمی که جویهای آب کنار بعضی از خیابانها از چادر انباشته می شد.[(3)](#content_note_150_3) به همین سبب، بانوان با پوشیدن پالتوهای یقهدار و بلند و با به سر گذاردن کلاههای گشاد که تمامی موی سر را در بر میگرفت و نیز بعضاً با استفاده از عینکهای دودی بزرگ که قسمت اعظم چهره را میپوشاند در صورت لزوم در خیابانها و معابر عمومی ظاهر میشدند.

در مقابله با این اقدام بانوان که طی آن چارقد، جایگزین چادر شده و تقریباً مانند چادر پوشش کاملی محسوب میگردید؛ از طرف رئیس دولت بخشنامهای به ولایات صادر گردید. در قسمتی از این بخشنامه چنین آمده است:

ص: 150

1- زن روز شماره ٣٥٣ ، سه شنبه ١٨ دی ماه ١350

2- سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره ٥٩٩ مورخ 1315/01/18 مربوط به حکومت اصفهان

3- نوری اسفندیاری، همان، ص ٧٣6

از قرار اطلاعاتی که میرسد بانوان در ولایات با چارقد در معابر عبور و مرور مینمایند حتی بعضیها بطور مضحک خود را به اشکال مختلف و عجیبی در آورده و مستور میدارند چون ادامه این وضعیت غیر مطلوب و باعث مسئولیت است اکیداً مقرر میگردد که باید نهایت مراقبت و مواظبت را بعمل آورید که هر چه زودتر این رویه متروک گردد. [(1)](#content_note_151_1)

در پایان این متحدالمآل، به حکام نیز اخطار گردیده: «هیچکس از بانوان نباید با چارقد در معابر دیده شوند و الا حکام در درجه اول مسئول و شدیداً مورد مواخذه قرار خواهند گرفت... »

در راستای دستور اکید رئیسالوزراء و وزیر کشور، وزارت کشور موظف میگردد تا از طریق حکام و والیان نهایت سعی خویش را در اجرای مفاد این بخشنامه مبذول دارد. به دنبال این بخشنامه حکام ولایات، شهروندان را در جریان امر قرار میدهند، از جمله از طرف حاکم کاشان اطلاعیه شدیداللحنی خطاب به شهروندان صادر میگردد که در قسمتی از آن آمده است:

... چون ادامه این وضعیت غیر مطلوب، و باعث مسئولیت است، اکیداً مقرر میگردد که باید زودتر این رویه متروک و هیچ کس از بانوان نباید با چارقد در معابر دیده شوند لهذا از تاریخ نشر اعلان الی پنج روز اگر به وضعیت فعلی ادامه دهند شدیداً تعقیب خواهند شد ... [(2)](#content_note_151_2)

دامنه اعمال محدودیتها و اقدامات انتظامی حتی به مقدسترین ناحیه مملکت، یعنی آستان قدس رضوی کشانیده شد. در این ناحیه، پاسبانها

ص: 151

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٦ ؛ متحدالمآل رئیس الوزراء خطاب به ایالت خراسان.

2- نک: همان، سند شماره ١٧ ؛ اعلانیه حکومت کاشان به دنبال متحدالمآل ریاست الوزراء

موظف گردیدند: «با مأمورین آستانه مقدسه نسبت به ممانعت از بانوانی که میخواهند با چارقد وارد بشوند کمک نمایند ...». [(1)](#content_note_152_1)

این اعمال محدودیتها تنها به شهرها و مراکز پرجمعیت ختم نمیشد؛ بلکه، روستاها و مناطق عشایرنشین را نیز در بر میگرفت. در نتیجه ترک لباس محلی و پوشیدن لباسهای اروپایی برای بانوان جنبه اجبار به خود گرفت. از جمله حکومت کرمانشاهان با صدور بخشنامهای از همه مأمورین و مسئولین حکومتی این ایالت خواست تا ترتیبی اتخاذ نمایند که «لباس اهالی قراء و قصبات نیز به شکل بانوان متمدن دنیا در بیاید». [(2)](#content_note_152_2)

اعمال محدودیتها، تنها شامل حال زنان ایرانی اعم از شهری، روستایی و عشایری نبود. بلکه زنان مسلمان خارجی که عموماً برای زیارت بقاع متبرکه وارد کشور میشدند نیز میبایست یا به لباسهای جدید ملبس شوند؛ یعنی کشف حجاب نمایند؛ یا پوشش ملی خود را بر تن داشته باشند. مشروط به آنکه شباهتی با چادر و روسری نداشته باشد و «هر گاه به این ترتیب مایل نیستند، [عمل نمایند]، بهتر است اقامت خود را در ایران [تمام کرده و کشور را] ترک نمایند ...». [(3)](#content_note_152_3)

اعمال این اقدامات سازمان یافته جهت پیشبرد امر کشف حجاب، اگر چه در بعضی از مناطق کشور خصوصاً در مناطقی که مرکزیت مذهبی داشت، موجب عکسالعملهایی از سوی اقشار مختلف گردید، اما چهره اجتماع ایران را تغییر داد. به قول هفته نامه زن روز، اروپایی شدن خیلی

ص: 152

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٨ ؛ از رئیس شهربانی ناحیه شرق به ایالت خراسان، البته این قضیه به صورت درخواست ذکر شد و ب ه دلیل کمبود پرسنل شهربانی و اینکه پرسنل شهربانی حق مداخله در آستانه مقدسه ندارند ، مورد توجه قرار نگرفت.

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٩ ؛ متحدالمآل حکومت کرمانشاهان به نواب حکومت.

3- همان، یادداشت ایالت خراسان خطاب به ژنرال قونسولگری دولت پادشاهی افغانستان به شماره ٧٣٦٩ ، مورخ 1315/05/07

زود طرفدار پیدا کرد و در دی ماه 1316 یعنی دو سال بعد از کشف حجاب رنگ زندگی و شکل آن کاملاً عوض شد. [(1)](#content_note_153_1)

به هر حال، شق دوم این اقدام در همه ولایات و مناطق به یکسان اعمال نمیشد. بلکه مقتضیات هر محل از قبیل میزان پایبندی مردم نسبت به سنتهای مذهبی و قومی نیز باید مطمح نظر مجریان و دستاندرکاران طرح قرار میگرفت، به طوری که سیاست تشویق و تنبیه گاهگاه جای خود را عوض می کرد.

ص: 153

1- زن روز، شماره ٤٥ ، شنبه یازدهم دی ماه ١٣44

ص: 154

## فصل چهارم

### سیر کشف حجاب در شهرها، ولایات و مناطق عشایری

بررسی اسناد و گزارشهای به جای مانده از آن دوران نشان میدهد که میزان و چگونگی پیشبرد طرح کشف حجاب در هر منطقه، با توجه به بافت اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و موقعیت جغرافیایی و اقلیمی و همچنین، نحوه فعالیت نهادها و سازمانهای ذیربط از قبیل انجمنها و سازمانهای زنان و اقدامات تبلیغاتی آنان در این راستا، متفاوت بوده است.

پیشرفت و پذیرش این طرح، در شهرهایی که جریان تجددطلبی و نوگرایی در آنجا پیشرفت کرده و سازمانها و ارگانهای تبلیغاتی و فرهنگی، حکام ولایات را یاری میرساندند، محسوستر از شهرها و مناطق دور افتادهای بود که تنها حاکم محل با عده معدودی نیروی انتظامی مسئولیت امر «نهضت بانوان» را بر عهده داشت.

همچنین اعمال این قانون، در شهرهایی که دارای مرکزیت مذهبی بودند، به یکباره میسر نمیگردید و میزان پیشرفت طرح با کندی همراه بود. در مجموع موانع عمده بر سر راه کشف حجاب در مناطق مختلف کشور طبق اسناد موجود، به شرح زیر بود:

1. میزان تعلقات مذهبی مردم، خصوصاً در شهرهایی که مرکزیت مذهبی دارند. در این شهرها، درجه علاقمندی مردم و پایبندی آنان به مذهب بیش از شهرهاییست که چنین مرکزیتی ندارند. لذا، اجرای این طرح در آن شهرها با مشکل روبرو بوده و میبایستی برای این منظور برنامهریزی دراز مدت و دقیقی معمول دارند.

ص: 155

2. مشکل تهیه البسه جدید، این قضیه بیشتر در مناطق محرومی که اقتصاد عمومی و درآمد افراد وضعیت نامطلوبی داشت، خود را نشان میداد. بنابراین، برای رفع این مشکل یک سری اقدامات امدادی ضروری به نظر میرسید.

3. کمبود نیروهای انتظامی، به منظور حمایت و حفاظت از زن تازه از حجاب درآمده؛ این دسته از زنان، در اوایل اجرای طرح با انواع و اقسام ریشخند و سخنان انتقادآمیز از جانب زنان محجبه و مردان مواجه بودند؛ و نیز کنترل و در مواقع لزوم شدت عمل نسبت به زنانی که از برداشتن چادر استنکاف میورزیدند و با همان پوشش سنتی در کوچهها و معابر عمومی ظاهر میشدند و به نوعی علیه کشف حجاب تبلیغ مینمودند و در راه اجرای طرح وقفه ایجاد کرده و موجبات بیپروایی طرفداران حجاب را فراهم میساختند.

برای از بین بردن و یا بدون اثر کردن این موانع، از طرف دست اندرکاران و مجریان طرح، راه حلهایی به وزارت داخله پیشنهاد گردید. وزارت داخله نیز بنا به مقتضیات هر محل دستورات لازم را صادر نمود تا در جریان کشف حجاب خللی وارد نیاید.

نکته قابل ذکر آنکه، همگام با پیشرفت کشف حجاب خصوصاً در ولایات دور از مرکز، برنامه اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه نیز مورد نظر مأمورین و مجریان طرح بود. این مسئله نشان دهنده آن است که در آن مقطع، هنوز مانع عمده بر سر راه رفع حجاب، یعنی مردان پذیرای این طرح نبودند و حاضر نمیشدند ناموسشان بیحجاب در اجتماع ظاهر گردد. بدینترتیب، لازم دیدند تا همگام و همراه با اعمال قانون کشف حجاب، قانون اتحاد شکل البسه را که از اجرای آن چند سال میگذشت، به اجرا درآورند. به همین دلیل در بسیاری از اسناد و گزارشات حکام به ولایات و از ولایات به وزارت داخله، این نکته به چشم میخورد.

اصرار فوقالعاده مأمورین اجرایی، در شهرها بیش از مناطق روستایی و عشایری مشهود بود. چرا که به زعم ایشان «رو گرفتن از عادات زشت شهرنشینان بوده و اهالی قراء و قصبات به هیچ وجه چنین عادتی

ص: 156

نداشته اند»[(1)](#content_note_157_1) البته این تأکید به معنی آن نبود که مناطق روستایی و عشایری ایران از اجرای قانون 17 دی معاف بودند. اما، در راستای همین نگرش بود که اکثر برنامههای مجریان نسبت به زنان شهرنشین و مردان شهری، اعمال میگردید تا مردان و زنان مناطق روستانشین و عشایرنشین.

با این مقدمه، نخست سیر کشف حجاب را در مناطق شهری مورد بررسی قرار داده، آنگاه به سیر آن در مناطق روستایی و عشایری خواهیم پرداخت.

### سیر کشف حجاب در مناطق شهری

همان طور که اشاره کردیم، هدف اصلی طرح کشف حجاب بیشتر متوجه زنان شهری بود تا زنان مناطق روستایی و عشایری. به همین دلیل بود که ابتدا برنامههای خاصی که بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت، به اجرا در آمد و بعد از مدت کوتاهی، همراه و همگام با سیاست پیشین، سیاست تنبیه علیه متخلفین تنظیم و در دستور قرار گرفت.

بر اساس سیاست جدید، حاکمان شهرها و والیان ولایات موظف گردیدند برخورد تنبیهی را برخلاف قانون اتحاد شکل البسه که در آن مواردی به عنوان استثناء در نظر گرفته شده بود، «بدون استثناء» حتی نسبت به بانوان سالخورده که بیش از زنان جوان در صدد حفظ و حراست از حجابشان بودند، اعمال نمایند. منتهی برای اجرای این قانون باید شرایط محلی را در نظر میگرفتند. مسئله این بود که آنها، به هر طریق ممکن مکلف بودند اقدام نمایند و در صورتی که تعلل ورزیده و سستی مینمودند با آنها برخورد میشد. اگر چه موانع عمدهای بر سر راه وجود داشت که نسبت به تبلیغ طرح برای آنان ایجاد اشکال می کرد؛ تا

ص: 157

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٩ ؛ سواد (کپی) مراسله حکومت کرمانشاهان به نواب حکومت، به تاریخ 1315/03/11 ، نمره 2089

چه رسد به اعمال فشار و تهدید برای این منظور و مقصود؛ آن هم در ابتدای امر که افکار آمادگی پذیرش این طرح را نداشت.

این موانع در شهرهایی با مرکزیت مذهبی، نسبت به شهرهایی که چنین مرکزیتی را دارا نبودند، نمود بیشتری داشت. در بررسی روند کشف حجاب، ابتدا به بررسی این سیر در شهرهای مذهبی میپردازیم و سپس کار خود را با بررسی شهرهای دیگر ادامه میدهیم.

### سیر کشف حجاب در شهرهای مذهبی

همه مناطق کشور از لحاظ گرایشات مذهبی یکسان نبودند. از اینرو، روند اجرای کشف حجاب در شهرها متفاوت به نظر میرسید. در برنامهریزی اجرای طرح، میبایست برنامههای دقیقتر و منظمتری را برای شهرهای مذهبی، مانند قم، مشهد، اصفهان و... در نظر گرفت. در این شهرها، سیر کشف حجاب به مراتب کندتر از شهرهایی چون آبادان، اهواز، شیراز و تهران بود. در شهرهای مذهبی نه تنها مردم در مقابل کشف حجاب مقاومت میکردند؛ بلکه، مأمورین دولتی و سیستم آموزشی معارف نیز ناگزیر بودند، انعطاف [(1)](#content_note_158_1)بیشتری داشته و مقتضیات محل را در نظر بگیرند. در گزارش مربوط به وضعیت قم از زبان حاکم این شهر مذهبی خطاب به وزارت داخله آمده است: «قم راجع به اجرای این دستور (عملی ساختن کشف حجاب)، غیر از سایر شهرها است و باید با کمال حزم و احتیاط شروع به اقدام این موضوع نمود». [(2)](#content_note_158_2)حتی بانوان معلم در

ص: 158

1- البته در قضیه مسجد گوهرشاد هیچ انعطافی از سوی مأمورین دیده نشد و این حرکت از آنجا که می رفت کل برنامه های فرهنگی رضا شاه را تحت تأثیر خود قرار داده و متوقف کند با شدت هر چه تمامتر سرکوب شد . به این موضوع در بخش واکنشهای اجتماعی در برابر کشف حجاب خواهیم پرداخت.

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢٠ ؛ گزارش حکومت قم به وزارت داخله به تاریخ ٢ دی ماه ١٣١٤ ، نمره . ١٧22

این شهر حاضر به رفع حجاب نشده و «استعفا میدهند» و اهالی شهر قم به واسطه انتشار خبر کشف حجاب، حتی قبل از اعلام رسمی آن در 17 دی 1314 دخترهای خود را از مدرسه بیرون آورده بودند. جریان کند کشف حجاب در قم به جایی کشیده بود که از ترس آنکه برای «تشریففرمایی وزیر معارف به قم» هیچیک از زنهای بیحجاب به استقبال نرود؛ ناچار شدند در خانوادههای به خصوصی «شروع به تبلیغات نموده که پس از تشریففرمایی جناب آقای وزیر معارف و تشکیل کنفرانس در این موضوع اقلاً یکصد نفر از خانمها در جلسه حاضر شوند». [(1)](#content_note_159_1)در خصوص اصفهان هم که یک شهر مذهبی و سنتی بود، این نگرانی وجود داشت که چگونه ممکن است زنانشان به سادگی و بدون هیچ برنامهای کشف حجاب نمایند؟ به همین جهت، بعد از مدتی کانون بانوان در اصفهان به وسیله خانم صدیقه دولتآبادی شعبهای دایر میکند تا به تدریج با برگزاری مجالسی در مذمت حجاب و مدح بیحجابی و فواید آن، نسبت به عملی نمودن طرح اقدام گردد.

به هر حال، درجه وابستگی مردم به مذهب و سنتهای اجتماعی اولین و مهمترین عامل تعیینکننده کشف حجاب در ولایات است. کمبود نیروی انتظامی، با توجه به جو مذهبی و مخالفت هر چند محدود برای اجرای طرح و ضرورت حضور گسترده نیروهای انتظامی در شهرهای

ص: 159

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢٠ ؛ همچنین، سند شماره ٢١ مربوط به چند سال بعد از قضیه کشف حجاب که از طرف وزیر کشور به اداره کل شهربانی ارسال ١٣١٨ در مجلس جشنی که از طرف اداره فرهنگ /٧/ گردیده، حاکی است در تاریخ ١٨ قم تشکیل شده بود و از روسای ادارات و طبقات مختلف برای حضور در این مجلس رؤسای ادارات و بانوانشان حاضر گردیده ولی از »: رفع حجاب دعوت بعمل آمد بانوان طبقات مختلف شهرستان جز عده معدودی حضور به هم نرسانید ه اند لذا به شهربانی قم دستور داده می شود که در اشاعه پیشرفت و تعمیم نهضت بانوان و کشف و نتیجه را اعلام دارند. این در حالی است که چند سال از قضیه « حجاب اقدام کرده کشف حجاب، می گذرد و هنوز در قم پیشرفت چندانی به واسطه مرکزیت مذهبی آن، حاصل نشده است.

مذهبی از دیگر موانع عمده بر سر راه پیشرفت کشف حجاب در این مناطق بود.

شهری مانند آبادان، با تعداد کمتری نیروی انتظامی قابل کنترل بود و حفاظت از زنان بیحجاب با توجه به پذیرش نسبی این طرح چندان مطرح نبود. اما در قم، فقط تعداد کمی کشف حجاب کرده بودند و حفاظت آنها از دسترس مخالفین از زن و مرد، و نیز متقاعد و مجبور کردن اکثریت زنانی که نسبت به انجام آن استنکاف میورزیدند، مستلزم استفاده از نیروهای بیشتری بود. چنانچه در همان سند راجع به قم آمده است: «عده پاسبانی شهر قم فعلاً برای اجرای این دستور کافی نیست برای اینکه در تمام محلات شب وروز باید پست گذاشته شود که مراقب فرد فرد اهالی بوده که سوء احترامی نسبت به زن [بیحجاب] نشود که موجب اخلال جریان کار بشود». در پایان نیز چنین درخواست کردهاند: «لازم است سی نفر بر عده پاسبانی شهر قم اضافه نمایند که از هر گونه پیشآمد سوئی جلوگیری شود». [(1)](#content_note_160_1)

در سند دیگری که به شهر مشهد مربوط است، والی خراسان برای جلوگیری از ورود بانوان محجبه به صحن علی بن موسیالرضا(ع) از رئیس شهربانی ناحیه شرق درخواست کرده بود که بر تعداد پاسبانان صحن مطهر برای منظور فوق بیفزاید. رئیس شهربانی اظهار میدارد: «در تمام نقاط مختلفه شهر در روز پاسبانانی که مشغول ایفای وظیفه هستند بیش از پنجاه نفر نیستند».[(2)](#content_note_160_2) و از اعزام نیروی بیشتر، به واسطه لزوم کنترل در بقیه نقاط شهر، عذر میخواهد. این در حالی است که شهر مشهد از همان ابتدا، قبل از اعلام رسمی، در مقابل این قضیه واکنش نشان داده و تمایلی به انجام این طرح نداشتند. به همین علت افزایش نیروی نظامی و انتظامی برای اجرای این مقصود ضروری به نظر می رسید.

ص: 160

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره . ٢٠

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٨ ؛ گزارش رئیس شهربانی ناحیه شرق به ایالت خراسان، به تاریخ ٢١ تیرماه ١٣١٥ ، نمره . ٧٤٥٤

### سیر کشف حجاب در شهرهای دیگر

روند پیشرفت طرح کشف حجاب در شهرهای دیگر و در شهرستانهایی که شعبههای کانون بانوان، به عنوان سرسلسله جنبان نهضت تجددطلبانه و ترقیخواهانه زنان، در آن مناطق فعال بوده، و مسئولان اجرایی طرح با برگزاری مراسم جشن و سرور به استقبال آن میرفتند، به مراتب سریعتر از شهرهایی است که به واسطه برخورداری از مرکزیت مذهبی، روحانیت در آنجا نفوذ بیشتری داشت و مردم نیز بیشتر مقید به انجام آداب و رسوم مذهبی هستند. البته وضع کشف حجاب در این شهرها هم مطلقاً بدون مقاومت نبود. بلکه، کم و بیش موانعی وجود داشت و همین موانع حاکمان را وادار ساخته بود تا برنامههایی تدارک کنند که هر چه سریعتر فرهنگ کشف حجاب در آن مناطق رسوخ نماید.

گزارشهای موجود از شهرهای همدان، رشت، شاهرود، خرمشهر، شاهی و زاهدان از ایجاد مراسم و جشن های رفع حجاب حکایت میکند. در این «جشنها خانمهای رؤسای ادارات و محترمین شهر، باتفاق همسرانشان شرکت داشتند». گزارش دیگری از ساری حاکی است «نهضت آزادی زنان بخوبی پیشرفت [کرده] و عده ای [از زنها] آزادانه در خیابانها و بازارها عبور و مرور می نمایند». [(1)](#content_note_161_1)

اینها نمونهای از اخبار مندرج در مجلات و روزنامه های آن زمان است که بیشتر جنبه تبلیغی دارد و لااقل طبق اسناد موجود که این اسناد بیانگر واقعیات میباشند در شهرهای ساری و همدان پیشرفت کشف حجاب چندان سریع نبوده است. [(2)](#content_note_161_2)

گزارشات رسیده از دیگر شهرها حاکی است به واسطه فقر عمومی و وضعیت نابههنجار اقتصادی مردم، پیشرفت کشف حجاب دچار وقفه

ص: 161

1- روزنامه تجدد ایران، شماره ١٨٠٩ ، 27 دی ماه ١٣١4

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢٢ ؛ تلگراف شماره ١٦٧ ، مورخ 1315/09/14 ، مربوط به حکومت ساری و سواد مراسله حکومت همدان، ثبت اسناد نمره ٤٧77 مورخ 14/10/02

گردیده است. چرا که، تغییر لباس زنان در ابتدای امر مستلزم خرید کلاه، مانتو، کیف و کفش، و در مراحل بعدی خریدن انواع و اقسام لوازم آرایش و حتی تغییر مکرر لباس و کیف و کفش، متناسب با آرایش و مد روز بود که از طرف روزنامه ها و مجلات آن زمان تبلیغ و تعیین میگردید و زن متجدد و امروزی برای آنکه از زن متحجر و دیروزی فاصله گرفته و وارد شاهراه ترقی شود! ناگزیر بود نسخه های تعیین شده آن مجلات و روزنامه ها را که منبع آنها مجلات و روزنامه های غربی و یا فرهنگ غرب بود برای خود تجویز کند و با چشم بسته حرف آن اطباء را بپذیرد!

اما چادر این حسن را داشت که علاوه بر پوشش تمامی بدن، از نشاندادن فقر زنان، تا حدود زیادی جلوگیری میکرد و از لحاظ اقتصادی نیز به صرفه اقتصاد خانواده بود. چرا که خانوادههای بیبضاعت لااقل میتوانستند در پوشش چادر از لباسهای مستعمل خود برای مدتی دیگر استفاده نمایند.

در این میان، حتی کارمندان دولت هم به خاطر ناچیز بودن مقرری و حقوق ماهانه، از انجام این دستور معذور بودند تا چه رسد به افراد عادی و رعیت. چنانچه در سندی مربوط به اداره ثبت اسناد همدان میخوانیم:

تنها اشکالی که به نظر من و همقطارانم رسیده و مسئله استیصال و بیچارگی آنهاست، که حقوق اکثریت آنها در حدود دویست و سی و چهار ریال و کمتر آنها که دارای مقام و منزلت بیشتری در انظار هستند چهارصد ریال و اجزاء جزء هم در حدود یکصد، و یکصد و بیست ریال است. تصدیق میفرمائید که با این حقوق تغییر لباس زنهایی که حالا بصورت ناشناخت برای خرید معاش زندگی یومیه از خانه خارج و در آینده در مقابل چشم و هم چشم با مد جدید باید بیرون بروند، چه تفاوت فاحشی و چه قدر تهیه آن مشکل خواهد بود.

برای حل این مشکل کارکنان که در واقع، باید پیشتازان اجرای طرح باشند و هم اینکه به واسطه استیصال از اجرای آن عاجز هستند، از طرف حکومت همدان به ریاست وزراء پیشنهاد میگردد: «اگر بشود وزارت

ص: 162

مالیه و ادارات مربوطه کمکی به این قبیل مستخدمین نمایند که حقوق یک ماه آنها بطور مساعده پرداخته شود، و از فاصله پنج تا شش ماه استهلاکاً از حقوق آنها کسر گذارده شود». این پیشنهاد مورد موافقت نخست وزیر قرار میگیرد و به عنوان «یک رویه و طرح ارزشمند، به وزارت مالیه توصیه می گردد».

روش دیگری که برای تهیه لباس زنان فقیر پیشنهاد گردیده بود؛ جمعآوری اعانه، و تأمین بودجه از طریق شهرداریها و یا از محل موقوفات است.

طرح جمعآوری اعانه چندان موفقیتآمیز نبود. زیرا، جمعآوری آن از یک طرف، با توجه به استنکاف بعضی از متولیان امر، دچار مشکل میشد و از طرف دیگر، موجب خدشهدار شدن حیثیت زنان فقیر که تا آن روز فقرشان پنهان بود. به همین علت، از طرف وزارت داخله از ریاست وزراء درخواست میشود: «چون مساعدت به نسوان بیبضاعت بوسیله جمعآوری اعانه میسر نیست اجازه داده شود از محل اوقاف مبلغی به موجب تصویبنامه برای این مصرف تخصیص بدهند و اداره معارف بوسیله متولیها از محل موقوفات و خیریه مقدار لباس و کلاه زنانه تهیه و یا نظارت معارف و شهربانی بین فقرا تقسیم نمایند ...». [(1)](#content_note_163_1)

ریاست وزراء، خود شخصاً نسبت به پذیرش طرح مذکور پاسخ مثبت نمیدهد و پاسخ آنرا منوط به «استفسار نظر وزیر معارف» میداند. همچنین خانهنشینی زنان نیز که در حقیقت به علت مخالفت با قضیه کشف حجاب بود، به عنوان عدم استطاعت مالی و فقر آنها توجیه شده و اظهار گردیده مادامیکه زنان در فقر بسر میبرند «نباید هیچکس را مجبور کرد که حتماً از منزل خارج شود». [(2)](#content_note_163_2)

ص: 163

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢٣ ؛ نامه شماره ٤٦٨ ، مورخ 1315/03/12 از طرف اداره سیاسی وزارت داخله به ریاست وزراء

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢٤ ؛ در پاسخ به گزارش نمره ٥٧ مورخ 1315/02/28 حکومت نردین از طرف والی خراسان

به نظر میرسد، اقدامات انتظامی و اهرم فشار در شهرها، بر اقدامات تبلیغی پیشی داشته است. به طوری که هرگاه اندکی از فشار کاسته [(1)](#content_note_164_1)میشد و مأمورین «سستی نموده و غفلت میورزیدند»؛ مجدداً زنان به حجاب روی میآوردند. گزارش رسیده از حکومت فردوس به والی خراسان حاکی است به دلیل مرخصی رفتن حاکم حکومت شهر مزبور «و غفلت بعضی از مأمورین ... اغلب بانوان با چارقد در پس کوچه ها و با ملافه های قدیمه رفت و آمد میکردند». به همین علت، حاکم پس از بازگشت از مرخصی دو ماهه با به کارگیری اقدامات انتظامی و تبلیغاتی و برپایی مجالس جشن حتی در منزل خود و دعوت از کارکنان دولت باتفاق خانمهایشان، کاری میکند «تا رفته رفته عادت این دو ماهه، از سر آنها رفع شود».

آنچه تاکنون گفتیم، موانع عمده موجود بر سر راه پیشرفت کشف حجاب در شهرها بود. برای رفع این موانع نیز راه حلهایی در نظر گرفتند تا طرح مزبور به طور کامل در کلیه مناطق کشور به اجرا در آید. بر خلاف قانون اتحاد شکل البسه که در آن با توجه به مشاغل و مناصب سنتی، و دینی شمول قانون برای برخی از افراد جامعه مستثنی شده بود، قانون حجاب استثنایی نداشت. حتی پیشنهاد حاکم یکی از شهرها برای پیشرفت کشف حجاب در آن شهر، مبنی بر این که: «بانوان سالخورده از پنجاه و پنج [ساله] به بالا فقط چارقد بپوشند و مابقی کلاه استعمال نمایند».[(2)](#content_note_164_2) نیز از طرف والی ایالت به استناد اینکه «در دستور صادره [راجع به کشف حجاب]

ص: 164

1- همچنان که در فصل آینده بدان خواهیم پرداخت و در اینجا بدان اشاره می گردد بعد از شهریور ١٣٢٠ و خروج اجباری رضاخان از کشور تا یکی دو سال ب ه واسطه اوضاع داخلی و تأثیر جنگ جهانی دوم در وضعیت کشور، رژیم نوپای محمدرضا پهلوی از به کار بردن اقدامات انتظامی عاجز بود ، به همین جهت اغلب زنان بی حجاب دوباره به حجاب روی آوردند.

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢٦ ؛ درخواست حکومت کلات از ایالت خراسان، به شماره ٤١٨ ، مورخ 1315/04/02

استثنایی نشده بود که نسوانی که سنشان متجاوز از پنجاه و پنج سال باشد چارقد بپوشند»،[(1)](#content_note_165_1) مورد قبول واقع نمیشود. بلکه، دستور اکید داده میشود که نسبت به اجرای قانون کشف حجاب، از طرف رئیس حکومت «نهایت مراقبت» به عمل آید.

همچنین طبق گزارش تلگرافی شماره 4086، مورخ 31/6/1318 از رفسنجان به مرکز، علیرغم سپری شدن بیش از چند سال، قضیه کشف حجاب در این شهر که یک شهر سنتی است، پیشرفت مطلوبی نداشت: «هنوز بطور پنهانی بعضیها با چارقد و چادر شب [از خانه] خارج میشوند»؛ بنابراین آنها را «تحت تعقیب قرار دادهاند».

بدینگونه، تمامی هم و غم مأموران، حکام و والیان [(2)](#content_note_165_2)حکومت در مناطق مختلف اجرای قانون کشف حجاب در حوزه مأموریت خود و ارسال گزارش از نحوه پیشرفت و میزان آن به وزارت داخله است. در شهرهای صنعتی و کارگری خصوصاً در مناطق جنوبی کشور که صنعت نفت موجب رشد و گسترش آنجا شده بود و به واسطه رفت و آمدهای هیئتهای خارجی و مستشارانشان، حتی تأثیر خود را در زبان مادری مردم این شهر گذارده و در یک جمله فارسی چند لغت لاتین استعمال میکردند، سیر کشف حجاب رو به پیشرفت بود و از کارگران عادی گرفته تا کارمندان عالیرتبه در جشنهای کشف حجاب فعالانه شرکت میکردند و حتی سیر این پیشرفت در شهرهایی مثل آبادان، بدانجا منتهی شد که فرماندار وقت «رؤسای عشایر را برای شرکت در جشن رفع حجاب دعوت کرد. آنهایی که چند زن داشتند جوانترین را با خود بردند

ص: 165

1- همان، سند شماره ٢٦ ؛ پاسخ ایالت خراسان به رئیس حکومت کلات به شماره ٥٥٦٧ ، مورخ 1315/04/08

2- نگاه کنید به: دیبا، فرح؛ خاطرات سیاسی فرخ در خصوص وضعیت و سیر کشف حجاب در شهرهای خوی و ارومیه از ص ٣٥١ تا ص ٣٥٨ که حاکی از تلاش والی آذربایجان (فرخ) برای پیشبرد امر کشف حجاب در این دو شهر از حوزه حکومتی وی است.

و بعضیها هم که زنانشان قابل بیرون بردن نبود یکی از زنهای دوست خود را قرض گرفتند!!» [(1)](#content_note_166_1)

در گزارشهایی که بعدها از روند پیشرفت کشف حجاب در مطبوعات کشور به چاپ رسید، تفاوت در برخورد مردم مناطق مختلف با این برنامه و شیوه اقدام مسئولان اداری و دولتی در قبال برخورد آنها به خوبی آشکار میشود. در همان روزها، یکی از کارگران شرکت نفت آبادان برای آنکه مادر خود را بدون حجاب به خیابان آورده بود و از این طریق فرمان رفع حجاب را جشن گرفت، تشویق گردید و به او «روز بعد پنج قران اضافه حقوق» دادند. متقابلاً، در اصفهان، کارمندی به دلیل آنکه همسرش را بدون چادر به محافل و مجالس جشن رفع حجاب نبرده بود، تنبیه شد و «اولین حقوق او را بعد از رفع حجاب ندادند» [(2)](#content_note_166_2)تا آنکه از شدت استیصال، ناگزیر «زنش را بدون چادر به اداره برد» تا ثابت کند همگام و همراه با سیاست کشف حجاب است.

از سوی دیگر، «بطور شفاهی به کارمندان این شهر اعلام شده بود که شرط دریافت حقوق، ثابت کردن این نکته است که زنشان از چادر بیرون آمده است». به همین جهت، زنانشان را برای ساعتی هم که شده به اداره میبردند و مستمری کشف حجاب همسر خود را دریافت میداشتند.

اخبار رسیده از اداره احصائیه و سجل احوال مملکت، ناحیه جنوب شرقی، حاکی از پیشرفت کشف حجاب در شهرهای این مناطق است. «بواسطه اقدامات اولیای دولت» و انعقاد مراسم جشن و سرور در ادارات و محلهای عمومی نسبت به «تغییر روحیه اهالی» اقدام شده است. به طوری که برپایی مراسم کشف حجاب در مکانهای عمومی باعث گردید

ص: 166

1- زن روز، شماره ٤٥ ، سال . ١٣44

2- زن روز، همان.

بعد از مدتی «نسوان شهری عموماً حجاب را کنار گذارده و [در معابر عمومی] بیحجاب عبور و مرور [نمایند]». [(1)](#content_note_167_1)

بعضی از اسناد موجود نشان میدهد گاهی هم خود حکام شهرها و مأمورین در اجرای دستور کشف حجاب تسامح میکردند. برخی از آنها تمایل چندانی به اجرای این طرح نداشتهاند. به همین علت، از سوی والی ایالت که قطعاً تعهد و مسئولیت بیشتری در انجام طرح دارد، مورد سرزنش و بازخواست قرار میگرفتند. از جمله در سندی خطاب به حاکم نیشابور چنین آمده است: ٍ«توضیح دهید که علت مسامحه و غفلت شما در انجام این امر مهم چه بوده و چگونه تاکنون که متجاوز از یکسال از آغاز نهضت بانوان میگذرد، موضوع رفع حجاب در نیشابور صورت عملی بخود نگرفته است». [(2)](#content_note_167_2)

در پایان این بازخواست دستور داده شده حکومت نسبت به معرفی مأمورینی که در انجام امر «مسامحه میکنند»، به مرکز ایالت اقدام نماید. گزارش دیگری در ارتباط با سیر کشف حجاب در کاشمر از ایالت خراسان، حاکی است با وجود آنکه بیش از دو سال از 17 دی 1314 گذشته است: «در مجالسی که به منظور پیشرفت نهضت بانوان تشکیل میشود اکثر مأمورین ادارات و مؤسسات تجاری با بانوهای خود حاضر نمی شوند».[(3)](#content_note_167_3) بنابراین، تکلیف عموم مردم مشخص است. در جایی که مأمور دولت از شرکت در جشن کشف حجاب خودداری میکند، انتظار نمیرود مردم معمولی در جشنها آن هم به اتفاق همسرانشان و بدون حجاب شرکت نمایند. البته این گزارش حاکی از آن است که رئیس حکومت و بسیاری از مأمورین در انجام امر تسامح ورزیدهاند و حتی

ص: 167

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٢؛ گزارش شماره ٦٥ ، مورخ 1315/01/11

2- همان، سند شماره ٢٨ ؛ نامه شماره ٥٩٥١ ، مورخ 1315/11/18، بازخواست والی خراسان از حکومت نیشابور بواسطه غفلت مأمورین در امر پیشرفت کشف حجاب زنان در این شهر.

3- همان، سند شماره ٢٩ ؛ نامه شماره ٢٥٥٣٤ ، مورخ ٥ بهمن ماه ١٣١٦ گزارش رئیس شهربانی کاشمر به اداره استانداری شمال شرق.

عقیده چندانی به امر نهضت بانوان نداشتند. شاید تعلقات مذهبی و سنتی حکام، خصوصاً در شهرهای دور از مرکز باعث گردیده که آنها در حوزه مأموریت خود قانون کشف حجاب را به اجرا در نیاورند.

همین تسامح و اهمال مأمورین و دست اندرکاران اجرای طرح در بعضی از شهرها موجب گردید که از طرف وزارت کشور بخشنامهای رمزی به تاریخ 17/12/1316 جهت ولایات صادر گردد[(1)](#content_note_168_1) و در آن تاکید شود که مأمورین از سهلانگاری نسبت به اجرای قضیه کشف حجاب خودداری کرده و در آشنا نمودن مردم به انجام تمدن امروزه که اساس سیاست داخلی است «اهتمام ورزند» و چنانچه در اجرای دستور غفلت ورزند «مسئولیت شدید تولید خواهد نمود».

گویا این بخشنامه سری، پس از مدتی اثر خود را از دست میدهد. زیرا میبینیم که در تعقیب آن، بخشنامهای دیگر خطاب به فرمانداریها صادر گردیده و از اینکه در سیر گسترش کشف حجاب در بخشها و روستاهای تابعه حوزههای مأموریتی خود، نسبت به «تغییر وضعیت آنان اعم از مردان یا زنان هیچگونه قدمی که مبنی بر آشنا کردن جامعه به تمدن و طرز زندگانی امروزه باشد برنداشتهاند» مورد مؤاخذه و بازخواست مجدد قرار میگیرند. هر چند که در انجام طرح در شهرها و محل حکومت خود اقدام کردهاند اما نمیبایست سیر کشف حجاب را فقط در شهر گسترش دهند. چرا که، برای مجریان و گردانندگان اصلی طرح، پیشرفت کشف حجاب تنها در شهرها و تغییر روحیه شهرنشینان کافی نبوده و مردم روستاها و بخشها اعم از زن و مرد می بایست تغییر

ص: 168

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣٠ ؛ بخشنامه رمزی و محرمانه وزارت کشور به ولایات سراسر کشور، به شماره ١٩١٩ ، مورخه 1316/11/17

روحیه دهند «و به فراخور اوضاع و [احوال] به وضعیت و تمدن امروزه آشنا گردند».[(1)](#content_note_169_1)

اگر چه در ابتدا، برنامه کشف حجاب بیشتر برای زنان شهری در نظر گرفته شده بود، تا زنان روستایی؛ چرا که به زعم آنان «روگرفتن از عادت زشت شهریان است و زنان روستایی چنان عادتی ندارند» اما به نسبت پیشرفت مراحل کشف حجاب در شهرها، زنان روستایی نیز میبایست کشف حجاب نمایند.

### سیر کشف حجاب در مناطق روستایی و عشایری

از دیرباز، زنان مناطق روستایی و عشایری با توجه به زندگی خاص خود و عوامل محیطی و شغلی پوشش مخصوصی داشتند که همچون زنان شهری شامل نقاب و چادر نبود. همین ویژگی سبب شد که در مراحل اولیه، مجریان طرح به تصور این که، «رو گرفتن از عادت زشت شهرنشینان است»![(2)](#content_note_169_2)

ص: 169

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٩ ؛ سواد مراسله حکومت کرمانشاهان ١٣١٥ ، نمره . ٢٠٨٩ /٣/ مورخه

2- از آنجا که زنان روستایی مانند زنان شهری از نقاب و روبنده استفاده نمی کردند در ابتدای کشف حجاب برای زنان شهری که دیگر مجاز به استفاده از روبند و چادر نبودند، نوعی کلاه در نظر گرفته شده بود که از لحاظ پوشش شبیه پوشش زنان روستایی بود. به طریقی که کلاه جای چارقد زنان روستایی را در شهر گرفته بود . اما بعد از مدتی که کلاه منسوخ و کشف حجاب به برهنگی تمامی سر انجامید و حتی در نوع و فرم و اندازه لباسها نیز تغییر حاصل شد و شکلی کاملاً غربی بخود گرفت ؛ لباس و پوشش زنان روستایی به نسبت زن مدرن و غربی شهری نوعی پوشش و حجاب محسوب م یگردید که می بایست کشف حجاب نماید و به وضعیت تمدن امروزه آشنا گردد.

و با آرایش روز در خیابانها ظاهر شدند. تا این زمان، زنان روستایی و عشایری تکلیف چندانی در برابر اجرای طرح کشف حجاب نداشتند. اما همینکه زنان شهری عادت کردند «با لباسهای بی آستین و دکلتههای کوتاه در میهمانیها ظاهر شوند» [(1)](#content_note_170_1)و با انواع و اقسام لوازم آرایش و مدهای آن آشنا شدند و در حقیقت پس از آنکه «زن محافظهکار و بیاطلاع به خانم متجدد مبدل گردید». زنان روستایی و عشایرنشین نیز موظف گردیدند لباس سنتی خود را ترک کرده و از این طریق به «وضعیت تمدن امروزه آشنا گردند».

هرچند اجرای طرح در مناطق روستایی و عشایری با موانعی که در مناطق شهری از آن سخن گفتهایم، سر و کاری نداشت؛ اما، تغییر لباس سنتی زنان به لباسهای اروپایی بدون تغییر در محیط اجتماعی، محل کار و نوع مناسبات افراد با یکدیگر برای روستانشنیان موضوعیت نداشت، و با توجه به محیط کار و زندگی، آنان ترجیح میدادند همان لباسهای سنتی گذشته را به تن کنند. به خصوص اینکه طرح اتحاد شکل البسه مردان نیز در این مناطق به اجرا در نیامده بود. این مسئله مجریان طرح را بر آن داشت تا به موازات رعایت کشف حجاب از سوی زنان این مناطق، برنامه اتحاد شکل البسه مردها را نیز اعمال نمایند.

به جز عوامل محیطی و جغرافیایی و شغلی، خصوصیات فردی روستانشینان و کوچ نشینان، از قبیل عدم آشنایی نسبی با مظاهر فرهنگ جدید در شهرها، پائین بودن سطح سواد و معلومات و نیز خطر مقاومت احتمالی از جانب آنان که ممکن بود به یک قیام و حرکت عمومی در قبال طرح کشف حجاب بیانجامد، وزارت داخله را برآن داشت که در روستاها و مناطق عشایری، محتاطانه عمل شود و: «بدون اینکه طرز خشونت و درشتی در کار باشد مردم را به وضعیت تمدن امروزه آشنا نمایند». [(2)](#content_note_170_2)

ص: 170

1- زن روز، همان.

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣١ ؛ بخشنامه محرمانه شماره ١٨٣ ، وزارت کشور.

در نتیجه، بخشداران و نیروهای امنیه مستقر در پاسگاهها موظف بودند با انعطاف هر چه بیشتر در اجرای «منویات شاهانه بکوشند» و اهالی این مناطق را با اصول و تمدن جدید که اساس سیاست داخلی دولت شاهنشاهی است، آشنا سازند.

برای اجرای بهتر این برنامه، حاکمان شهری برنامههایی را تدوین میکردند تا جلو هر گونه احتمال مخالفت سد گردد. اولین اقدام برگزاری مجالس جشن و سرور در روستاها و مراکز بخشها بود. در این برنامهها از نیروهای انتظامی نیز به عنوان مبلغ کشف حجاب استفاده میگردید تا ضمن کمک به بخشداران، درخواست همکاری از بزرگان و ریش سفیدان محل، بهتر میسر گردد. بازدهی این اقدامات تبلیغی با توجه به عدم همکاری بزرگان محل، چندان مشهود نبود. اما، در بعضی از مناطق عشایرنشین که با میزان توانمندی دولت در مقابل مخالفین آشنا بودند و در قضیه اسکان عشایر و تختهقاپو کردن، این نکته بر آنها ثابت شده بود: «زنهای اکراد و ایلات لباسهای ایلاتی را متروک به لباس شهری و کلاه، تبدیل نمودند». [(1)](#content_note_171_1)

بنابراین، حاکم شهرها ناگزیر بودند در حوزه مأموریتی خود برنامهریزی دقیقتری ملحوظ دارند. به همین علت دست به اقدام دیگری زدند و آن دعوت از بزرگان محل و سران عشایر به اتفاق همسرانشان به شهرها و شرکت در مراسم جشن رفع حجاب بود. این اقدام ضمن آنکه بزرگان و سران روستایی و عشایری را به امر نهضت بانوان واقف میساخت آنها را نیز مکلف میکرد که پس از بازگشت به محل نسبت به

ص: 171

1- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣٢ ؛ تلگراف شماره ٢٣ مورخ1315/2/26 منطقه روستایی و عشایر نشین تیرگان به مشهد.

انجام مقصود مورد نظر تلاش نمایند. این اقدام از یک طرف نیاز به استفاده از اهرم فشار را کاهش میداد و از طرف دیگر به دست خودشان قضیه عملی میشد و تأثیر بیشتری میبخشید.

سومین اقدام برای اجرای هر چه بهتر طرح مزبور در مناطق روستانشین، برخورد با مخالفین و استفاده از اهرم فشار بود. در واقع این اقدام مکمل اقدامات تبلیغی محسوب میشد؛ به خصوص در مناطقی که بزرگان با مأمورین دولتی همکاری نمیکردند. لذا، علاوه بر دستور اولیه مبنی بر پرهیز از خشونت، به دلیل موضعگیری بعضی از متنفذین محلی و روحانیون علیه کشف حجاب و برخورد با کسانیکه کشف حجاب نموده بودند، در این مناطق استفاده از خشونت غیر قابل اجتناب مینمود.

بر اساس گزارش یکی از بازرسان، در یکی از قراء وابسته به سبزوار، 1317 یعنی دو سال بعد از قضیه اعلام رسمی کشف حجاب: «موضوع کشف حجاب به هیچوجه در آنجا عملی نشده است ...». و براساس تحقیقات به عمل آمده علت این عدم پیشرفت «یکی از مالکین و متنفذین محلی با یک نفر آخوند و نماینده آنجا هستند که مانع عملی شدن این امر» شدهاند.[(1)](#content_note_172_1) و حتی همسر رئیس کارخانه پنبه که در محل بدون حجاب رفت و آمد میکرده از طرف آن فرد روحانی مورد شماتت قرار میگیرد و علیرغم شکایت همسر وی به پاسگاه امنیه، پاسگاه نسبت به «شکایت رسیدگی ننموده...». در پایان گزارش درخواست میگردد که حکومت سبزوار «نسبت به قطع اقتدار متنفذین محلی» اقدام نماید.

ورود زنان روستایی و عشایری با همان پوشش سابق به شهرها نیز حاکی از عدم پیشرفت کشف حجاب در این مناطق است. این عمل ضمن آنکه سیر کشف حجاب در مناطق شهری را دچار اشکال

ص: 172

1- ١٣١٧/١/ ١. نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣٤ ؛ گزارش شماره ٥٢١ ، مورخه ٢٤ در خصوص قریه داورزن از قراء سبزوار، گزارش هنگ شماره ١٢ خراسان به فرمانداری سبزوار.

می ساخت، چهره ناهمگونی به شهرها میبخشید. برای مقابله با این مسئله تأکید شده بود: «امنیه هم در قسمت روسری نسوان دهات و همچنین تغییر لباس آنها اقدام نماید تا در هنگام ورود به شهر موجبات زحمات مضاعف برای مأمورین شهربانی را فراهم نیاورند». پیشرفت کند کشف حجاب در مناطق روستایی و عشایری به حدی بود که والی ایالت خراسان به واسطه غفلتی که مأمورین در عدم «اجرای مقررات و دستورات صادره در روستاها مرتکب شدهاند تهدید به توبیخ میکند و از آنها میخواهد تا نسبت به رفع حجاب زنها و اتحاد شکل البسه مردها اقدام عاجل بعمل آورند».

در گزارش دیگری از ستاد ارتش به وزارت داخله، درباره وضعیت یکی از روستاهای شمال غربی کشور، کندی روند پیشرفت کشف حجاب به روشنی توصیف شده است. مطابق این گزارش در قریه هریس: «از پانصد نفر خانوار فقط خانواده پزشک و مدیر دبستان این روستا که آنها هم اهل شهر هستند، کشف حجاب نمودهاند و مابقی زنها با لباس قدیم ملبس هستند». سبب این عدم پیشرفت را حضور 18 نفر معمم میدانند: «که در نتیجه نفوذ این اشخاص موضوع تجدد نسوان ابداً در هریس عملی نشده، حتی بعضی از خانوادههای مأمورین دولتی هم که در ولایات دیگر لباس تجدد نسوان را استعمال مینمودهاند در هریس با حجاب رفت و آمد میکنند».

در پایان گزارش این ستاد تأکید شده که «صورت معممین و مخالفین محلی» به وزارت داخله ارسال میگردد تا «نسبت به قطع اقتدار متنفذین محلی» اقدام لازم و عاجل به عمل آید.

سیر پیشرفت کشف حجاب نه تنها در مناطق عشایری چندان مطلوب نبود؛ بلکه به نسبت مناطق روستایی وضعیت نامطلوبتری هم داشت.

ص: 173

گزارش محرمانهای از منطقه عشایرنشین دشتی و دشتستان در استان بوشهر حاکی است با وجود اینکه سه سال از اعلام رسمی کشف حجاب میگذشت، وضعیت این منطقه «همان اوضاع قدیمی کهنه ساری و جاری است و نسبت به مقررات امروزه در آن حدود با تنفیذات محلی و وجود سید اسماعیل که از علماء آنجاست، اقداماتی از حیث رفع حجاب و اتحاد شکل البسه و سایر اوامر میسر نشده است ... و راه انداختن هو وجنجال و سلب آسایش است ...». [(1)](#content_note_174_1) گویا سستی و اهمال بخشداران محل نیز در اجرای طرح در این منطقه بیتأثیر نبود. زیرا، در گزارش دیگری میخوانیم که از طرف وزارت کشور «بخشداران محل که تاکنون مراتب را ننوشتهاند و در این باب گزارش ندادهاند» مورد بازخواست قرار گرفتند.

به طور کلی، جریان کشف حجاب در مناطق روستایی به همان دلایلی که در ابتدا بدان پرداختیم، پیشرفت چندانی نداشت و مأمورین و دستاندرکاران اجرای طرح نیز در گزارشهای خود بدان اعتراف میکردند. اگر برای مدتی کوتاه، زنان روستایی و عشایری ناگزیر میشدند در هنگام ورود به شهر و یا به مناسبت برگزاری مجالس جشن و سرور در روستا، خصوصاً برای مراسمی که عکسبرداری از آن به عمل میآمد، پوشش سنتی خود را تغییر دهند، برای کار در مزارع و مراتع ناچار بودند مجدداً به پوشش سنتی خود بازگردند. حتی تصاویر موجود نشان میدهند در مراسمی که گروهی از این زنان به استقبال رضا شاه رفته بودند فقط چارقد خود را تبدیل به کلاه کرده بودند و گرنه از لباس زن شهری که به صورت بیحجاب در آمده در بین آنها چندان خبری نیست.

ص: 174

1- ١٣١٨/١/ ١. نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣٧ ؛ نامه شماره ١١٠٢ ، مورخ ٢٧ گزارش استانداری هفتم به وزارت داخله.

زنان و دختران روستایی و عشایری زمانی تغییر چهره دادند که از منطقه و محل زندگی خود، در واقع از فرهنگ و سنت اجتماعی خود دور شدند و به شهرها، خصوصاً شهرهای بزرگ مهاجرت کردند. در این صورت، پس از گذشت مدتی بعد از آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم شهری، تعداد زیادی از آنها به خصوص قشر جوان و احیاناً تحصیلکرده، در فرم و لباس اروپایی درآمده و حتی کشف حجاب نیز میکردند. بنابراین، تا هنگامیکه در روستا و دور از شهر زندگی میکردند امکان این تغییر بسیار جزئی و حتی نامحسوس بود.

هرچند، با کشیده شدن جادههای آسفالته و خط آهن سراسری، و عبور آن از روستاها و مناطق عشایرنشین تغییرات چشمگیری از لحاظ فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی در بین مردم ایجاد شد؛ اما، این تغییرات بیشتر خود را در ارتباط با طرح اتحاد شکل البسه نشان داد. از سوی دیگر، تغییرات زمانی به اوج خود رسید که محدودی از روستاها و مناطق عشایری یکجانشین از نعمت برق سراسری برخوردار شدند و تحت پوشش برنامه تلویزیونی و اقدامات تبلیغاتی این رسانه گروهی قرار گرفتند، اما در ارتباط با عشایر کوچنشین که ناگزیر از کوچ بودند؛ این تغییرات بسیار جزئی و حتی نامحسوس بود؛ به طوری که اگر تغییراتی هم صورت پذیرفت بیشتر در گروه مردان بود تا در زمره زنان.

در حقیقت برنامه نوگرایانه رضا شاه در قبال مردان روستایی و عشایری که به صورت اتحاد شکل البسه خود را نمایاند موفقتر از برنامهای بود که در قالب کشف حجاب چهره خود را به نمایش گذارد.

به طور کلی، میتوان گفت، نقطه آغاز کشف حجاب به عنوان یک طرح دولتی بین سالهای 13141312 بود و نقطه اوج آن بین سالهای 1318 1315. سالهای بین 1323 1319 را نیز باید زمان افول آن نامید که با وقوع جنگ جهانی و خروج رضا شاه از ایران و جانشینی پسرش به سلطنت همراه شد.

ص: 175

ص: 176

## فصل پنجم

### واکنشهای اجتماعی در برابر کشف حجاب

خبر اعلام رسمی کشف حجاب، اگر چه با توجه به زمینهسازیهایی که شده بود، چندان هم غیره منتظره نبود، اما خبر منع حجاب بسیار غیر منتظره بود. این خبر به منزله به کارگیری هر گونه اقدام علیه زنان محجبهای محسوب میشد که تا آنروز حتی حاضر نبودند نقاب از چهره بردارند، تا مبادا چشم نامحرم به روی آنان بیفتد. با اعلام رسمی کشف حجاب و منع استفاده از آن در معابر عمومی، این دسته از زنان در حالی ناگزیر بودند ضمن برداشتن نقاب از چهره چادر را نیز از سر برگیرند که بیرون بودن حتی یک تار موی را گناه میشمردند و براین اعتقاد خود راسخ بودند.

این قضیه مربوط به عرض و ناموس خانوادهها میشد و از اینرو، زنان و مردان نسبت به آن واکنش نشان دادند. واکنشها هم مربوط به ایام مقارن با اعلام رسمی است، هم پس از اعلام رسمی و هم بعد از خروج اجباری رضا شاه از کشور.

در اینجا شایسته است واکنش مردم در برابر اجرای قانون اتحاد شکل البسه و قضیه کشف حجاب را با یکدیگر مقایسه کنیم. با نگاهی گذرا به واکنش مردم در برابر این دو رویداد، میتوان دریافت هرچند مردم در برابر اتحاد شکل البسه موضع گرفتند به گوشههایی از این واکنشها در فصل دوم اشاره شد اما از آنجا که اتحاد شکل البسه مردان چندان با عرض و ناموس خانوادهها تصادم نداشت، پس از مدتی واکنشها فرو نشست و بعد از خروج رضا شاه از کشور نیز مردم تمایلی جهت بازگشت به لباس سنتی و قدیمی خود نشان ندادند. اگر هم تا خروج رضا شاه مناطقی حاضر به تغییر لباس نشدند، در آن مناطق، بیشتر عوامل

ص: 177

محیطی و جغرافیایی که با پوششهای سنتی و محلی ملازمه داشت عامل اصلی مخالفت مردم بود، تا مسائل دیگر. از سوی دیگر، در جاهایی که عوامل محیطی مؤثر نبود، مردم به صرف آنکه برای کشف حجاب اذهان آنها را مهیا میکنند با تغییر پوشش مخالفت میکردند. اما، هرگز این مخالفتها و واکنشها به مانند واکنشهای آنان در قبال قضیه کشف حجاب نبود.

واکنشها هنگامی اوج گرفت که حجاب ممنوع و کشف حجاب اجباری شد و بخشنامه کشف حجاب بر خلاف قانون اتحاد شکل البسه که هشت طبقه را مستثنی کرده بود برای هیچ کس استثنائی قائل نشد. جدای از این، برخورد این طرح با اعتقادات سنتی از یک طرف و اعتقادات مذهبی از طرف دیگر، مردم، اعم از زن و مرد را به عکسالعمل واداشت؛ در صورتی که در قضیه اتحاد شکل البسه تنها مردان به مخالفت برخاستند و تا جایی که امکان داشت، این مخالفتها علنی بود. در بسیاری موارد که چنین امکانی نبود، شکل مخفی و منفی به خود میگرفت. در چنین شرایطی، بیشتر به خاطر فشار نیروی انتظامی بود که به نظر میرسید مردم مخالفتی با اجرای طرح ندارند و همین که اهرم فشار برداشته شد و رضا شاه از کشور اخراج گردید، حجاب مجدداً به جامعه بازگشت و زنان چادری از خانهها بیرون آمدند. این در حالی بود که لباس اروپایی مردان چندان تغییری نیافت.

قبل از اعلام رسمی کشف حجاب، این مسئله در افواه دهان به دهان میگشت تا با گسترش چنین شایعهای، هم زمینه پذیرش این طرح سنجیده شود و هم مردم آمادگی لازم را برای اعمال چنین برنامهای پیدا کنند و این خبر به طور غیر مترقبه و ناگهانی به سمع عموم نرسد. با به کار بستن تمهیدات فوق، پس از مدتی این آمادگی کم و بیش به وجود آمد. اما همین آمادگی نسبی هم در همه جا یکسان و سراسری نبود. در «تهران و ایالتهای شمالی کشور و بعضی از قسمتهای خوزستان و فارس آمادگی بیشتری فراهم آمده بود»؛ ولی در دیگر شهرهای کشور این آمادگی چندان محسوس نبود. در مناطق دورافتاده و روستایی و عشایری تا چند سال بعد از اعلام رسمی کشف حجاب، هنوز زمینه برای اعمال

ص: 178

این طرح که در تغییر لباس [(1)](#content_note_179_1)محلی و تبدیل آن به لباس اروپایی خلاصه میشد، فراهم نیامد. در واقع، مجریان طرح بیشتر شهرها را مد نظر داشتند، تا مناطق دور افتاده و روستایی و عشایری.

همچنین نوع برخورد گروههای اجتماعی مناطق مختلف در برابر این طرح متفاوت بود. گروهی که شامل اکثریت روشنفکران، دولتیان، متمولین و اشراف، تحصیلکردگان فرنگ و آموزشیافتگان مدارس جدید بودند، از کشف حجاب استقبال میکردند. ولی آنها در مقایسه با سایر طبقات در اقلیت قرار داشتند.

گروه دیگر، شامل اکثریت روحانیون، تجار، مغازهدارها به استثنای فروشندگان[(2)](#content_note_179_2) لوازم آرایش و لباسهای جدید کشاورزان و سایر طبقات توده مردم؛ در مقابل کشف حجاب واکنش منفی داشتند. به همین علت، میکوشیدند تا هر طور که شده، به مقابله با این طرح جدید و اجباری بپردازند. البته همچنان که گفتیم، واکنشهای موافقان و مخالفان به دوره خاصی محدود نبود؛ و چه قبل از اعلام رسمی کشف حجاب، چه بعد از آن و چه پس از خروج اجباری رضا شاه از کشور (شهریور 1320) به بهانههای مختلف صورت میگرفت.

ترتیب تاریخی مطالب ایجاب میکند که نخست به واکنشهای متقابل دولت و اقشار مختلف مردم تا قبل از شهریور 1320 بپردازیم و سپس،

ص: 179

1- در مراحل اولیه کشف حجاب که برداشتن نقاب و چادر و به سر گذاردن کلاه فرنگی اجباری شده بود، در روستاها و مناطق عشایری ب ه دلیل باز بودن چهره و استفاده از چارقد به جای چادر، مجریان طرح لزومی به اعمال آن در این مناطق نمی دیدند؛ اما مدتی بعد که سیر کشف حجاب در شهرها رو به پیشرفت نهاد به سراغ نمایند! « لباس متمدنین دنیا » مردم این مناطق رفتند تا لباس محلی آنها را تبدیل به

2- نک: اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣١ ؛ بخشنامه محرمانه وزارت کشور خطاب ١٣١٩./٧/ به فرمانداریهای سراسر کشور به شماره ٩١٤٨٧ مورخ ٢٣ ٣. گروهی از این فروشندگان حاضر نبودند به زنان م حجبه جنس بفروشند و در به زنان چادری جنس » مغازه های خود این عبارت را نصب نموده بودند که هر چند که مشتری این مغاز ه ها ب ه ندرت زنان چادری بودند و .« نمی فروشیم خریداران بیشتر کسانی بودند که کشف حجاب کردند. تأسیس و گسترش مغازه های فروش لوازم آرایش با گسترش کشف حجاب ارتباط معنی داری داشت. ١٨٠

سیر بازگشت حجاب را در مقطع تاریخی بعد از شهریور 1320 بررسی کنیم.

### واکنش اقشارمختلف در برابر کشف حجاب (قبل از شهریور 1320)

#### 1. روشنفکران

در مواجهه با کشف حجاب، اکثریت روشنفکران واکنش مشابهی داشتند. آنان در مجلات و نشریات، خصوصاً نشریات و مجلات زنان، تعدیاتی را بر میشمردند که جامعه در حق زنان روا میداشت و در قالب تجددخواهی و طرفداری از قانون، به حمایت از آنان پرداختند. این گروه که در میانشان زنان روشنفکر نیز وجود داشتند؛ اغلب تحصیلکردگان غربی و یا محصول سیستم آموزشی غرب در ایران بودند. آشنایی با حقوق و آزادیهای فردی زنان غربی، و مقایسه شتابزده آن با وضعیت زن ایرانی، آنان را در مقام انتقاد از وضعیت موجود زن ایرانی قرار میداد.

این دسته از روشنفکران که در میانشان نویسندگان و شاعران مشهوری چون ملکالشعرای بهار، عارف قزوینی، عشقی، پروین اعتصامی به چشم میخوردند،[(1)](#content_note_180_1) حجاب را مانع ترقی و بیحجابی را مترادف با ترقی و تمدن میدانستند. اشعار و مقالات مندرج در روزنامهها و مجلات آن زمان که نویسندگان آن بیشتر از همین دسته محدود بودند، مشحون است از مدح رفع حجاب و ذم حجاب. از اینرو، پس از اعلام رسمی کشف حجاب و با پشتیبانی دولت، آنان طرح مزبور را همان گونه که رژیم میطلبید، جلوه میدادند.

در حقیقت، آنان بلندگوهای تبلیغاتی کشف حجاب بودند و با ایجاد مراسم و ایراد سخنرانی، در پیشبرد طرح رضا شاه کوشیدند. در نظر آنان،

ص: 180

1- مجموعه خطابه های کانون بانوان، شماره اول، مطبعه مجلس، سال ١٣١٤ ، پیوست مجموعه خطابه ها.

روز 17 دی، روزی بود که ایران «وارد یک مرحله جدید از دوره حیات اجتماعی خود گردید و در این روز تاریخی سند آزادی زنان ایران شرف صدور یافت و از این به بعد زن ایرانی وارد مرحله سعی و عمل» شد. [(1)](#content_note_181_1)به عبارت دیگر، این روز از دید طراحان کشف حجاب، پایان سیهبختی و جهالت زنان ایرانی بوده است:

در این روز بزرگ نه فقط دانشآموزان و صدها دختر ایران به سعادت بزرگی رسید ... بلکه چنانچه تاریخ ایران هم برای همیشه ثبت خواهد کرد یک فصل جدیدی در تاریخ زندگانی و حیات اجتماعی ایران نو ثبت شده است... [(2)](#content_note_181_2)

البته، این نگرش را نمیتوان به تمامی روشنفکران آن دوره تعمیم داد؛ بلکه، روشنفکرانی هم بودند که ضمن آشنایی با وضعیت زنان در دنیای غرب و تصریح بر احقاق حقوق از دسترفته آنان، با این اقدام رضا شاه به خاطر آنکه، جنبه فردی داشت و از طریق قانونی و بر اساس مصوبه مجلس اعمال نگردیده بود، مخالفت میکردند. وگرنه، با اصل قضیه، یعنی حضور زنان در جامعه و با الگوهای غربی پوشش زنان مخالفتی نداشتند.

دکتر محمد مصدق [(3)](#content_note_181_3)یکی از این روشنفکران است، او با آزادی زنان به شیوه رضا شاهی مخالف بود. زیرا این کار میبایست: «به واسطه [...] و به واسطه تکامل اهل مملکت باشد نه به واسطه یک کسی که قدرتی

ص: 181

1- . ١٨ دی ماه ١٣١٤ ، ١. روزنامه تجدد ایران، شماره ١٨٠٢

2- ٢. روزنامه تجدد ایران، همان.

3- ٣. مصدق حتی با قضیه اتحاد شکل البسه تا زمانی که جنبه قانونی یافت، مخالف بود. وی ده سال بعد طی نطقی در مجلس اظهار م یدارد با اینکه خود او کلاه شاپو بر سر می گذاشته و خانمش، وقتی که هر دو در اروپا بوده اند بدون چارقد بیرون م ی رفته است، هشت ماه خود را در خانه اش محبوس می کند تا به پوشیدن اجباری کلاه پهلوی تن در ندهد. تا بالاخره قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه تا حدودی جلوی این عدم ضابطه را گرفت. (نک: کی استوان، حسین؛ موازنه منفی، ج ٢،

پیدا کرده و یک زوری پیدا کرده که من اینجور میخواهم و این جور باید بشود ...».[(1)](#content_note_182_1)

خلاصه آنکه، روشنفکران، خصوصاً آنان که در غرب به تحصیل پرداخته و یا غرب را دیده بودند و با فرهنگ و آداب رسوم غربی همساز بودند، با قضیه کشف حجاب زنها و منع حجاب آنها مخالفتی نداشتند. بلکه، سالها در مقالات و نوشتههایشان، مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره کرده بودند و اینک صورت تحقق به خود پذیرفته بود. بنابراین، روز 17 دی ماه 1314 از نظر آنان آغاز فصل جدیدی در تاریخ زندگانی و حیات اجتماعی زن ایرانی بود.

#### 2. واکنش دولتمردان

اکثر دولتمردان و رجال سیاسی کشور با طرح کشف حجاب موافق بودند. در واقع، به خاطر اطاعت محض از شاهی که «کعبه آمالش اروپا» بود، ارادهای از خود نداشتند تا علناً در مخالفت با چنین طرحی سخن بگویند. اعتراض یا مخالفتی هم اگر بود، صرفاً در لفافه بیان میشد. از این گذشته، برخی از آنان، طراح این برنامه بودند. بنابراین، طبیعی است که در جهت کشف حجاب واکنشی مثبت داشته باشند.

یکی از این دولتمردان و رجال سیاسی، علیاصغر حکمت، وزیر معارف رضا شاه است که از سالها قبل زمینه اعلام کشف حجاب را در داخل حوزه مأموریت خود، یعنی معارف، ایجاد کرد. او حتی بانی مراسم 17 دی و اعلام رسمی کشف حجاب در آن روز شد. دیگری، جم وزیر داخله و رئیسالوزراء زمان اعلام کشف حجاب است. وی همان کسی است که برای خوشخدمتی نسبت به طرح رضا شاه، دستور داد شبانه مسجد گوهرشاد مشهد را که مخالفین کشف حجاب و لباس اروپایی در آن تجمع کرده بودند، به گلوله ببندند و خون بیگناهان را بر سنگ فرش

ص: 182

1- کی استوان، حسین؛ سیاست موازنه منفی، ج ٢، ص . ٧٩

مسجد جاری نمایند. جم، در آن زمان وزیر داخله بود و به واسطه این سرسپردگی بهترین مهره رضاخان برای اعلام و اجرای قانون رفع حجاب شناخته شد. حکمت و جم، در حقیقت دو بازوی پرتوان رضاخان برای انجام مراسم 17 دی محسوب میشدند.

از سیاستمداران قدیمی کهنهکار نیز واکنشهای متفاوتی به چشم میخورد. واکنشها و سخنان موافق و مخالف بیشتر از میان این گروه شنیده میشود که تمایلات مذهبی نیز داشتند. وثوقالدوله، در زمره کسانی است که از طرح رضا شاه استقبال میکند و به قول مخبرالسلطنه هنگامی که «امر شد مبرزین [هر] محل مجالس ترتیب بدهند [و] زن و مرد محل را دعوت کنند که اختلاط عادی شود، وثوقالدوله از پیشقدمها بود». [(1)](#content_note_183_1)

در مقابل این دسته از سیاستمداران قدیمی، به فردی چون مخبرالسلطنه بر میخوریم که زمانی رئیسالوزرای رضا شاه بود و نسبت به 17 دی واکنشی متفاوت نشان میدهد. وی در کتاب خاطرات خود نسبت به این روز مطالبی نگاشته که حاکی از مخالفتش با این طرح است. در قسمتی از خاطراتش چنین مینویسد:

17 دی روز ورود به صحنه تمدن است، عرصه مملکت را آوازه تمدن و ترقی فرا گرفته است مسرورم که می بینم خانمها در نتیجه معرفت به وضعیت خود آشنایی یافتهاند، نصف قوای مملکت بیکار بود و بحساب نیامد اینک داخل جماعت شده است. [(2)](#content_note_183_2)

در جایی دیگر آثار منفی کشف حجاب و تأثیر این روز بر چهره تهران را این گونه ترسیم میکند:

ص: 183

1- هدایت، مهدیقلی خان؛ خاطرات و خطرات، ص . ٤٠٧

2- هدایت، مهدیقلی خان؛ خاطرات و خطرات، ص . ٤٠٧

قبیحترین [الگوهای] زندگی پاریس، مرکز فواحش، امروز مصدر زندگی تهران شده است. هجوم مردم ولایات به تهران و تنگ شدن عرصه بر اهالی روی همین ولنگاریهاست.

حتی زمانی که از او دعوت میکنند تا همراه همسرش در یکی از مجالس و شبنشینیهای مربوط به کشف حجاب شرکت کند در جواب نامه مینویسد: «خانمی مجلسآرا ندارم و تنها آمدن خلاف نزاکت است».[(1)](#content_note_184_1) او از جمله افراد نادری است که جرأت مییابد در جلسه 17 دی علیرغم دعوتی که از وی به عمل آمده بود، شرکت نکند. به سبب آنکه «مجبور نشوم خلاف وجدان تصدیقی بکنم من به آن مجلس نرفتم، میدانستم لجام که برداشته شد سرانجام چه خواهد بود».

یکی دیگر از دولتمردانی که با توجه به خاطرات باز ماندهاش، میتوان او را در زمره مخالفان کشف حجاب دستهبندی کرد، صدرالاشراف وزیر عدلیه کابینه جم است. او اگر چه در مراسم کشف حجاب شرکت کرده بود، اما از به همراه آوردن همسرش به بهانه آنکه مریضه است، خودداری نمود. این مسئله چنان مهم بود که به عرض شاه هم رساند و رضا شاه به شرط آنکه به دیگر رجال نگوید و آنان نیز چنین تقاضایی از او نکنند، به وی اجازه میدهد.

در سطوح اجرایی و دیوانی کشور چنین مخالفتهای آشکاری کمتر به چشم میخورد؛ اما در سطوح پائین اداری بودند تعداد زیادی از مأمورین که نه راضی شدند خانوادههایشان به این حکم اجباری تن در دهند و نه دیگران را به این کار مجبور کردند، تا جایی که حتی از خدمات دولتی برکنار شدند. بنابراین، اگر چه اکثریت رجال سیاسی کشور این طرح را پذیرا بودند و در پیشبرد آن تلاش میکردند؛ اما، مأمورین جزء کاملاً

ص: 184

1- ٤٠٨.– . هدایت، مهدیقلی خان؛ همان صص ٤٠٩

مطیع و گوش به فرمان نبودند؛ بلکه اگر فرمان را اجرا میکردند بیشتر از روی تحکم و سختگیری و بازخواست مقامات فرادست بود.

#### 3. واکنش روحانیون

رضا شاه پس از به دست گرفتن کامل قدرت، سیاستی را در دستور کار خود قرار داد که مبتنی بر مدرنسازی جامعه، عرفیسازی و مذهبزدایی بود. لذا، برای جلوگیری از موانعی که سد راه اجرای این سیاستها بود کوشید تا موقعیت و نفوذ روحانیت[(1)](#content_note_185_1) را در میان مردم تضعیف کند. از اینرو، با وضع قوانین عرفی، عملاً روحانیون را در محدودیت قرار داد و این محدودیت به قول پیتر آوری شامل «حیاتی ترین اعمال بشری، یعنی ازدواج، طلاق، شهادت، انتقال املاک» میگردید. این قلمرو، به تدریج از حیطه روحانیت خارج و به محاکم عرفی سپرده شد.

از نظر آموزشی نیز، گسترش و توسعه سیستم آموزشی جدید به سبک اروپا، عملاً در جهت تضعیف مکتبخانهها بود که اکثر ادارهکنندگان آن روحانیون بودند. با طرح اتحاد شکل البسه و ایجاد مؤسسه وعظ [(2)](#content_note_185_2)و خطابه، مبارزه با این قشر شتاب بیشتری یافت و حتی تعداد آنها را کاهش داد.

ص: 185

1- هرچند زمینه های اولیه تضعیف نقش روحانیت در جامعه به قبل از مشروطه باز می گردد، اما در آن دوره، حرکت منسجمی برای اجرای چنین سیاستی برداشته نشد و تنها بعد از روی کار آمدن رضا شاه بود که تلاش برای اجرای این سیاست آغاز گردید.

2- و خطابه پس از طرح اتحاد شکل البسه، در ظاهر برای مشخص ساختن روحانی از غیر روحانی و اینکه درست نیست هر بی سوادی عمامه ب ه سر تصدیق داشته باشد، تشکیل شد. اما در « وزارت جلیله معارف » گذارد و باید از طرف اصل برای محدودکردن حیطه عمل روحانیون و وابسته نمودن آنها به دولت بود . با این طرح به ظاهر خیرخواهانه دولت موفق گردید، نخبگان روحانیت را مشخص کرده و در مواقع لزوم با آنان برخورد کرده و جلوی هرگونه جنبش و قیام احتمالی علیه ← ، خود را، از سوی آنان سد نماید. (نگاه کنید به: واحد؛ سینا؛ قیام گوهرشاد

رضا شاه، بعد از اجرای طرح اتحاد شکل البسه، هنگامی که با اعلام کشف حجاب علناً به مبارزه همهجانبه با سنتهای اجتماعی و مذهبی مردم برخاست، روحانیت را به عنوان سازماندهنده مقاومت اجتماعی رویاروی خود دید. در این هنگام، اکثر روحانیون با اجرای طرح مزبور مخالف بودند و از آن میان، برخی مخالفت خود را در سطح علنی و گسترده ابراز نمودند. بخش اصلی این مخالفتها به قبل از اعلام رسمی طرح و بعد از شهریور 1320 باز میگردد. بعد از رسمیشدن طرح، به دلیل جو خفقان، فرصتی برای اعلام مخالفت علنی پدید نیامد و چنانچه مخالفتهایی نیز نمود یافته باشد، مدارک مستندی از آن، در مجموعه اسناد و مدارک به جای مانده از حوادث آن دوران بر جای نمانده است.

نخستین واکنش روحانیت علیه طرح حجابزدایی از شیراز آغاز شد. در جشنی که با حضور حکمت، وزیر معارف در مدرسه شاهپور شیراز منعقد شده بود: «عدهای از دختران جوان بر روی سن ظاهر گشته، به ناگاه برقع از روی بر گرفتند و با چهرهای باز و گیسوانی نمایان، پایکوبی را آغاز کردند».[(1)](#content_note_186_1) این حادثه حتی عدهای از حاضرین را به اعتراض واداشت.

فردای آنروز، در مسجد وکیل شیراز، اجتماعی توسط روحانی مبارز سید حسامالدین فال اسیری، برپا شد. وی در این سخنرانی به انتقاد از عملکرد رژیم پرداخته و مردم را هشدار داد که مواظب توطئهها باشند. به دنبال این سخنرانی او را بلافاصله دستگیر و محبوس کردند.

پس از دستگیری فال اسیری، روحانیون حوزه علمیه مشهد به اعتراض برخاستند و در منزل یکی از روحانیون طراز اول، آیتالله شیخ یونس اردبیلی جلسهای برگزار کردند تا علیه طرح قریبالوقوع رضاخان، یعنی حجابزدایی اعتراض کنند. آنها پس از مشورت تصمیم گرفتند

ص: 186

1- ، صص ٣٨ ٣٧ ؛ و نیز مراجعه شود به: گنجینه اسناد، سال اول، دفتر اول، بهار ١٣٧٠ → . مقاله آقای سعید کوهستانی، صص ١٠٥ ١٠٠ ١. واحد، سینا؛ قیام گوهرشاد، ص . ٣٩

نمایندهای جهت گفتگوی مستقیم با رضا شاه به تهران اعزام کنند، تا بلکه بتوانند او را از اجرای این طرح که با شرع مبین مغایرت دارد، منصرف سازند. یکی از روحانیون مبارز به نام آیتالله حاج آقا حسین قمی، از مراجع عظام، برای این مأموریت انتخاب و به تهران اعزام شد. وی پس از عزیمت به تهران در حرم حضرت عبدالعظیم(ع) بازداشت و ممنوع الملاقات گردید. به دنبال این حادثه، روحانیت مشهد در مسجد گوهرشاد گرد آمده، مردم را به اعتراض علیه این عملکرد رژیم فرا خواندند.[(1)](#content_note_187_1) عوامل رژیم نهایتاً، این حرکت را به طرز وحشیانهای سرکوب کردند. به دنبال آن تعدادی از روحانیون طراز اول حوزه علمیه مشهد دستگیر شدند. به طوری که، این حوزه که مرکز مقاومت علیه طرح کشف حجاب در ایران بود، تقریباً از هم پاشید. مدارس دینی تخریب گشت و حکومت نظامی در مشهد سایه سیاه خود را پهن کرد.

پس از این ماجرا، بیشتر روحانیونی که در این قضیه دخیل بودند یا مخفی شدند و یا ایران را به سوی نجف ترک کردند. اما «عدهای از محکومین نظامی همچنان در زندان بودند تا پس از شهریور 1320 در مجلس دوره سیزدهم مورد سؤال و اعتراض واقع شد که دولت ناچار همگی را آزاد کرد». [(2)](#content_note_187_2)حتی روحانی سرشناس آیتالله آقازاده، فرزند مرحوم آخوند خراسانی، یکی از بنیان گذاران مشروطیت در سال 1316 توسط پزشک احمدی از مزدوران رضا شاه، با آمپول هوا به شهادت رسید. [(3)](#content_note_187_3)

با سرکوب قیام گوهرشاد، روحانیون در تنگنای بیشتری قرار گرفتند. بعد از اعلام رسمی کشف حجاب آنان را مجبور به سکوت کردند و دیگر فرصتی برای بیان آشکار مخالفتهای خود نیافتند. تنها مورد استثناء، مخالفتهای روحانیون ولایات بود که البته، مخالفتهای شان بازتابی فراتر از

ص: 187

1- واحد؛ همان، از ص ٤٩ به بعد

2- .٢٥٧ ، ٢. مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله ایران، ج ٢

3- . ٣. واحد، همان، ص ٩٠

همان ناحیه نداشت و از سوی مأموران ولایت نیز به شدت با آنان برخورد میشد.

تنها پس از شهریور 1320 بود که با تبعید رضا خان، فرصتی پدید آمد تا روحانیون موضع خود را در قبال این طرح آشکار کنند و فتاوایی دال بر لزوم حجاب و تحریم بیحجابی منتشر نمایند. دو فتوای حاج آقا حسین بروجردی و حاج سید محمدتقی خوانساری که دال بر لزوم حجاب و تحریم بیحجابی زنان بود، از نمونه فتاوایی است که در آن روزها منتشر گردید و تأثیر خود را در جامعه ایران گذارد. این فتاوی و نظایر آن که در کتب عملیه مجتهدین وارد شده بود مردم را بیشتر به وظایفشان آشنا کرد و در واقع پاسخی بود به کسانی که لزوم حجاب را مطابق شرع نمیدانستند. در واقع این فتواها، حساسیت جامعه را نسبت به حجاب و ضرورت رعایت آن برانگیخت و در بازگشت حجاب، بعد از خروج اجباری رضا شاه از کشور نقش بارزی ایفا نمود.

همچنین، حرکت علماء باعث شد که پهلوی دوم دیگر نتواند راه سلف خود را دنبال کند و روحانیت را نیز در بیان نظرات خود با محدودیت مواجه سازد. حتی در سال 1327 فتوایی از سوی جامعه اسلامی تهران انتشار یافت که ضمن تأکید بر لزوم حجاب، به شاه نیز

ص: 188

یادآور میشد که نسبت به حفظ شعائر اسلامی قسم یاد نموده و حفظ حجاب یکی از آن جمله شعائر است.

از آنجا که این قضیه مخالف صریح حکم شرع بود، واکنش روحانیون در برابر کشف حجاب، واکنشی منفی بود. آنها آشکار و پنهان به مخالفت با اجرای آن پرداختند و مردم را نیز تشویق کردند که مانع از حضور دختران و همسران خود در اجتماع، به شیوهای که رضا شاه میخواست، گردند.

به گواهی اسناد به جای مانده، مانع اصلی بر سر راه پیشرفت کشف حجاب در ولایات، روحانیون بودند. از اینرو، رژیم نسبت به مخالفت روحانیت، حساسیت بیشتری از خود نشان میداد و هرگونه مخالفت ایشان را مخالفت عموم قلمداد میکرد. بنابراین، از هیچ فرصتی برای برخورد، اعمال فشار و در محدودیت قرار دادن آنها خودداری نمیورزید.

#### 4. واکنش اقشار مختلف زنان

واکنش زنان در برابر کشف حجاب بسته به طبقه اجتماعی آنان متفاوت بود. زنان اشراف و رجال درباری اگرچه اکثراً، در 17 دی ماه 1314 به رفع حجاب پرداختند؛ [(1)](#content_note_189_1)اما در فراهم آوردن زمینه کشف حجاب و یا پیشبرد آن، در مقایسه با زنان طبقه روشنفکر و تحصیل کرده که با نظام

ص: 189

1- و پسرانه نمود. این مدارس اسلامی مورد استقبال گسترده خا نواده های مذهبی قرار گرفت. بدین ترتیب، برنامه های حکومت پهلوی دوم مبنی بر حجاب زدایی از طریق مؤسسات ملی آموزشی و فرهنگی خصوصاً در تهران مورد اعتراض وی و یارانش به خصوص فدائیان اسلام واقع شد. (برای اطلاع بیشتر از زندگی و مبارزات مرحوم شیخ عباسعلی اسلامی، نگاه کنید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات؛ .( حجت الاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ ١٣٨٣ ١. مکی، همان؛ ص . ٢٦٦ ١٩٠

جدید آموزشی و سیر تجددگرایی ارتباط بیشتری داشتند، فعالیت چشمگیری نکردند. در حقیقت، برای آنان مسئله حجاب، از بعد تجددگرایی مطرح نبود، بلکه بیشتر برای حفظ موقعیت سیاسی اداری همسرانشان، رفع حجاب کردند و از طرفداران پر و پا قرص این طرح شدند.

در مقابل این دو دسته، زنان سایر طبقات شهری قرار داشتند که واکنش آنها اکثراً در برابر کشف حجاب منفی بود. انگیزه مذهبی و سنتی قوی در بین آنها، قرار گرفتن در محیطهای بسته و دور بودن از متن جریانات تجددگرایی و زندگی مدرن، آنها را به عکسالعمل منفی در مقابل طرح جدید واداشت. در این میان، عکسالعمل زنان کارمندان جزء را باید جدا کرد. چرا که، آنها طوعاً و کرهاً ناگزیر به شرکت در مراسم رفع حجاب بودند و گرنه موقعیت اداری همسرانشان به مخاطره میافتاد.

در برابر طبقات مختلف زنانی که ذکرشان رفت، زنان روستایی و عشایری قرار داشتند که کشف حجاب به صورت طبیعی تغییری در زندگانی آنها به وجود نیاورده بود. همان طور که گفتیم هدف اصلی مجریان طرح نیز در ابتدا این گروه نبودند. بلکه پس از چند سال که از کشف حجاب گذشت و تا حدودی برنامههای خود را نسبت به زنان شهری اعمال کردند؛ به سراغ این دسته از زنان رفتند. برنامه دولت برای زنان عشایری، تغییر لباس سنتی و تبدیل آن به لباس اروپایی بود. [(1)](#content_note_190_1)

برای بررسی و تحلیل دقیقتر واکنش زنان در برابر کشف حجاب لازم است واکنش دستجات مختلف زنان را به صورت جداگانه مورد توجه قرار داد.

ص: 190

1- نک: تصاویر پیوست کتاب، تصویر شماره ١٤ ؛ مربوط به استقبال گروهی از زنان عشایر لرستان با لباس اروپایی از رضا شاه. این حادثه، صرف نظر از مسائل سیاسی، مبیّن سیر کشف حجاب در میان این گروه از زنان می باشد. واکنشها

### الف) واکنش زنان امراء، رجال سیاسی و اشراف

جز خانواده سلطنتی، زنان اشراف، امراء و رجال سیاسی در فراهم ساختن زمینههای کشف حجاب نقش چندانی نداشتند. در واقع، «روز 17 دی ماه 1314، بانوان رجال و وزراء برای اولین بار بدون حجاب در مراسم افتتاح دانشسرای مقدماتی شرکت کردند». [(1)](#content_note_191_1)در همین مراسم بود که «آقایان وزراء برای اولین بار توانستند با خانمهای یکدیگر آشنا شوند». [(2)](#content_note_191_2)رضا شاه در صحبتی با وزراء و معاونین آنها گفته بود: «حضور دختران من باید سرمشق زنهای شما وزراء و معاونین باشند». [(3)](#content_note_191_3)

این دسته از زنان، اگرچه در ابتدا با توجه به تسلیمپذیری همسرانشان در برابر اوامر رضا شاه، طوعاً و کرهاً در این مراسم و دیگر مناسبتها شرکت کردند؛ اما پس از اندک مدتی توانستند گوی سبقت را از سایر زنان بربایند؛ و در کنار خانواده سلطنتی، نقش هدایت و سرپرستی زن از حجاب درآمده ایرانی را برعهده گیرند. آنها از طریق شرکت در جشنها و انعکاس اخبار وسیع آن در جراید، حتی به زنان روشنفکر و تحصیلکرده که عمری را وقف این کار کرده بودند، جهت میدادند و آنها را ازماندهی میکردند. شمس و اشرف پهلوی: دو تن از دختران شاه، رهبری کانونها و جمعیتهای زنان را بر عهده داشتند. این سازمانها با پشتیبانی آنها قادر بودند طی آن شرایط، در پیشبرد امر نهضت بانوان بکوشند. رویهمرفته، این گروه از زنان در برابر کشف حجاب واکنشی مثبت داشتند و «17 دی ماه از نظر آنان روزی بود که زن ایرانی وارد صحنه تمدن شده است».

در میان همسران رجال و امراء معدود زنانی هم بودند که با قضیه کشف حجاب همگام نبودند. همسر مخبرالسلطنه و همسر صدرالاشراف

ص: 191

1- مکی، همان؛ ص . ٢٦

2- روزنامه رستاخیز، شماره ٥١١ ، مورخ ١٦ دی ماه ٢٥٣٥ ؛ به نقل از خاطرات جم.

3- رستاخیز؛ سخنان رضاشاه خطاب به وزراء و معاونین در جلسه ١٧ دی ماه ١٣١٤ در دانشسرای مقدماتی تهران. ١٩٢

با کشف حجاب میانهای نداشتند. همسر صدرالاشراف، وزیر عدلیه رضا شاه پس از آنکه بالاجبار در مراسم مربوط به کشف حجاب، به عنوان میزبان شرکت کرد، از شدت ناراحتی چنان بیمار شد؛ که دیگر از خانه بیرون نیامد تا «مدت یکسال بعد» که در گذشت و «جنازه او [را] از خانه بیرون» بردند. [(1)](#content_note_192_1)اینها نادر زنانی بودند که انگیزههای مذهبی و سنتی قوی، مانع از حضورشان به صورت بیحجاب در جمع دیگر خانوادههای رجال و امرای مملکت میشد. چنان که وقتی همسر مخبرالسلطنه از اینکه به خاطر استفاده از چادرنماز در حضور ملکه مورد ایراد واقع میشد، «آخر ترک رفتن نمود». [(2)](#content_note_192_2) قضیه اخیر، هرچند قبل از اعلام رسمی کشف حجاب روی داده است، اما، نگرش برخی از زنان طبقه امراء را نسبت به جریان کشف حجاب نشان میدهد. این رفتار در واقع سخی بود به طرز رفتار ملکه که به قول مخبر السلطنه حتّی «در سنهی 1306 و 1307 ترویج دکلته میکرد و منع چادر نماز». [(3)](#content_note_192_3) با این وصف، باید گفت که اینگونه زنان بسیار اندک بودند و از دید اکثر زنان این طبقه که در رأسشان دختران شاه بودند، جریان 17 دی نقطه عطفی بود در تاریخ زنان این کشور باستانی که «زن ایرانی نخستین مرحله از مساوات را که بیرون شدن ازحصار حجاب و پیوستن به مراکز آموزش عالی بود با سرافرازی آزمود». [(4)](#content_note_192_4)

### ب) واکنش زنان روشنفکر و تحصیلکرده

کشف حجاب در ایران به دست زنانی که اکثراً تحصیلکردگان غربی و یا مدارس آموزشی جدید بودند، پایه ریزی شد و در نتیجه فعالیتهایی که

ص: 192

1- ١. صدر؛ همان؛ از ص ٣٠٦ به بعد.

2- هدایت؛ همان؛ ص . ٤٠٧

3- ٣. هدایت؛ همان.

4- رستاخیز؛ همان؛ پیام اشرف پهلوی راجع به سالگرد ١٧ دی ماه . ١٣١٤

طی دو دهه ادامه داشت، توانستند به آرمان رضا شاه جامه عمل بپوشانند. آنان از سالها قبل، به عنوان پیشگامان کشف حجاب، انجمنها و محافل زنان را پایهگذاری کردند. وظیفه اصلی این مراکز اشاعه افکار و اندیشههای غربی در خصوص مسئله زنان و حقوق آنان بود. آنها در نشریات و جراید کشور، مباحث گستردهای راجع به حقوق حقه زنان از دیدگاه عقل و شرع مطرح میکردند؛ علاوه بر انعکاس گزارشهای متنوعی از اجحافاتی که مردان در حق زنان روا میدارند، به نقد آن پرداختند و سپس در مقایسه زن ایرانی با زن غربی، عقبماندگی زن ایرانی را از قافله تمدن غرب گوشزد مینمودند و چنین وانمود میکردند که عامل اصلی این عقبماندگی، حجاب است و برای گریز از این عقبماندگی چارهای جز کشف حجاب نمیبینند و کشف حجاب را عامل رسیدن به تمدن جدید معرفی می کردند.

رضا شاه از همان ابتدا به حمایت از این زنان پرداخت. یکی از آنها، که او را نخستین [(1)](#content_note_193_1)ایرانی بیحجاب نامیدهاند، صدیقه دولتآبادی است. وی تحصیلکرده فرانسه بود، و مدتی در دیار غرب با فرهنگ و آداب و رسوم غربی زندگی کرده بود؛ و در بازگشت به ایران در سال 1306، یعنی هشت سال قبل از اعلام رسمی کشف حجاب «اولین زنی بود که با لباس و کلاه اروپایی در کوچه و خیابان ظاهر شد».

یکی دیگر از پیشگامان کشف حجاب، شهناز آزاد است که مجله بانوان را در تهران منتشر میکرد. سابقه فعالیتهای وی به قبل از کودتای 1299 باز میگردد. او ضرورت کشف حجاب را حتی پیش از روی کار آمدن رضا خان مطرح کرده بود؛ ولی، از آنجا که هیئت حاکمه طرح

ص: 193

1- اولین زن ب یحجاب در ایران معاصر قره العین است که طبق تعالیم بابی گری عمل نمود و بی حجاب در ملاء عام ظاهر شد. (نک : واحد، سینا؛ قیام گوهرشاد ؛ و: همو ؛ ؛ درآمدی بر تاریخ بی حجابی؛ و: نوری اسفندیاری؛ رستاخیز ایران؛ صص ٤١٢ ٤١١ و: اعتضادالسلطنه؛ فتنه باب؛ ص ١٨١ به بعد.؛ و؛ زاهدانی، سیدسعید؛ تاریخچه بهائیت در ایران؛ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی).

چنین موضوعی را لازم نمیشمرد؛ به گفته نویسنده کتاب زنان روزنامهنگار و اندیشمند ایرانی: «در این راه دچار صدمات و مشقاتی گردید و به جرم پیشوایی زنان و آزادی زنان و کشف حجاب گرفتار حبس و زندان» شد.

از میان دیگر زنانی که فعالانه در امر کشف حجاب پیشقدم بودند، و در این راه کوشش فراوانی کردند، میتوان به مستوره افشار، نورالهدی منگنه ، و هاجر تربیت اشاره کرد. اکثر این پیشگامان تحت لوای کانون بانوان و زیر نظر وزارت معارف فعالیت میکردند و از این طریق توانستند زمینه مساعدی برای اعلام رسمی کشف حجاب خصوصاً در مدارس دخترانه و دانشسراهای دختران ایجاد کنند. آنها با پشتوانه دولتی روز به روز آهنگ رفع حجاب و بی حجابی را سرعت میبخشیدند و پس از اعلام رسمی طرح حکومتی، فعالیت خود را بیش از پیش گسترش دادند؛ به طوری که توانستند در میان طبقه دختران و زنان جوان، خصوصاً در حوزه معارف به موفقیتهای چشمگیری دست یابند و آمال و آرزوهای رضا شاه را در رابطه با زنان، در سطح بسیار وسیعی جامه عمل بپوشانند.

### ج) واکنش زنان سایر طبقات شهری

از آنجایی که زنان سایر طبقات شهری پیوستگی بیشتری با مذهب و سنتهای اجتماعی داشتند؛ در برابر کشف حجاب از خود واکنش نشان

ص: 194

دادند و حتی زنان کارمندان جزء اداری، در بسیاری از مواقع از خود عکس العمل نشان میدادند و به بهانههای مختلفی چون تمارض از شرکت در جشنها و میهمانیها سر باز میزدند.

زنان دیگر طبقات در سطح وسیعتری نسبت به این قضیه عکس العمل نشان دادند و خصوصاً در ابتدای امر، حاضر به ترک چادر نشدند. به همین علّت پلیس نیز مأموریت داشت با شدت هر چه بیشتر، با آنان برخورد نماید. به طوری که «چادر از سر زنان بر میداشت و به ضرب و جرح آنان میپرداخت».[(1)](#content_note_195_1) در مقابل، زنان نیز سعی میکردند از رفت و آمد در کوچهها و خیابانها جز به وقت ضرورت خودداری نمایند. مثلاً در مشهد «با برداشته شدن چادر در خانه های مشهد تغییر تازهای روی داد و آن این بود که خانوادههای متدین در منزل خود حمام ساختند» [(2)](#content_note_195_2)تا زنانشان مجبور نباشند حتی برای رفتن به حمام از خانه خارج شوند.

در آن زمان «زیارت امام رضا (ع) نیز تقریباً در تمام مدت روز تعطیل بود و بانوان به هنگام شب و آن هم خیلی دیر وقت به زیارت میرفتند». [(3)](#content_note_195_3)در میان آنان، زنانی بودند که تا شهریور 1320 از خانه خارج نشده و حاضر نبودند در اجتماعی که میبایست بیحجاب حضور یابند، وارد شوند. خصوصاً زنانی که سالهای جوانی را پشت سر نهاده و در میانسالگی، بعد از عمری به سر بردن در حجاب، بیحجابی را به هیچعنوان نمیتوانستند تحمل کنند. زیرا تن دادن به این رفتار، در نظر آنان به معنی از دستدادن حیثیت و آبروی گذشته بود. گذشتهای که در پیوند با مذهب و پرهیزگاری به سر آورده بودند. در حالی که، در میان فرزندان جوان همین زنان، کسانی بودند که به تدریج طرح جدید را پذیرفته و واکنشی مثبت نسبت به رفع حجاب از خود نشان دادند. به

ص: 195

1- ١. نوری اسفندیاری، همان، ص ٧٣٦

2- زن روز؛ شماره ٤٥ ؛ سال ٤٤ ؛ شنبه یازدهم دی ماه، ص . ٦

3- زن روز؛ همان

طوری که، در همان روزها مشاهده میگردید که مادر پیری کاملاً خود را در حجاب پیچانده، اما دختر جوانش کلاه فرنگی بر سر گذارده است. این در حالی بود که هر دو خود را مسلمان میدانستند. زنان مسن چنین تصور میکردند که چون دوران پیری آنها فرا رسیده بیشتر باید حدود شرعی را رعایت کنند؛ حال آن که، اجرای مقررات و حدود شرع بیشتر شامل سن جوانی است تا دوران پیری.

آن دسته از زنان طبقات عادی اجتماع که به ناگزیر کشف حجاب کردند، در ابتدای امر فقط چادر را کنار گذارده و به جای آن از کلاه استفاده میکردند «و وقتی که کلاه بر سر میگذاشتند آنرا حتی الامکان پائین میکشیدند و گاهی یک بلوز یقه چین دار در بر میکردند و عینکی سیاه بر چشم میگذاشتند، به طوری که نیمی ازصورت و بلوز تمام گلویشان را میپوشاند». [(1)](#content_note_196_1)اما به تدریج تغییراتی در وضع پوشش جدید آنها در شهرهای بزرگ، خصوصاً در تهران روی داد. به قول نده مجله زن روز: «خانمهای تهرانی در پیروی از مد و آرایش به سرعت پیشرفت کردند و همان خجالتیها و گوشهگیرها که در میهمانی حتی دستکش از ستشان در نمیآوردند در بستان اول رفع حجاب با لباسهای بیآستین و دکلتههای کوتاه در میهمانیها، ظاهر شدند».[(2)](#content_note_196_2)تتت البته خانمهایی که در مجله زن روز مورد اشاره قرار گرفتهاند؛ بیشتر ای کارمندان دولت بودند؛ تا زنان دیگر طبقات شهری. چرا که به قول پیتر آوری، در همان اوایل کشف حجاب در تهران «تخمین زده میشد که از 300000 نفر جمعیت مرد و ن تهران، نزدیک به 4000 زن، رفع حجاب کرده باشند» [(3)](#content_note_196_3)چنانچه بعد از مدتی این تعداد افزایشی هم نیافته باشد، چون در خیابانها و معابر عمومی اهر شده و بعضاً هم دستور داشتند مانور خیابانی دهند، جلوه این تعداد کم با توجه به عدم حضور زنان ص: 196

1- . زن روز؛ همان.

2- همان

3- آوری، همان، ص ٧

محجبه در انظار عمومی به واسطه شدت عمل پلیس، بسیار زیاد به نظر میرسید. خصوصاً آنکه تبلیغات این عده اندک، در رسانههای وابسته آن زمان نیز در سطح یعی منعکس میشد تا برای زنان محجبه اثبات نمایند که دوران حجاب رو به افول و دوران بیحجابی رو به پیشرفت است.

به طور کلی میتوان گفت، زنان طبقات مرفّه و رجال، علیرغم آنکه در 17 دی برای اولین بار بدون حجاب ظاهر شدند، بیش از زنان سایر طبقات از کشف حجاب استقبال کردند و حتی در تبعیت صرف از ظواهر غربی تا آنجا پیش رفتند که به قول مخبرالسلطنه «جای شکرش باقی است که سرتا پا برهنه در کوچه آمدن را در پاریس و برلن کرده بود والاّ در حرارت تقلید بانوان ما مستعد تقلید بودند و آنچه در پرده داشتند مینمودند». [(1)](#content_note_197_1)

رضا شاه نیز، به نقل از مخبرالسلطنه با این وضع توافقی نداشته و حتّی دستور میدهد که منع و جلوگیری کنند. همین نوع تقلید صرف بعدها حتی به زنان اقشار متوسط هم سرایت کرد. بنا به اظهار مجله زن روز «عطر زدن هم بعد از کشف حجاب بین خانمهای طبقه متوسط معمول شد در حالیکه پیش از آن مختص طبقه اعیان و خانمهای درباری بود» [(2)](#content_note_197_2)دختران اقلیتهای مذهبی خصوصاً ارامنه که برخلاف زنان مسلمان چندان پایبند حجاب نبودند از قضیه کشف حجاب مشتاقانه استقبال کردند «بطوریکه زنان و دختران ارامنه در آرایش و شیک پوشی سرمشق خانمهای ایرانی بودند و هر نوع مد و آرایش از آنها تقلید میشد». [(3)](#content_note_197_3)

زنان روشنفکر و تحصیلکردهای که در معارف شاغل بودند، در اشاعه فرهنگ کشف حجاب در مدارس و در میان نسل جوان تلاش فراوانی کردند. البتّه پیروی آنها از مد و الگوهای غربی با توجه به

ص: 197

1- هدایت، همان ، ص ٤٠٧

2- زن روز، همان.

3- همان.

محدودیتی که در مدارس از لحاظ رنگ و مد لباس وجود داشت، همانند زنان طبقات مرفّه نبود و مانند آنها پیش نرفتند و حتی در مقابل انحرافی که در روند کشف حجاب به وجود آمد در مقام اعتراض برآمدند. صدیقه دولتآبادی یکی از این زنان پیشگام در کشف حجاب، در مجله زبان زنان در مقالهای تحت عنوان آزادی زنان، چنین مینویسد:

بعد از رفع حجاب تغییرات مهمی در وضع و طرز لباس و آرایش زنها پیدا شده ولی بدبختانه این تغییرات به غیر از تقلید کورکورانه از زنان بیگانه نبوده و ثمری جز بیچارگی برای ما نخواهد داد [(1)](#content_note_198_1)

این دسته از زنان، ضمن آنکه در برابر بازگشت دوباره حجاب بعد از شهریور 1320 واکنش نشان دادند؛ از وضعیت به وجود آمده در پیکشف حجاب نیز انتقاد داشتند. استفاده از «مصنوعات ساخت وطن به جای مصنوعات بیگانگان حتی در زمینه آراستن ظواهر» از شعارهای آنان بود. البته اخلاف آنان در تبعیت محض از الگوهای غربی، خود را به پای زنان طبقات مرفه و اعیان رساندند و همه آرزوها و اهداف این پیشگامان را بر باد دادند.

زنان سایر طبقات شهری نیز به جز زنان کارکنان دولت از پذیرش کشف حجاب اجباری خودداری کردند تا جایی که کنج خانه را بر قبول این طرح اجباری ترجیح دادند و اگر به ضرورت از خانه خارج شدند با ترس و لرز و دور از چشم مأمورین بود. اما فرزندان جوان این زنان واکنشی متفاوت از مادرانشان داشتند، به طوری که پس از مدتی عده ای

ص: 198

1- زبان زنان، شماره دوم، سال ٢٤ خرداد ماه ١٣٢٣ . علیرغم اذعان صدیقه دولت آبادی مبنی بر بی فایده بودن تقلید صرف در قضیه کشف حجاب که به سراغ زنان ب یحجاب آمده بود، در وصیت نامه اش که ذیل یادداشتهای فصل دوم از همین مجموعه به آن اشاره شد، خود در دام این تقلید و ظاهرگرایی صرف گرفتار شد. (نگاه کنید به : زن روز، شماره ١٩٩ ، سال ٤٧ ، چهاردهم دی ماه ١٣٤٧ و نیز مراجعه شود به : اطلاعا ت: . بیست و هشت هزار روز تاریخ ایران، ج دوم، ص ٨٠١ واکنشهای اجتماعی

از آنها به صف بیحجابان پیوستند؛ اما این مسئله در شهرهای مذهبی کمتر مصداق داشت.

### د) واکنش زنان روستایی و عشایری

گفتیم در مراحل اولیه کشف حجاب که هدف گردانندگان طرح برداشتن چادر و نقاب و جایگزین کردن کلاه به جای روسری بود؛ از سوی حکومت، حساسیت خاصی نسبت به نحوه پوشش زنان روستایی نشان داده نمیشد. اما پس از مدتی که کلاه از سر زنان شهری به کنار رفت و به مدد اعمال فشار حکومت، کشف حجاب تا حدودی در شهرها جا افتاد؛ برنامهریزی برای تغییر پوشش زنان روستایی و عشایری نیز آغاز شد.

در میان روستاییان و عشایر، وضع زنان دسته اخیر متفاوت بود. عشایر که در این دوران به تازگی اسکان داده شده بودند و برنامه یکجانشینی آنان به لطف قوای قهریه و ارتش رضا شاه به بار نشسته بود، بر اساس این طرح مجبور بودند که چارقد را از سر برگیرند. اما، این اجبار تنها بخشی از برنامه حکومت برای آنان بود، مطابق برنامهای که در آن زمان برای روستاییان و عشایر در نظر گرفته بودند: «زنان ایلیاتی و دهاتی [میبایست] از لباس سنتی خود دست برداشته و به لباس زنان شهری لباس غربی درآیند».[(1)](#content_note_199_1) معلوم بود که اجرای چنین فرمانی با توجه به وضعیت جغرافیایی مناطق و نوع شغل که مستلزم همان لباس سنتی بود، برای آنها میسر نبود. از طرف دیگر، آنها نمیتوانستند در مقابل این فرمان، همانند زنان شهری مبارزه منفی در پیش گیرند، و خانهنشینی اختیار کنند. چرا که ناگزیر از کار در مزارع و مراتع بودند و در حقیقت، علاوه بر کارهای منزل، نیمی از این امورات را

ص: 199

1- ؛١٣١٥/٣/ ١. نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٩؛ بخشنامه شماره ٢٠٨٩ مورخ ١١ متحدالمآل حکومت کرمانشاهان به نواب حکومت.

در خارج از خانه بردوش داشتند. اقتصاد هر خانواده با مشارکت زنان قابل اداره بود. از اینرو، به گفته یکی از مأمورین امنیه، زنهای روستایی و عشایری برای آنکه از اجرای دستور طرفه روند و در چنگال مأمورین نیفتند صبحها خیلی زود از خانه خارج شده و از بیراهه به محل کار خود میرفتند و عصرها هنگامی باز میگشتند که هوا کاملاً تاریک شده بود و یا رو به تاریکی میرفت. در بعضی مواقع نیز با دادن مبلغی پول به رئیس پاسگاه، آزادی عمل مییافتند. البتّه در همه جا پرداخت پول، چارهساز نبود.

در بعضی مناطق، به جز نیروهای انتظامی، افراد ذینفوذ نیز برای اجرای طرح و جلوگیری از حجاب و معرفی متخلفین مورد استفاده قرار میگرفتند. مجبور ساختن کدخداها و خانمها برای اجرای این مقصود امری طبیعی بود مثلاً مطابق اسناد موجود در قریه داورزن، یکی از قراء سبزوار، کدخدای محل در جریان بازجویی اظهار میدارد: «کسی از خانمهای محلی ندیدهام چادر سر کند، چنانچه در آتیه مشاهده نمایم که کسی از نسوان چادر استعمال نماید تعهد میکنم که قضیه را ضمن معرفی اشخاص متخلف به پست داورزن معرفی کنم».[(1)](#content_note_200_1) بدین ترتیب، با تعهد افراد ذی نفوذ، کمبود نیروهای انتظامی برای این منظور در روستاها و مناطق عشایرنشین در سطح قابل توجهی، جبران میشد.

علیرغم ایجاد محدودیت علیه زنان روستایی و عشایری، سیر کشف حجاب در این مناطق به کندی پیش میرفت و آنها هنگامی که برای امری ضروری وارد شهرها میشدند پوشش سنتی خود را به همراه داشتند[(2)](#content_note_200_2) و دولت نیز برای تغییر رفتار آنها سرمایهگذاری کمتری میکرد. فقط برای نشاندادن تسلط بر این مناطق گه گاه، تصاویری از مراسم

ص: 200

1- ١. سازمان اسناد ملی ؛ نامه امنیه سبزوار نمره ١٩٤٢٢ مورخ ١٦ داورزن از قراء سبزوار.

2- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣٥ ؛ گزارش کفیل شهربانی تربت جام به .١٣١٦/٣/ اداره شهربانی ناحیه شرق کشور به شماره ١٧٠ مورخ ١٦

حجاب برداری زنان، خصوصاً در مناطق عشایری، در مجلات و روزنامهها درج میگردید. یکی از این تصاویر، نشان میدهد که زنان عشایر در حضور شاه کشف حجاب میکنند.[(1)](#content_note_201_1) قطعاً، چنین تصاویری برای رژیم بیش از آنکه نشان دهنده استقبال زنان عشایری از کشف حجاب باشد، نمایانگر تسلط کامل بر این مناطق و سرکوب عشایری است که زمانی با رضا شاه سرجنگ داشتند.

به طور کلی، زنان روستایی و عشایری نسبت به پذیرش کشف حجاب که به قول پیترآوری «در وضع آنان تأثیری نداشت»،[(2)](#content_note_201_2) چندان تمایلی از خود نشان ندادند. مشکلات مجریان طرح در شهرها نیز این فرصت را برای آنها به وجود آورد تا نسبت به اجرای دستور اهمال ورزند. هر چند سعی مجریان طرح بر آن بود تا زنان این مناطق «به لباس متمدنین دنیا درآیند». [(3)](#content_note_201_3)اما اجرای این دستور نیاز به برنامهریزی بلندمدت داشت. فرصتی که در دوران سلطنت مطلقه رضا شاه به دست نیامد و به جز اقدام انتظامی و تعقیب که چارهساز مشکل نبود، اقدام ریشهای و در خور توجهی صورت نگرفت. در دوره پهلوی دوم تا حدودی با آشناسازی زنان روستایی و عشایری با فرهنگ غربی شهر از طریق سپاهی دانش، و با تشکیل کلاسهای پیکار با بیسوادی در روستاها، اقداماتی در این زمینه صورت گرفت. با همه این فعالیتها، همراهی زنان روستایی و عشایری با طرح کشف حجاب رضایت برنامهریزان را جلب نکرد. شاید به خاطر عواملی که بیشتر جنبه محیطی و شغلی داشت تا مذهبی، زنان روستایی و عشایری در برابر کشف حجاب واکنش مثبتی نداشتند و از اجرای آن علیرغم برخوردهای انتظامی خودداری ورزیدند. تنها در برخی از تصاویر به جای مانده از آن زمان، میبینیم که روستاییان

ص: 201

1- نک : تصاویر پیوست کتاب، تصویر شماره ١٨

2- ٢. آوری، پیتر؛ همان، ص

3- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٩ ؛ متحدالمآل حکومت کرمانشاهان به . شماره ٢٠٨٩

و عشایر، به اجبار آن هم در حضور رضا شاه و برای لحظاتی کوتاه حجاب از سر برداشتهاند.

### واکنش دولت در قبال مخالفین

دولت در قبال کسانی که به انحاء گوناگون در برابر طرح کشف حجاب مخالفت میکردند و از اجرای سرباز میزدند، بیتفاوت نبود. تا پایان دوره حکومت رضا خان، واکنش دولت بیشتر جنبه انتظامی داشت و به طور مستقیم اعمال میشد. اما، بعد از شهریور 1320، برخورد دولت تغییر یافت. این تغییر هرچند با وضع کشور در زمان جنگ جهانی دوم و مشکلات ناشی از اشغال کشور توسط قوای بیگانه بیارتباط نبود؛[(1)](#content_note_202_1) اما، رفتار مردم در شرایطی که نسبتاً آزاد بودند تا به دلخواه خود عمل کنند، نشان میداد که حربه استبداد تا زمانی که اعمال فشار مستقیم دوام داشته باشد، کارساز است و پس از آن شیرازه کارها از هم میگسلد. این تجربه نشان میداد که تبدیل الگوهای رفتاری به فرهنگ با فشار و اجبار عملی نیست. بنابراین، رژیم جدید سعی کرد تا از حربه تبلیغات برای پیشبرد آن استفاده کند و در مواقعی که نیازی به اعمال فشار، محسوس گردید به ایجاد محدودیت پرداخته و از نیروهای انتظامی برای پیشبرد این طرح کمتر استفاده نماید. به همین سبب سیر کشف حجاب در دوران پهلوی دوم پس از یک وقفه کوتاه مدت، شتابی غیر قابل باور به خود گرفت.

به واکنش دولت رضا شاه در قبال کشف حجاب بر میگردیم. اولین واکنش دولت رضا شاه در قبال مخالفین اخطار شدیداللحنی بود به مأمورین اجرایی که به هیچوجه قصوری در انجام وظایف ننمایند. بخشنامه رئیسالوزراء و وزیر امور داخله، جم خطاب به والیان ولایات

ص: 202

1- قدرت گرفتن کمونیستها و نیاز شاه به نیروهای مذهبی و یا حداقل سکوت آنان، یکی دیگر از عوامل اصلی تغییر رویه رژیم جدید نسبت به رژیم قبل در قب ال بازگشت مجدد حجاب است.

مبین این مطلب است که حاکمان و والیان باید نهایت مراقبت و مواظبت را به عمل آورند و «هیچ کس از بانوان نباید با چار قد در معابر دیده شوند والا حکام در درجه اول مسئول و شدیداً مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت». [(1)](#content_note_203_1)

در پی این بخشنامه والیان ولایات به حاکمان شهرها ابلاغ کردند که دقیقاً طبق مفاد بخشنامه ریاست وزراء عمل نمایند و در صورتی که در انجام «این امر قصور نموده یا مینمایند حسبالامر ریاست وزراء از خدمت منفصل خواهند شد». [(2)](#content_note_203_2)

حاکمان شهرها نیز به دنبال این دستور دو جانبه و مؤکد، مردم را مخاطب خود قرار داده و اخطار کردند «اکیداً مقرر میگردد که هیچ کس از بانوان نباید با چارقد در معابر دیده شود».[(3)](#content_note_203_3) حتی به سر کردن چارقد جرم شناخته میشد تا چه رسد به استفاده از چادر و روبند. مثلاً در کاشان حاکم شهر به مردم اخطار کرد که از تاریخ نشر این اعلان الی پنج روز فرصت دارند که نسبت به تبدیل پوشش زنان خود اقدام کنند و اگر بانوان به وضعیت فعلی ادامه دهند شدیداً تعقیب خواهند شد. [(4)](#content_note_203_4)

در اجرای هر چه دقیقتر بخشنامه نخستوزیر، حاکمان بعضی از شهرها تصمیم گرفتند برای کارهایی که زنان به ناگزیر در خارج از منزل انجام میدادند، محدودیت اعمال کنند. حاکم کاشمر طی گزارشی به ایالت خراسان گوشهای از این محدودیتها را که علیه زنان محجبه به اجراء گذارده بر میشمرد. البته این اعمال محدودیتها از سوی دستاندرکاران تنها شامل یک شهر نمیشده؛ بلکه بسیاری از شهرهای

ص: 203

1- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٦ ؛ بخشنامه رئیس الوزراء جم خطاب به ولایات.

2- /١٢/ ٢. سازمان اسناد ملی، سند شماره ٢١٢٨٩ ؛ مورخ ٩ حکومت نیشابور در تعقیب بخشنامه ریاست وزراء.

3- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٧ ؛ اعلامیه حاکم و ش هردار کاشان در تعقیب بخشنامه ریاست وزراء به منظور رعایت کشف حجاب.

4- همان.

کشور را شامل میشد. گوشهای از این اعمال محدودیتها عبارتند از: «راه ندادن زنان چادری به حمام و کنترل حمامیها که از این امر تخلف نورزند و اخطار به خانمهای محجبه و حتی آنهایی که چارقد بر سر دارند که چارقد خود را ترک نمایند»، أخذ «التزام از گاراژدارها که زنان چادری را سوار نکنند ...»، جلوگیری از ورود زنان محجبه به مراکز زیارتی و ... [(1)](#content_note_204_1)این روشهای محدودیتآفرین پس از مدتی با خشونت جایگزین شد. به طوری که، زنان چادری را به شهربانی جلب و به «محکمه احضار» مینمودند و حتی خانوادههایی را که حاضر به کشف حجاب نبودند، از محل سکونت خود تبعید [(2)](#content_note_204_2)میکردند.

گام بعدی دولت در قبال مخالفین، مبارزه با روحانیت بود که مانع عمده بر سر راه پیشرفت کشف حجاب در ولایات بودند و رهبری مردم را علیه کشف حجاب بر عهده داشتند.

در راستای این سیاست بخشنامهای رمزی و سری از سوی وزارت کشور خطاب به استانداریها و فرمانداریها صادر گردید تا همراه با اجرای سیاست کشف حجاب «نسبت به تقلیل ارباب عمائم» و «تقلیل جواز عمامه و جلوگیری از روضه خوانی» به بهانه «خارج کردن خرافات از سر مردم آشنا نمودن آنها به اجرای تمدن امروزه» که «اساس سیاست داخلی دولت است اقدام نمایند».[(3)](#content_note_204_3) در پایان این بخشنامه مندرج است: «به هیچ عنوان نباید در اجرای منویات دولت تعلل و تسامح شود».

در پی صدور این دستورالعمل، استانداران مناطق از فرمانداریها و بخشداریهای هر محل خواستند که «در سال 1317 سال جدید در پروانهها تجدید نظر نموده، حتی المقدور در عده آنها تقلیل گردد». بدین

ص: 204

1- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ١٤ ؛ راپرت حکومت کاشمر به ایالت خراسان.

2- ١٣١٦ استاندار ی /١١/ ٢. سازمان اسناد ملی ایران؛ بخشنامه شماره ٢٣٤٧٢ ؛ مورخه ١٤

3- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣٠ ؛ بخشنامه رمزی و محرمانه وزارت کشور خطاب به استانداریها و فرمانداریهای سراسر کشور.

طریق، هم از دادن جواز عمامه به افراد جدید خودداری شد و هم شمار کسانی که جواز روحانیت داشتند، کاهش یافت.

محدود کردن حیطه عمل روحانیون به عنوان موانع عمده در راه اجرای کشف حجاب، همراه با به زندان انداختن و به تبعید فرستادن آنها، در پی سیاست قطع نفوذ متنفذین محلی که در رأس آنها روحانیت بود صورت پذیرفت. [(1)](#content_note_205_1)

دو سال بعد، بخشنامهای دیگر خطاب به فرمانداریها و استانداریهای سراسر کشور صادر میگردد که در آن اقرار گردیده در اینمورد «اقدامات لازمه در تمام شهرستانها شده، لزوماً یادآور میگردد که در قبال بخشها نیز همینگونه عمل گردد».[(2)](#content_note_205_2) یعنی حتی نسبت به روحانیت دهات که حوزه عملکرد آنها بسیار محدود بوده، چشم پوشی نشده است.

اقدامات دولت در قبال کارکنان و یا مأمورین اجرایی که به عللی تسامح میورزیدند نیز شایان توجه است. تهیه لیست از کسانی که در جشنها و یا میهمانیها حاضر نمیشدند و قطع حقوق ماهیانه آنان، و در مراحل بعد منتظر به خدمت نمودن و در مواقع تکرار، انفصال از خدمات دولتی از جمله شگردهای دولت در قبال کارکنان متخلف بود. [(3)](#content_note_205_3)طبق اسناد موجود، این گونه برخوردها نسبت به کارکنان دولت از روستاها و بخشها گرفته تا شهرهای بزرگ اعمال می شد.

ص: 205

1- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٤٢ ؛ از استاندار نهم به بخشدار نیشابور . ١٦ کفیل حکومت و شهردار /٢/ علاوه بر آن، در گزارش شما ره ١٢٤٦ ، مورخ ٢٣ سبزوار راجع به قطع نفوذ متنفذین محلی به ایالت خراسان، تاکید شده است. همچنین ١٦ مربوط به امنیه سبزوار به این موضوع /١/ در سند شماره ١٣٣٢ مورخ ١٨ پرداخته اند. (نک : سازمان اسناد ملی ایران؛ پرونده کشف حجاب و اتحاد شکل البسه.

2- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٣١ ؛ بخشنامه محرمانه وزارت کشور خطاب به فرمانداریهای سراسر کشور در تعقیب بخشنامه رمزی مندرج در سند شماره . ٣٠

3- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٤٣ ؛ از والی خراسان به حکومت نیشابور؛ و: زن روز؛ شماره ٤٥ ؛ سال ٤٤ ؛ در ارتباط با خاطرات یک فرد اصفهانی؛ و: نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره . ٢٨

اینها نمونههای بود از برخورد دولت در قبال مخالفین و متخلفین. اما بعد از شهریور 20 و بازگشت دوباره حجاب این برخوردها در سطح وسیعی تنزل پیدا کرد، حتی دستورالعمل وزارت کشور در این تاریخ حاکی از آن است که «رفتار و اقدامات مأمورین شهربانی باید با قوانین و مقررات جاریه کشور کاملاً مطابقت نموده با مردم از روی حسن سلوک و نزاکت رفتار نمایند»[(1)](#content_note_206_1) و نیز در خصوص شیوه برخورد مأمورین با زنهای محجبه صراحتاً دستور داده شده: «رفتار مأمورین خیلی با نزاکت بوده چادر از سر زنها بر ندارند ولی تذکرات لازم به آنها بدهند ...». [(2)](#content_note_206_2)

در مواردی که به ناگزیر از سوی مأمورین اجرایی با زنان محجبه برخورد میشد، برخوردها به هیچ وجه نمیبایست جنبه خشونت و مستقیم داشته باشد؛ بلکه مأمورین شهربانی موظف بودند: «با نهایت متانت و بدون اعمال زور و به نحو مقتضی از قبیل جلوگیری از سوار کردن بانوان با چادر نماز در اتوبوسها و راه ندادن به سینماها و رستورانها و ادارات دولتی این موضوع را عمل نموده و نوعی انجام وظیفه نمایند که ایجاد زحمت و شکایت ننماید».[(3)](#content_note_206_3)

پس از شهریور 1320، هنگامی که حجاب دوباره در پوشش غالب زنان کشور نمایان شد، زمامداران به این نتیجه رسیدند که نباید مانند گذشته عمل نمایند. گرچه شرایط ناشی از جنگ دوم بینالملل، در تحمیل این برخورد انعطافآمیز به دولت بی تأثیر نبود؛ اما در مقابل، این شیوه برخورد غیر مستقیم و تبلیغاتی نتایج و اثرات دیرپایی برجای گذارد که قطعاً با برخورد مستقیم و انتظامی این تأثیر ممکن نبود.

ص: 206

1- همان، سند شماره ٤٤ (گزارش شهرداری سبزوار به وزارت داخله ) و ٤٥ (از وزارت کشور به اداره کل شهربانی).

2- همان ، سند شماره ٤٥ ؛ از وزارت کشور به اداره کل شهربانی.

3- همان، سند شماره ١٥ ؛ بخشنامه وزارت کشور به اداره کل شهربانی؛ و: سند شماره ٤٥.

### شهریور 1320 و واکنشهای اجتماعی در برابر کشف حجاب

هجوم نیروهای متفقین به ایران در شهریور 1320 تأثیر آشکاری بر عرصههای سیاسی و اجتماعی کشور بر جای نهاد. رضا شاه تحت فشار انگلستان، به ناگزیر استعفا داد و از ایران رفت. با رفتن رضا شاه، بساط اصلاحات سیاسی و اجتماعی وی، تحمیل نظم اجباری و ... برچیده شد و روش استبدادی حکومت در ایران موقتاً پایان یافت.

آزادی نسبی پس از شهریور 20 که به مدت چند سال در ایران دوام یافت، سبب شد افکاری که برای مدتی ناگزیر به سکوت شده بودند دوباره انتشار یابند و شرایطی به وجود آید تا حتی عوامل استبداد را به صورت ظاهر هم که شده به محاکمه بکشانند. در راستای همین شرایط بود که فرصت مناسبی برای بازگشت دوباره حجاب و حضور گسترده زنان محجبه در اجتماع پدید آمد. [(1)](#content_note_207_1)

مشکلات سیاسی و اجرایی ناشی از جنگ و اشتغال دولت به امور فوریتر و ضروریتر، در این بازگشت تأثیر اساسی داشت. این تغییر ناگهانی در وضعیت زنان، نشان میدهد جریان پیشرفت کشف حجاب در دوره رضا شاه بیشتر بر اساس زور و اجبار بوده و اقدامات تنبیهی بر اقدامات تبلیغی پیشی داشته است؛ بدون آن که تمایلی به اجرای آن در بدنه اجتماع بوده باشد. اگر رضا شاه قضیه کشف حجاب را با تبلیغات تعقیب میکرد و نسبت به زنان محجبه شدت عمل به خرج نمیداد، شاید گرایش مجدد به سوی حجاب از سوی کسانی که چند سال کشف حجاب کرده بودند، به این اندازه چشمگیر نمیبود. به طوری که زنان بیحجاب برای مدتی فقط در شهرهای بزرگ و آن هم در مناطق مرفهنشین به چشم میخوردند.

ص: 207

1- برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: سازمان اسناد ملی ایران؛ پرونده کشف حجاب و ٢١ حاکی از بازگشت /١٠/ ٦١٤٠ /ب مورخ ٨ / اتحاد شکل البسه؛ سند شماره ٢١٢٢٤ ٢٢ حاکی از این بازگشت /٧/ مجدد حجاب در اصفهان، و سند شماره ٩٧٢٩ مورخ ١٦ در شهر کرمانشاهان است.

به دنبال این بازگشت، شرایط به گونهای دگرگون شد که عبارت مغازهها نیز تغییر کند: بسیاری از فروشگاهها اعلام داشتند به خانمهای بیحجاب جنس نمیفروشیم، همان طور که شش سال قبل این شعار کاملاً برعکس بود یعنی به زنان چادری و با حجاب جنس فروخته نمیشد. فاصله بین فروخته میشود و فروخته نمیشود، تقریباً شش سال بود. بسیاری از دختران با حجاب که به سبب داشتن حجاب از رفتن به مدارس منع شده بودند اینک با حجاب به مدرسه میرفتند و آزادانه به تحصیل علم و دانش مشغول بودند.

پیتر آوری، مدعی است عاملی که زنان را به حجاب مجدد سوق داد بیشتر ناشی از فقر مالی بود، تا عقاید مذهبی. این گفته مصداقی ندارد چرا که حجاب یک واجب شرعی است و زن مسلمان از فقیر و غنی سعی بر رعایت آن دارد. به همین علت است که میبینیم همزمان با روی آوردن مردم به شعائر مذهبی، بازگشت به حجاب به عنوان یکی از شعائر مذهبی مطرح میشود تا صرفاً به عنوان یکی از شعائر سنتی؛ هر چند در ایران این دو قضیه ارتباط مستقیمی با یکدیگر دارد.

در دوره استبداد رضاشاهی از هیچاقدامی برای کاهش مجالس مذهبی خودداری نمیشد. به بهانه بیرون کردن خرافات از ذهن مردم و سوق دادن زنان به سمت کشف حجاب ادعا میکردند که این مجالس موانعی بر سر راه پیشبرد کشف حجاب است و برگزارکنندگان آن را با محدودیتهایی مختلفی روبرو میساختند. اینک فرصتی به دست آمده بود تا دوباره این مجالس رونق یابند و در کنار برنامههای مذهبی به تبلیغ حجاب و منع بیحجابی بپردازند. حتی بعد از مدتی با مدارس دخترانهای که به سبک جدید آموزشی تأسیس گردیده بود، به عنوان مظاهر بیحجابی به مخالفت برخاسته، در تعطیلی آن بکوشند.

بازگشت دوباره حجاب و مبارزه با مدارس جدید موجی از نگرانی را در محافل روشنفکری برانگیخت. روزنامه ترقی با اشاره به اطلاعیهای که در قم منتشر گردیده و در آن از مردم درخواست شده دختران خود را به رعایت حجاب ملزم نمایند، آن را یک سیر قهقرایی و ارتجاعی تلقی کرده، از مردم میخواهد مواظب این جریان باشند. همین روزنامه در

ص: 208

شماره اذرماه خود در مقالهای با عنوان «مدارس دختران را میبندند» اظهار میدارد: «از دوره دیکتاتوری دو چیز باقی مانده بود که کفاره گناهان شاه سابق محسوب میشود یکی تعلیمات دخترانه و یکی اتحاد لبس و (کشف حجاب) و این دو هم در دوره دموکراسی از بین رفت». [(1)](#content_note_209_1)سپس بازگشت مجدد حجاب را مورد انتقاد قرار داده، مینویسد:

چندی قبل که [این زنان] از صدقه سر پهلوی به خانمی و بانویی رسیدند و سری توی سرها در آوردند و به لباس آدمها درآمدند حالا چطور شده که باز تغییر ماهیت داده و صدبار بدتر و مفتضحتر از ادوار قبل خود را در کیسههای سیاه [پوشانده] و در خیابان و بازار و کوچه جولان میدهند؟ [(2)](#content_note_209_2)

این روزنامه آنگاه، به بسته شدن مدارس جدید توسط طرفداران حجاب و مخالفان بیحجابی در شهرهای کشور اشاره کرده و میافزاید: «چند روز پیش از خرمشهر اطلاع دادند که آخرین مدرسه دخترانه آنجا را بستند. همچنین در کاشان و یزد و غیره مدارس دخترانه بسته شده و یا در شرف بسته شدن است...».

این برخوردهای تفریطی در مقابل برخوردهای افراطی رضاشاه، به زودی ضایعات خود را نشان داد . [(3)](#content_note_209_3)موقعیت به وجود آمده ناشی از شرایط جنگی به دولت فرصت نداد تا به مقابله با بازگشت حجاب بپردازد. مأمورین وظیفه داشتند از به کار بردن اهرم فشار خودداری نمایند و چنانچه به اعمال فشار میپرداختند به آنها تذکر داده میشد. حتی اوضاع به گونهای تغییر یافت که تقاضا شد مأمورینی که قبلاً با زنان محجبه به خشونت رفتار کرده بودند محاکمه شوند. سندی در دست داریم که نشان میدهد زنان محجبه یزد از برخوردهای نابه هنجار

ص: 209

1- روزنامه ترقی؛ شماره ٥؛ تیر ماه ١٣٢٣

2- روزنامه ترقی؛ شماره ١٣ آذر ماه ١٣٢٣

3- پس از تسلط کامل پهلوی دوم، در ٢٨ مرداد ١٣٣٢ ، سیر کشف حجاب به سمتی دیگر متمایل شد؛ به طوری که مبدل به فرهنگ برهنگی گردید.

مأمورین شهربانی که موجب فلج شدن، سقط جنین و مرگ زنها و مضروب شدن آنها در گذشته شده بود، شاکی شده و عرض حال خود را به مجلس شورای ملی فرستاده، خواستهاند انتقام آنها را از « این جابران بگیرند» و مجرمان را به چنگال عدالت و قانون بسپارند و آنها را محاکمه کنند. [(1)](#content_note_210_1)

معاونت اداری مجلس نیز عین این شکایت را به وزارت کشور ارسال میکند. از طرف وزیر کشور نیز شخصاً دستور رسیدگی و اقدام مقتضی، به فرمانداری یزد صادر میگردد. شکایتنامه یک سیر بوروکراسی را طی میکند و در پایان به بهانه آنکه «کارکنان سابق شهربانی در یزد بر مصدر امور نیستند» بایگانی میشود و پرونده اداری آن مختومه اعلام میگردد. اما همین مکاتبات ظاهری ناشی از شرایطی است که بعد از شهریور 1320 برای بازگشت مجدد حجاب و جلوگیری از رفتار خشن مأمورین و اجرای سیاست تبلیغ به جای سیاست تنبیه از سوی دولت صورت میگیرد. وگرنه اگر چنین موقعیتی فراهم نمیآمد نه شاکیان جرأت ارسال چنین شکایتی میکردند و نه در صورت چنین شکایتی، اینان دستور رسیدگی و اقدام مقتضی صادر مینمودند.

حتی در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی، هنگامی که قوامالسلطنه وزرای خود را به مجلس معرفی نمود؛ عباس میرزا اسکندری به عنوان مخالف سخن گفت و بعد از اعتراض نسبت به انتخاب محمود جم، عامل کشتار وقایع مشهد در تیرماه 1314 به سمت وزیر جنگ، اظهار نمود که محمود جم باید به دیوان کشور برای محاکمه فرستاده شود.[(2)](#content_note_210_2) اگرچه مسئله برخورد با محمود جم و مخالفت با وی تنها در مجلس

ص: 210

1- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٤٦ ؛ پیوست نامه معاونت اداری مجلس مبنی بر عریضه زنان یزد؛ و: سند شماره ٤٧ ؛ از وزارت کشور به فرمانداری یزد و سند شماره ٤٨ ؛ از فرمانداری یزد به وزارت کشور و پایا نیافته تلقی کردن موضوع شکایت زنان یزد

2- مکی؛ همان؛ صص ٢٨١ ٢٧٩ . همچنین در ارتباط با تبرئه جم ، رجوع شود به : . روزنامه اطلاعات: بیست و هشت هزار روز تاریخ ایران، جلد دوم، ص ٨٠٣

شورا انعکاس یافت، اما، طرح این نقطهنظرات، به همراه بازگشت حجاب تغییر دیدگاههای مسئولین کشور را نشان میدهد. این نکته را میتوان از نامه محرمانه وزیر کشور به نخستوزیر پس از شهریور 1320 دریافت.

با این همه، بیشترین نگرانی مسئولین و مجریان طرح از بابت وضع مردان است تا وضع زنان. به همین منظور، وزیر کشور درخواست میکند چنانچه «مصلحت و مقتضی باشد اجازه فرمایند به شهربانی کل و استانداریهای مربوطه دستور داده شود متخلفین را طبق قانون جداً تعقیب و به کیفر برسانند». [(1)](#content_note_211_1)و در پایان آمده است «بدیهی است این ترتیب شامل حال مردان بوده و مربوط به چادر نماز و چادر سیاه نیست که بنا به مقتضیات وقت فعلاً به هیچوجه جلوگیری نمیشود».

برخورد با مردان در حقیقت برخورد با زنان نیز بود. چرا که مردان همواره مانع اصلی بر سر راه کشف حجاب و پیشبرد آن بودهاند. به همین علت بود که کشف حجاب زنان را از اتحاد شکل البسه مردان آغاز کردند. برای آن که کسی با آن مخالفت نکند و در صورت مخالفت، در مقابل قانون ایستاده باشد و بهتر بتوان با او برخورد کرد؛ در 6 دی ماه 1307 قانون اتحاد شکل البسه را به تصویب مجلس رساندند و از اول فروردین 1308 به اجرا در آمد. پس از چند سال که از اجرای این قانون گذشت و شرایط مهیا شد به سراغ زنها رفتند و کشف حجاب را با فرمانی دولتی بر آنها تحمیل کردند.

عقبنشینی تاکتیکی مسئولین کشور را که در حقیقت یک گام به عقب دو گام به جلو بود، میتوان از سخنان محمدرضا شاه دریافت؛ آنجا که میگوید: «ما ترجیح میدهیم موضوع طبیعی انجام گیرد نه با فشار» [(2)](#content_note_211_2)و

ص: 211

1- نک : اسناد پیوست کتاب، سند شماره ٤٩ ؛ از وزارت کشور، به نخست وزیر.

2- پهلوی، محمدرضا؛ مأموریت برای وطنم؛ ص ٤٦٨

یا «در زمان حاضر باید برنامههای جدیدی تهیه نموده و با شیوههای بیشتر دموکراتیک اقدام نمود». [(1)](#content_note_212_1)

28 مرداد 1332، نقطه آغازین اعمال شیوههای دموکراتیک مورد اشاره شاه است. سالی که رژیم کاملاً بر اوضاع سیاسی مسلط شد. اما علیرغم این تسلط، رویه قبلی برای پیشبرد این جریان دنبال نشد؛ بلکه با تبلیغات وسیع، به خصوص از جانب کانونها و انجمنهای زنان و از طریق رسانههای گروهی این برنامه دنبال شد.

آن انجمنها و کانونها که در آن برهه به طرز چشمگیری رشد یافته بودند؛ در سال 1338 با تشکلی جدید و تحت عنوان «انجمن زنان ایران» به سرپرستی اشرف پهلوی شکل گرفت. در سال 1345 این تشکیلات گسترش یافت و به نام «سازمان زنان ایران» معروف گردید. از جمله فعالیتهای این سازمان، درخواست حق نمایندگی برای زنان بود که در سال 1341 مطرح شد و در در سال 1346 به ثمر رسید. در این سال شش زن وارد مجلس شورای ملی و دو زن وارد مجلس سنا شدند. [(2)](#content_note_212_2)

با ایجاد این سازمان، کلیه فعالیتهای زنان از طریق وسایل تبلیغاتی سازماندهی شد. اکثریت روزنامهها و مجلات و بسیاری از برنامههای رادیو و تلویزیون و سینما، به سمتی حرکت میکرد که در خیابانهای ایران «دیگر ساکهای سیاه در حال راه رفتن به چشم نخورند» [(3)](#content_note_212_3)و توریستها و مسافرین خارجی بتوانند آزادانه زن ایرانی را که در سایه اعلیحضرت همایونی به پای خواهران اروپایی خود رسیده، تماشا کنند».

متأسفانه اجرا و تداوم طرح کشف حجاب در دوره رضا شاه و فرزندش تأثیر مثبتی در زندگی زن ایرانی به جای ننهاد. اگر زن ایرانی را از حصار کوچکتری نجات دادند؛ در عوض او را وارد حصار بزرگتری کردند که بسیاری از ارزشهای زن بودن و مادر بودن خود را از دست

ص: 212

1- پهلوی؛ همان، ص ٤٦٧

2- استاد ملک، همان، ص .

3- استاد ملک، همان، ص . ١

میداد. حصاری که انواع و اقسام مدهای غربی را به او تحمیل میکرد و هر چه برایش میساختند میپذیرفت. نسلی که راهبری این گروه را بر عهده داشتند دیگر از میان روشنفکران و تحصیلکردگان بانی طرح کشف حجاب نبودند که هشدار دهند تا این حد از ظواهر و مظاهر غربی تقلید نکنند. پیامدهای ناشی از این تقلید کورکورانه در همه عرصههای اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی جامعه ایران تنیده شد.

پیامدها در دورهای به بار نشست که شرایط دموکراتیکی بر انتخاب نوع پوشش بانوان حاکم بود، نه شرایطی که چادر را به زور از سر زن ایرانی میگرفتند، اگر ارزشی داشت، ضبط میکردند و اگر ارزشی نداشت، پاره میکردند و به دور میانداختند.

شاید گفته شود کشف حجاب موجب حضور زنان در عرصه اجتماع گردید و در پی آن باعث افزایش سطح سواد و معلومات عمومی زنان شد. ممکن است روی آوردن بانوان به مشاغل درمانی و آموزشی را از ثمرات کشف حجاب بیانگارند. در مقابل از لطمات آن نمیتوان غافل بود. دور شدن نسل جدید از نسل قدیم، و اختلاف عمیق بین دو فرهنگ که هر یک دیگری را متهم میکرد؛ همچنین افزایش سطح بیبندوباری به واسطه تبعیت صرف از ظواهر فرهنگی غرب، حاکی از آن است که این حضور با قاعده و ضابطه معینی نبوده است. وگرنه، این همه عواقب سوء بر آن مترتب نمیگشت. اگر کشف حجاب به برداشتن روبنده و نقاب ختم میشد و آنگاه زنان وارد صحنههای مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میشدند شاید نتایج و دستاوردهای دیگری داشت و پس از مدتی فرهنگ کشف حجاب به فرهنگ برهنگی تبدیل نمیشد. ضمن آنکه لازمه افزایش سطح سواد و خصوصاً حضور زن در اجتماع کشف حجاب نبود.

پرداختن به پیامدهای این طرح، مقوله جداگانهای است و فرصت و پژوهشی دیگر را طلب میکند. به خصوص آن که دامنه مباحث را تا به عصر حاضر نیز میتوان کشاند. در فصل بعد، تا جایی که با موضوع کتاب حاضر ارتباط دارد، به گوشههایی از پیامدهای سوء این طرح اشاره میکنیم.

ص: 213

ص: 214

## فصل ششم

### پیامدهای کشف حجاب

کشف حجاب در جامعه مذهبی و سنتی ایران، اثرات عمدهای بر جای نهاد که ارزیابی آن به راحتی امکانپذیر نیست. خصوصاً آنکه همه ابعاد و جنبههای این تأثیرگذاری را نمیتوان به کمیتهای قابل سنجش تبدیل نمود. علاوه بر آن برخی دیدگاهها و داوریها نیز ممکن است چنان بر نتایج این بررسی سایه افکند که نتایج آن را از معیارهای پذیرفتنی عموم محققان دور سازد. اما، به رغم همه این ملاحظات، نمیتوان از پیامدهای این قضیه که بخشهایی از آن اظهر من الشمس است، چشمپوشی نمود.

به طور کلی، اجرای قانون کشف حجاب و گسترش آن نتایج مختلفی به بار آورد. از یک طرف، زنان را از چهاردیواری خانه خارج نمود، آنان وارد عرصه اجتماع شدند، درس خواندند و پس از فراغت از تحصیل به کار در ادارات، یا مراکز بهداشتی، درمانی، فرهنگی و آموزشی پرداختند. بدین ترتیب، آنان توانستند با کاستن از میزان اتکای خود به مرد، استقلال معیشتی خود را باز یابند و نقش موثرتری در ساماندهی زندگی خود ایفا کنند.

همچنین، در جریان این تحولات، فرهنگ مردسالاری نیز به تدریج رنگ باخت؛ تا زن بتواند جایگاهی متناسب با شخصیت خود در اجتماع و خانواده جستجو کند. زن با حضورش در جامعه، خود را در برابر جامعه و مشکلات اجتماعی سهیم یافت و در جهت رفع آن گام برداشت. به زعم طرفداران کشف حجاب، موارد فوق بخشی از پیامدهای این طرح محسوب میشود. ما نیز منکر بخشی از این دستاوردهای مثبت نیستیم. اما این تنها یک روی سکه است. روی دیگر آن چندان دلپذیر نیست.

ص: 215

دستاوردهای مثبتی که طرفداران طرح کشف حجاب بر میشمرند، به تنهایی نمیتوانست کلیت زندگی زن ایرانی را متحول سازد. برای مثال، مفهوم استقلال مالی که البته نیاز مبرم زن ایرانی نبود، بدون رشد معنوی و اخلاقی معنایی نداشت. حضور تعریف نشده و نامتناسب با شئون فطری و شخصیتی زن مسلمان ایرانی در اجتماع و هم در تنهایی نمیتوانست مشکل عقبماندگی تاریخی و اجتماعی جامعه ایران را بر طرف سازد. به خصوص آنکه جریان غربزدگی نیز غلبه یافته بود و این روند، به طور کلی میتوانست تأثیر معکوسی در پی داشته باشد.

یکی از نتایج منفی استقلال مالی آن بود که زنان نقش اصلی خویش را که پرورش کودکان و ساختن نسلهای آینده است، به فراموشی سپردند و کودکان خود را روانه پرورشگاهها و مهد کودکها کردند. بدینسان طبیعی است که جای «مادر» بیش از پیش در زندگی کودک خالی ماند. در جامعه آنچه کمیاب گشت «مادر» بود و آنچه فراوان، خانم «منشی» و خانم «سکرتر» و این خلاء بایستی منجر به ایجاد عقدههای گوناگون در نسلهای آینده میشد که شد. از طرفی خلاء حضور زن در کانون خانواده و لنگرگاه کشتی طوفانزده مرد در عرصه اجتماع منتهی به نابسامانیها و اضطرابها، تنشها و عصیانها و دیگر خصوصیاتی گردید که تأثیرات فاجعهبارش در نسل جوان تا حد زیادی ناشی از همان کمبود عاطفه مادری و چگونگی روابط مادر و پدر و محیط خانواده است.

همچنین، استقلال مالی در زنان غربگرا چون با رشد فکری، و تعمق در مبانی عقیدتی همراه نبود؛ غالباً زن را به صورت موجود بینیازی که حاضر نبود با شوهر خود روابط عاطفی گرمی داشته باشد، در آورد و گاه کار به جایی میرسید که زن خواهان استقلال در روابط جنسی نیز میشد. این مسئله یکی از عوامل افزایش میزان طلاق و جدائی بوده است.

با اینکه انتظار میرفت یکی از اثرات خوب استقلال مالی زن، پیدایش حس اعتماد به نفس در وی باشد، این انتظار هیچگاه در سطح مطلوب برآورده نشد. چرا که، در این حالت گرچه ممکن است زن در مقابل شوهر خود اعتماد به نفس پیدا کند، ولی به علت، تأثیرات ناشی از

ص: 216

فرهنگ انحرافی کشف حجاب و توأم نبودن استقلال مالی با رشد فکری و اخلاقی، این احساس تعمیق نمییافت و در سطح جامعه ثمربخش نبود.

تأثیری که استقلال مالی در مفهوم غربی آن، در بر هم زدن آرامش خانوادههای شرقی داشته است، کاملاً مخالف تأثیری بود که این پدیده در خانوادههای غربی داشت. دورکیم اعتقاد دارد استقلال زن یکی از عوامل مهم همبستگی افراد خانواده است. چرا که شغل زن به او امید و اعتماد به نفس داده، برایش این امکان را فراهم میسازد که با اتکاء به استقلال اقتصادی خود عضو مفیدی برای جامعه گردد و بتواند در اداره خانه و خانواده، بار شوهر را سبکتر گرداند.

گذشته از این، مراد از استقلال اقتصادی زن، تنها داشتن مشاغل اداری و دولتی نیست و نمیتوان ایجاد این مشاغل را با ظهور استقلال مالی و اقتصادی زن یکی دانست. زیرا، قبل از ورود الگوهای غربی که به کشف حجاب انجامید؛ در جامعه ما زنان در شهرها و روستاها از طریق کار در مزارع و یا قالیبافی و ... ضمن اینکه به اقتصاد خانواده کمک میکردند؛ به انجام وظایف مادری و همسری نیز میپرداختند. بنابراین، استقلال مالی چنین زنانی در جهت افزایش همبستگی کانون خانواده بود، نه متلاشی ساختن آن. درآمدش هم در جهت رفاه بیشتر فرزندانش به کار گرفته میشد، نه شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت مادری.

شاید چنین تصّور شود که ما مخالف اشتغال زنان در ادارات و مؤسسات دولتی و یا حتّی خصوصی هستیم. واقعیت این است که اگر اشتغال در این مراکز با حفظ شئونات اسلامی و انسانی و شخصیت زن همراه باشد؛ خصوصاً اشتغال در مراکز علمی آموزشی، فرهنگی، و بهداشتی نه تنها مفید بلکه در مواردی نیز واجب است. اما از آنجا که در زمان پهلوی با رعایت شئونات اسلامی عمداً مخالفت میشد و رعایت حجاب به عنوان اولین گام اساسی در جهت حفظ کرامت و احترام زن ممنوع و حتّی مذموم بود و به عنوان سمبل عقبماندگی و ارتجاع تلقی میشد میتوان چنین نتیجه گرفت که حضور زن در عرصه اجتماع با

ص: 217

کشف حجاب یک حرکت کورکورانه و تقلیدی از غرب و ترکیه و تنها ارضاءکننده تمایلات مستبدانه حاکمان بود و باید گامی در جهت دینستیزی، مذهبزدایی و سنتشکنی که آرزوی دیرینه استعمارگران در جهان سوم نیز بود تحلیل شود.

یکی دیگر از پیامدهای ناگوار کشف حجاب و تشبه به فرهنگ انحرافی غرب، رواج معاشرتهای آزاد دختران و پسران و زنان و مردان بوده است. حتی در زیر لوای امور فرهنگی، ترتیب ارتباط دختران و پسران و زنان و مردان نامحرم با یکدیگر داده میشد و مفاسد جبرانناپذیری نیز به دنبال داشت. این در حالی بود که در کشور ما «زنان تنها در حد ضرورت از خانه خارج میشدند و از آمیزش، مصاحبت و رفاقت با مردان نامحرم اجتناب میورزیدند، ولی با ورود الگوهای غربی در میان قشر غربزده، آمیزش زن و مرد و شرکت فعال زنان در محافل مردان و حتّی در مجالس رقص، پایکوبی، خوشگذرانی، و به خصوص رفاقت دختران با پسران از نظر اجتماعی بلامانع محسوب گردید و در واقع آمیزش آزادانه زن و مرد به عنوان شاخص پیشرفته بودن معروف شد».[(1)](#content_note_218_1) شهید مطهری در کتاب «اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب»، در خصوص انحطاط فرهنگی دنیای غرب به نقل از راسل مینویسد:

چنانکه از کتاب زناشوئی و اخلاق راسل بوضوح بر میآید، کم کم در خود غرب نیز از نظر اخلاق جنسی الگو این شده است که پسران و دختران قبل از ازدواج از معاشرتهای لذتبخش آزادانه جنسی بهرهمند باشند و تأخیر امر ازدواج نیز مانعی در این راه بشمار نیاید. زن و مرد میتوانند علاوه بر همسر قانونی، معشوقه های فراوانی داشته باشند و نهایت اینکه زن موظف است در حین آمیزش با عشّاق خود از داروی ضد آبستنی استفاده نموده و مانع پیدایش فرزند گردد و هر گاه تصمیم گرفت صاحب فرزندی شود الزاماً باید آن فرزند از همسر قانونیش باشد و

ص: 218

1- نقوی، علیمحمد؛ جامعه شناسی غربگرایی، ج ٢، صص ٦٥ . ٦

خلاصه اینکه اگر آمیزش جنسی با فرزندزائی همراه نباشد بلا مانع است. [(1)](#content_note_219_1)

در واقع، این فلسفه خود راسل نیز هست که در کتاب زناشوئی و اخلاق بدان اشاره کرده و مینویسد: «روابط جنسی فقط هنگامی مسأله اجتماعی محسوب میشود که طفل بوجود آید و از این رو عشق بدون بچه آزاد است».[(2)](#content_note_219_2) شهید مطهری در ادامه این مطلب، فلسفه آزادی جنسی در غرب را مورد انتقاد قرار میدهد:

فلسفه عمده غرب و طبیعتاً غربگرایان در مسأله آزادی جنسی این است که آتش میل و رغبت بشر در اثر منع و محدودیت فزونی مییابد و مشتعلتر میگردد و در اثر اشباع و ارضاء کاهش مییابد و آرام میگیرد برای انصراف بشر از توجه دائم به امور جنسی و جلوگیری عوارض ناشی از آن، راه صحیح این است که هرگونه قید و ممنوعیتی را در این راه از جلو پایش برداریم. البته تردیدی نیست که سرکوب کردن غریزه عوارض نامطلوبی را بدنبال دارد و از همین جهت در جامعه اسلامی این نظر هیچ وقت مورد تشویق قرار نگرفته، ولی تجربه یک قرن غرب و محافل غربزده شرق ثابت نموده است که برداشتن تمام محدودیتها و هرج و مرج جنسی عوارض نامطلوبتری را در پی دارد و بجای گشودن عقده ها، موجب ایجاد عقدههای تازهتری میگردد و زندگی اجتماعی را کاملاً مختل میکند. در اینگونه جوامع بیبندبار، آمار بیماریهای روانی، دلهرهها، جنونها، خودکشیها، اضطرابها، جنایت و قتل و حسادت و کینه ها به مراتب بیشتر بوده است. [(3)](#content_note_219_3)

در ایران نیز نمونههای فراوانی از این دست به چشم میخورد. در مجله مکتب اسلام، مقالهای تحت عنوان تهران و محرومیت جنسی به عنوان درد بزرگ قرن بیستم، به نقل از روزنامه اطلاعات، 19 مرداد

ص: 219

1- راسل، برتراند؛ زناشویی و اخلاق؛ ص ١٢٢ ، به نقل از: نقوی، همان جلد، ص . ٦٥

2- راسل، همان، ص ١٢٢ ، به نقل از: نقوی، همان جلد، ص . ٦٥

3- مطهری، مرتضی؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب

1339 مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. در قسمتی از گزارش روزنامه اطلاعات آمده است:

با اعدام جوانی که به جرم قتل خواهر زادهاش چوبه دار را بوسید زنگهای خطر بصدا درآمد و قیافه ”نا زیبای محرومیت جنسی“ درد بزرگ قرن بیستم، از پشت این حادثه جلوهگر شد.

گویا گزارشگر علت این قتل و جنایت را محرومیت جنسی میداند ... (اما) اگر کسی به اوضاع کنونی اجتماع تهران آشنا باشد خواهی و نخواهی متوجه این نکته است که امروزه چیزی که وجود خارجی ندارد همان محرومیتهای جنسی است، بلکه آزادی و بی قیدی که امروزه میان جوانان اجتماع ما موجود [است] تاکنون سابقه نداشته است. آری امروز در تهران درهای مراکز فساد بر روی هر کسی اعم از فقیر یا غنی باز بوده است هر کسی به اندازه امکانات مادی خود از این سفره گسترده بهرهمند میگردد. آری امتیاز و اختلافی اگر وجود داشته باشد مربوط به اختلاف در کیفیت بهرهبرداری از این مراکز فساد است! پس این محرومیتهای جنسی در کجای تهران وجود دارد؟ در شهری که دامنه فساد اخلاق و شکستهای معنوی آن از حد و حساب بیرون رفته و هر روز، هر ساعت بعنوانی تازه وسائل شهوترانی در آنجا فراهم میشود. آیا کمال بیشرفی نیست که کسی از محرومیتهای جنسی ناله کند و بگوید: «درد بزرگ قرن بیستم یعنی محرومیت جنسی!...». [(1)](#content_note_220_1)

ما در صدد آن نیستیم که همه عواقب سوء را به کشف حجاب نسبت دهیم و بگوییم قبل از کشف حجاب در جامعه مفاسدی وجود نداشت. اما واقعیت این است که کشف حجاب مفاسد را گستردهتر و علنیتر ساخته، به طوری که قبح مفاسد را از آن گرفت و شکلی تقریباً عادی، بدان داد.

اگر گفته شود قبل از کشف حجاب اختلاف فراوانی از لحاظ حقوقی بین زن و مرد وجود داشت و در سایه کشف حجاب زنان از حقوق

ص: 220

1- مکتب اسلام، شماره دهم، سال دوم، آبانماه ١٣٣٩ ، صص ٥٣ ٥

مساوی با مردان برخوردار شدند؛ واقعیت این است که روند نوگرایی در ایران به این سمت در حرکت بود و کشف حجاب این روند را شتاب بخشید. اما به قول نویسنده کتاب آزادی یا اسارت زن: «امروزه هر چند از لحاظ حقوقی تفاوت چندانی بین زن و مرد وجود ندارد و بر اساس قوانین موجود میتوان گفت زن و مرد مانند هم مساوی هستند ... لیکن ما معتقدیم که گروهی از زنان امروز نه تنها بصورت همان کالای جنسی سابق باقی ماندهاند، بلکه فکر و روح و خواستهای آنها نیز به بازی گرفته شده است. یعنی حتّی مانند گذشته تنها وسیلهای برای ارضای تمنیات شوهر خود نیستند بلکه در ارضای تمنیات دیگران نیز مؤثر شدهاند، زیرا آنها مصرف کننده خوبی برای مصرف کالاهای لوکس هستند. گذشته از آن وسیلهای برای تبلیغ و فروش کالاهای تجارتی شدهاند و به آنها چنین تلقین شده است که برای کسب محبوبیت بیشتر هر طور که شده زیباییهای خود را در معرض دید نگاههای خریدار، قرار دهند، و این تصوری است که از آزادی در ذهن آنها ساخته شده، در حالیکه فقط آزادی جنسی یا اقتصادی برای زن آزادی واقعی نیست بلکه آزادی ریایی و دروغین است و همین اندیشه غلط، زن را به نمایشی شدن بیشتر و کالا شدن او کشانده است. زیرا که رسانههای گروهی و به ویژه مجلات زنانه، چنین نقش عروسکی را برای زن میآفرینند و زن بجای رسیدن به نقش انسانی، دچار دهنبینی فرهنگی شده است و تلقین صاحبان کالا که تنها به فروش محصولات و سود بیشتر خود میاندیشند، بر وی اثر نهاده و با چشم و همچشمی با زنان دیگر در خرید این محصولات مسابقه گذاشته و خود در خدمت فروش هر چه بیشتر از این کالاها درآمده است، چنانکه صاحبان کالاها نیز با استفاده از زن برای تبلیغات خود، وی را بصورت کالائی نمایشی با نقشی بی ثمر و ریایی به

ص: 221

بازار عرضه کردهاند».[(1)](#content_note_222_1)

بیان این نکته نیز ضروری است که در گذشته همه زنان جامعه ما به سوی فرهنگ انحرافی کشف حجاب جذب نشدند و گروه زیادی از آنها مقاومتهای بینظیری از خود نشان دادند که قبلاً به نمونههایی از آن اشاره گردید. اما از آنجا که گروه اقلیت در این راستا حرکت کرده، تمامی امکانات تبلیغی از طریق رسانههای گروهی و نیز از پشتیبانی اقتصادی و سیاسی رژیم برخوردار بودند فرهنگ انحرافی آنها در سطح وسیعی خود را به نمایش گذارده بود.

همین دسته اقلیت بودند که به عنوان زنان ایرانی مورد توجه دستگاه پهلوی واقع شدند و بقیه جایگاهی نداشتند. به طوری که اشرف پهلوی به عنوان رهبر این دسته در مصاحبهای با نشریه اطلاعات بانوان «از شور و اشتیاق و ولع عجیبی که برای پیشرفت و ترقی دارند» اظهار رضایت و خوشبختی میکند. همچنین از اینکه «در دانشگاه [دختران] در کنار پسران درس میخوانند» و نیز از اینکه «خانمهای ایرانی چیزی از خارجیان کم ندارند». [(2)](#content_note_222_2)

اگر چه پیامدهای سوء کشف حجاب بیشتر در بعد فرهنگی و اقتصادی خود را نشان میدهد؛ اما هدف نهائی رژیم پهلوی تثبیت پایههای حکومت خویش بود و تلاشهای فرهنگی رژیم در این راستا در باطن امر شکلی سیاسی داشت به همین علّت استبداد داخلی و استعمار خارجی به واسطه آنکه نسل جوان و کارآمد را که در برابر ناملایمات اقتصادی و سیاسی زودتر عکسالعمل نشان میدهد و دست به قیام میزند، از تحرک بیاندازند؛ به تخدیر افکارش دست یازیدند و زنان بیحجاب و فرنگیمآب بهترین و نزدیکترین وسیله این تخدیر بودند که مورد توجه استعمار و استبداد قرار گرفتند. دولت استبداد به جهت آنکه چند صباحی بیشتر حکومت کند و حتی براثر تبلیغات، حکومت خود را افسانهای جلوه دهد و کسی به دنبال سرنوشت سیاسی کشور نباشد و استعمار نیز

ص: 222

1- قائم مقامی، فرهت؛ آزادی یا اسارت زن؛ ص ٦٣ به بعد.

2- اطلاعات بانوان، شماره ٩١ ، دوشنبه، ١٥ دی ماه، . ١

برای آنکه بتواند راه تسلط سیاسی اقتصادی خود را هموار سازد به این وسیله متشبث گردید. چرا که اگر فرهنگ حجاب به صورت رسمی حاکم میگردید؛ از آنجا که زنان محجبه در تاریخ معاصر ایران سابقه مبارزات درخشانی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی داشتند و هم استبداد و هم استعمار نمیخواستند آن حوادث مجدداً تکرار شده و زن با حجاب به عنوان موجودی که محرک مردان در راه مبارزه و کسب استقلال سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشور بوده است، بار دیگر مطرح گردد. اما اینک زیر پوشش بیحجابی و فرهنگ مبتذل آن میتواند مخدر افکار استقلالطلبانه و آزادیخواهانه مردان باشد. به همین سبب در پیشبرد فرهنگ کشف حجاب هم استبداد داخلی و هم استعمار خارجی و بیشتر در دوره پهلوی دوم از طرق مختلف خصوصاً رسانههای گروهی و بالاخص تلویزیون و سینما تلاش میکردند.

در مجموع، در میان آثار و پیامدهای سوء کشف حجاب، پیامدهای اجتماعی فرهنگی این قضیه چشمگیرتر و مهمتر است. چرا که تا فرهنگ یک جامعه دگرگون نشود راه برای تسلط سیاسی اقتصادی بر آن جامعه هموار نخواهد بود. در ادامه مطلب، با توجه به آنچه گفته شد پیامدهای کشف حجاب را به صورت مجزا مورد بررسی قرار میدهیم. نظر به اهمیت بعد اجتماعی و فرهنگی این قضیه در ابتدا به این بعد و آنگاه به نتایج اقتصادی و سپس به پیامدهای سیاسی کشف حجاب اشاره میکنیم.

### پیامدهای اجتماعی و فرهنگی کشف حجاب

در نظر طرفداران و داعیان این طرح، آثار اجتماعی و فرهنگی کشف حجاب بسیار مثبت است. از نظر آنان، «نخستین تأثیر]مثبت[ اجتماعی

ص: 223

این نهضت آشنا شدن بانوان به اصول زندگی امروز و اشتغال آنها به تحصیل فنون و علوم و حضوردرانجمنها و کنفرانسها]است[» [(1)](#content_note_224_1)

هر چند نمیتوان منکر تحول نقش زن در اجتماع یکنواخت آن روز شد. اما نکتهای که در خور مداقه است و جای سؤال ایجاد میکند این است که زن وارد چه اجتماعی شد؟ مگر قبلاً در اجتماع به سر نمیبرد؟ با اندک تأملی معلوم میشود که زنان وارد اجتماع مردان شدند، وگرنه از قبل که در اجتماع خود به سر میبردند. باز این سؤال مطرح میشود که تا چه اندازه ورود زنان به اجتماع، حیثیت و شرافت زن را تأمین کرد یا تهدید کرد؟ تا چه اندازه زنان توانستند به عنوان نیمی از پیکره اجتماع، نقش حقیقی خود را به عنوان مربی ایفا نمایند؟ و آیا ضابطهای برای این حضور در نظر گرفته شد؟ اگر پاسخ مثبت است چه ضابطهای؟

اگر در ابتدا، حدود و مقرراتی از طرف بانیان و مجریان طرح در لفظ بیان میگردید، پس از مدتی، از لحاظ لفظی هم بدان وقعی ننهادند. در واقع زنان را به اسم تجددطلبی و نوگرایی وادار کردند، تا هر چه که بوی دیرینگی میداد، اگر هم مثبت بود به اسم کهنهگرایی و ارتجاع با آن به مبارزه برخیزند و هر چه بوی تجدد و نوگرایی میداد، ولو منفی بود، پذیرا شوند. بنابراین، نتیجه آن شد که روز به روز فاصله ایجاد شده بین نسل جوان و فعال اجتماع، با جامعه مذهبی و سنتی، افزایش یابد. این فاصله ایجاد شده نوعی تنش و تضاد را ما بین نسلی که حجاب رها کرده و نسلی که حجاب را مقدس میدانست ایجاد کرد.

آن دسته از زنان و دختران که حجاب را به اسم ترقی و تجدد رها کردند، در واقع بین خود و نسل گذشته و نسل فعلی که به حفظ آداب و رسوم جامعه خود مقید بودند، سدی ایجاد کرده و روز به روز قطر این سد افزایش یافت. اینان از یکسو، نسل مقید به حجاب را «امل، عقبمانده و مرتجع» مینامیدند و از سوی دیگر، حافظان حجاب، آنان

ص: 224

1- روزنامه ایران، شماره ١٨ ، دی ماه . ١٣

را بیدین و لامذهب خطاب میکردند.

به همین علّت، روز به روز این فاصله در فکر و در عمل بیشتر شد. نسل جدید به هرچه که رنگ و بوی گذشته داشت پشت پا میزد و به هر چیز نو، عشق میورزید و آن را ترقی و تمدن میپنداشت. گمشده اینان در جهان غرب بود؛ و گرایش آنان به فرهنگ و تمدن و در حقیقت به مظاهر غربی باعث شد تا جامعه آنان را عامل بیگانه شمرده و هیچ الفتی با آنان پیدا نکند. این نسل جدید و تجدد خواه اوقات فراغت خود را بیشتر در سینماها و سالنهای نمایش میگذارند تا خلاء ناشی از عدم پیوستگی با جامعه دیرینش را که وی را به نحوی آزار می داد، پر کند.[(1)](#content_note_225_1)

متأسفانه این فیلمها طوری ساخته شده بود که این شکاف را عمیقتر میساخت و ضایعات خاص خود را نیز به دنبال داشت. در این فیلمها از وجود زنان برای انحراف نسل جوان استفاده میشد. اساس اکثر این فیلمها «بر مبنای جالب بودن زن از نظر تحریک غریزه جنسی» بود.[(2)](#content_note_225_2) پس از کشف حجاب، امکان ارضاء غرایز جنسی به نحو چشمگیری فراهم شد و به نقل از روزنامه تایم «شمار زنان شوهردار تقلیل یافت ولی بر شمار زنان منحرف ایرانی افزوده گشت». [(3)](#content_note_225_3)

بنابراین، سست شدن بنیان خانوادگی و پیوندهای زناشویی و در نتیجه افزایش میزان طلاق و در پی آن، گسترش فساد و فحشا، بیبند و باری، عدم مسئولیتپذیری، بحرانهای اخلاقی و روانی، از بین رفتن امنیت ناموسی در اجتماع به واسطه ارتکاب جنایات عشقی و جنسی، از دیگر پیامدهای[(4)](#content_note_225_4) منفی کشف حجاب است.

ص: 225

1- رزاقی، احمد؛ عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن، ص ١٩١ به بعد با دخل و تصرف.

2- دخل و تصرف. ٢. مجله سپیده فردا، ارگان دانشسرای عالی، شماره های ١٠ ٩؛ سال هفتم، خرداد و تیرماه، . ١٣

3- نوری اسفندیاری؛ رستاخیز ایران، به نقل از روزنامه تایم، ٢٥ آوریل، ١٩٣٨ اردیبهشت ١٣١٧ ، ص . ٧

4- طرح پیامدهای منفی اجتماعی کشف حجاب به منزله آن نیست که قبل از رسمیت یافتن کشف حجاب چنین مسائلی وجود نداشته است؛ بلکه بیان این نکته است که قضیه کشف حجاب راه را برای اشاعه فرهنگ برهنگی باز کرد و بعد از آنکه

افزایش میزان طلاق که نشأت گرفته از تفکر و فرهنگ انحرافی غرب بود در ایران نیز اثر خود را گذارد. به طوری که ایران در سال 1355 به نقل از روزنامه رستاخیز در ردیف چهارمی طلاق در جهان قرار گرفت. این در حالی بود که به نسبت جمعیت شهری و روستایی، اکثریت میزان طلاق با جامعه غربزده شهری بود که از این میزان 68% از طلاقها در بین سنین 20 تا 35 سال به وقوع پیوسته است.

در پیشبرد و گسترش پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی کشف حجاب نقش رسانههای گروهی را نباید نادیده انگاشت. به طوری که، تلویزیون و سینما به دلیل ترسیم و تفهیم زندهای از مسائل مختلف انحراف برانگیز، نقش اول را دارا بودند. روند در پیشگرفته منفی این وسایل ارتباط جمعی تا بدانجا بود که حتی بعضی از اولیای امور و سران قوم نیز به فریاد آمدند و به اعتراض برخاستند.

یکی از وکلای مجلس شورای ملی در قسمتی از نطق خود در جلسه 398 مجلس به نقش تخریبی رادیو و تلویزیون چنین اشاره کرده است: «در تلویزیون فیلمی را دیدم که از بچههای خود خجالت کشیدم و تلویزیون را بستم» [(1)](#content_note_226_1)و یا یکی از سناتورهای مجلس سنا چنین گفت:

چند شب قبل برای دیدن یک فیلم تاریخی به سینما رفته بودم اما آن فیلم را عوض کرده بودند و با منظره واقعاً زنندهای روبرو شدم، این فیلم کاملاً منافی عفت بود و سالن پر بود از پسران و دختران جوان بنده خیلی ناراحت شدم بطوریکه نتوانستم در سالن بمانم این فیلمها پسران و دختران را علناً منحرف و وادار به فساد میکند.[(2)](#content_note_226_2)

ص: 226

1- مکتب اسلام، شماره ٨، سال دوم، . ١٣

2- مکتب اسلام، شماره ٨، سال دوم، . ١٣

این سرانجام زنان و مردانی است که با اصلاحات رضاخان وارد صحنه اجتماع شده و طبق برنامه اصلاحات میبایست دوشادوش هم برای سازندگی و پیشرفت ایران تلاش کنند. اما نتیجه آن شد که وقت گرانبهای خود را با دیدن فیلمهایی که حتّی سران قوم را به وحشت افکنده، صرف کنند. در واقع اینان برای گردانندگان اصلی سینما وسیله جلب منفعت شدند و برای جلب این منفعت و خالی کردن جیبهای این قشر تجددطلب، از صحنههای پرحادثه هیجانانگیز، رقص و آواز و ... فیلمبرداری کرده و از طریق متخصصین فن انتخاب و به نمایش میگذارند؛ تا هر چه سریعتر حجب و حیاء و پردهای را که بین زن و مرد از قبل وجود داشت بدرند و ثمرات آنرا به اسم تجدد فرهنگی و اجتماعی به بار بنشانند.

### پیامدهای اقتصادی کشف حجاب

تا قبل از کشف حجاب زن ایرانی با توجه به هنری که داشت در محیط خانه ضمن انجام دادن وظایف خانهداری، در اوقات فراغت به بافتن قالی، گلیم، جوراب و ... میپرداخت [(1)](#content_note_227_1) و از این راه تا حدودی اقتصاد منزل را سر و سامان میبخشید. بعد از کشف حجاب، به دلیل تغییر در بافت اجتماعی فرهنگی جامعه نوع شغلها نیز دگرگون شد. مشاغلی چون معلمی، منشیگری، پرستاری از جمله شغلهای مورد تقاضای زنان تحصیلکرده در خارج از منزل بود.

با توجه به ادعای طرفداران این طرح، کشف حجاب باعث شد که «یک نقص بزرگ که عاطل و بیکار ماندن قسمتی از بانوان و دوشیزگان بود بر اثر این نهضت مقدس بر طرف گردید و عده زیادی از ایشان در مؤسسات مختلفه تجارتی و صنعتی و غیره به کار اشتغال جسته به تأمین

ص: 227

1- هدایت، خاطرات و خطرات، صص ٤٠٨ ٤

معاش خود و کمک به خانواده و اجتماع خویش موفق شدند». [(1)](#content_note_228_1)سؤالهایی که در اینجا مطرح میگردد این است که آیا حضور زنان با آن وضعیت در مؤسسات تجاری و اداری و ... به نفع اخلاق عمومی اجتماع و خانواده تمام شد؟[(2)](#content_note_228_2) آیا سرمایهداران و صاحبان کالا از قوه جذابیت و ظرافت زن جز برای پرکردن جیب خود استفاده کردند؟ نفع حضور زن و اشتغال وی در بیرون از خانه خصوصاً در مؤسسات تجاری نصیب چه کسانی گردید و در مقابل این سوددهی برای صاحبان کالا، چه چیزی به نمایش گذارده شد؟ جز زیبائی و جسم زن؟ به قول گزارشگر روزنامه رستاخیز، تعدادی از زنان که ظاهراً به عنوان پیشخدمت یا گارسون و باطناً برای جلب مردان مجرد و پولدار در کابارهها و بارها به استخدام در میآیند، نقش تونل ارتباطی را دارند که پول را از جیب مشتری از همه جا بی خبر به صندوق صاحبان ثروت و منفعتپرست این مراکز میبرند.[(3)](#content_note_228_3)

به نقل از قائم مقامی:

شرکتهای تجاری و تولیدی از یک طرف، برای فروش کالاها از زنان استفاده [میکنند] و از طرفی زنان نیز برای فروش کالاها به سطح کالا، تنزل پیدا کردهاند. نظام مصرفی در مجلات پر زرق و برق خود، نوع بخصوصی از آزادی جنسی را عرضه میکنند و به زنان یاد میدهند که چگونه خود را در بستهبندیهای مختلف فانتزی و سکسی بپیچند و آنها را تشویق میکنند که خود، کار کنند تا بتوانند قیافه و بدن خود را به نحو احسن تجارتیاش، به بازار ارائه دهند ... سرمایهداری زنان را بصورت مضحکههای نمایشی در آورده و آنان را بصورت عروسکهای زینت شده به فروش میرساند، بطوریکه از یک طرف زن احساس آزادی میکند

ص: 228

1- روزنامه ایران، شماره ١٨ ، دی ماه . ١٣١٥

2- رجوع شود به مقاله مهین یکتایی در رستاخیز، شماره ١١٢ ، سه شنبه ١ دی ماه، در ارتباط با اثرات منفی حضور زنان « خانمهای اداری این آزادی نیست » تحت عنوان در ادارات دولتی و شرکتهای تجاری

3- ١٣ اسفند . ١٣٥٤ ، ٣. روزنامه رستاخیز، شماره ٢٥٥

و از طرفی دیگر دائماً در انقیاد یک فرهنگ مصرفی در یک جامعه بازاری تحقیر میگردد ... نظام بازاری زن را برای از بین بردن معنویتها و احساسات و عظمتها و حماسهآفرینیها که بنیان چنین نظامی را تهدید میکرده بکار گماشت بدین گونه زن بصورت وسیلهای در استخدام اهداف اقتصادی و فرهنگی و نابود کردن ارزشهای معنوی و اخلاقی و تبدیل جامعه سنتی به یک جامعه ناسالم مصرفی درآمد. [(1)](#content_note_229_1)

اکثر زنانی که پس از رفع حجاب فرصت یافتند در اجتماع وارد شده و شغلی انتخاب نمایند پیش از آنکه شغلی تولیدی را برگزینند و در جهت تولید مثمر ثمر گردند وارد شغلهای ظاهراً خدماتی شده و در جهت تشویق جامعه به مصرف، آنهم مصرف کالاهای ساخت بیگانه و کالاهای لوکس کوشیدند. زن هنرمند ایرانی که هنر از دستانش میبارید و به اقتصاد کشور نیز کمک شایانی میکرد هنر گرانبهای خود را صرف خودنمایی برای به نمایش گذاردن مدهای مختلف و انواع و اقسام لوازم آرایشی وارداتی ساخت که از کوچه و خیابان گرفته تا محل کار حوزه نفوذ خود را میگستراند. این در حالی بود که مدعیان بیحجابی و طرفداران رفع حجاب معتقد بودند: «یکی از نتایج رفع حجاب بروز یک انقلاب بزرگ در طرز آرایش و لباس پوشیدن زن ایرانی بود که بعدها در اقتصاد و تجارت کشور اثرات مهمه بر جای گذاشت و سیل انواع جدید واردات را به کشور سرازیر کرد» [(2)](#content_note_229_2)

پیامدهای این واردات چیزی جز ویران کردن اقتصاد کشور از یک طرف و انحطاط اخلاق عمومی از طرف دیگر نبود. روزنامه اطلاعات تنها گوشهای از انواع و اقسام این لوازم وارداتی و لوکس را که ظرف یکسال از طریق اداره کل نظارت بر مواد خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی اعلام گردیده، در گزارش خود چنین آورده است:

ص: 229

1- قائم مقامی، همان، صص ٥٩ ٥٨

2- زن روز، شماره ٤٠٥ ، یازدهم دی ماه . ١٣٤٤

ارقام قابل توجه وارداتی کشور تنها به مواد خوراکی اختصاص نیافته است بلکه ورود انواع لوازم و مواد آرایشی از کشورهای مختلف نیز جای مخصوص به خود دارد و رقمهای بسیار درشتی را نشان میدهد:

تنها در ظرف یکسال 210 هزار کیلو مواد و لوازم آرایش از قبیل ماتیک، سرخاب، کرم، پودر، سایه چشم برای مصرف خانمها وارد شده است از این مقدار 181 هزار کیلوگرم آن انواع کرم بوده است.

این روزنامه در دنباله گزارش خود میافزاید:

در این مدت 1650 قوطی کرم و 2500 دوجین پودر صورت و 4604 عدد روژ لب، 280 عدد سایه چشم و 2400 خط چشم را نیز باید بدان اضافه کرد.

این تنها نمونهای از سیل انواع و اقسام لوازم آرایشی وارداتی است که از طریق مجاری رسمی اعلام شده بود. قطعاً از طریق مجاری غیر رسمی سیل این واردات کمتر نبوده است. همراه با ورود این کالاها در روزنامهها و مجلات از وجود زنان برای تبلیغ این کالاهای تجملی استفاده میکردند. رادیو، تلویزیون نیز در این امر سهم به سزایی داشتند که تشبه به غرب و زن غربی را در تبلیغ کالاهای وارداتی و انواع و اقسام لوازم آرایشی به نمایش میگذاشتند. به قول یکی از جامعهشناسان معاصر «وسایل ارتباط جمعی ما الگویی از زن غربی را در برابر ما گذاشتهاند که مبتذلترین نوع آن میباشد آنچه ما از زن غربی و روند زندگی او میدانیم در اطلاعاتی راجع به مد و هنرپیشگان فیلمهای

ص: 230

تلویزیون و سینما که در ترویج فساد و در هم ریختن پایههای اخلاقی جامعه نقش مؤثری دارند، خلاصه میگردد». [(1)](#content_note_231_1)

زن از حجاب به در آمده، روز به روز سعی میکرد خود را به سبکی بیاراید که به اصطلاح مد آن روز نامیده میشد و دائماً نیز در حال تغییر مد بود تا او را امل و مرتجع نخوانند. او دیگر اوقات فراغت خود را در خانه به بافندگی اختصاص نمیداد. چرا که از لحاظ ظاهری بهتر و زیباتر از آن، برایش وارد میکردند و یا در داخل از طریق کارخانههای مونتاژ میبافتند. اوقات فراغت را برای انتخاب و دستیابی به آخرین مد در خیابانها و در مغازههایی که این لوازم را در زیر نور خیرهکننده به نمایش گذارده بودند صرف میکرد و درآمد حاصله از کار خود و همسرش را به جیب صاحبان سرمایه میریخت. در مقابل این سیل خریدار که روز به روز، بر تعدادش افزوده میشد؛ به تعداد فروشگاهها و نمایشگاههای آخرین مد افزوده میگردید و زن ایرانی را برای مصرف هر چه بیشتر بدانجا فرا میخواند.

جالب توجه است که مدعیان کشف حجاب اینگونه مصرف گرائی را مترادف با ترقی و پیشرفت زن ایرانی محسوب میکردند. مجله زن روز در شماره دی ماه خود پیرامون کشف حجاب ضمن اشاره به این دستاوردهای ناشی از رفع حجاب مینویسد:

اگر رفع حجاب نشده بود امروز نه این همه سالن زیبایی در ایران بود و نه کسی میدانست طرز استفاده از مژه مصنوعی و رنگ پشت چشم از چه قرار است. [(2)](#content_note_231_2)

این مجله در جای دیگر، با اشاره به این که برخی از تغییر و تحولات اجتماعی پیامدهای منفی اقتصادی داشت، مینویسد: «در دی ماه 1316 یعنی دو سال بعد از کشف حجاب رنگ زندگی و شکل آن کاملاً عوض

ص: 231

1- . قائم مقامی، فرهت؛ آزادی یا اسارت زن، صص ٥٩ . ٥٨

2- زن روز، همان.

شد و چیزی نگذشت که رقص هم در مجالس و محافل متداول گردید و عدهای از جوانها با خانمهایشان در رستوران کاناری و پارس (واقع در لاله زار و چهار راه اسلامبول) با ارکستر خارجی میرقصیدند». [(1)](#content_note_232_1)

این بود چهره زنی که میخواست وارد بازار تولید شود. قطعاً پیامدهای اقتصادی این مجالس و محافل صرف نظر از پیامدهای اجتماعی و اخلاقی آن، ایجاد و گسترش بازار مصرف کالاهای لوکس غربی بود. با توجه به عدم کیفیت بعضی از محصولات داخلی در مقابل انواع خارجی آن و نیز همراه و همگام نبودن آن با مد روز، شعار استفاده از کالاهای ساخت وطن هم رونقی نداشت. آنچه رونق یافت بازار ورود کالاهای تجملی و لوکس بیگانگان و گسترش فروشگاههای فروش لوازم آرایش بود. به همین علت پس از چندی که از کشف حجاب گذشت شمار مغازههای مخصوص فروش لوازم آرایش در تهران به 180 مغازه رسید که هر کدام روزانه به طور متوسط هزار تومان فروش داشتند و این تعداد به جز چند فروشگاه بزرگ در این شهر بود که روزانه ده هزار تومان وسایل و لوازم آرایشی میفروختند.

با یک حساب ساده میتوان گفت تنها در تهران روزانه حداقل دویست هزار تومان لوازم آرایش از این فروشگاهها خرید و فروش میشد. البته این مقدار جدا از خریدهایی بود که خانمهای ایرانی در کشورهای خارجی انجام میدادند. [(2)](#content_note_232_2)

علت این پیامدهای منفی اقتصادی را ابتدا باید در دور شدن منادیان رفع حجاب از ادعاهای اولیه آنها جستجو کرد و آنگاه، به سراغ دیگر افراد جامعه و استقبال آنان از سیر اینگونه کشف حجاب رفت.

مجله زبان زنان که زمانی سازماندهنده امر کشف حجاب بود و در مقالات خود از زبان افراد سرشناسی که خود از پیشگامان کشف حجاب بودند، زنان ایرانی را به تلاش برای کمک به اقتصاد خانواده و نقش

ص: 232

1- زن روز، همان.

2- قائم مقامی، همان، ص . ٢

مثبت زن در پیشبرد آن تشویق میکرد و آنان را به مصرف کالاهای ساخت وطن، به جای کالاهای وارداتی خارجی ترغیب میکرد؛ بعد از مدتی تغییر روش داد و بخش عمدهای از آگهیها و اخبار خود را به تبلیغ دستورالعملهای آرایشی زنان و آخرین مد و نوع آرایش روز اختصاص داد. این دستورالعملها را از نشریات غربی و متخصصین فن[(1)](#content_note_233_1) اخذ میکردند تا زنان ایرانی در شیکپوشی از خواهران غربی خود عقب نمانند. با این همه، چندان تعجب آور نبود که زن ایرانی پس از مدتی به سراغ تنظیم کردن بدن خود براساس ریتم و لباس و آرایش غربی برود!

مجله سپید و سیاه در شماره سال 45 خود گزارش میدهد: «امسال بیش از یک میلیون و چهار صد هزار تومان برای جراحی پلاستیک بینی توسط خانمها خرج شده است». [(2)](#content_note_233_2)

البته این پیامدهای منفی نه تنها از لحاظ اقتصادی برای کشور زیانآور بود، بلکه نابههنجاریهای اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی هم به دنبال داشت و ضربه آن نصیب فرهنگ و اخلاق اجتماع نیز گردید.

به هر حال، برخی ویژگیهای مثبت طرح، مانند روی آوردن زنان به شغلهای پرستاری و معلمی که بعد از قضیه کشف حجاب گسترش یافت، در مقایسه با استفاده تجاری و نمایشی از حضور بیضابطه زن در اجتماع عصر پهلوی نباید موجب نادیدهگرفتن پیامدهای منفی این طرح غیر عقلانی ضددینی در جامعه ایران گردد. هر چند این دو شغل مقدس آموزگاری و خصوصاً پرستاری مصرف کالاهای لوکس را به دنبال داشت و قسمت زیادی از درآمد حاصله از کار زنان در این شغل را صرف این کالاها میکرد، ولی گسترش نقش اقتصادی و اجتماعی زنان در این زمینهها غیر قابل انکار است.

ص: 233

1- زبان زنان، شماره اول، سال ٢٤ خرداد ماه، ١٣٢٣ . در ارتباط با مقایسه اهداف اولیه این مجله مراجعه شود به: شیخ الاسلامی؛ زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایرانی، از ص ٩٨ به بعد. ٢

2- رزاقی، پیشین، ص .

در مجموع، پیامدهای منفی اقتصادی رفع حجاب از پیامدهای مثبت آن، به مراتب سنگینتر بود. اگر حدود و مقررات شرعی و عرفی در این روابط رعایت میشد و اگر زن از حجاب درآمده ایرانی به دامان حجابهای دیگر نمیافتاد و اگر بیش از مصرف و یا در حد مصرف، به تولید میپرداخت، با حضور خویش در اجتماع میتوانست در پیشبرد اقتصاد کشور و خانواده بیش از گذشته مفید واقع شود؛ اما متأسفانه بیشتر، مصرف کننده شد تا تولید کننده، آنهم مصرف کننده کالاهای لوکس خارجی نه کالاهای ساخت وطن.

شعار اولیه داعیان کشف حجاب، از لحاظ اقتصادی نیز پیش از آنکه مفید فایده گردد پس از مدتی خصوصاً پس از استقرار کامل رژیم پهلوی دوم، مضرات خود را به نمایش گذارد و نیمی از پیکره اجتماع را که قبلاً در بخشی از چرخه تولید خانواده مولد بود، وارد بازار مصرفی کرد و از چرخه تولید حذف نمود.

### پیامدهای سیاسی کشف حجاب

هر چند زنان ایرانی تا قبل از کشف حجاب، در ظاهر همچون مردان دارای حقوق سیاسی مشابهای نبودند و نهضت مشروطیت نیز چنین امتیازی را به آنها اعطاء نکرد؛ اما در جریانات [(1)](#content_note_234_1)مختلف سیاسی که پای استقلال و آزادی کشور در میان بود، فعالانه حداقل در تهران شرکت داشتند. پس از کشف حجاب نیز زنان تا مدت مدیدی به حقوق سیاسی قابل مقایسه با مردان دست نیافتند. تنها در دهه چهل بود که حکومت پهلوی، در راستای جریان اصلاحات آمریکایی در ایران، مأموریت یافت تا از طریق دست بردن در برخی از مقررات مربوط به انجمنهای ایالتی و

ص: 234

1- از جمله در واقعه رژی (تحریم تنباکو )، انقلاب مشروطیت و مبارزه با دولت استبدادی محمدعلی شاه و نیز در ماجرای اولتیماتوم ١٩١٩ روس به ایران مبنی بر خروج شوشتر از این کشور. پیامدهای کشف

ولایتی و در پوشش اعطای حق رأی به زنان، در واقع، به تضعیف موقعیت مذهب و روحانیت و تقویت فرهنگ بیگانه و گسترش بیبند و باری و فساد در جامعه بپردازد.

ورود زنان به صحنههای اجتماعی در حالی که همانند مردان از ابتدایی ترین حقوق انسانی مانند حق انتخابات آزاد محروم بودند، ماهیتی جز فریب نداشت. مخالفت امام خمینی(ره) با تصویبنامه آمریکایی، نه مخالفت با آزادی زنان، بلکه مخالفت با عوامفریبی رژیم بود. همچنان که اعلام داشتند: «ما با ترقی زنها مخالف نیستیم ما با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم. مگر مردها در این مملکت آزادی دارند که زنها داشته باشند؟! مگر آزادی مرد و آزادی زن با لفظ درست میشود؟!» [(1)](#content_note_235_1)

و یا در جای دیگری میفرمایند:

ما میگوییم زنها را به اسم آزادی و ترقی به فساد نکشید و منحرف نسازید. شما حساب کنید در این بیست و چند سالی که از این کشف حجاب مفتضح میگذرد چه چیزی عاید زنها شده، چه چیزی عاید مردها شده و چه چیزی عاید این مملکت گردیده است. [(2)](#content_note_235_2)

در واقع رژیم بر آن بود که با کشاندن زنان به مراکز لاابالی گری، جامعه را از سیاست دور سازد. سرکوبی مخالفین مذهبی و سیاسی و در نطفه خفه کردن هر ندای رهاییبخش لازمهاش منفعل کردن قشر فعال و خطرساز و انقلابی اجتماع که اغلب جوانان هستند، بود؛ و برای ایجاد انفعال در این قشر، فراهم کردن سرگرمیهای مختلف و ایجاد مراکز فساد و تباهی، آسانترین و نزدیکترین راه به نظر میرسید. در این میان زنان مورد نظر که اغلب در زمره هنرپیشگان سینما، خوانندگان، رقاصهها و ... بودند بهترین ابزار برای سیاستزدایی، ترویج فساد و مقابله با هرگونه

ص: 235

1- امام خمینی، صحیفه نور، ج اول، ص .

2- روحانی، حمید؛ بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)؛ ص ٢٠٠ ؛ و: صحیفه نور، ج اول، ص.

حرکت سیاسی علیه رژیم، به کار گرفته شد. این نکته گر چه در دوره پهلوی اول که شرایط اجتماعی کشور برای پذیرش استبداد بیشتر فراهم بود و امکان بروز انقلاب نیز کمتر، کمتر مطمح نظر رضاخان و دستیارانش قرار گرفت؛ اما در دوره پهلوی دوم برای جلوگیری از خطراتی که رژیم را تهدید میکرد، و برای نفی ارزشهای مذهبی و سنتی جامعه ایران، زن از حجاب برون آمده به عنوان ابزار تبلیغاتی بسیار مهم به نفع اهداف رژیم به کار آمد.

در ابتدای دوره پهلوی دوم که اوضاع سیاسی و اجتماعی ناشی از جنگ شرایطی را فراهم آورد که اعمال زور و فشار را برای اجرای این طرح تقریباً غیر ممکن ساخت؛ رژیم برای آنکه از بروز هرگونه حرکتی در جامعه جلوگیری کند با ایجاد مراکز تفریحی و سرگرمی که اکثر گردانندگان آن را زنان لاابالی تشکیل میدادند قشر فعال اجتماع را به این محافل سرگرم نمود. در حقیقت این کشف حجاب بود که این شرایط را برای رژیم فراهم آورد تا زنی که قبلاً مجاهد میپروراند و انقلابی به بار میآورد تبدیل به زنی شود که جلوی هرگونه حرکت و انقلاب را علیه رژیم سد میکند.

در همین راستا بود که طی دستورالعمل محمدرضا پهلوی به وضوح بر این نکته تأکید شده بود که از وجود زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل میدهند برای بالا بردن حیثیت سلطنت و شاه استفاده گردد. اگر چه ممکن است مفاهیم قدیم بر مردان حاکم باشد، اما زنان مستعد فراگرفتن مفاهیم جدید هستند. «رهایی» زنان باعث میشود تا شاه در هر خانه یک پایگاه برای خود به دست آورد. [(1)](#content_note_236_1)

در واقع، رژیم نیز برای این منظور از زنان، بهترین و بیشترین استفاده را برد. رژیم تا جبهه زنان را در کنار خود داشت هر گونه حرکت سیاسی را به نفع خود به پایان رساند و هر فرد انقلابی را سرکوب کرد؛ اما زمانی

ص: 236

1- رزاقی، پیشین، ص ١٩٦ ، به بعد.

که زنان به خود آمدند و شعار بازگشت به خویشتن خویش سر دادند جبهه مردان به پیروزی رسید.

در حقیقت این زنان بودند که با بازگشت دوباره به سوی حجاب شرایطی را فراهم آوردند تا مردان انقلاب کنند و از این زمان به بعد بود که رژیم ستمشاهی بزرگترین برگ برنده را از دست داد. به ثمر رسیدن شعار آزادیخواهی جامعه ایرانی به دست زنان تحقق یافت و به دست مردان پیش رفت. البته فراموش نمیکنیم که این بیداری را مذهب پدید آورده بود.

نتیجه آنکه پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی [(1)](#content_note_237_1)کشف حجاب بیش از آنکه برای جامعه ایرانی نتایج مثبتی داشته باشد، نتایج منفی به دنبال داشت. اگر میخواستند زنان را وارد عرصه فعالیتهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نمایند لازمهاش کشف حجاب نبود که مبدل به کشف حجب شود. به قول مخبرالسلطنه لازمه امداد به زندگانی اگر رفع حجاب باشد، رفع حجب و حیاء زندگی را خراب کرد. جریان کشف حجاب در دوره پهلوی دوم در واقع به رفع حجب رسید. به طوری که فرهنگ برهنگی، همراه با برهنگی فرهنگی، جوانان را که سرمایه کشور بودند به عیاشی دعوت میکرد. پیران را به خدمتگزاری این مراکز فرا میخواند و زنان را به هنرنمائی در آن. آنچه هنر نامیده میشد چیزی جز الگوهای غربی نبود که در مدلهای هالیوود خلاصه شده بود. در نتیجه فرهنگ هیپیگری، بیبند و باری، هرزگی، ویرانگری، در اجتماع رو به رشد نهاد.

ص: 237

1- جهت اطلاع بیشتر از پیامدهای منفی کشف حجاب، مراجعه کنید به: تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات؛ مهر ١٣٧٨ ؛ مقدمه کتاب، از صفحه هشتاد و پنج تا هشتاد و هشت.

ص: 238

## نتیجه گیری

سیر کشف حجاب در ایران قبل از آنکه به عنوان اقدام رضا شاه در سال 1314 مطرح گردد، ریشه در تجددگرایی و تجددطلبی دارد که برای تبیین این جریان، لازم است آنرا در آئینه تجددطلبی جستجو کرد.

نخستین برخورد نوگرایان ایرانی با آداب و رسوم غربی در کنار استفاده از صنعت و تکنولوژی پیشرفته غرب در ایران معاصر از دوران فتحعلیشاه قاجار آغاز شد. شکستهای نظامی ایران از روسیه و انعقاد قراردادهای گلستان (1228 ه . ق) و ترکمانچای (1244 ه . ق) دربار ایران را متوجه عقب ماندگی کشور کرد و درصدد برآمد برخی از شیوههای غربی را در امور نظامی و آنگاه سیستم اداری و آموزشی وارد کند.

آمد و رفتهای هیأتهای غربی خصوصاً فرانسویان، به دربار ایران راه این نفوذ را گشود و به دنبال آن دو محصل و بعد از آن یک هیأت پنج نفره از جوانان ایرانی برای تحصیلات عالیه عازم دیار فرنگ شدند. اینان ضمن فراگرفتن علوم و تکنولوژی، تحت تأثیر آداب و رسوم غربی قرار گرفته و پس از باز گشت مروج آن گردیدند.

به دنبال تأسیس اولین سیستم آموزشی به سبک غربی در کشور یعنی دارالفنون راه این نفوذ و تأثیرگذاری بیشتر فراهم شد. هدف اولیه دارالفنون تربیت کادر متخصص خصوصاً در بخش نظامی به شیوه و سبک آموزشی غرب بود. معلمان دارالفنون نیز غالباً غربی بودند و برنامه آموزشی آن نیز به سبک و سیاق غرب بود.

امیرکبیر در زمان حیات سیاسی خود شخصاً بر این مدرسه نظارت داشت، اما بعد از وی این نظارت کمرنگتر شد. به طوری که دارالفنون

ص: 239

به اولین مرجع رسمی جهت ورود سیستم آموزشی غرب که فرهنگ خاص خود را به دنبال دارد مبدل شد.

به دنبال آن و در کنار ورود الگوهای نظام آموزشی غرب جهتگیری سیستم اداری و سیاسی کشور به این سمت با تلاش میرزا حسینخان سپهسالار شتاب بیشتری یافت و وزارتخانههای متعددی تشکیل گردید. روح و فلسفه دولت سپهسالار به قول آدمیت تغییر بود در جهت ترقی. جوهر نقشه ترقی او شامل وضع قوانین عرفی و ایجاد مدارس جدید به سبک اروپا و بالا بردن سطح افکار عمومی از طریق نشر روزنامهها و مجلات و ... بود. میرزا حسینخان معتقد بود که در ادامه اجرای سیاست تجددطلبی میبایست روحانیت را از صحنه سیاسی کشور کنار گذارد. اقدامات میرزا حسینخان، منجر به ایجاد اولین هسته بوروکراسی در ایران گردید.

ذکر این نکته لازم است که انگیزه رویکرد ایران به غرب ناشی از عقبماندگیهای نظامی، صنعتی و اقتصادی، به منظور تقویت این زمینهها بود اما محصول آن، تجددطلبانی بودند که غربگرایی را مبدل به غربزدگی کردند.

با آغاز نهضت مشروطیت، از آنجا که اکثر نظریهپردازان آن عمدتاً غربزده و غربگرا بودند، در پیشبرد این جریان تلاش بیشتری صورت پذیرفت. یکی از این نظریهپردازان مؤثر میرزا ملکمخان است که به فراست دریافت در بادی امر تغییر ایران به صورت اروپا کوشش بیفایدهای است. از اینرو فکر تجددطلبی را در «لفافه دین» عرضه داشت تا هموطنانش آنرا دریافته و نیک بپذیرند.

ملکم خان نه تنها به تقلید از علم و صنعت غرب یعنی همان رویه کارشناسی و تخصصی آن تأکید داشت بلکه تقلید و تبعیت از فرهنگ و آداب و رسوم غربی را که از دید او «کارخانجات انسانی» بود، لازم و واجب میشمرد. به جز ملکمخان، تجددطلبانی چون آخوندزاده و میرزا آقاخان کرمانی به این روند دامن زدند. آخوندزاده یکی از منادیان و مروجان تفکر و آداب و رسوم غرب است. وی در عین حال که خود را

ص: 240

ملیگرا قلمداد میکرد از طرفداران تغییر خط فارسی به لاتین نیز بوده است.

یکی از شاخصهای اعتقادی و سنتی جامعه ایرانی که در تفکر آخوندزاده مورد هجوم قرار میگیرد حجاب زنان است که از آن به عنوان پروتستانتیزم در مذهب یاد میکند و الگوی قابل پذیرش برای زن ایرانی را زن غربی میداند.

میرزا آقاخان کرمانی نیز همچون سلف خود، راه رهایی زن ایرانی را کنار گذاشتن حجاب میداند. با این تفاوت که الگوی قابل پذیرش برای زن ایرانی همان زنان دوران هخامنشی و ساسانیاند که «در ایران باستان زنان با مردان شریک زندگانی بودند و با هم مراوده داشتند.» درج افکار این نوگرایان در جریان مشروطیت راه را برای ابراز وجود زنان باز کرد. به طوری که زمینه را برای اقدامات عملی در این راستا و در دوره بعد فراهم آورد.

با روی کار آمدن سردار سپه و خصوصاً بعد از تغییر سلطنت از خاندان قاجاریه به پهلوی، روند غربگرایی و غربزدگی و پذیرش الگوهای غربی علاوه بر عرصه صنعت، در رفتارها و ارزشهای اجتماعی نیز دگرگونی عمیقی به وجود آورد. در این دوره، حوزه ترسیمی فعالیت زنان در اذهان عمومی از محدوده خانواده فراتر رفت و شکلی اجتماعی و عمومی به خود گرفت. اجرای برنامههای تجددطلبانه رضا شاه هر یک به میزان قابل توجهی در پیشبرد کشف حجاب تأثیر گذارد.

رضا شاه در ادامه طرح مدرنیزه کردن ایران، شیوه زندگی ایرانیان را به سمت اروپایی شدن تسریع نمود. با اعمال قانون اتحاد شکل البسه و تبدیل کلاه، نخست ظاهر مردان را به اروپاییان نزدیک کرد و آنگاه با طرح کشف حجاب زنان را بدین سوی فرا خواند.

قانون اتحاد شکل البسه که در راستای وضع قوانین عرفی (غیر شرقی) و تجدد سازمان دستگاه قضا و به دنبال آن کنار زدن روحانیون از صحنههای حقوقی و سیاسی تدوین یافت، نه تنها مردان را به عنوان مانع اصلی بر سر راه کشف حجاب زنان برداشت، بلکه آنان را نیز تشویق کرد که مروج حضور زنان در اجتماع باشند.

ص: 241

نگاهی به مقالات و نوشتههای آن زمان در مجلات و روزنامهها نشان میدهد که مشوق اصلی زنان در پذیرش طرح کشف حجاب مردان تجددگرا بودند. آنان با طرح مباحثاتی پیرامون بدبختی زنان و عوامل عقبماندگی آنان، غالباً حجاب را به عنوان عامل اصلی عقبماندگی معرفی میکردند. اگر چه، در این خصوص نمیتوان پایین بودن میزان سواد زنان را به نسبت مردان در آن زمان نادیده انگاشت؛ اما به هر حال مردان تجددطلب و قشر روشنفکر جدید، حتّی بیش از زنان با سواد و روشنفکر آن زمان داعیه رفع حجاب داشتند.

رضا شاه برای آنکه بتواند طرح اروپایی خود را به منصه ظهور برساند، پس از آنکه نسبت به حذف تدریجی روحانیت از صحنههای حقوقی و سیاسی اجتماعی اقدام کرد، در صدد گسترش و ایجاد مدارس آموزشی خصوصاً مدارس آموزشی دختران به سبک و سیاق غربی برآمد تا از طریق این مراکز بتواند در پیشبرد طرح حجابزدائی اقدام نماید.

به دنبال این اقدامات، تقویت و گسترش کانونها و انجمنهای زنان که بر فعالیتهای مدارس نظارت میکردند در سرلوحه برنامههای تجددگرایانه وی قرار گرفت تا زمینه لازم را برای اعلام رسمی طرح خود فراهم سازد.

برای پیشبرد منظور، این کانونها در شهرهای مهم کشور از جمله اصفهان دارای شعبه گردید تا در جهت پیشبرد فرمان رضا شاه تلاش سازمان یافته و هماهنگ خود را آغاز کنند.

اقداماتی که بر شمردیم از یک طرف، راه را برای پذیرش کشف حجاب در جامعه ایرانی خصوصاً در میان اقشار متوسط به بالا فراهم ساخت و از طرف دیگر، زمینه اعلام رسمی کشف حجاب در 17 دیماه سال 1314 توسط رضا شاه و خانوادهاش را بیش از پیش مهیا نمود.

حکمت از طریق حوزه مأموریت خود، وزارت معارف، نسبت به فراهم کردن مقدمات یک چنین روزی اقدام کرد و جم از طریق نیروهای تحت امر خود جلوی هر گونه خطر احتمالی را سد کرد و امنیت این روز حساس را فراهم آورد.

ص: 242

اعلام رسمی کشف حجاب با تمهیدات کلیه دستگاهها و سازمانهای تحت امر این دو، در روز 17 دیماه 1314 و با اقدام عملی و رسمی رضا شاه به همراه خانوادهاش، نقطه عطفی در تاریخ اجتماعی سیاسی معاصر ایران است. به طوری که با اعلام رسمی رفع حجاب عملاً منع حجاب نیز رسمیت قانونی یافت و متخلفین، تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. خبر رفع حجاب گرچه غیر منتظره نبود اما خبر منع حجاب کاملاً غیر مترقبه بود. بدین سبب واکنشهای متفاوتی را در بین اقشار مختلف اجتماع به وجود آورد.

عدهای از این روز به عنوان روز آزادی زن یاد کردهاند؛ روزی که زن ایرانی تولدی دوباره یافت و قدم به عرصه حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی گذارد. روزی که نصف جمعیت کشور که تا آن روز به حساب نمیآمدند، دوشادوش مردان وارد صحنه تولید شدند و تعبیراتی از این قبیل. اما این عده در اقلیت بودند.

گروه دیگری که اکثریت قاطع جامعه ایرانی را تشکیل میدادند و فریادشان در آن جو خفقان علیه این طرح اجباری رضاخان به جایی نرسید و یا نگذاردند به جایی برسد از این روز به عنوان روز انحراف زن و شکسته شدن حریم خانواده و طغیان علیه قوانین دینی و سنتهای اجتماعی یاد کردند. به طوری که اجازه ندادند همسرانشان از خانه بیرون آمده، مجلس آرای محافل و جشنها گردند. حتی زنان این طبقات مخالف برای مدتی خود را در خانه محبوس کردند؛ اما این حبس نمیتوانست دائمی باشد و چارهساز مشکل. چرا که قشر جوان زن ایرانی بعضاً به صف زنانی که رفع حجاب کرده و مبلّغ آن بودند، متمایل میشد.

دولت برای پیشبرد این برنامه از دو طریق وارد عمل شد. یکی از طریق سیاست تشویق و دیگری تنبیه. اتخاذ این دو روش در ابتداء به موازات هم نبود؛ بلکه اولی بر دومی پیشی میجست، اما بعد از مدتی دومی بر اولی غلبه یافت.

در راستای اجرای روش اول، ابتدا برگزاری مجالس جشن و سرور بین کارمندان دولت که قابل کنترل بودند و نیز با برنامه تجددطلبانه رضا شاه

ص: 243

موافقت بیشتری داشتند، صورت پذیرفت و آنگاه به دیگر اقشار سرایت کرد.

حکام بعضی از شهرها به بهانههای مختلف از قبیل افتتاح مدارس و مراکز تفریحی و ورزشی مردم را دعوت میکردند که الفبای کشف حجاب را از کارکنان دولت و خانمهایشان بیاموزند. به جز شرکت دادن مردم در جشنها و محافل، اقدام دیگری هم در نظر گرفته شده بود. کارکنان دولت دستور یافته بودند به اتفاق خانمهایشان در مواقع غیر اداری، عصرها در خیابانها گردش و عبور و مرور نموده، سرمشق اهالی باشند.

همچنین بنا به نقل مجله زن روز در شماره سال 45 خود «سیاست دولت در شهرها اقتضاء میکرد که خانمها از معروفترین و محترمترین خانوادهها بدون چادر به کوچه و بازار بیایند تا سایرین هم از آنها تبعیت نمایند ...»

در مناطقی که به واسطه استیصال مردم، مشکل تهیه البسه جدید برای زنان وجود داشت مجریان طرح به جمع آوری اعانه از خانوادههای متمول شهری روی آوردند تا مبالغ گردآوری شده را صرف خرید لباس اقشار کمدرآمد کنند.

مهمترین نکتهای که طی سخنرانی مسئولین، در این جشنها به چشم میخورد، حملات شدید و بیرحمانه علیه حجاب و ترسیمی زشت و منفور از چهره ای حجاب است. به طوری که سعی مداحان طرح این بود تا انواع فسق و فجور زنان را به حجاب و چادر مربوط سازند و در مقابل آن رفع حجاب را مترادف تقوی و پاکی زنان و هماهنگی آنها با ترقی و تمدن جامعه بشری محسوب نمایند؛ با تأکید بر این که ترقی و تمدن همانا رعایت فرهنگ و آداب غربی است.

شایان توجه است که برای حمله به حجاب گاهی از توجیهات مذهبی نیز استفاده میشد. چنین استناد میکردند که مسئله حجاب در قرآن به همان صراحتی که مسئله قصاص بیان شده، مطرح نمیباشد و سپس اضافه میکردند که: «در مملکت ما چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام

ص: 244

حجاب وجود نداشته است».

عدهای دیگر حجاب و چادر را تحفه قوم وحشی و بربر عرب و تحمیل آن بر جامعه ایرانی میدانند. حال آنکه به قول مخبرالسلطنه، چادر رسم ایرانیان بوده و از قدیمالایام خود را به رعایت آن ملزم میدانستهاند. به گفته نهرو، حجاب از ایران و روم، دو دنیای متمدن آن زمان، به هند وارد شده است و تاریخچه آن بسیار قدیمی است و اصلی است که به قول مونتسکیو ریشه در طبیعت و فطرت زن دارد.

پس از آنکه مدتی از اعلام رسمی کشف حجاب و منع حجاب گذشت و در شهرهای مذهبی و سنتی تمایلی جهت اجرای طرح از سوی خانوادهها صورت نگرفت، چهره دوم این سیاست یعنی اقدامات انتظامی و تنبیهی خود را نمایاند. در راستای آن به مأمورین دستور داده شد «با کمال جدیت و متانت نسبت به اجرای مقصود با تشویق و وسایل دیگر بطور دائم مراقبت کنند.» منظور از وسایل دیگر همان به کارگیری زور و خشونت برای اجرای مقصود بود.

با استقرار پاسبانها در معابر عمومی، آمد و رفت زنان چادری کنترل میشد و برای برداشتن چادر نخست به آنها اخطار میگردید و در صورت عدم توجه چادر را از سر آنها کشیده و اگر ارزش میداشت ضبط و در غیر این صورت پاره پاره میکردند. به همین سبب، بانوانی که ناگزیر بودند برای رفع حوائج ضروری از منزل خارج شوند با پوشیدن پالتوهای یقهدار و بلند و به سر گذاردن کلاههای گشاد که تمامی موی سر را در بر میگرفت و نیز بعضاً با استفاده از عینکهای دودی بزرگ که قسمت اعظم صورت را میپوشاند در خیابانها و معابر عمومی ظاهر میشدند. این عکس العمل زنان موجب گردید تا از سوی رئیس دولت بخشنامهای به ولایات صادر و استفاده از این رویه ممنوع گردد.

با التزام گرفتن از گاراژدارها که زنان چادری را سوار نکرده و با گماردن مأمورین انتظامی در زیارتگاهها که زنان چادری را راه ندهند، و نیز ممانعت از رفتن زنان چادری به حمام از یک طرف و نظارت برکار حمامیها از طرف دیگر که مبادا زن با حجابی به حمام راه دهند، روز به روز دایره فعالیت و حضور مأمورین دولتی علیه زنان محجبه

ص: 245

گستردهتر شد. قدم دیگر دولت در برخورد با مخالفین طرح، برخورد با روحانیونی بود که مردم ولایات را علیه کشف حجاب بر میانگیختند. بنابراین تقلیل هر چه بیشتر «ارباب عمائم» و «جلوگیری از روضهخوانی» و به زندان انداختن و تبعید آنها طی بخشنامهای دولتی سرلوحه عمل استانداران و فرمانداران و بخشداران گردید.

این برخوردها تنها اختصاص به زنان محجبه و مدافعان حریم مکتب نداشت، بلکه شامل کارمندان دولتی متخلف نیز میشد. انفصال از خدمات دولتی، قطع حقوق ماهیانه، منتظر به خدمت نمودن، گوشهای از این برخوردها با کارکنان متخلف است. اما بعد از شهریور 20 و دگرگونی اوضاع، در دستورالعملهای صادره سیاست تشویق بر سیاست تنبیه ترجیح یافت.

برخورد غیر مستقیم و توجه به امر تبلیغات برای پیشبرد طرح حجابزدایی که سیاست شاه جدید و دولتهای او بود، اثرات منفی دیرپایی برجای گذارد و فرهنگ کشف حجاب که از ابتدا با برداشتن روبنده و نقاب شروع شده بود، تبدیل به فرهنگ برهنگی و متعاقب آن برهنگی فرهنگی شد.

تأسیس سازمان زنان ایران به ریاست اشرف پهلوی، همراه با سازماندهی برنامههای تبلیغاتی رسانههای جمعی خصوصاً رادیو، تلویزیون و سینما، برنامههایی بود که می خواست نه تنها حجاب و پوشش را از زن ایرانی برگیرد؛ بلکه حجب و حیا را نیز از وی بستاند و بیبند و باری اخلاقی را برای وی به ارمغان آورد. در نتیجه پیامدهای سوء اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، گریبان جامعه از حجاب برون آمده را گرفت. اگر انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری آن پیر فرزانه اتفاق نمیافتاد معلوم نبود در آتیه نزدیک جامعه ایرانی در منظر جهانیان چگونه شناخته میشد. البته این بدان معنا نیست که چشم بر روی فناشدگان فرهنگی که در پی شبیخون فرهنگی دشمن و با بی برنامه گی های داخلی برخی مسئولین به آن دامن زده شده، بربندیم و جنایات این مکافات را نادیده انگاریم که حفظ حریم نوامیس اجتماع خصوصاً نسل جوان، وظیفه بس سترگی بر دوش مسئولین خصوصاً

ص: 246

مسئولین فرهنگی کشور قرار داده است و هر گونه تعلل، یعنی مشارکت در جنایت علیه انسانیت و اسلامیت و خیانت نسبت به آرمان شهیدان انقلاب اسلامی که با خون خود حرمت نوامیس اجتماع را پاس داشتند.

ص: 247

ص: 248

## فهرست منابع

### 1. منابع اصلی: اسناد، روزنامه ها و مجلات.

#### الف) اسناد:

ص: 249

ص: 250

1. سازمان اسناد ملی ایران، پروندههای کشف حجاب و اتحاد شکل البسه مناطق مختلف کشور، شامل گزارشاتی از سیر کشف حجاب و اتحاد شکل البسه در مناطق مختلف و دستورالعملها و بخشنامههای ریاست وزراء و وزارت داخله و معارف و والیان استانها به حوزههای ذینفوذ.

#### ب) روزنامه ها و مجلات:

1. اطلاعات (روزنامه)، مدیر و صاحب امتیاز: عباس مسعودی

2. اطلاعات بانوان (مجله)، صاحب امتیاز: قدسی مسعودی، سردبیر: پری اباصلتی

3. اطلاعات سیاسی، اقتصادی؛ وابسته به مؤسسّه اطلاعات

4. ایران (روزنامه)، صاحب امتیاز: زین العابدین رهنما، مجید موقر

5. ایرانشهر (مجله)، به مدیریت حسین کاظمزاده ایرانشهر

6. تجدد ایران (روزنامه)، مدیر و صاحب امتیاز: سید محمد طباطبائی

7. ترقی (روزنامه)، صاحب امتیاز: لطف الله ترقی

8. جمعیت نسوان وطنخواه ایران (مجله)، صاحب امتیاز: ملوک اسکندری

9. رستاخیز.

10. رستاخیز (روزنامه)، صاحب امتیاز: مجید یکتایی

11. زن و روز (مجله)، صاحب امتیاز: قاسم طاهباز، سر دبیر: مجید دوامی، وابسته به سازمان کیهان

12. زبان زنان (روزنامه و مجله)، به مدیریت صدیقه دولتآبادی

13. سپیده فردا (مجله)، ارگان دانشسرای عالی

14. شفق سرخ (مجله)، مدیر: علی دشتی

15. عالم زنان (مجله)، منتشره از سوی سفارت انگلستان در تهران

16. عالم نسوان (مجله)، صاحب امتیاز: نوابه صفوی

17. مکتب اسلام (مجله).

ص: 251

### 2. منابع فرعی

1. آدمیت، فریدون؛ اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول، بهمن ماه، 1351.

2. آدمیت، فریدون؛ اندیشههای میرزا فتحعلی آخوندزاده، تهران، انتشارات خوارزمی، 1349.

3. آدمیت، فریدون؛ اندیشههای میرزا آقاخان کرمانی، تهران، انتشارات طهوری، 1346.

4. آدمیت، فریدون؛ امیرکبیر و ایران، تهران، شرکت سهامی، انتشارات خوارزمی، خردادماه، 1348.

5. آدمیت، فریدون؛ فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، انتشارات سخن، 1340.

6. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره؛ و سعدوندیان، سعدوندیان؛ خاطرات تاجالسلطنه، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ اول، 1361.

7. اتحادیه (نظام مافی)، منصوره؛ مرامنامه و نظامنامههای احزاب سیاسی در ایران، نشر تاریخ ایران، 1361.

8. استاد ملک، فاطمه؛ حجاب و کشف حجاب در ایران، انتشارات عطایی، 1367.

9. آوری، پیتر؛ تاریخ معاصر ایران، ج دوم، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران، انتشارات مؤسسه ی عطایی، چاپ اول، 1366.

10. اعتضاد السلطنه؛ فتنه باب، توضیحات عبدالحسین نوایی، تهران، انتشارات بابک، چاپ دوم، 1351.

11. ایوانف؛ انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه ی کاظم انصاری، تهران، شرکت سهامی، انتشارات جیبی، 1357.

12. باربرنوئل، فرمانروایان شاخ زرین؛ ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر گفتار، چاپ چهارم، تهران، 1368.

13. بامداد، بدرالملوک؛ زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، تهران، انتشارات ابن سینا، 1347.

ص: 252

14. پهلوی، محمدرضا؛ ماموریت برای وطنم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ نهم ، 1355.

15. جعفریان، رسول؛ داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب؛ تهران مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1383.

16. حکمت، علیاصغر؛ سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی، تهران، شرکت چاپ پارس، مهرماه، 1355.

17. جامی؛ گذشته چراغ راه آینده است، تهران، انتشارات ققنوس، 1367.

18. رایت، دنیس؛ نقش انگلیس در ایران، ترجمه ی فرامرز فرامرزی، تهران، انتشارات فرخی، 1361.

19. رزاقی، احمد؛ عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن، تهران سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، بهار، 1369.

20. رنه دالمانی، هانر؛ سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه و نگارش فرهوشی (مترجم همایون)؛ چاپ گیلان، 1353.

21. بلوشر؛ سفرنامه بلوشر، ترجمه کیکاوس جهانداری، تهران انتشارات خوارزمی، چاپ اول، بهمن 1363.

22. شوستر، مورگان؛ اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوستری، با تصحیح و مقدمه ی فرامرز برزگر و اسماعیل رائین، انتشارات بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، 1344.

23. شهیدی، همایون؛ گزارش سفر میرزا صالح شیرازی، تهران، انتشارات راه نو، 1362.

24. شیخالاسلامی، پری؛ زنان روزنامهنگار و اندیشمند ایرانی، تهران، چاپخانه مازگرافیک، بی تا.

25. صبحی، علیاکبر؛ سیری در جامعه شناسی ایران، چاپ اول، تیرماه، 1350.

26. صدر، محسن؛ خاطرات صدرالاشراف، تهران، انتشارات وحید، چاپ اول، 1364.

27. صفایی، ابراهیم؛ رهبران مشروطه، ج دوم، تهران، انتشارات جاویدان علمی، 1346.

28. صفایی، ابراهیم؛ رضا شاه کبیر در آئینه خاطرات، تهران، انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، 1355.

ص: 253

29. صدر هاشمی، محمد؛ تاریخ جرائد و مجلات در ایران، ج 1 و 2 و 3 و 4 و اصفهان، انتشارات کمال، چاپ دوم، 1364.

30. ضیاءپور، جلیل؛ پوشاک زنان ایرانی از کهن ترین زمان تا از شاهنشاهی پهلوی، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، آبان ماه، 1347.

31. فرخ، سید مهدی؛ خاطرات سیاسی فرخ (معتصم السلطنه) تهران، سازمان انتشارات جاویدان علمی، 1345.

32. قائممقامی، فرهت؛ آزادی یا اسارت زن: مقدمهای بر جامعه شناسی زن، تهران انتشارات جاویدان علمی، چاپ اول، 1355.

33. قویمی، فخری (خشایار وزیری)؛ کارنامه زنان مشهور ایران، قبل از اسلام تا عصر حاضر، تهران، انتشارات آموزش و پرورش ، 1352.

34. کاتوزیان، محمدعلی؛ اقتصاد سیاسی ایران در عصر مشروطیت، ج اول، ترجمه محمدرضا نفیسی، تهران، انتشارات پاپیروس، 1366.

35. کیاستوان، حسین؛ سیاست موازنه منفی، ج دوم، تهران، انتشارات روزنامه مظفر چاپ تابان، بهمن ماه، 1329.

36. محبوبی اردکانی، حسین؛ تاریخ مؤسسّات تمدنی جدید در ایران، ج یکم، انتشارات دانشگاه تهران، 1354.

37. محبوبی اردکانی حسین؛ تاریخ مؤسسّات تمدنی جدید در ایران، ج دوم، انتشارات دانشگاه تهران، 1357.

38. مینوی، مجتبی؛ تاریخ فرهنگ، تهران، شرکت انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، 1369 .

39. ملیکف، ا. س.؛ استقرار دیکتاتوری رضاخان، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، کتابهای جیبی، 1358.

40. مکی، حسین؛ تاریخ بیست ساله ایران، ج 6، تهران، نشر ناشر، 1362.

41. نجمی، ناصر؛ دارالخلافه تهران، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1356.

42. نقوی، محمدعلی؛ جامعه شناسی غربگرایی، ج 1 و 2 ، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1363.

43. واحد، سینا؛ قیام گوهرشاد، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم، 1366.

ص: 254

44. ولایتی، علیاکبر؛ مقدمه فکری نهضت مشروطیت، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، تابستان، 1365.

45. ویشارد، دجان؛ بیست سال در ایران، ترجمه علی پرنیا، تهران، مؤسسّه انتشارات نوین، چاپ اول، 1361.

46. هدایت، مهدیقلی (مخبر السلطنه)؛ خاطرات و خطرات، تهران، انتشارات کتابخانه زوار، چاپ سوم، 1361.

47. اطلاعات در یک ربع قرن، بمناسب بیست و پنجمین سالگرد روزنامه ی اطلاعات، 17 مهر ماه، 1329.

48. رضا شاه کبیر، انتشارات مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی.

49. مجموعه خطابههای کانون بانوان، مطبعه مجلس، شماره اول، 1314.

50. مجموعه قوانین موضوعه مصوبه دوره هفتم قانونگذاری مجلس شورای ملی از 14 مهرماه 1307 تا 14 آبان 1309، چاپ دوم، چاپخانه مجلس.

51. مطهری (علامه شهید)، مرتضی؛ اخلاق جنسی در اسلام و غرب، انتشارات صدرا.

52. صحیفه نور، ج اول، چاپ وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1361.

53. روحانی، حمید؛ بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره)، راه امام، تهران، 1360.

54. مرکز بررسی اسناد تاریخی؛ حجهالاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی به روایت اسناد ساواک؛ تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات؛ چاپ اول، 1383.

55. مرکز بررسی اسناد تاریخی؛ اتغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد؛ تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات؛ چاپ اول، 1378.

56. ناطق، هما؛ کارنامه فرهنگی در ایران (1921- 1837)، تهران، مؤسسّه ی فرهنگی انتشاراتی معاصر پژوهان، 1380.

57. sanasarian , Eliz , the women’s Right Movement in IRAN, New York , 1982.

ص: 255

### 3. منابع تصاویر

1. آذری، عباسقلی؛ تاریخ مصور رضاشاه کبیر.

2. مجله انگلیسی عالم زنان، 3 شهریور، ماه 1323.

3. اطلاعات در 28 هزار روز تاریخ ایران، ج 2.

4. ضیاءپور، جلیل؛ پوشاک زنان ایرانی از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی.

5. زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران، پری شیخ الاسلامی.

6. بامداد، بدرالملوک؛ زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید.

7. سازمان اسناد ملی ایران.

ص: 256

ص: 257

## پیوستها

### متن اسناد

ص: 258

ص: 259

ص: 260

سند شماره 1

از: وزارت داخله، نمره: 4578/ 45101 س، تاریخ: 1 آبان 1314

متحدالمال بعموم ولات و حکام و ادارات تابعه وزارت داخله

در تعقیب متحدالمآل نمره 35339 توضیحاً اشعار میدارد که کلاه بلند (سیلندر) سه نوع مختلف و هر یک مورد استعمال مخصوصی دارد چون ممکن است بعضی از مأمورین از روی عدم بصیرت و اطلاع یکی از انواع کلاههای مزبور را تهیه و در غیر مورد آن بسر گذارند بنا بر این بصدور این متحدالمآل اقدام گردید.

1 کلاه بلند کرکدار براق (مثل مخملهای پر کرک) برنگ سیاه را میتوان در کلیه موارد استعمال نمود و این کلاهیست که قاعدتاً مأمورین باید تهیه نموده و در مواقع رسمی با ژاکت بسر گذارند.

2 کلاه بلند از جنس اطلس مات برنگ سیاه که بشکل کتابی جمع میشود مختص لباس شب (فراک) و بهیچوجه در روز استعمال نمیشود.

3 کلاه بلند خاکی رنگ اختصاص بموارد ذیل داشته:

اسبدوانی نمایشات ِآرتشی گاردن پارتی و بعباره اخری فقط در هوای آزاد استعمال میشود تهیه کلاههای بلند مذکوره در نمرات دو و سه این متحدالمآل اختیاری و مأمورین وزارت داخله به استعمال آن ملزم نیستند ولی بدیهی است اشخاصیکه مشمول دستور متحدالمآل استقبال و سلام میباشند باید هر چه زودتر کلاه بلند طبق ماده یک برای مواردیکه ژاکت خواهند پوشید جهه خود فراهم نمایند. مقتضی است قدغن فرمائید دستورات فوق بمأمورین مربوطه ابلاغ شود.

از طرف وزیر داخله همایون سیاح

سند شماره 2 برگ اول

از: وزارت داخله، نمره: 57، تاریخ: 1/1/1314

کشف حجاب

چنانکه در راپرت قبلی عرض شد جلسات عدیده در منازل رؤسا و اعضاء دوائر و معاریف محلی منعقد و بطور کلی باستثنای خانمهای ایلات آن حدود که [بطور] طبیعی حجاب نداشته اند نسوان شهریی هم که از اطراف به آنجا آمده اند عموماً حجاب یعنی چادر سیاه مذلت را کنار گذارده و بی حجاب در عبور و مرورند.

کفیل دفتر احصائیه جیرفت حسن سپاهی

ص: 261

سند شماره 2 برگ دوم

از: وزارت داخله، نمره: 65، تاریخ: 11/1/1315

اوضاع محلی

روحیه اهالی نسبت به سابق بهتر [است] زیرا اولیای دولت نسبت به پیشرفت کلیه امور و اجرای آن در کلیه نقاط برای اهالی بی سواد یک مدرسه اجتماعی است که تفاوت کلی در افکار و روحیه آنها می بخشد. مسئله رفع حجاب و تجدد نسوان که در سایه مجاهدت و تشریک مساعی مامورین کاملاً عملی شده خود یک درس اخلاقی بود که عموم مردم حتی جامعه زنها را به تکالیف خود آشنا نمود چندین جشنهای مفصلی هریک به نوبه خود در ادارات شهربانی و محل های عمومی انعقاد یافت و اخیراً که در 24 اسفند ماه /14 در محوطه (میرحسنی) مربوط به محل معارف جشنی منعقد عموم رؤسا و مامورین و اهالی با خانمهای خود حضور به هم رسانیده نمایشات ورزشی از طرف محصلین مدارس شروع و مجلس به دعای ذات ملوکانه و سرودن سرود شاهنشاهی خاتمه یافت.

رئیس دفتر احصائیه و سجل احوال کل مملکت

سند شماره 3

از: وزارت داخله، به: حکومت قم و خلجستان، نمره: 1413، تاریخ: 7/12/1307

مقام منیع وزارت جلیله داخله

حسب الامر 6091 راجع به اتحاد شکل شدن، مفاد قانون و نظامنامه را در شهر انتشار داد ولی مطابق اطلاعات حاصله اشخاصی که به هیچ وجه داخل 8 طبقه مستثنیات نیستند شروع به پاره ای عملیات و اقدامات نموده اند که جزء مشمولین اتحاد شکل نشوند من جمله چند نفر که تا به حال به هیچ وجه صاحب محراب نبوده و سابقه به این جریان نداشته اند حالیه به دسایس مسجدی تهیه مشغول نماز جماعت شده اند .لذا راجع به این قبیل اشخاص از مقام منیع کسب تکلیف می نماید که در موقع اجرای قانون چه قسمی با آنها رفتار گردد.

امضاء حکومت قم

ص: 262

[پینوشت:]

جواب بنویسید تکلیف قانونی و نقض را قانون معین کرده است تکلیفی جز اجرای نظامنامه و مقررات نیست و باید کمال مراقبت و اهتمام بر اوامر و اجرای تصمیمات صادره بعمل آورید.

سند شماره 4

بیانیه

مطابق اطلاعات واصله از صفحات کردستان در اطراف موضوع لباسی متحدالشکل پاره القاآت و اشتباهکاریها بعمل آمده که ممکن است در اذهان بعضی اشخاص تولید توهماتی نموده باشد.

اگرچه موضوع وحدت لباس به قدری اساسی و فوائد آن به اندازه مبرهن و روشن است که حتی قبل از اینکه قانون آن در مجلس شورای ملی تصویب گردد در تمام مملکت خاصه در آذربایجان اکثریت قریب باتفاق اهالی آن را استقبال و اجرا کردند. معهذا محض رفع هر گونه سوءتفاهم از نظر معدودی که شاید به اشتباه افتاده باشند لزوماً اشعار می دارد از آنجا که نیات مقدسه بندگان اعلیحضرت قویشوکت همایون شاهنشاه پهلوی ارواحنا فداه همواره متوجه اتخاذ تدابیر مؤثره برای ایجاد طرق سعادت و ترقی مملکت و نیکبختی و عظمت جامعه ایرانی است و چنانکه بر آحاد و افراد مملکت مشهود است در این زمینه از بذل هیچگونه مجاهدت و تحمل زحمت فروگذار نمی فرمودند یکی از اصولی را که مخصوصاً مورد توجه قرار داده و برای سعادت ملت و حفظ مبانی دین مقدس لازم دانسته اند تولید حس یکجهتی و اتحاد قلبی بین عموم افراد مملکت است تا در سایه این حس اتحاذ منظورات ملی و ترقیات مملکتی سهل تر و سریعتر انجام پذیر گردد این بود که خواستند یکی از عوامل اختلاف و تشتت بین افراد را که عبارت از البسه مختلفه میباشد از میان برداشته و بوسیله تعمیم لباس متحدالشکل احساسات برادری و اتفاق را که بواسطه عوارض ظاهری و اختلاف شکل معدوم مانده بود تقویت کرده از قوه بفعل بیاورند یکی از نتایج دیگری که از وحدت لباس منظور است همانا تسهیلاتی است که از حیث صفه در مخارج تهیه آن و هم از جهت عملی بودن برای حرکت و کار حاصل و باعث جریان [ناخوانا] جامعه و پیشرفت اصل سعی و عمل میگردد لهذا این تصمیم ملوکانه در تمام مملکت از طرف قاطبه طبقات اصلی ایجاد مجالس جشن و شادی و خطابههای تهنیت آمیز استقبال شد در

ص: 263

عین حال محض تعظیم شعائر اسلامی که همواره منظور نظر خاص ذات مقدس شاهنشاهی ارواحنا فداه می باشد مقرر گردید روحانیون و علما علوم دینیه از حیث لباس از سایر طبقات مشخص و [ناخوانا] و به لباس سابق خود باقی بمانند و چنانکه از مواد قانون وحدت لباس که اخیراً بوسیله حکام اشاعه گردیده کاملاً واضح [ناخوانا] در اینمورد مخصوصاً از نقطه نظر احترام و حفظ موقعیت روحانی پیش بینی های کافی شده در اینصورت جای بسی تعجب است که بعضی اشخاص فریب القاآت مفسدین و بدخواهان مملکت و دولت اسلامی را خورده چنین تصور کنند که وحدت لباس منافی اصول دینی و احکام مذهبی است غافل از اینکه هرگاه اندک تباینی بین این قانون و احکام شریعت مطهره موجود داشت ممکن نبود از طرف بندگان اعلیحضرت شاهنشاهی اروحنا فداه با علاقه تامی که بحفظ مبانی دین مقدس دارند اراده به اجرای آن صادر شود.

پس بر عموم افراد خصوصاً بر پیشوایان روحانی طوایف وطنپرست وطن پرست کرد که همیشه امتحان دولتخواهی و ایران دوستی داده اند لازم است مراتب را در نظر گرفته تحریکات خائنانه را که تحت عناوین مذهبی برعلیه اساس حقیقی دین و سعادت مملکت اسلامی می شود مورد اعتناء قرار نداده همانطور که در سایه سرپرستی و حمایت دولت اعلیحضرت شاهنشاهی از دوره های بدبختی و تیره روزی سابق خلاصی یافته به نیروی قشون ظفر نمون در مهد امن و امان زیت می کنند تکلیف خود را در متابعت و اطاعت مقررات مملکتی دانسته ملتفت باشند که تنها طریق صلاح و فلاح دین و دنیای آنها تمکین و تخلف از آن توأم با همه گونه بدبختی و خسران خواهد بود یقیین است از راه سعادت و وطن پرستی منحرف نگردیده کما فی السابق توجهات عنایت آمیز ذات مقدس بندگان اعلیحضرت قویشوکت همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطنته را بخود جلب خواهد نمود. والی آذربایجان

سند شماره 5 نامه اول

از: فرمانداری زابل، به: وزارت کشور، اداره سیاسی و گذرنامه، نمره: 148، تاریخ: 23/9/1323، محرمانه

وزارت کشور اداره سیاسی و گذرنامه

گزارش رسیده از شهربانی زابل حاکی است اخیراً کلیه اهالی و سکنه خارج شهر که وارد شهر می شوند دارای عمامه، کلاه قرص، پیراهن و شلوار گشاد

ص: 264

افغانی می باشند این رویه باعث شده است چنانچه بیگانه وارد شهر شود تشخیص آن برای مامورین مشکل و اهالی نیز روی پاره ای تبلیغات عمامه استعمال می نمایند گرچه به شهربانی دستور داده شده با نصیحت و تدبیر از این رویه جلوگیری نمایند چنانچه اقدام دیگری بایستی بشود مقرر فرمایند ابلاغ تا به همان نحو اقدام شود.

فرماندار زابل

[پینوشت:]

اداره سیاسی پاسخ دهید: اگر مصلحت اقتضا دارد مورد تعقیب قرار دهید.

سند شماره 5 نامه دوم

از: وزارت کشور، اداره سیاسی و گذرنامه، شماره خصوصی: 9865، تاریخ: 2/10/1323

فرمانداری زابل

با تأیید [ناخوانا] گزارش شماره 7-9-23/148 راجع به اینکه اهالی لباس قدیم و عمامه میپوشند قدغن نمائید در صورتیکه موقعیت سیاسی محل اقتضا دارد و مصلحت است با استفاده از قانون لباس متحد الشکل [...] تحت تعقیب قرار گیرند.

امضاءها: 1. گلباف 2. مدیرکل 3. وزیر

سند شماره 6

از: وزارت کشور، استان ششم، به: اداره شماره: 33-4، تاریخ: 1/3/22، محرمانه

اداره شهربانی خوزستان اهواز

بطوریکه این چند روزه در خرمشهر مشهود گردید اکثر ساکنین آنجا اخیراً چفیه عقال بر سر نهاده متظاهر بعربمنشی شدهاند و اسباب تعجب شد که مأمورین شهربانی چگونه بر خلاف مصالح عالیه کشور شاهنشاهی در اجرای قانون لباس متحدالشکل کوتاهی مینمایند اگر چه حضوراً هم برئیس شهربانی خرمشهر دستور داده شده که از این تظاهرات سخت جلوگیری نمایند بنوسیله نیز آن اداره را متنوجه مینماید که قدغن فرمایند مامورین شهربانی همه جا جداً مراقبت نموده نگذارند کسی بر خلاف قوانین کشور و سیاست دولت شاهنشاهی ملبس بلباس عربی و چفیه عقال شود.

ص: 265

استاندار استان ششم

رونوشت شرح فوق برای استحضار وزارت کشور تقدیم میشود.

استاندار استان ششم

سند شماره 7

از: ایالت فارس، به: وزارت داخله، نمره: 4، تاریخ: 3/1/1308

وزارت جلیله داخله

راجع باجراء قانون اتحادالشکل البسه بواسطه [برخی] جهات و بیمبالاتی و سوء سیاست مامورین جهرم صورت خوبی پیش نیامده و موجب پاره[ای] هیاهو و زد و خوردهائی گردیده که در نتیجه چند نفر مجروح و [ناخوانا] و انسداد بازار و دکاکین جهرم شده بمجرد حصول اطلاع از وضعیت بوسیله متن نصیحتآمیز و دستورات لازمه برؤساء محلی اطفاء [ناخوانا] گردیده دکاکین مفتوح گردیده سواد راپورتهای واقعه را فوراً ارسال میدارم ساخلوی آنجا هم بواسطه عده[ای] که اعزام میشود تقویت خواهد شد.

والی ایالت فارس

[پینوشت:]

تصور میکنم غائله تمام شده باشد و دنباله پیدا نکند. البته اگر باز سر و صدائی بلند شود [دنباله مطالب نا خوانا]

سند شماره 8

از: اداره حکومت ثلاث، به: وزارت داخله، تاریخ: 13 شهریور ماه ، نمره: 1014،

مقام منیع وزارت جلیله داخله دامتن شوکته

مرقومه مطاعه 21255 راجع به تبدیل لباس زیارت شد فوراً به دوائر تابعه ابلاغ نمود چهار روز است که این بنده و بعضی از اعضاء که لباس و کلاهشان حاضر شده به کت و شلوار و کلاه پهلوی ملبس هستیم سایرین هم تا چند روز دیگر تغییر لباس خواهند داد چون مقرر فرموده اند در مواقع رسمی کلاه و لباس مشکی و در غیر رسمی رنگهای دیگر باشد استعلاماً جسارت می نماید با لباسهای رنگ مختلف می شود با کلاه مشکی بود یا باید کلاه [هم] رنگ

ص: 266

لباس باشد. مستدعی است مرقوم فرمایند که مطلع شده از همان قرار رفتار نمایند.

اعظم رکنی

سند شماره 9

از: اداره معارف و اوقاف استرآباد، تاریخ: 30/11/1305، نمره: 1218

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف دامت شوکه

نظر باینکه این بنده برای تأسیس مدرسه اناثیه شهر استرآباد مصادف با کشمکهای محلی واقع شده بودم و با توجهات کامله وزارت جلیله متبوعه باظهارات غیر مشروح یک عده مخالفین مدرسه مذکوره ترتیب اثر نداده و همه قسم در پیشرفت آن مدرسه موفقیت حاصل نموده است بنابراین من باب راپورت به وزارتخانه معروض میدارد که احصائیه فعلی محصلات مدرسه مزبور متجاوز از هفتاد و پنج نفر و محصلات اکابر آن در حدود بیست نفر است.

اسفندیاری

سند شماره 10

به: وزیر معارف، مورخه دوازدهم شهر شوالالمکرم 1325، مطابق 1 برج اسد، نمره: 1966

وزارت کشور اداره سیاسی و گذرنامه

مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف و صنایع دامت شوکته این کمیته فرح الملوک متعلقه جناب جلالمآب اجل آقای حاج ابوالقاسم خان مترجم و منشی سابق سفارت بهیه هلند درخواست تأسیس مدرسه اناث هستم که با سایر مدارس نسوان و مدیره های محترمه قرار داده شده با این کمیته هم از همان قرار رفتار فرمایند. یقین است از راه معارف پروری از قبول این تقاضا مضایقه نفرموده بین الاماثل و الاقران مفتخر و سرافرازم خواهید فرمود. محض خدمت تعالیم نسوان و ترویج معارف ایران با صمیمیت خود را برای انجام این خدمت حاضر کرده ام. امر امر اولیای امور معارف مطاع است.

ص: 267

سند شماره 12

از: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، سواد متحدالمآل به ایالات و بلدیات، تاریخ: 24/9/1314، نمره: 17224/51561، محرمانه

متحدالمآل

آقای رئیس معارف و اوقاف این معنی واضح و مشهود است سالیان دراز طبقه نسوان که نصف اهالی مملکت را تشکیل میدهند در نتیجه جهل و نادانی از شاهراه علم و معرفت دوره مانده و اسیر دست خرافات و اوهام میباشند و به همین واسطه حکم عضو فلج را در جسد اجتماعی حاصل مینموده اند که بهیچوجه برای مصالح زندگانی و اخلاق مؤثر واقع نمی شوند. اکنون که در سایه توجهات شاهانه در تمام مظاهر و شئون اجتماعی مملکت جنبش جدیدی به ظهور پیوسته است و معایب همه اصلاح میشود لازم است که این عیب و فضیحت بزرگ نیز رفع شده و طبقه نسوان کشور که مادران رجال فردا هستند مانند زنان سایر ممالک متمدنه از برکات علم و دانش و تمدن و تربیت برخوردار شوند و بتوانند خانواده های صالح و مفید تشکیل دهند و فرزندان وطن پرست رشید برای کشور تربیت نمایند برای حصول این نیت خیر وزارت معارف پروگرام منتظم و معینی را تعقیب مینماید که عین آن پروگرام بطور محرمانه ذیلاً برای شما فرستاده میشود تا اینکه عملیات معارف نیز در حوزه ماموریت شما منطبق بر این پروگرام از هرگونه بطوء وکندی بیفایده یا تندروی و افراط بی موقع خودداری شود.

اولاً نسبت به اطفال خردسال از هذه السنه در نظر گرفته شده که مدارس ابتدایی مختلطی در تمام مملکت بنام کودکستان تشکیل گردد که در آنجا نوباوگان کشور از پسر و دختر تابع یک دستور واحد تربیت شده و از فواید علم برادران و خواهران علی السویه بهره مند شوند. در این باب دستور مقتضی و مفصلی سابقاً داده شده است و باید از همان قرار رفتار و سعی نمایید که بتدریج تمام مدارس ابتدایی به صورت مختلط تشکیل و در تحت تعلیم آموزگاران اناث اداره شوند.

ثانیاً اطفال دبستانها و دبیرستانها را به لباس ساده پوشیدن عادت داده و از زیور و زینت که باعث مضرات عظیم اجتماعی است منع نمایید و سعی کنید که بلااستثنا دختران دبستانها و دبیرستانها لباس متحدالشکل که دستور آن داده شده بر تن بپوشند بطوری که دختران اغنیاء را بر فقراء هیچ گونه مجال تفاخر و خود فروشی نماند و همه بسادگی و نظافت و پاکیزکی عادت و خو نمایند. در مدرسه و خانه و کوچه و همه جا با همان لباس که از روی کمال حجب

ص: 268

و حیا و منتهای سلیقه انتخاب شده است حرکت نمایند و بدانند که اخلاق معنوی زنان باید محکم و استوار باشد و پرده محکم آن همان در متانت و اخلاق است پدر عظیم الشان و شهریار تاجدار ایران همیشه مایل هستند که دختران کشور ایران همه بلباس ساده ملبس و بزینت و پاکدامنی و شرافت و عفاف نفس مزین باشند و هرگونه زینت و زیور که از مصنوعات بیگانگان یا وسیله اسراف و تبذیر است باید از پیکر خود دور سازند و مخصوصاً مأمورین معارف و آموزگاران و دبیران باید این معنی را همیشه نصب العین قرار داده و دختران جوان را که با ضمیر پاک و ذهن بی آلایش مستعد برای قبول تربیت می باشند به پاکدامنی و اقتصاد و پاکیزگی و ساده گی پرورش دهند.

ثالثاً نسبت به سایر خانمها که اقدام باید بعمل آورد قدم اول آنکه برای تربیت این طبقه از نسوان در دبیرستان یا دبستان نسوان حوزه ماموریت خود مجالس کنفرانس مخصوص خانمها تشکیل بدهید که در آنجا خانمهای معلمه با لباس متحدالشکل حاضر شده و از سایر بانوان اصیل بلد دعوت نمایید که با شوهرهای خود در این مجالس حاضر شده و از مقالات و خطابه های علمی یا اخلاقی یا اجتماعی استفاده نمایند برای این گونه کنفرانسها از اشخاصیکه دارای فضیلت و کمال و معروف بحسن سابقه و درستی و علم و اطلاع هستند یا از اهل شهر یا از مامورین مبرز دولت یا از فضلاء یا دانشمندانیکه از آنجا بر سبیل موقت عبور می نمایند دعوت کنید که در این مجالس از مسائل حفظ الصحه شخصی و خانوادگی و وسائل دفاع از امراض عمومی و مسائل اقتصادی و فوائد صرفه جویی در زندگانی همچنین سایر مسائل مفیده علمی بحث نمایند و دختران دبیرستانها نیز نطق بکنند یا اشعار اخلاقی بخوانند مخصوصاً باید آداب نشست و برخاست و پوشیدن لباس و معاشرت چنانکه مابین خانواده های عفیف و نجیب در ممالک متمدنه عالم معمول است به آن بیاموزندْ در این باب به حکومت و به شهربانی دستور صادر شده است که بشما توحید مساعی و کمک کامل بنمایند که اینگونه مجالس کنفرانس برای خانمها بطور آبرومندانه و مفید ارائه شود.

مخصوصاً باید سعی نمایید که گوشزد شود لباسی که امروز نسوان عالم می پوشند همان لباس است که از قدیم الایام در مملکت ایران معمول و تا دو قرن بعد از صدراسلام نیز متداول بوده است و به همان ترتیبی است که در شریعت مقدس اسلام در موقع عبادت مانند صلوه و حج امر شده و باید که صورت و کفین باز و گشاده باشد و امروز که این سیره حسنه قدیم احیاء می شود نه از راه تقلید سایر ممالک است بلکه بواسطه فوائد و محسنات طبیعی

ص: 269

و اجتماعی است که این طرز لباس بنفسه دارا می باشد و مخصوصاً باید سعی نمایید که زنان بدنام و فاسد در مجامع خانمهای شرافتمند راه نیابند و به لباس آنان ملبس نشوند بلکه آنان را از این طور مجالس دور سازند و در مهمانیها و پذیراییها و غیره راه ندهند.

قدم دوم آن است که به اتفاق حکومت محترم و رئیس شهربانی و محترمین و وجوه شهر که دارای حسن نیت و فکر روشن باشند حتی الامکان مجالس ترتیب بدهید که در آنجا همگی با خانواده های خود به طریق مستحسن و از روی کمال متانت معاشرت نمایند زیرا معاشرت خانوادگی برای تربیت اخلاق متضمن فوائد بسیار است مردان در مجالس زنان به حجب و حیا و معقولیت قهراً عادت می کنند و از خشونت و بی ادبی که لازمه طبع آنان است می کاهد و زنان از حضور در مجالس رجال فاضل و با اخلاق کسب فضائل می نمایند از حجب و کم رویی آنان که غالباً منتهی به نفس مذموم است کاسته می شود و در عوض از مذاکره و مصاحبه با رجال فهیم و مطلع کسب علم و اطلاع می کنند.

ولی در این کار باید نهایت دقت را بنمایید که بعضی جوانان غیر متاهل و سبک سر راه نیابند و برای اساس اینگونه معاشرتهای اجتماعی شالوده محکمی از اخلاق فاضله گذارده شود والا در عوض فایده ایجاد مضرات خواهد نمود.

این است مجملی از مفصل پروگرام عمومی که حسب الامر در مرکز شروع شده است و در ولایات نیز باید در هر جا باقتضای موقع و محیط برحسب تمیز و تشخیص مامورین معارف که متصدیان تربیت اخلاق عمومی هستند به موقع اجرا گذارده شود- البته خودتان باید با کمال عقل و متانت و تدبیر به اتفاق سایر مامورین دولت و مامورین حوزه ماموریت خود اقدام و عمل لازم نمایید.

وزیر معارف و اوقاف

[پینوشت:]

در پاکنویس مقام وزارت مطبوعه دست خط فرموده اند.

و مخصوصاً تاکید می شود که در این امر مهم از هرگونه جلافت و تظاهر و تندی خودداری شود و از مرحله متانت و تدبیر نباید خارج شوید.

سواد مطابق اصل است.

ص: 270

سند شماره 13

از: وزارت داخله، حکومت سمنان، تاریخ: 15/1/1315، نمره: 94

مقام منیع ریاست وزرا دامت شوکه

آقای افتخارالاسلام طباطبایی متجاوز از یکماه است در سمنان در منابر و مجالس که برای جشن ها منعقد می شده بیانات سودمند داشته چنانکه کتباً و تلگرافاً راپرت شده خاصه عشره عاشورا هم در مساجد و مجامع عمومی منبر رفته در ضمن ذکر مصائب آل محمد [(ص)] حرفهای مؤثر خوبی زده و مراتب شاه پرستی را بکمال رسانیده براستی حوزه سمنان را این عالم روحانی کاملاً باصلاحات درخشان فعلی متوجه بلکه روح شاه پرستی را در جامعه اینجا با بیانات عالمانه خود تزیید نموده از این رو استدعا دارم پاداش و جبران زحمات و خدمات معزی الیه را هر طوری که مقتضی دانند انجام و مرحمت فرمایند

حکومت و شهردار سمنان

سند شماره 14

از: وزارت داخله، ایالت خراسان، تاریخ: 30/3/1315،نمره: 541، مستقیمه

ایالت خراسان

پاسخ مرقومه شماره 4110 راجع به بانوانی که با چارقد خود را مستور می سازند لازم است خاطر مبارک در اقداماتی که قبل از وصول مرقومه فوق الذکر بعمل آمده است مستحضر نماید.

1 به وسیله شهرداری از حمامهای زنانه التزام گرفته شده که هیچ زنی را بدون کلاه به حمام راه ندهند و در صورتی که زنی با چارقد به حمام برود به او اخطار کنند که بار دیگر چارقد را ترک و با کلاه برود و اگر بار دیگر هم با چارقد به حمام رفت اسم او شوهرش را راپرت دهند.

2 از لحاظ اینکه مبادا حمامیها در اجرای التزام خود مراقبت نکنند مامورینی به طور محرمانه گماشته شد که وضعیت خانمها و مراقبت حمامی را اطلاع دادند در اوائل ماه جاری اطلاع رسید که از حمامیها در خور انتظار ابراز جدیت نمی شود و ناچار مجدداً احضار و ملتزم شدند.

3- اداره شهربانی ببازار و خیابان پاسبان گماشته و بخانمهایی که چارقد دارند اخطار میکند که چارقد خود را ترک نمایند و تا موقعی که در نظر پاسبان

ص: 271

هستند امر را اجرا و همین قدر که دور شدند مجدداً به استعمال چارقد مبادرت می ورزند.

4 از گاراژهایی که در شهر است التزام گرفته شد که زنهای با چارقد را سوار نکنند.

5 در باغ مزار که شبهای جمعه به عنوان زیارت رفت و آمد میشود مامور گماشته شده که زنهای با چارقد را اجازه دخول ندهند.

6 چون عدهای در بدو امر معتذر بودند استطاعت خرید کلاهای گران قیمت فرنگی را ندارند و در محل هم کلاه ارزان قیمت یافت نمیشود ناگزیر از استعمال چارقد میباشند برای رفع این بهانه کلاه مالها را احضار و دستور و نمونه داده شد که از نمد کلاه تهیه کنند و همینطور بخیاطها دستور داده شد از کلاههای ساده (لبه) دوخته بود موجود داشته باشید که در موقع مراجعه مشتری حاضر باشد

با این مراقبت و جدیت و با تهیه وسایل هنوز عده ای به علت عدم رضایت قادر به تهیه کلاه نبوده و در این میان نیز شاید معدودی باشند که برای رفع ملاحظات محلی تا مجبور نشوند از استعمال کلاه خودداری میکنند.

با رئیس شهربانی که مذاکره نموده مشارالیه عقیده دارد که از طبقات مختلفه متناوباً بعنوان عکسبرداری از ناحیه حکومت دعوت و مقید شوند که با کلاه حضور پیدا کنند تا این نقیصه رفع شود، بدیهی است این اقدام با داشتن مخارجی جهت پذیرایی مدعوین و عکسبرداری برای یک مرتبه مفید خواهد بود ولی دوامی ندارد و اگر پاسبانها همانطوری که در همه جا معمول است قدری سختی اعمال نمایند و در صورت امکان ببهانه تخلف از مقررات چند نفری را به شهربانی جلب و به محکمه احضار نمایند مفیدتر خواهد بود و همچنین برای زنهای بی بضاعت که قادر به خریداری کلاه نیستند و عموماً چارقد استعمال میکنند در صورت امکان اجازه فرمایند از بودجه شهرداری تحت نظر کمیسیونی مرکب از رئیس شهربانی و رئیس مالیه و دو یا سه نفر معتمد محل کلاه تهیه و تقسیم گردد که سایرین خود را به استعمال کلاه مجبور دیده از استعمال چارقد خودداری نمایند.

البته از نتیجه این دو اقدام دیگر زنی با چارقد در شهر دیده نخواهد شد چنانچه خرید کلاه برای اشخاص بی بضاعت از بودجه شهرداری مقدور نباشد اجازه فرمایند اعانه جمع آوری و به مصرف برسد زیرا انجام این منظور به برانداختن چارقد کمک بزرگی خواهد کرد.

حکومت کاشمر

[پینوشت:]

ص: 272

سواد راپورت رای ریاست وزراء ارسال و ضمناً دستورهائیکه واصل د نیز نوته شود 1/4/.15

سند شماره 15

از: وزارت کشور، اداره سیاسی، تاریخ: ندارد، شماره: ندارد

اداره کل شهربانی

وزارت دادگستری طبق گزارشهای متعدد دادستان استان پنجم به جناب آقای نخست وزیر اطلاع داده اند که مامورین شهربانی کرمانشاهان برای جلوگیری از استعمال روسری و چادر نماز و غیره رویه نامساعدی بکار برده و بدون توجه به وضعیت محل و اقتضای موقع چادرها را در معابر از سر بانوان بر میدارند بطوری که این جریان موجب شکایت بسیاری گردیده و در صورتی که رفتار مامورین تعدیل نشود بیم بروز حوادث نامطلوبی میرود.

غدغن فرمایید بطوری که ضمن شماره 1317/14663 هم دستور داده شده مامورین شهربانی با نهایت متانت و بدون اعمال زور بنحو مقتضی از قبیل جلوگیری از سوار کردن بانوان با چادر نماز در اتوبوسها و اتومبیلها و راه ندادن به سینماها و رستورانها و ادارات دولتی این موضوع را عملی نموده و نوعی انجام وظیفه نمایند که ایجاد زحمت و شکایت ننماید.

وزیر کشور

[پینوشت:]

رونوشت شرح بالا عطف به مرقومه شماره 8703 مورخ 4 مرداد جاری برای استحضار جناب آقای نخست وزیر ایفاد می گردد.

وزیر کشور

سند شماره 16

از: ریاست وزراء، متحدالمآل، تاریخ: 11/3/1315، نمره: 297

ایالت خراسان

تعقیب متحدالمال نمره 401 از قرار اطلاعاتیکه میرسد بانوان در ولایات با چارقد در معابر عبورو مرور مینمایند حتی بعضی ها بطور مضحک خود را به اشکال مختلف و عجیبی در آورده و مسنور میدارند چون ادامه این وضعیت غیرمطلوب و باعث مسئولیت است اکیداً مقرر میگردد که باید نهایت مراقبت و

ص: 273

مواظبت را به عمل آورید که هرچه زودتر این رویه متروک و هیچ کس از بانوان نباید با چارقد در معابر دیده شوند والا حکام در درجه اول مسئول و شدیداً مورد مواخذه قرار خواهند گرفت وصول این متحدالمال و نتیجه اقدامات را سریعاً اطلاع دهید.

رئیسالوزراء محمود جم

سند شماره 17

از: حکومت کاشان و نطنز و جوشقان، تاریخ: 13/3/1315، نمره: ندارد

اعلان

از قرار اطلاع بانوان با چارقد در معابر عبور و مرور مینمایند حتی بعضی ها بطور مضحک خود را به اشکال مختلف و عجیبی درآورده و مستور میدارند چون ادامه این وضعیت غیرمطلوب و باعث مسئولیت است اکیداً مقرر میگردد که باید هر چه زودتر رویه متروک و هیچکس از بانوان نباید با چارقد در معابر دیده شوند لهذا از تاریخ نشر اعلان الی پنج روز اگر به وضعیت فعلی ادامه دهند شدیداً تعقیب خواهند شد.

حاکم و شهردار کاشان لسان سپهر

سند شماره 18

از: تشکیلات کل نظمیه مملکتی ایالت خراسان، تاریخ: 21 تیر ماه 1315، نمره: 7454

وزارت کشور اداره سیاسی و گذرنامه

عطف به مرقومه نمره 13/4/15 4230 صادره از دفتر آستان قدس آقای میرزای ناظر هم اظهار داشتند حضرت اشرف فرمودند در قسمت آستانه پاسبانها با مامورین آستانه مقدسه نسبت به ممانعت از بانوانی که میخواهند با چارقد وارد بشوند کمک نمایند جواباً معروض میدارد در تمام نقاط مختلط شهر در روز پاسبانانی که مشغول ایفای وظیفه هستند بیش از پنجاه نفر نیستند در آستانه مقدسه همیشه اقلاً صد نفر پاسدار موجود است علاوه براینکه پاسبانها حق مداخله در داخله آستانه مقدسه ندارند تصور میکنم صد نفر عده پاسدار برای یک محوطه کوچک کافی باشد.

رئیس ناحیه شهربانی شرق سرهنگ نوایی

ص: 274

[پی نوشت:]

از لحاظ مبارک می گذرد

سند شماره 19

از: حکومت کرمانشاهان، سواد مراسله حکومت کرمانشاهان، مورخه: 11/3/1315، نمره: 2089

متحدالمال به نواب حکومت

مقصود از نهضت بانوان در کشور فقط این نبوده است که رفع حجاب نمایند زیرا در کشور ایران روگرفتن از عادات زشت شهرنشینان بوده و اهالی قراء و قصبات به هیچ وجه چنین عادتی نداشته اند و این قسمت اقدامی که لازم است نایب الحکومه و سایر مامورین دولتی نمایند این است که لباس از اشکال مختلفه بیرون آمده و به شکل بانوان متمدن دنیا درآیند یعنی باید لباس بلند و ساده و کلاهای سبک وزن بپوشند و بدیهی است طرز تهیه و قیمت لباس از حیث خوبی و بدی پارچه و دوخت به تناسب دارایی هر کسی خواهد بود که در عین حال به عموم نصحیت بدهید که از تجملات و استعمال پارچه خارجه اجتناب نمایند و لباسهای فعلی آنها نباید شبیه به لباسهای ایلاتی بوده باشد.

حکمران کرمانشاهان

[پینوشت:]

محل امضاء حکمران کرمانشاهان سواد مطابق اصل است

سند شماره 20

وزارت داخله، تاریخ: 2 دی ماه 1314، نمره: 1722

وزارت معارف

عطف به نمره 1623 صادره از اداره کابینه معروض میدارد که اقدامات لازمه بعمل آمده البته خاطر آن وزارت مستحضر است که قم راجع به اجرای این دستور غیر از سایر شهرهاست و باید با کمال حزم و احتیاط شروع به اقدام این موضوع شود و هر روز با رئیس شهربانی مشغول تهیه مقدمات برای اجرای این دستور هستم امروز هم نظر به اینکه عده خود معلمات در اطراف موضوع مذاکره نموده بودند که حاضر برای رفع حجاب نخواهند بود و استعفاء میدهند و عده آنها هم بیش از شش نفر نیست و اغلب اهالی هم

ص: 275

بواسطه انتشار خبر راجع به رفع حجاب دخترهای خود را از مدرسه بیرون آوردهاند

جلسه[ای] در اداره معارف با حضور شش نفر معلمات و رئیس شهربانی و رئیس معارف تشکیل ِآنچه لازمه اظهار بود بآنها شد و حاضر شدند که در این دو سه روزه شروع به تبلیغات لازمه در خانواده ها نموده که پس از تشریف فرمایی جناب آقای وزیر معارف و تشکیل کنفرانس در اینموضوع اقلاً یکصد نفر از خانم ها در جلسه مزبور حاضر شوند و ضمناً صورت کلیه محصلات را از مدرسه گرفتم که اشخاصی که دختران خود را از مدرسه خارج کرده اند آنها را به وسایل مختلفه تعقیب و مجبور نمایند که مراجعت بدهند که اینصورت خوشی نخواهد داشت و اعلانی نیز امروز در یکی از محلات الصاق شده بود که روز کار و فعالیت می باشد و به مسلمانها خطاب نموده بود که دختران خود را از مدارس خارج کرده و برضد این موضوع باید اقدام نمود که شهربانی مشغول تحقیقات است.

بنظر اینجانب عده پاسبانی شهر قم فعلاً برای اجرای این دستور کافی نیست اگرچه رئیس شهربانی جداً کار نموده و از هیچ نوع اقدامات کوتاهی ندارند ولی برای اینکه در تمام محلات شب و روز باید پست گذاشته شود که مراقب فرد فرد اهالی بوده که سوء احترامی نسبت به زنی نشود که موجب اخلال جریان کار بشود لازم است سی نفر بر عده پاسبانی شهر قم اضافه نمایند که از هرگونه پیش آمد سویی جلوگیری شود و از طرفی شهربانی هم تلگرافاً در این موضوع درخواست شده فدوی به اهمیت اینموضوع در قم کاملاً واقف امیدوارم با کمال ترتیب و نظم دستورات صادره بموقع اجراء گذاشته شود.

حکومت قم

سند شماره 20، برگ دوم

از: اداره کابینه، تاریخ: 1/1314، نمره: 1681

ریاست وزراء

راپرت محرمانه نمره 1722 حکومت قم برای استحضار خاطر مبارک لفاً تقدیم می شود.

از طرف وزارت داخله

[پی نوشت:]

محرمانه ثبت

ص: 276

از طرف شهربانی کل برعده پاسبانان هم افزوده شده جواب داده شود باید مراقبت نمایید که از راه تشویق منظور پیشرفت نماید.

امضاء

سند شماره 21 نامه اول

از: وزارت کشور، تاریخ: ندارد، نمره: د 378 4910

اداره کل شهربانی

بر طبق گزارش رسیده از قم در دعوتیکه از طرف اداره فرهنگ از روسای ادارات و طبقات مختلفه برای حضور در مجلس سخنرانی و پرورش افکار در تاریخ 18/7 در دبیرستان حکیم نظامی بعمل آده بود روسای ادارات و بانوانشان حاضر گردیده ولی از بانوان طبقات مختلفه شهرستان جز عده معدودی حضور بهم نرسانیدهاند مقرر فرمائید دستور لازم بشهربانی آنجا در اشاعه و پیشرفتا و تعمیم نهضت بانوان و کشف حجاب صادر نموده و نتیجه را اعلام دارند.

از طرف وزیر کشور

[پینوشت:]

رونوشت برابر اصل است. امضاء

سند شماره 21 نامه دوم

از: وزارت کشور، اداره کل شهربانی، تاریخ: 29/9/18، نمره: 29538م 12351

جناب آقای نخستوزیر

معطوفاً بنامه شماره 11201 راجع به عدم تعمیم حجاب در شهرستان قم معروض می دارد آموزش لازم به شهربانی قم داده شد و طبق گزارش شهربانی مزبور زنهایی که دارای حجاب باشند در آنجا دیده نمیشوند آنهایی هم که با روسری صورت خود را میگیرند تعقیب و به دادگاه مربوطه تسلیم میشوند مجدداً دستور داده شد در اینمورد دقیقاً مراقبت کرده و متخلفین را شدیداً تعقیب نمایند.

رئیس اداره کل شهربانی سرپاس مختار

ص: 277

سند شماره 22

تلگراف از: ساری، به: ط، نمره تلگراف: 167، تاریخ: 14/1/18

ریاست وزراء عطف به امریه شفاهی راجع به ملبوس نسوان فقیر و بی بضاعت متمنی است اجازه فرمایند مبلغ 6512 ریال بابت موجودی اعانات به زلزله زدگان مازندران که فعلاً در مالیه ساری موجود است و حسب الامر قرار است به جمعیت شیر و خورشید سرخ ساری پرداخت شود برای تهیه ملبوس نسوان فقیر اختصاص که تحت نظر انجمن شهرداری و جمعیت مزبور اقدام شود جمعیت شیروخورشید مبلغ 43618 ریال از محل وجوه اعانات که در بانک بوده استفاده نموده و فعلاً احتیاجی به موجودی مالیه ندارد.

7920 مهدی سمیعی

[پینوشت:]

جواب داده شود پول شیر و خورشید را دولت به خرج دیگر نمی تواند برساند.

سند شماره 23

از: وزارت داخله، اداره سیاسی، به: ریاست وزراء، تاریخ: 12 خرداد 1315، نمره: س 350/468

ریاست وزراء

ایالت غربی آذربایجان تلگرافاً راپرت میدهد که در حوزه ایالتی اکثر معممین تغییر لباس داده اند فقط عده قلیلی از آنها که خیلی فقیر و مستاصل هستند باقی مانده و قادر به تهیه لباس نیستند حتی یکی از صاحبان محاضر با قبای بلند فقط عمامه را به کلاه تبدیل نموده بود که ایالت شخصاً برای او لباس تهیه کرده است.

ایالت پیشنهاد مینماید که چون مساعدت به این قبیل اشخاص و نسوان بی بضاعت بوسیله جمع آوری اعانه میسر نیست اجازه داده شود از محل عشر و نیم عشر اوقاف ایالتی مبلغی به موجب تصویبنامه برای این مصرف تخصیص بدهند و اداره معارف بوسیله متولی ها از محل موقوفات و خیریه مقداری لباس و کلاه زنانه تهیه و با نظارت معارف و شهربانی بین فقراء تقسیم نمایند.

مستدعی است در صورتی که این پیشنهاد ایالت مورد تصویب واقع گردد مقرر فرمایند اوامر لازمه به وزارت معارف و اوقاف صادر و وزارت داخله را مستحضر دارند.

از طرف وزیر داخله

ص: 278

[پی نوشت:]

«نظر جناب آقای وزیر معارف استفسار شود.»

سند شماره 24

از: ایالت خراسان، تاریخ: ندارد، نمره: ندارد

حکومت نردین

مشروحه نمره 28/2/1557 واصل و ملاحظه شد در موضوع جمع آوری اعانه برای تهیه لباس جهت نسوان بی بضاعت البته یک اقدام خوب و مستحسنی است ولی البته باید اعانه از متمولین و اشخاص سرمایه دار تقاضا شود آن هم با تشویق و ترغیب و بدون هیچگونه اجباری انجام بگیرد و در غالب جاها متمولین محل خودشان این اقدام خداپسندانه را کرده اند شما هم اهالی را به این عمل تشویق نمایید. اما راجع به اینکه بانوان از منزل خود خارج نمیشوند البته هیچ کس را مجبور نمیتوان کرد که حتماً باید از منزل خارج شوند خصوصاً با این وضعیت که مینویسید لباس ندارند و استطاعت تهیه آن هم نیست. بدیهی است بتدریج عادت خواهند کرد.

والی ایالت خراسان

سند شماره 25

از: حکومت فردوس، تاریخ: 17 دی 1315، نمره: 1174، محرمانه

ایالت خراسان

از روزیکه بنده به مرخصی طهران رفته بودم بواسطه غفلت بعضی از مامورین و مخصوصاً غفلت کفیل حکومت اغلب بانوان با چارقد و بلکه در پس کوچه ها با ملافه های قدیمه آمد و رفت میکردند وقتی که بنده از طهران مراجعت نمودم همه روزه دچار زحمت چارقد برداشتن بودم بالاخره آخرین علاج را اینطور صلاح و مقتضی دانستم که خانم بنده با یک عاطفه و مضایحی چندین مجالس دعوت نماید و آمد و رفت با اغلب خانمها کند تا رفته رفته عادت این دو ماهه از سر آنها رفع شود. دفعه اول را به بهانه افتخار هفدهم دی از طرف خانم خودم دعوت از رؤسای ادارات دولتی و طبقات علماء و اهالی نمودم با خانم هاشان عموماً با خانمهای خود در دعوت بنده حاضر شدند خیلی هم بامورد و با موقع بود و قرار داده ام هفته دو مرتبه این دعوت تا شب عید

ص: 279

ادامه پیدا نماید تا صورت اول بخود گیرد. تمنا دارم محرمانه به اداره امنیه هم دستور فرمایند همه روزه در کوچه و معابر مواظب باشند که خانم ها با چارقد و چادر مندرسه آمد و رفت ننمایند چرا که فردوس شهربانی ندارد باید امنیه مواظبت کند خود بنده که خیلی مواظبم

اطلاعاً مقررات این قضا عرض شد.

حکومت فردوس امضاء صدیق شهبازی

سند شماره 26

از: ایالت خراسان، تاتبعیت کلات، تاریخ: 2/4/15، نمره: 418، محرمانه

ایالت خراسان

در جواب مرقومه متحدالمالی راجع باینکه بانوان در ولایات با چارقد در معابر عبور مینمایند قبل از وصول مرقومه مبارک بمعایب این رویه پی بردم و حتی بعضی ها با چارقد در کوچه روی خود را متور میداشتند این بود تصمیم گرفت کلاه را عملی و از استفاده چارقد منع نموده اگرچه این تکلیف خیلی شاق و استهمال کلاه مشکلی بنظر اهالی می آید حتی از کشف حجاب بیشتر اهمیت می دادند معذالک موضوع مدتی است عملی گردید و نسوان معمر و سال خورده از پنجاه و پنج به بالا فقط چارقد میپوشند مابقی کلاه دستمالی مینمایند

حکومت کلات

سند شماره 27

وزارت پست و تلگراف و تلفن، تاریخ: 31/6/18، شماره تلگراف: 4086

گزارش 20 خرداد ماه رفسنجان

از قرار اطلاع رسدبان 1 حشمتی رئیس جدید شهربانی که چند روز است وارد گردیده مشغول ترمیم نواقص شهربانی می باشد مخصوصاً قسمت حجاب که در رفسنجان هنوز بطور پنهانی بعضیها با چارقد و چادرشب خارج میشدند جداً مشغول رفع و جلوگیری بعمل آورده دیروز عده زیادی که با چارقد و چادرشب ملاحظه شده تحت تعقیب در آورده اند.

ص: 280

جناب آقای سهیلی استانداری باتفاق آقای پیشکار مالیه امروز به رفسنجان گردیدهاند

مودب

سند شماره 28

از: ایالت خراسان، تاریخ: 12/11/15، نمره: 19505، محرمانه

حکومت نیشابور

از قرار اطلاعاتی که به ایالت رسیده موضوع رفع حجاب در نیشابور پیشرفت کامل نکرده غالب بانوان از خانه بیرون نمی آیند و یکعده زیادی هم در معابر و خیابانها با چارقد دیده میشوند و از طرف رؤسای ادارا ت هم در این باب آنطور که باید کوشش و مراقبت نشده.

علیهذا لازم است اولاً توضیح دهید که علت مسامحه و غفلت شما در انجام این امر مهم چه بوده و چگونه تاکنون که متجاوز از یکسال از آغاز نهضت بانوان می گذرد موضوع رفع حجاب در نیشابور صورت عملی بخود نگرفته.

ثانیاً در این باب نهایت جدیت و مراقبت را بعمل آورده متوجه باشید که اگر اندک غفلتی در این باب شود شدیداً مسئول خواهید بود. هرگاه از طرف مامورین دیگر مسامحه میشود وظیفه شما این است که مرتباً و بدون اغماض قضایا، به ایالت گزارش نمایید.

والی ایالت خراسان

سند شماره 29

از: شهربانی مشهد، تاریخ: 5/11/16، نمره: 25532

اداره استانداری شمال شرق

شهربانی کاشمر گزارش میدهد در مجالسی که بمنظور پیشرفت نهضت بانوان تشکیل میشود اکثر از مامورین ادارات و موسسات تجارتی با بانوهای خود حاضر نمیشوند. متمنی است امر فرمایند در این موضوع به بخشدار کاشمر دستور لازم صادر نمایند.

رئیس شهربانی استان شرق پاسبان ... وقار

ص: 281

سند شماره 30 برگ سوم و چهارم

از: وزارت داخله، تاریخ: 17/11/16، پرونده: 1919

استانداریها و فرمانداریهای سراسر کشور

راجع به تقلیل عده ارباب عمائم و همچنین راجع به کشف حجاب کراراً به مامورین دستورات صریح قطعی داده شده ولی برخلاف انتظار از غالب نقاط سؤالات میشود. مثل این است که مقصود را یا درست تشخیص نداده اند و یا اینکه [ناخوانا] اجرای کامل دستورات میکنند. در پاره جاها نیز در اجرای دستورات سهل انگاری شده است.

علیهذا لزوماً اشعار میدارد که مسئله کشف حجاب و تقلیل جواز عمامه و جلوگیری از روضه خوانی و خارج کردن خرافات از سر مردم و آشنا نمودن آنها به اجرای تمدن امروزه سیاست اساسی داخلی دولت است و بهیچ عنوان نباید در اجرای منویات دولت تعلل و تسامح نمود بنابراین [ناخوانا] است که آقایان مامورین این نکته را [ناخوانا] فرموده و دستورهایی که به آنها داده شده و میشود با نهایت جدیت تعقیب و نگذارند مردم از حدود وظیفه خود خارج شوند. هیچ [ناخوانا] نیست که در این موضوعها عوض آنکه وظیفه خود را در اجرا سیاست دولت اجرا نماید به سؤالاتی که غالب آنها نیز مورد ندارد بپردازد غفلت در اجرای این دستور مسئولیت شدید تولید خواهد کرد.

سند شماره 31

از: وزارت کشور، اداره انتخابات، تاریخ: 23/7/19، شماره: 91487، محرمانه

فرمانداری سبزوار

طی دستور بخشنامه رمزی شماره 1919 17/12/16 بطور کلی اشعار شده بود که راجع بکشف حجاب، تقلیل پروانه عمامه و نیز آشنا نمودن مردم به اصول تمدن امروزه که منظور دولت است بهیچوجه نبایستی تسامحی بشود و اقدامات لازمه هم در تمام شهرستانها شد. ولی موضوعی که صدور این بخشنامه را ایجاب مینماید عدم توجه بعضی مامورین است که در باره از بخشها مردم را بهمان روال و لباس دیرینه خود واگذاشتهاند و برای تغییر وضعیت آنان اعم از مردان یا زنان هیچگونه قدمی که مبنی بر آشنا کردن جامعه بتمدن و طرز زندگانی امروزه باشد برنداشتهاند این استا که لزوما یاد آور

ص: 282

میشود مامورین مکلف هستند بدون اینکه طرز خشونت و درشتی در کار باشد چنانچه در حوزه ماموریت خود مشاهده نمودند تاغییر وضعیتی حاصل نشده بفراخور اوضاع و روحیه محل مردم را بوضعیت و تمدن امروزه آشنا نموده در اجرای منویات دولت جد و جهد نماینتد که در هر محل بطرقی که با اخلاق و رویه توده مناسب باشد در اصلاح و ضعیات آنها کوشیده وصول این بخشنامه را اعلام و نتیجه اقداماتای که میشود گزارش دهند.

وزیر کشور

[پینوشت:]

رونوشت به بخشداری [ناخوانا] داورزن ابلاغ و تاکید میشود که در اجرای امر و پیشرفت منویات دولت بطوریکه آموزش فرمودهاند اقدام شایسته بعمل آورده نتیجه اعلام گردد. فرماندار [ناخوانا].

سند شماره 32

تلگراف، تاریخ: 1315، نمره کتاب: 23، محرمانه

ایالت نهم، 24 جاری در تیرگان جشن منعقد زنهای اکراد و ایلات لباسهای ایلاتی را متروک به لباس شهری و کلاه تبدیل نمره 660 26/6/15

محمد رفیعی

سند شماره 33

از: وزارت داخله، تاریخ: 26/2/16، نمره: س 710 / 10328، محرمانه

ایالت خراسان

گزارش از سبزوار رسیده مبنی براینکه مدیر تگلراف قریه داورزن و عباس آذری مسئول پست امنیه آنجا موضوع نهضت بانوان را دست آویز قرار داده و استفاده مینماید. مثلاً از قرای اطراف و دوردست اشخاص را برای مجلس وعظ و خطابه به مزینان دعوت می کنند بعضی از اشخاص که بواسطه گرفتاریهای رعیتی و غیره و بعد مسافت نمیتوانند حاضر شوند بجهه عدم حضور وجهی از آنها گرفته میشود. قدغن فرمایید بطور محرمانه در اینباب بازجویی نموده و نتیجه را اطلاع دهند.

از طرف وزیر داخله [امضا سیاح]

ص: 283

سند شماره 34

از: وزارت جنگ، اداره امنیه، تاریخ: 24/1/17، شماره: 521 ، محرمانه

فرمانداری سبزوار

سبزوار رونوشت گزارش شماره 47 23/1/17 پاسگاه داورزن به ضمیمه ارسال بطوریکه خود این جانب در محل مذکور مشاهده نمودم موضوع کشف حجاب به هیچ وجه در آنجا عملی نشده است و بطوریکه از اشخاص متعدد تحقیق بعمل آمد شخص میرزامحمود نام که از مالکین و متنفذین محلی است با یک نفر آخوند و نماینده آنجا مانع عملی شدن این امر هستند چنانچه در ضمن تحقیقات استماع شده که در چندی قبل خانم رئیس کارخانه پنبه که بدون حجاب بود از طرف میرزامحمود آخوند مزبور نسبت به مشارالیها فحاشی شده و کلمات زشت به او خطاب نموده و با اینکه رئیس کارخانه شکایت هم کرده کسی رسیدگی ننموده و چون زیان عدم اجرای امریه فوق مستقیماً متوجه اداره جنابعالی خواهد شد، خواهشمند است اقدام مقتضی برای اجرای امر و قطع اقتدار این گونه متنفذین بعمل آید.

بازرس اداره امنیه سرهنگ

[حاشیه:] دفتر این اشخاص را به شهر احضار کنید. 35/1/17

سند شماره 35

از: وزارت داخله، اداره کل شهربانی، شعبه: شهربانی تربت جام، تاریخ: 16/3/16، شماره: 17 ، محرمانه

اداره شهربانی ناحیه شرق

راجع به نسوان دهات که هنوز با روسری هستند

محترماً بعرض می رساند آنچه زنان دهاتی که وارد تربت جام میشوند کوچکترین تغییری در وضعیت آنها داده نشده بطوری که عالی مستحضر است جمعیت دهات مجموعاً بیش از شهرها است و البته نسوان دهاتی که خانه نشین نیستند هفته[ای] یکی دو مرتبه به شهر میآیند و اگر این روش تغییر نکند سال ها باید مامورین شهربانی برای روسری بانوان درصدد اقدام باشد بطور کلی نسوان دهاتی که دارای روسری هستند بطور یقین از منع آن اطلاعی ندارند وقتی برای برداشتن روسری آنها از طرف پاسبان اقدام شد لباسهای آنها (شلیته های بلند) و شلوارهای بلند طرز افغان بیشتر افتضاح آور است. مستدعی است مقرر فرمایید امنیه هم در قسمت روسری نسوان دهات و همچنین تغییر

ص: 284

لباس آنها اقدام نمایند والا سالها باید مامورین شهربانی وارد اقدام باشند منوط به نظر عالی است.

کفیل شهربانی تربت رسدبان 2 فصل الله معتمدی

رونوشت مطابق است.

سند شماره 36

از: وزارت جنگ، تاریخ: 2/11/16، شماره: 32079188339

وزارت داخله

گزارش لشکر 4 شمالغرب حاکی است چندی قبل پزشک بهداری آلان براغوش به لشکر مزبور شکایت نموده بود که دویست نفر از اهالی هریس به مشارالیه هجوم و با چوب او را زده خادمه او را هم مجروح نمودهاند و چون قصبه هریس دارای بیگ زادگان و اشخاص متنفذ میباشد هنوز در وضعیت سابق باقی کما اینکه غیر از خانواده پزشک نام برده و مدیر دبستان سایر زنها با لباس قدیم ملبس در مواقعی که خانواده آنان با لباس متحدالشکل تردد می نمایند اهالی آنها را توهین و استهزا می نمایند و قریب پانزده نفر اشخاص معمم هریس مانع این قبیل ترقیات بوده لذا فرمانده لشکر 4 شمالغرب برای بازجویی یک نفر افسر به هریس اعزام و بطوری که افسر مزبور گزارش داده وضعیت فعلی هریس بی اندازه بی نظم و تاکنون مقررات جاریه کشوری در هریس مجری نشده و اقلاً پانصد خانوار هریس دارای 18 نفر معمم بی سواد از قبیل روضه خوانی و غیره میباشند که در نتیجه نفوذ این نوع اشخاص قدیم الافکار موضوع تجدد نسوان ابداً در هریس عملی نشده حتی بعضی از خانواده های مامورین دولتی هم که در ولایات دیگر لباس تجدد نسوان را استعمال مینموده اند در هریس با حجاب رفت و آمد می کنند و بخشدار محل هم از حرکات و عملیات اهالی بعنوان اینکه مقتدر نیست و قوه مجریه ندارد اظهار عجز مینماید اینک صورت معممین و مخالفین محلی در پیشرفت امور دولتی برای استحضار آن وزارتخانه تلواً ایفاد می گردد متمنی است قدغن فرمایید نتیجه اقدامات معموله را به ستاد ارتش اعلام دارند.

سرهنگ ستاد ارتش سرلشکر ضرغامی

ص: 285

سند شماره 37

از: وزارت کشور، استانداری هفتم، تاریخ: 27/1/18، شماره: 1102، محرمانه

وزارت کشور

وضعیت دشتی و دشتستان و برازجان و جریان آنجا بطوری که اطلاع حاصل کرده ام همان اوضاع قدیمی کهنه ساری و جاری و نسبت به مقررات امروزه در آن حدود با تنفذات محلی و وجود سید اسماعیل نام که از علماء آنجا است اقداماتی از حیث رفع حجاب و اتحاد شکل و سایر اوامر میسر نشده است و همان آخوندبازی و راه انداختن هو و جنجال و سلب آسایش از رعیت جوکار و عدم پیشرفت در امور فلاحتی و به موقع نرسیدن دستورات کشاورزی در اثر نفوذ متنفذین محلی (همان خانهای قدیمه) ادامه دارد متمنی است در این موضوع بذل توجه مخصوص فرموده و از نتیجه تعلیمات و دستوراتی که در جلوگیری از متنفذین و به صورت در آمدن این محال به صورت سایر دهستانها صادر خواهند فرمود این بنده را مستحضر فرمایند.

استاندار نهم

در پی نوشت آمده است اداره امور کشور استانداری پیشنهاد و اظهارنظر ننموده اند که به چه ترتیب ممکن است اقدام نمود.

سند شماره 38

از: وزارت کشور، تاریخ: 17/2/18، شماره عمومی: 430 ، شماره خصوصی: 816، محرمانه

استانداری هفتم

با اعلام وصول گزارش شماره 1102 27/1/18 راجع به وضعیت دشتی و دشتستان و برازجان و عدم پیشرفت اصلاحات در آنها اشعار می دارد چطور شده بخشداران محلی تاکنون در این باب گزارش نداده و مراتب را ننوشته اند و استانداری نیز پیشنهاد و اظهارنظر ننموده اند که به چه ترتیبی باید اقدام نمود.

مقرر فرمایید نظر استانداری برای پیشرفت اصلاحات محلهای نامبرده و اقداماتی را [که] باید بعمل آورد اعلام و پیشنهاد نمایند.

ص: 286

سند شماره 39 فتوای اول

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب حجهالاسلام آیهالله فی الانام آقای حاج آقا حسین بروجردی دامت برکاته

متمنی است پاسخ پرسش زیر را لطفاً مرقوم فرمایید.

آیا از برای زنان حرمت تبرج و کشف حجاب بنحوی که در این ایام متعارف است بادله قطعیه در اسلام ثابت است یا نه و نیز جلوگیری و نهی از این منکر بر هر فردی از افراد مسلمانان واجب است یا خیر

[پینوشت: پاسخ]

بسمه تعالی (در رسائل علمیه مذکور است) حسین الطباطبائی

و اما رسائل عملیه آیهالله آقای بروجردی (مجمع الرسائل) ص 342 چنین مضبوط است بر زن واجب است بپوشاند خود را و نگاه کردن مرد بر زن اجنبیه حرام است و دیگر در ص 424 می گوید امر کردن مردم را بواجب و نهی کردن مردم را از حرام واجب است با شرایط

سند شماره 39 فتوای دوم

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مستطاب حجهالاسلام آیهالله فی الانام آقای حاج سید محمدتقی خونساری دامت برکاته

متمنی است پاسخ پرسش زیر را لطفاً مرقوم فرمایید.

آیا برای زنان حرمت کشف حجاب بنحوی که در این ایام متعارف است با ذله قطعیه در اسلام ثابت است یا خیر و نیز جلوگیری و نهی از این منکر در صورت امکان بر هر فردی از افراد مسلمانان واجب است یا نه

[پینوشت: پاسخ]

بسمه تعالی شأنه

جواب حرمت کشف بنحویکه امروزه در پای تخت تداول دارد علاوه برآنکه ادله قضیه را در مثل صاحب جواهر اعلی الله مقامه که اول متحبر در [ناخوانا]

ص: 287

دعوی ضرورت از دین کرده است که منکرش کافر و نجس است و جلوگیری از آن هم از باب نهی از منکر بر تمام افراد واجب است و تمام هم مقصر و مسئولند در اهمال نسبت به این وظیفه فرضیته

الاحقر محمدتقی الموسوی الخوانساری

سند شماره 40

وزارت داخله

عجیب است با این وضعیت ناهنجار مملکت که ملت از هر حیث دچار زحمت و شدت و محنت است در گیلانات مامورین شهربانی و فرمانداری متعرض چادر زنهای بیچاره که ستر عورت و زندگی لباس خود را بآن می نمایند با کمال سختی و شدت می شوند و معلوم نیست این تعدی و اجحاف مطابق کدام قانون و عقل و انصاف میباشد اهالی شرحی باینجانب و ریاست وزراء نوشته اند که بعض آنها تقدیم مقتضی است معجلاً دستور جلوگیری داده شود که مزاحمت ننمایند انتظار نتیجه را دارم

سیدابوالقاسم کاشانی

سند شماره 41

جناب مستطاب حجهالاسلام آقای آقا سیدابوالقاسم کاشانی

در جواب مرقومه مورخه 14/2/22 راجع به شکایت محمدصادق زکی زنی از شهربانی رشت اشعار میدارد. موضوع اصلاح وضع نسوان و تربیت آنها یکی از اصلاحات اجتماعی است زیرا زن جاهل و پرده نشین قادر به حفظ حیثیت و شرافت نبوده و نمی تواند کمکی برای عائله و شوهر خود باشد و همیشه محتاج به یک قیم و صاحبی خواهد بود علاوه برای جلوگیری در پیشرفت نهضت نسوان جز عده معدودی بطور انفرادی که از ترقیات و تمدن امروزی دورند تاکنون شکایتی بطور دسته جمعی نشده و چون قاطبه اهالی این موضوع را حسن استقبال [تلقی] میکنند این است که به مامورین دستور داده شده است اشخاصی را که مانع پیشرفت این عمل باشند تعقیب نمایند.

وزیر کشور

ص: 288

سند شماره 42

از: ایالت خراسان، تاریخ: 28/11/1316، شماره: 24614، محرمانه

بخشدار نیشابور

از وزارت داخله نوشته اند که دولت در نظر دارد روحانیون و معممین هر محل محدود بعده[ای] گردد که فعلاً برای خدمات روحانی در آنمحل ضرورت دارند چون ممکن است در سالهای پیش در دادن پروانه به معممین زیاد روی شده باشد و بعضی اشخاص که استحقاق آن را ندارند موفق به دریافت پروانه عمامه شده باشند لازم است در سال 1317 در پروانه ها تجدید نظر نموده که حتی المقدور در عده آنها تقلیل حاصل گردد.

استاندار نهم

سند شماره 43

از: ایالت خراسان، تاریخ 9/12/1315، شماره 6365، محرمانه

حکومت نیشابور

در پاسخ شماره 6029 موضوع رفع حجاب اشعار می شود بطوری که طی شماره 19505 نوشته شده هریک از مامورین که در این امر قصور نموده یا می نمایند حسب الامر ریاست وزرا از خدمت مستحصل خواهند شد.

والی ایالت خراسان

سند شماره 44

از: شهرداری سبزوار، تاریخ: 30/6/1317، نمره عمومی: 3676 ف

وزارت داخله

در اجرای بخشنامه شماره 405/13511/1/17 برای پیشرفت امر نهضت بانوان دستور داده شده بود در مواقع تشکیل جلسات جشن پذیرایی ها مراقبت لازمه بعمل آید اشخاصی که دعوت می شوند اگر در مجالس جشن حاضر نشدند یا بدون بانوی خود آمدند صورت تهیه کرده به فرمانداری بفرستند و چون این موضوع در سبزوار بطور شایسته پیشرفت نکرده بود لهذا در موقع تشکیل مجالس جشن و پذیرایی مربوط بوصول مژده خبر نامزدی والاحضرت همایون ولایتعهد را از موقع استفاده کرده سپرده شد کاملاً مواظبت شود مدعوین

ص: 289

هرکدام نیامدند و یا تنها حاضر شده بانوی خودشان را همراه نیاوردند صورت دهند پس از خاتمه مجالس صورتهای رسیده حاکی بود که از 136 نفر مدعو در یک مجلس 106 نفر یا اصلاً حاضر نشده و یا بدون بانوی خود حاضر شده اند بنابراین قضیه را بوسیله اداره شهربانی مورد تعقیب و بازرسی قرار داده اشخاصی را که عذر آنها قابل قبول نبوده و آنهایی که متعذر شده بودند بانوان آنها حامله و یا وضع حمل داشته و یا مریض بوده یا در مسافرت بوده اند برای اینکه موضوع روشن شده و صحت و سقم اظهارات آنها معلوم گردد دستور داده شده تحت مراقبت شهربانی و معارف شب های جمعه که مجلس وعظ و خطابه معمولاً در مسجد جامع مرتباً دائر است اشخاص منظور هر کدام دو سه جلسه با بانوان خود در مجالس وعظ و خطابه در شب های جمعه حاضر می شوند حضور آنها را تصدیق کرده و به فرمانداری صورت بفرستند تا آنهایی که حقیقه معتکف و از حضور در مجالس جشن و پذیرایی ها و یا در مجالس وعظ و خطابه با بانوان خود، خودداری دارند شناخته شوند و صورت آنها را تقدیم دارند تا اقدام لازم درباره آنها بعمل آید.

[حاشیه:]

رونوشت بالا برای استانداری نهم به منظور آگاهی تقدیم می گردد.

سند شماره 45

از: وزارت کشور، اداره سیاسی، تاریخ: 20/11/1310

اداره کل شهربانی

در پاسخ نامه شماره 68412. 19/11/20 اشعار می دارد بطوری که سابقاً تذکر داده شده است است مقررات مربوطه به لباس متحدالشکل مطابق سابق است و هیچ گونه تغییری در مواد آن داده نشده است. بنابراین جلوگیری از اشخاصی که کلاه پوست دارند و بانوانی چادر نماز یا چادر سیاه سر می کنند متخلفین محسوب به مقررات [ناخوانا] به محاکم صالحه جلب شوند رفتار مامورین خیلی با نزاکت بوده چادر از سر زنها برندارند ولی در هر مورد تذکرات لازم به آنها بدهند و به طور کلی رفتار و اقدامات مامورین شهربانی باید با قوانین و مقررات جاریه کشور کاملاً مطابقت نموده با مردم از روی حسن سلوک و نزاکت رفتار نمایند.

وزیرکشور

ص: 290

سند شماره 46

از: مجلس شورای ملی، اداره دبیرخانه، تاریخ: 17/8/1320، شماره 503، پیوست رونوشت نامه

وزارت کشور

بنام زنان اهالی یزد در شکایت از بدرفتاری پاسبانان نسبت به آنها نامه ای از یزد رسیده است که رونوشت آن برای آگهی و اقدامی که در این مورد متقضی بدانند [ناخوانا]ً ارسال می شود.

معاونت اداری مجلس شورای ملی

[پیوست نامه به شرح زیر است:]

از: مجلس شورای ملی، پیوست شماره 5310 مورخه 23/7/ 1320

رونوشت به زنهای یزد

بعرض می رسانیم در این موقع که اداره شاهنشاه ما برپایه قانون مشروطیت استوار زبان و قلم آزاد شما نمایندگان ملت می توانید بروی بیچارگان و ستمدیدگان دادرس باشید متاسفانه آنچه در رادیوها شنیده و [در] روزنامه ها مطالعه می شود یا هیچ اسمی از ظلم و ستمهایی که چندین سال است به ما بیچارگان شده نیست که بواسطه یک روسری یا چادر نماز در محلهای حتی از خانه به خانه همسایه طوری در فشار پاسبان[ها] و مامورین شهربانی واقع بوده و هنوز هم هستیم که خدا شاهد است از فحاشی و کتک زدن و لگد زدن هیچ مضایقه نکرده و نمی کنند و اگر تصدیق حکما آزاد بود از آمار معلوم می شد که تا بحال چقدر زن حامله یا مریضه بواسطه تظلمات و صدمات که از طرف پاسبانها به آنها رسیده جان سپردند و چقدر از ترس [ناخوانا] فلج شدند و چقدر مال ما را به اسم روسری یا چادر نماز بغارت بردند و چه پولهایی از ما به هر اسمی و رسمی گرفته شد خدا میداند اگر یک نفر از ماها با روسری یا چادر نماز بدست یک پاسبان می افتاد مثل اسرای شام با ماها رفتار می کردند بهترین رفتار آنها با ما همان چکمه ها لگد بر دل و پهلوی ما بود و اگر به پول گرفتن قانع نمی شدند یا پولی نداشتیم به آنها بدهیم ما را به شهربانی و کمیسر می بردند اذیت ما بیشتر و مخارج ما زیادتر لذا استدعای عاجزانه داریم اولاً انتقام ما ستمدیدگان را از این جابران بکشید و بعداً آزادی حجاب به ما بدهید کما اینکه در ممالک اسلامی حجاب معمول است بعلاوه در انگلستان و هندوستان که اینقدر ادیان مختلف هست همه آزاد هستند مخصوصاً مسلمانان

ص: 291

دارای حجاب هستند لذا از نمایندگان محترم مسلمان کلیه ملت ایران استدعا داریم استرحاماً، حال دیگر دست ظلم و تعدی و شکنجه از سر ما زنهای مسلمان ایران کوتاه و ماها را آزاد نمایید.

در خاتمه با تقدیم احترامات امضای جمعی از زنهای یزد

رونوشت برابر اصل است. رئیس اداره

دبیرخانه مجلس شورای ملی

سند شماره 47

از: اداره انتظامات، تاریخ 3/9/1320، نمره عمومی 451178371/ن،

فرمانداری یزد

رونوشت دادخواست جمعی از زنهای یزد در شکایت از بدرفتاری پاسباناتن به مجلس شورای ملی نوشته اند برای استحضار و اقدامات مقتضی تلواً [به پیوست] ایفاد می شود.

رئیس اداره انتظامات

وزیر کشور

سند شماره 48

از: فرمانداری یزد، تاریخ 25/9/1320، شماره 6558

وزارت کشور

در پاسخ دستور شماره 8371/4511 مورخه 3/9/20 فرستاده اداره انتظامات پیوست رونوشت دادخواست زنهای یزد به عرض می رساند:

اولاً آنچه این فرمانداری تجسس و تفحص نمود دادخواست دهندگان معلوم و شناخته نشدند بطوریکه ملاحظه می فرمایید دادخواست مزبور مورخ 23/7/20 و شکایت آنها ازر عملیات و رفتار کارکنان سابق اداره شهربانی است و طرز رفتار کارکنان فعلی آن اداره از روی نزاکت و اداب [است] و کسی شکایت نسبت به رفتار آنها ندارد. از مفاد دادخواست تقدیمی چنین استنباط می شود که منظور برگردانیدن حجاب است که مثل ادوار گذشته زنان در کوچه ها و معابر عمومی با چادرهای مشکی یا چادرشب های الوان و نقاب حرکت نمایند و زنان بی حجاب را تعمیم دهند و تصدیق می فرمایند که این رویه برخلاف تمدن و شئون امروزه کشور است تصور می رود دادخواست تقدیمی به قلم

ص: 292

یکی از روضه خوانهای سابق باشد که به زبان زنان یزد نوشته است زیرا بطوری که روحیه گروه زنان نشان می دهد در رفع حجاب عدم رضایتی نشان نمی دهند. برای بدست آوردن اطلاع بیشتری در این مورد شرحی به اداره شهربانی یزد نوشته پاسخی که آن اداره طی شماره 8717 داده است رونوشت آن را جهت استحضار به پیوست تقدیم می دارد.

کفیل فرمانداری یزد

سند شماره 49

از: اداره سیاسی و گذرنامه، تاریخ 10/10/1322، شماره 6186/ س/ 59595، محرمانه

جناب آقای نخست وزیر

بطوری که خاطر محترم مستحضر است مطابق قانون لباس متحدالشکل مصوب 6 دیماه 1307 کلیه اتباع ذکور ایران که بموجب مشاغل دولتی دارای لباس مخصوص نیستند مکلفند لباس متحدالشکل بپوشند و متخلفین از این قانون بجزای نقدی و حبس از یک تا هفت روز محکوم می شوند. تا شهریور 1320 این ترتیب کاملاً رعایت شده و متخلفین هم به دادگاه صالحه احاله می شدند ولی از آن تاریخ به بعد خصوصاً در این اواخر عده زیادی مقررات قانون مذکور را مراعات ننموده عبا و عمامه های رنگارنگ و کلاه پوست و نمد و غیره استعمال می کنند که البته این سیر قهقرایی طبعاً در روحیات اهالی هم تأثیر خواهد داشت و اگر به این منوال بگذرد ترتیب سابق که انواع و اقسام البسه مختلف الشکل جور و ناجور در تهران و شهرستانها دیده می شد مجدداً معمول بشود چون هر موقع که مامورین انتظاماتی به متخلفین از قانون تذکر می دهند و با آنها را به دادگاه صالحه می فرستند مورد اعتراض سایرین و جرائد واقع می شوند مراتب معروض گردید تا هرگاه مصلحت و مقتضی باشد اجازه فرمایند به شهربانی کل و استانداریهای مربوطه دستور داده شود متخلفین را طبق قانون جدا تعقیب و به کیفر برسانند. بدیهی است این ترتیب شامل حال مردان بوده و مربوط به چادر نماز و چادر سیاه نیست که بنا به مقتضیات وقت فعلاً به هیچ وجه جلوگیری نمی شود.

ص: 293

ضمناً مناسب است در رادیو مجلس محسنات این کار اقلاً یک مرتبه صحبت هایی شود.

ص: 294

### اسناد

ص: 295

ص: 296

سند شماره 1 متحدالمآل ولات و حکام و ادارات تابعه وزارت داخله

ص: 297

سند شماره 2 برگ اول: کشف حجاب

ص: 298

سند شماره 2 برگ دوم: اوضاع محلی

ص: 299

سند شماره 3 مقام منیع وزارات جلیله داخله

ص: 300

سند شماره 4 بیانیه، برگ اول

ص: 301

سند شماره 4 بیانیه، برگ دوم

ص: 302

سند شماره 5 وزرات کشور و فرمانداری زابل

ص: 303

سند شماره 6 اداره شهربانی خوزستان

ص: 304

سند شماره 7 وزارت جلیله داخله

ص: 305

سند شماره 8 مقام منیع وزارت جلیله داخله

ص: 306

سند شماره 9 مقام منیع وزارت جلیله معارف و اوقاف

ص: 307

سند شماره 10 مقام منیع وزارتا جلیله معارف و اوقاف و صنایع

ص: 308

سند شماره 11 برگ اول: احصائیه مصور، فارغالتحصیلهای ابتدائی

ص: 309

سند شماره 11 برگ دوم: احصائیه مصور، فارغالتحصیلهای متوسطه

ص: 310

سند شماره 12 متحدالمآل، برگ اول

ص: 311

سند شماره 12 متحدالمآل، برگ دوم

ص: 312

سند شماره 12 متحدالمآل، برگ سوم

ص: 313

سند شماره 13 مقام منیع ریاست وزراء

ص: 314

سند شماره 14 ایالت خراسان، برگ اول

ص: 315

سند شماره 14 ایالت خراسان، برگ دوم

ص: 316

سند شماره 15 اداره کل شهربانی

ص: 317

سند شماره 16 ایالت خراسان

ص: 318

سند شماره 17 اعلان

ص: 319

سند شماره 18 ایالت خراسان

ص: 320

سند شماره 19 به نواب حکومت

ص: 321

سند شماره 20 وزارت معارف، برگ اول

ص: 322

سند شماره 20 وزارت معارف، برگ دوم

ص: 323

سند شماره 21 اداره کل شهربانی و جناب آقای نخستوزیر

ص: 324

سند شماره 22 ریاست وزراء

ص: 325

سند شماره 23 ریاست وزرا

ص: 326

سند شماره 24 حکومت نردین

ص: 327

سند شماره 25 ایالت خراسان

ص: 328

سند شماره 26 ایالت خراسان

ص: 329

سند شماره 27 گزارش 20 خرداد 1318، رفسنجان

ص: 330

سند شماره 28 حکومت نیشابور

ص: 331

سند شماره 29 اداره استانداری شمال شرق

ص: 332

سند شماره 30 فرماندار مفتاح 9، برگ اول

ص: 333

سند شماره 30 فرماندار مفتاح 9، برگ دوم

ص: 334

سند شماره 30 فرماندار مفتاح 9، برگ سوم

ص: 335

سند شماره 30 فرماندار مفتاح 9، برگ چهارم

ص: 336

سند شماره 30 استانداریها و فرمانداریها، برگ اول

ص: 337

سند شماره 30 استانداریها و فرمانداریها، برگ دوم

ص: 338

سند شماره 31 فرمانداری سبزوار

ص: 339

سند شماره 32 ایالت سوم

ص: 340

سند شماره 33 ایالت خراسان

ص: 341

سند شماره 34 برگ اول: پاسگاه داورزن

ص: 342

سند شماره 34 برگ دوم: فرمانداری سبزوار

ص: 343

سند شماره 35 اداره شهربانی ناحیه شرق

ص: 344

سند شماره 36 وزارت داخله

ص: 345

سند شماره 37 وزارت کشور

ص: 346

سند شماره 38 استانداری هفتم

ص: 347

سند شماره 39 برگ اول: استفتا از آیتالله بروجردی

ص: 348

سند شماره 39 برگ دوم: استفتا از آیتالله محمدتقی خوانساری

ص: 349

سند شماره 40 وزارت داخله

ص: 350

سند شماره 40 برگ اول: نامه آیتالله کاشانی به وزارت داخله

ص: 351

سند شماره 40 برگ دوم: نامه وزیر کشور به آیتالله کاشانی

ص: 352

سند شماره 42 بخشداری نیشابور

ص: 353

سند شماره 43 حکومت نیشابور

ص: 354

سند شماره 44 وزارت داخله

ص: 355

سند شماره 45 اداره کل شهربانی

ص: 356

سند شماره 46 عریضه به مجلس، برگ اول

ص: 357

سند شماره 46 عریضه به مجلس، برگ دوم

ص: 358

سند شماره 46 برگ سوم: وزارت کشور

ص: 359

سند شماره 47 برگ اول: فرمانداری یزد

ص: 360

سند شماره 47 برگ دوم: گزارش کفیل فرمانداری یزد

ص: 361

سند شماره 48 وزارت کشور، برگ اول

ص: 362

سند شماره 48 وزارت کشور، برگ دوم

ص: 363

سند شماره 49 آقای نخست وزیر

ص: 364

## تصاویر

ص: 365

ص: 366

ص: 367

عکس

1- پوشش بانوان عصر قاجار در درون منزل با پوشش خارج از منزل بانوان در دوره بعد مقایشه شود.

2- برداشتن نقاب، به طوری که ملاحظه می شود قسمتی از موهای جلوی سر بیرون است.

ص: 368

عکس

3- ورود رضا شاه به سالن دانشسرای مقدماتی 1314/10/17 وزیر معارف - علی اصغر حکمت - وی راهنمایی می کند.

4- محصلین در برابر رضا شاه در دانشسرای مقدماتی 1314/10/17

ص: 369

عکس

5- خروج فارغ التحصیلات از سالن جشن و مشایعت خودروی رضا شاه، دانشسرای مقدماتی 1314/10/17

6- نمونه ای از تبلیغات روزنامه ها و مجلات برای کشف حجاب (مجله انگلیسی عالم زنان).

ص: 370

عکس

7- ملکه و شاهدخت ها در جایگاه مخصوص دانشسرای مقدماتی 1314/10/17

8- ملکه هنگام توزیع دیپلم ها و جوائز دانشسرای مقدماتی 1314/10/17

ص: 37

عکس

9- نمونه ای از تبلیغات روزنامه ها و مجلات برای کشف حجاب مجله انگلیسی عالم زنان

10- نمونه ای از تبلیغات روزنامه ها و جلات برای کشف حجاب مجله انگلیسی عالم زنان

ص: 372

عکس

11- نمونه ای از تبلیغات روزنامه ها و مجلات برای کشف حجاب مجله انگلیسی عالم زنان

12- سفر ها و دیدارهای تبلیغاتی رضا شاه به منظور پیشبرد کشف حجاب مازندران

ص: 373

عکس

13- سفرها و دیدارهای تبلیغاتی رضا شاه به نظور پیشبرد کشف حجاب هنرستان دخترانه تهران.

14- سفرها و دیدارهای تبلیغاتی رضا شاه به منظور پیشبرد کشف حجاب دزفول

ص: 374

عکس

15- سفرها و دیدارهای تبلیغاتی رضا شاه به منظور پیشبرد کشف حجاب ساری

16- کشف حجاب زنان اشراف و رجال تهران

ص: 375

عکس

17- کشف حجاب زنان تهران

18- کشف حجاب زنان عشایر لرستان که بیشتر در تغییر لباس محلی به لباس های شبه اروپایی خلاصه می شد.

ص: 376

عکس

19- نتایج کشف حجاب

20- نتایج کشف حجاب

ص: 377

عکس

21- نتایج کشف حجاب

22- نتایج کشف حجاب

ص: 378

عکس

23- زنان مسیحی پیش از کشف حجاب در ایران، فریدن

24- بازدید رضا خان از مدارس برای پیگیری کشف حجاب، شیراز

ص: 379

ص: 380

## فهرست اعلام

ص: 381

ص: 382

آ.ا

آبادان / 158، 160، 165، 166

آتاتورک / 52، 79، 80، 81، 114، 116، 117، 123

اتحادیه، منصوره / 11، 76، 92

اتریش / 67

اجتماعیون اعتدالیون (حزب) / 76

احمدشاه قاجار / 38

اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب (کتاب) / 218، 219

آخوندخراسانی / 187

آخوندزاده، میرزا فتحعلی / 70، 71، 73، 74، 240

آدمیت، فریدون / 61،62، 63، 67، 69، 70، 71، 72، 73، 82، 83

ادیب / 77

ادیب م. ق/ 33

آذربایجان / 98

آذرخشی، فروغ / 110

ارامنه / 197

اردبیل / 145

اردبیلی، یونس (آیت الله) / 186

اروپا / 63، 66، 75، 76، 78، 82، 86، 91، 92، 96، 97، 101، 104، 106، 107، 117، 122، 128، 193

ارومی، محمدصادق / 27

ارومیه / 104، 113، 144، 165

آزاد، شهناز / 119، 193

آزادی یا اسارت زن (کتاب) / 221، 231

آزموده، طوبی / 109، 119

استاد ملک، فاطمه / 77، 78، 107، 118، 212

استار (نشریه) / 53، 103

آستان قدس رضوی / 52، 151

استقرار دیکتاتوری رضاخان (کتاب) / 80

اسدی (نایب التولیه آستان قدس رضوی) / 134

اسدی، محمدولی / 52

اسفندریاری ، اسدالله / 109

اسکندری، عباس میرزا / 210

اسکندری، محترم / 119

اسکندری، ملوک / 32

اسلامی، شیخ عباسعلی / 27، 188، 189

اسناد آموزش و پروش(کتاب) /110

آسیا / 71

آشنا، حسام الدین / 131، 132، 133

اصفهان / 29، 31، 110، 113، 119، 121، 146، 150، 158، 159، 166، 205، 207

اصفهانی حائری، غلامحسین / 27

اطلاعات (نشریه) / 14، 20، 29، 30، 77، 89، 95، 101، 115، 117، 134، 142، 198، 210، 219، 220، 229، 230

ص: 383

اطلاعات بانون (نشریه) / 22، 29، 230

اطلاعات سیاسی اقتصادی (نشریه) / 80

اعتصامی، پروین / 180

اعتضادالسلطنه / 193

افشار، مجدالسلطنه / 104

افشار، مستوره / 104، 105، 106، 194

افغانستان / 81، 94، 95، 99، 129

آقابخشی، علی / 62

آقازاده (آیت الله) / 187

آل مظفر، شیخ محمدحسن / 28

آل یاسین، شیخ محمدرضا / 28

الحمامی، سیدحسین / 28

امام خمینی (ره) / 235

امام علی بن موسی الرضا (ع) / 160، 195

امان الله خان / 81، 99، 129

امریکا / 104، 106، 107، 234، 235

آموزگار، م. ه / 107

امیرکبیر، محمد تقی / 66، 81، 83

آناتولی / 81

انجمن زنان ایران / 212

اندیشه ترقی و حکومت قانون (کتاب) / 61، 62، 67، 68، 82، 83

اندیشه میرزا آقا خان کرمانی (کتاب) / 72

اندیشه میرزا فتحعلی آخوند زاده (کتاب) / 71

آنکارا / 39، 117

انگلستان / 30، 31، 54، 64، 65، 66، 81، 82، 207

اهواز / 99، 113، 158

آوری، پیتر / 14، 53، 54، 55، 56، 57، 76، 82، 84، 85، 86، 89، 129، 140، 196، 208، 227

ایران (روزنامه) /99، 104، 105، 106، 145، 148، 224، 228، 230

ایران / اکثر صفحات

ایرانشهر (نشریه) / 14، 29، 33، 36، 94، 95، 96

ایرانشهر، ایرج / 94

ایرج میرزا / 78

ایزدی، سیروس / 80

ایوانف / 76، 81

ب

باربر، نوئل / 116

بازیگران عصر طلایی (کتاب) / 84

ص: 384

بامداد، بدرالملوک / 29، 86، 104، 109، 111، 119، 120، 121، 127، 194

بانوان (مجله) / 193

بحرین / 51

برازجان / 19

براون، ادوارد / 36

بررسی و تحلیلی بر نهضت امام خمینی (ره) (کتاب ) / 235

برلن / 36

برلین / 94

بروجردی، حاج آقا حسین (آیت الله) / 188

بروجردی، صادق / 35

بصره / 102

بلژیک / 84

بنجامین/ 108

بندر گز / 135

بنگاه ترجمه و نشر کتاب / 47

بهار، ملک الشعرا / 78، 94، 147، 180

بهنود، مسعود / 14

بوشهر / 19، 174

بوشهری / 77

بوشهری، سیدعبدالله (آیت الله) / 27

بیرمنگام پست (نشریه) / 52، 128

بیروت / 104

پ

پارسا، فخرآفاق / 119

پاریس / 30، 47، 89، 112، 184

پارس(رستوران) / 232

پهلوی، اشرف / 192، 246

پهلوی، رضا / اکثر صفحات

پهلوی، شمس / 104، 106، 118، 120

پهلوی، محمدرضا / 14، 38، 47، 48، 49، 52، 56، 80، 88، 130، 140، 164، 209، 211، 234، 236

پورداد (واعظ) / 144

پوشاک زنان ایرانی از کهن ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی (کتاب) / 75

پیک سعادت نسوان(نشریه) / 119

ت

تاج السلطنه (دختر ناصرالدین شاه) / 92

تاریخ ادبی ایران (کتاب) / 36

تاریخ انقلاب مشروطیت (کتاب) / 76

تاریخ بیست ساله ایران (کتاب ) / 117، 187

تاریخ جراید و مجلات در ایران (کتاب) / 29، 32، 34

تاریخ فرهنگ ایران (کتاب) / 64، 66، 67

ص: 385

تاریخ مؤسسات تمدن جدید در ایران (کتاب) / 64، 85

تاریخ معاصر ایران (کتاب) / 53، 57، 76، 81، 82، 227

تاریخ نوین ایران (کتاب) / 81

تاریخچه بهاییت در ایران (کتاب) / 193

تایم (نشریه) / 53، 225

تایمس گلاسکو هرالد (نشریه) / 53، 78

تبریز / 108، 113

تجدد (نشریه) / 14، 29، 101،113، 121، 141، 142، 146، 147

تربت جام / 173، 200

تربیت، هاجر / 108، 121، 194

ترقی (روزنامه) / 209

ترکمانچای / 239

ترکیه / 34، 35، 79، 94، 95، 123، 102، 104، 114، 115، 116، 118، 129، 133

تغییر لباس و کشف حجاب به روایت اسناد (کتاب) / 237

تقی زاده، سید حسن / 71

تهران / 3، 29، 30، 31، 32، 33، 34، 46، 55، 76، 92، 94، 98، 104، 108، 110، 113، 119، 120، 121، 127، 128،129، 147، 158، 184، 189، 193، 196، 219، 220، 232، 234

تویسرکان / 88

تیرگان / 171

تیمورتاش / 52

ث

ثریا (بختیاری) / 48

ج

جامعه شناسی غرب گرایی (کتاب) / 67، 74، 218

جعفریان، رسول / 28، 147

جم، محمود (رئیس الوزراء) / 43، 46، 118، 133، 137، 138، 140،184، 202، 210

جمعیت زنان آزادیخواه ایران / 118

جمعیت بیداری نسوان / 119

جمعیت ترقی خواهان / 76

جهان زنان(نشریه) / 119

جهرم / 98، 99

جوانان (نشریه) / 230

چ

چهار راه استانبول / 232

ح

حائری مازندرانی، محمدحسن / 27

حاج آقا نورالله اصفهانی / 41

ص: 386

حاج محتشم السلطنه / 46

حجاب و کشف حجاب در ایران(کتاب) / 77، 107

حجابیه بلادی (کتاب) / 27

حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) / 187

حضرت معصومه (س) / 130

حکمت، علی اصغر / 14، 20، 42، 43، 44، 45، 46، 113، 118، 129، 182، 186، 242

حکیم، سید محسن / 28

حوری حنیفه / 104

حوزه علمیه مشهد / 186، 187

حیا (خانم) /110

خ

خاطرات تاج السلطنه (کتاب) / 92

خاطرات جم (کتاب) / 191

خاطرات شوستر (کتاب) / 76، 77

خاطرات صدرالاشراف (کتاب) / 87، 102،133، 137

خاطرات و خطرات (کتاب ) / 37، 38، 41، 95، 101، 183

خاورمیانه / 81

خبرگزاری دیلی میل / 98، 99

خبرگزاری رویتر / 102

خراسان / 17، 18، 21، 130، 149، 151، 152، 160، 163، 164، 165، 167، 171، 172، 173، 202، 203، 204، 205

خرقانی، سیدعبدالله / 27

خرمشهر / 99، 161، 202

خواجه نوری، ابراهیم / 77، 84

خوانساری، حاج سیدمحمدتقی (آیت الله) / 27، 188

خوزستان / 178

خوی / 165

خویی، حاج ابوالقاسم / 28

خیابانی، شیخ محمد / 41

د

دارالخلافه تهران (کتاب) / 75

دارالفنون / 66، 82، 85، 106، 239

داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب (کتاب) / 28

دانشسرای تهران / 45

دانشسرای مقدماتی / 191

دانشگاه تهران / 11، 46، 85

دانشگاه کمبریج / 53

دالمانی، رنه / 108

داور، علی اکبر / 52

داورزن (قریه) / 172، 200

دایره المعارف اسلامی / 59

دبستان مهرآئین / 44

دشتستان / 19، 98

دشتی، علی /19، 101، 174

ص: 387

دمکرات(حزب) / 76

دورکیم / 217

دولت آبادی، صدیقه / 29، 33، 77، 96، 104، 110، 119، 127، 159، 193، 198

دیبا، فرح / 48، 165

دیلی تلگراف (نشریه) / 52، 138

ر

راسل، برتراند / 218، 219

رایت، دنیس / 80

رد کشف حجاب (کتاب) / 27

رزاقی، احمد / 225، 233، 236

رساله حجابیه (کتاب) / 27

رساله فخرالاسلام (کتاب) / 27

رساله وجوب حجاب (کتاب) / 27

رستاخیز (نشریه) /29، 130، 133، 134، 135، 137، 138، 140،191، 193

رستاخیز ایران (نشریه) /14، 50، 78، 99، 112، 114، 117، 118، 225، 228، 230،

رشت / 119، 161

رشدیه، حاج میرزا حسن / 110

رضازاده شفق / 47

رضاشاه کبیر در آئینه خاطرات (کتاب) / 42، 112

رضاقلی خان (پدر مخبرالسلطنه) / 37

رفیعی مهرآبادی، محمد / 53، 81

روحانی، سیدحمید / 235

روسیه / 63، 75، 76، 81، 91، 104، 234، 239

روم / 245

ز

زابل / 99

زاهدان / 99، 161

زاهدانی، سید سعید / 193

زبان زنان (نشریه) / 14، 29، 30، 31، 32، 119، 198، 232، 233

زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید (کتاب) /29، 104، 109، 194

زن در اجتماع (کتاب ) / 107

زن روز (نشریه) / 29، 30، 78، 94، 108، 109، 127، 139، 145، 152، 153، 166، 170، 196، 197، 198، 205، 229، 230، 231، 232

زناشویی و اخلاق (کتاب) / 219

زنان روزنامه نگار و اندیشمند ایران (کتاب) / 31، 104، 193، 194، 233

زنجانی، ابوعبدالله / 27

ص: 388

ژ

ژاپن / 74

ژاندارک / 31

س

سازمان اسناد ملی ایران / 11، 14، 88، 90، 109، 110، 174،200، 204، 205، 207

سازمان انتشارات وحید / 42

سازمان زنان ایران / 212

سبزوار / 172، 200، 203، 204، 205، 206

سپهسالار، میرزا حسین خان / 61، 67، 68، 83، 87، 240

سپیده فردا (نشریه) / 225

ستاره (روزنامه) / 82

سر رنالد استفن سون / 81، 82

سردار اسعد (بختیاری) / 52

سمنان / 144

سن پترزبورگ / 75، 91

سند / 82

سوئیس / 48

سوریا (ملکه افغانستان) / 129

سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی (کتاب) / 42، 113

سیاست موازنه منفی (کتاب) / 82

سید اسماعیل / 174

سیده فاطمه / 104

سیری در جامعه شناسی (کتاب) / 64

ش

شاهرود / 161

شاهرودی، سید محمود / 28

شاهنامه فردوسی / 95

شاهی (قائمشهر) / 161

شرکت آزمایش بانوان / 30، 119

شرکت خواتین اصفهان / 29

شفاء الدوله / 41

شفق سرخ (روزنامه) / 86، 101، 115، 116

شهرت، سکینه / 110

شهیدی، همایون / 64، 65، 66

شوروی / 51

شوشتر / 234

شیخ الاسلامی، پری / 30، 31، 80، 104، 108، 119، 120،193، 194،233

شیراز / 47، 99، 113، 128، 158

شیرازی، میرزا محمد صالح / 65، 66

ص

صبحی، علی اکبر / 64

صلاح، مهدی / 3، 4، 11

صحیفه نور (کتاب ) / 235

ص: 389

صدرالاشراف (محسن صدر) / 46، 87، 102، 103، 133، 136، 137، 184، 191، 192

صدرهاشمی، محمد / 29، 32، 34، 36

صدیق، عیسی / 111

صفایی، ابراهیم / 42، 112، 118، 121

صفوی، نوابه / 34، 120

صیاد پور، جلیل / 75، 78

ط

طباطبایی، افتخارالاسلام / 144

ع

عارف قزوینی / 94، 180

عالم نسوان (نشریه) / 14، 29، 33، 34، 36، 77، 93، 94، 95، 106،120

عباس میرزا (نایب السلطنه) / 64، 66

عراق / 104

عصمت پاشا / 117

عوامل فساد و بدحجابی و شیوه های مقابله با آن (کتاب) / 225

ف

فارس / 178

فال اسیری، سیدحسام الدین/ 44، 129، 186

فتحعلی شاه قاجار / 63، 75، 107، 239

فرامرزی، فرامرز / 80

فرانسه / 47، 67، 84، 193

فرح الملوک / 110

فردوس / 164

فرمانروایان شاخ زرین (کتاب ) / 116

فرهنگ علوم سیاسی (کتاب) / 62

فروغی، محمدعلی / 45، 115، 133،134

فلسفه الحجاب (کتاب) / 27

فوزیه / 48

ق

قائم مقامی، فرهت / 221، 228، 229، 231، 232

قائم مقامی، کوکب آغاخانم / 93

قرآن / 109

قم / 20، 54، 98، 158، 159، 160

قمی، آیت الله حاج آقا حسین/ 187

قوام السلطنه / 210

قوچان / 145

ص: 390

قویمی، فخری / 109، 110، 111، 194

قیام گوهرشاد (کتاب) / 101، 186

ک

کارنامه زنان مشهور ایران از قبل از اسلام تا عصر حاضر (کتاب ) / 30، 109، 194

کارنامه فرهنگی و فرنگی در ایران (کتاب) / 107

کاشان / 17، 151، 202

کاشانی (آیت الله) / 26، 27، 188

کاشمر / 17، 149، 167، 202، 203

کاظم زاده ایرنشهر، حسین / 36

کالج کینگ / 53

کاناری (رستوران) / 232

کانون بانوان / 30، 118، 119، 120، 121، 123،147، 180

کردستان / 98

کرمان / 113

کرمانشاهان / 18، 24، 26، 152، 157، 169، 199، 201، 207

کرمانی، میرزا آقاخان / 70، 72، 73، 240، 241

کلوپ ایران / 103

کوهستانی،سعید / 186

کی استوان، حسین / 82، 181، 182

کیهان(نشریه) / 230

گ

گاردان (ژنرال) / 64

گذشته چراغ راه آینده است (کتاب) / 82

گرگان / 135

گزارش ایران (کتاب) / 38

گزارش سفر میرزا صالح شیرازی (کتاب) / 65

گلپایگان / 145

گلستان / 239

گنجینه اسناد (کتاب) / 131، 186

ل

لاله زار / 41، 232

لرد پالمرستون / 82

لغت نامه دهخدا / 59

لندن / 50، 64

لیدی شل (وزیر مختار انگلیس در ایران) / 82

م

مادام کوری / 31

مازندرانی، وحید / 141

مأموریت برای وطنم (کتاب) / 14، 28، 47، 48، 211

مجتهد مازندرانی / 27

ص: 391

مجلس شورای ملی / 25، 98، 102، 114

محبوبی اردکانی، حسین / 64، 66، 76، 85، 86

محمد شاه قاجار/ 107

محمدعلی شاه قاجار / 38، 234

محیط، طباطبایی / 86

مخبرالسلطنه (مهدیقلی خان هدایت) / 14، 37، 38، 39، 40، 41، 95، 101، 107، 117، 118، 183، 184، 191، 192، 197، 227،237، 245

مدرسه فرحیه نوباوگان / 110

مدرسه حسنات / 110

مدرسه دخترانه صدریه / 110

مدرسه ژاله / 110

مدرسه شاهپور، شعاعیه (شیراز) / 44، 186

مدرسه عفتیه / 110

مدرسه عیسویون/ 107

مدرسه فرانکو پرسان / 108، 111

مدرسه فروغ / 110

مدرسه ناموس / 109، 110

مرامنامه و نظامنامه های احزاب سیاسی / 76

مرکز اسناد انقلاب اسلامی / 193

مرکز بررسی اسناد تاریخی / 237

مستر پارسی / 65

مستشارالدوله، صادق / 117

مستوفی المماک، میرزا حسن / 86

مستوفی، عبدالله / 75

مسجد گوهر شاد / 129، 130، 158، 182، 187

مسجد وکیل (شیراز) / 186

مشهد / 110، 113، 120، 129، 158، 160، 171،187، 195، 210

مشیرالدوله / 65

مصدق، محمد / 54، 82، 181

مصر / 96، 104

مصطفی کمال ! آتاتورک

مطهری، مرتضی / 146، 218، 219

مظفرالدین شاه قاجار / 38

مقدمه فکری نهضت مشروطیت (کتاب) / 65

مکتب اسلام (مجله) / 219، 220، 226

مکتبخانه شرعیات / 110

مکی، حسین / 117، 187،189، 191، 210

ملایر / 88

ملیکف، ا.س / 80

ممتازالدوله (وزیر فرهنگ) /30

منگنه، نورالهدی / 194

موازنه منفی (کتاب) / 181

مورنینگ پست (نشریه) / 52، 114

موقر، مجید / 148

ص: 392

مونتسکیو / 245

میرزا جعفر مهندس / 65

میرزا حاجی بابا / 64

میرزا ملکم خان (ناظم الدوله) / 69، 70، 71، 74، 240

میرزا یحیی نوری (صبح ازل) / 72

میرزاآقاخان نوری / 67

میرزاده عشقی / 78، 94، 180

میلانی، سیدمحمد هادی / 28

مینوی، مجتبی / 64

ن

ناصرالدین شاه قاجار / 38، 68، 75،91، 92، 107، 108

ناصری، ایرج / 11

ناطق، هما/ 107

نامه بانوان(نشریه) / 119

نامه جوانان (نشریه) / 77

نجف / 87، 187

نجفی گیلانی، شیخ یوسف / 27

نجفی، ناصر / 75، 92

نخست وزیران ایران از سیدضیاء تا بختیار (کتاب) / 14

نصیرالدوله (میرزا احمد خان ) /111

نسوان وطنخواه (نشریه) / 14، 29، 32، 77، 119

نقش انگلیس در ایران (کتاب) / 80

نقوی، علیمحمد / 67، 70، 79، 81، 83، 86، 218، 219

نهاوند / 88

نهرو، جواهر لعل / 245

نورحماده / 104، 105

نوری اسفندیاری، فتح الله / 14، 50، 51، 52، 78، 99، 103، 114، 129، 138، 150، 193، 195

نیشابور / 18، 167، 202، 203

و

واحد، سینا / 101، 130، 134، 186

وثوق الدوله، 30، 31، 46، 111، 183

وحید (مجله) / 42

وسیله الخفایف، طومار عفت (کتاب) / 27

ولایتی، علی اکبر / 65

وین / 82

ه

هالیوود / 237

هامبارسون / 138

هریس / 173

هس، هلن / 111

ص: 393

همدان / 161، 162

هندوستان / 81، 82، 99، 245

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا / 116

ی

یزد / 210

یزدانی، سهراب / 11

یزدی، صفیه / 110

یزدی، محمد حسین / 110

یکتایی، مهین / 228

یوسف خان ریشارد (مودب الملک) / 108، 111

ص: 394